

راهبرد اجتماعی فرهنگی

۵۰

(ویژه‌نامه (مطالعات خانواده و جوانان)

سال دوازدهم - شماره پنجم - پیاپی پنجم - زمستان ۱۴۰۲

اعضاء هیئت تحریریه

دکتر غلامرضا جمشیدیها

دکتر محمدباقر خرمشاد

دکتر سیدمحمد حسینی

دکتر بهرام بیات

دکتر ابراهیم فیاض

دکتر حمید پارسانیا

دکتر سید سعید زاهد زاهدانی

دکتر حسین بستان (نجفی)

دکتر عبدالحسین کلانتری

دکتر غلامرضا تاجبخش

صاحب امتیاز

پژوهشکده تحقیقات راهبردی
جمع تشخیص مصلحت نظام

مدیر مسئول

دکتر محمدرضا مجیدی

سردیر

دکتر غلامرضا جمشیدیها

جانشین سردیر

دکتر ایمان عرفان منش

مدیر داخلی

دکتر مریم فخری

صفحه‌آرا

رضا عبداللہی بجندي

ویراستار

رضا دیبا

شایان: ۷۰۸۱-۲۲۵۱

شایان الکترونیک: ۶۵۵۰-۶۵۸۸

تیراز چایی: ۱۵۰ نسخه

انتشارات

پژوهشکده تحقیقات راهبردی

نشانی: میرداماد، مصدق (نفت) شمالی، بین کوچه چهارم و ششم، پلاک ۱۰.

کد پستی: ۱۵۹۱۸۱۶۹۱۱ تلفن: ۰۲۲۵۸۹۲۱ نامبر: ۰۲۲۵۸۹۲۱

وب‌سایت: <http://rahbordfarhangi.csr.i>

پست الکترونیک: rahmagiran@gmail.com

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

این فصلنامه به استناد نامه شماره ۹۵۵۹۵/۹۰/۱۰/۴ مورخ ۱۳۹۰ هیئت نظارت بر مطبوعات منتشر می‌شود.

به استناد نامه شماره ۳۵۱۱/۱۸/۲ مورخ ۹۲/۰۳/۱۲ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی دارای مرتبه علمی - پژوهشی است.

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

www.isc.gov.ir

پایگاه استنادی علوم جهان

www.sid.ir

مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

www.magiran.com

بانک اطلاعات نشریات کشور

www.csr.ir

پژوهشکده تحقیقات راهبردی

www.ensani.ir

پرتال جامع علوم انسانی

www.civilica.com

مراجع دانش

www.noomags.ir

پایگاه مجلات تخصصی نور

۰ اهداف فصلنامه

۱. ایجاد زمینه برای انتشار مقالات علمی - پژوهشی در حوزه مسائل فرهنگی - اجتماعی کشور؛
۲. مساعدت به نظام سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری فرهنگی - اجتماعی کشور؛
۳. اشاعه و توسعه ادبیات مطالعات راهبردی و سیاست‌گذاری در میان محققان و پژوهشگران علوم اجتماعی؛
۴. ایجاد زمینه برای پیوند تحقیقات و مطالعات اجتماعی و فرهنگی با حوزه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری کشور؛
۵. ارتقاء کیفیت راهبردها و سیاست‌کلان کشور در حوزه‌های فرهنگی - اجتماعی

۰ راهنمای تدوین مقاله و شرایط پذیرش آن در فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی بهمنظور ایجاد زمینه برای انتشار مقالات علمی - پژوهشی در حوزه مسائل اجتماعی و فرهنگی کشور، تازه‌های پژوهشی صاحب‌نظران این حوزه را منتشر می‌کند تا در دسترس علاقمندان قرار گیرد.

مقالات ارسالی باید شرایط زیر را دارا باشند:

(الف) شرایط علمی

۱. مقاله باید دارای اصالت و نوآوری (Original research)، تحلیلی و نتیجه کاوش‌های نویسنده یا نویسنده‌گان باشد.
۲. در نگارش مقاله باید روش تحقیق علمی رعایت شود و از منابع معتبر و اصیل نیز استفاده شده باشد.
- توضیح: مقاله پس از دریافت، نخست در هیئت تحریریه بررسی و ارزیابی می‌شود و در صورت داشتن شرایط لازم، برای داوران ارسال می‌گردد. پس از وصول دیدگاه‌های داوران، نتایج و امتیازات کسب شده، در هیئت تحریریه مطرح می‌شود و در صورت کسب امتیازات کافی و پذیرش آن، در نوبت چاپ قرار می‌گیرد.

ب) شرایط نگارش

۱. مقاله باید از جهت نگارش، ساختاری محکم و استوار داشته باشد و اصول فصاحت و بلاغت در آن رعایت شود.
۲. عنوان مقاله باید کوتاه و گویا باشد.
۳. نام مؤلف یا مؤلفان همراه با درجه علمی، نشانی محل کار و نشانی اینترنتی (Email) ذکر شود (ذکر شماره تلفن مسئول مکاتبات نیز لازم است).
۴. چکیده فارسی حداقل پانزده سطر (۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه) باشد.
۵. چکیده انگلیسی حداقل شش کلمه باشد.
۶. مقاله باید دارای مقدمه روشن و دقیق باشد چنانکه خواننده را برای ورود به مبحث اصلی آماده سازد.
۷. بیان پیشینه تحقیق از شرایط مقاله است.
۸. در متن اصلی مقاله باید موضوع به طور روشن تحلیل شود.
۹. مقاله باید دارای نتیجه‌گیری دقیق باشد.
۱۰. چکیده انگلیسی حداقل پانزده سطر (۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه) باشد.
۱۱. چکیده انگلیسی حداقل پنج کلمه باشد.
۱۲. نام نویسنده و درجه علمی و محل کار به لاتین ذکر شود.
۱۳. ارجاعات متن باید داخل پرانتز به ترتیب نام نویسنده، سال و صفحه ذکر شود؛ مثال: (زرین‌کوب، ۱۳۷۲، ص. ۲۵۴) (Giddens, 2009, p. 14).
۱۴. منابع و مأخذ پایانی باید به ترتیب زیر ذکر شود:

- الف: کتاب: نام خانوادگی (شهرت)، نام (سال انتشار). نام کتاب. نام مترجم یا صحیح، شهر محل نشر: نام ناشر.
- ب: نشریه: نام خانوادگی (شهرت)، نام (سال انتشار). عنوان مقاله. نام نشریه، دوره (شماره)، صفحات مقاله (۴۵-۲۵).
- ج: مجموعه مقالات: نام خانوادگی، نام (سال انتشار). عنوان مقاله. نام گردآورنده یا ویراستار، نام مجموعه مقالات، محل نشر: نام ناشر، شماره صفحات مقاله (۴۵-۲۵).
- د: سایت‌های اینترنتی: نام خانوادگی، نام (آخرین تاریخ). عنوان موضوع: نام و نشانی اینترنتی به صورت ایتالیک.
- ه لوح فشرده: نام خانوادگی، نام (سال انتشار). عنوان، نام لوح فشرده، محل نشر، نام ناشر
۱۵. مقاله باید حداقل ۲۵ صفحه و هر صفحه در ۲۳ سطر تنظیم شود.
۱۶. مقاله باید از طریق سایت فصلنامه ارسال شود.
۱۷. اسامی خاص و اصطلاحات لاتین و ترکیبات خارجی بالافصله پس از فارسی آن داخل پرانتز در متن مقاله ذکر شود.
۱۸. مقالات مستخرج از پایان نامه باید تأیید استاد راهنما را همراه داشته باشد.
۱۹. مقالات ارسالی به هیچ وجه برگردانده نمی‌شود.
۲۰. مقاله باید در هیچ مجله با همایشی ارائه شده باشد.
- یادآوری: مجله در پذیرش یا نپذیرفتن مقاله همچنین ویراستاری آن آزاد است.
- دریافت مقاله از طریق سایت فصلنامه انجام می‌گیرد.
- یادآوری: مشخصات تمامی نویسنده‌گان در بخش مورد نظر در سایت ذکر شود.

راہبرد اجتماعی فرهنگی

(ویژه‌نامه (مطالعات خانواده و جوانان)

سال دوازدهم - شماره پنجم - پیاپی پنجم - زمستان ۱۴۰۲

فهرست مطالب

بررسی چرخه سیاست‌گذاری افزایش جمعیت در جمهوری اسلامی ایران (با تمرکز بر دوره چهارم
سیاست‌های جمعیتی)
روح الله اسلامی و محبوبه فرخاری / ۱

عوامل مؤثر بر سلامت اجتماعی نوجوانان ۱۳ تا ۱۸ سال مقیم مراکز شبکه خانواده تحت نظرارت
سازمان بهزیستی
مراد سیفی، طهمورث شیری و رضا علی‌محسنی / ۳۱

مطالعه تطبیقی سیاست‌های حوزه باروری زنان در دو کشور اسکاندیناوی (سوئد و نروژ) و دو
کشور اسلامی (ایران و ترکیه)
زهرا آقایی، محسن بدراه و غلامرضا خواجه‌سروری / ۷۷

بررسی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج با تمرکز بر الزام‌ها و بایسته‌های سیاستی
نصبیه اسماعیلی و حجیه بی‌بی رازقی نصرآباد / ۱۰۷

بررسی درک دختران از دخترانگی و تبیین آن در نظام سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اجتماعی (با
تأکید بر بند ۵ و ۱۲ سیاست‌های کلی خانواده)
آزاده نیاز و قاسم زایری / ۱۵۳

بررسی چرخه سیاست‌گذاری افزایش جمعیت

در جمهوری اسلامی ایران

با تمرکز بر دوره چهارم سیاست‌های جمعیتی

روح الله اسلامی

استادیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول).
Eslami.r@um.ac.ir

 0000-0001-7429-6105

محبوبه فرخاری

کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
mahboobefarkhari@gmail.com

 0000-0003-2745-7679

چکیده

جمعیت یکی از مؤلفه‌های قدرت ملی هر کشوری است؛ لذا میزان جمعیت بهینه و سیاست‌گذاری در جهت نیل به آن، همواره از دغدغه‌های دولت‌هاست. در سال‌های اخیر به دلیل تغییر ناگهانی روند و الگوهای پاروزی، مسئله کاهش جمعیت تبدیل به یکی از مسائل عمده ایران شده است. در همین راستا و در پاسخ به تبعات احتمالی کاهش شدید میزان پاروزی، دولتمردان و سیاست‌گذاران جامعه از اواخر دهه ۸۰ به تجدیدنظر در سیاست‌های جمعیتی پرداخته‌اند. با استفاده از نظریه سیستمی چگونگی چرخه سیاست‌گذاری افزایش جمعیت در ایران با تحلیل مراحل گوناگون این امر پرداخته و اهداف و ابزار این سیاست ارزیابی شده است. پژوهش حاضر با هدف شناسایی و ارزیابی برنامه‌های اعمال شده در برنامه چهارم سیاست‌های جمعیتی به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که مطابق با نظریه سیستمی، سیاست‌های جمعیتی دوره چهارم را چگونه می‌توان بررسی و تحلیل کرد؟ یافته‌ها نشان می‌دهد طرح جوانی جمعیت با توجه به انباشت مسائل موجود در حوزه اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی در جمهوری اسلامی، همچنان از اولویت برای ورود به سیستم برخوردار نیست. کما اینکه ابزار و سیاست‌های تشویقی و تنبیه‌ای اعمال شده نیز به جهت ناکافی بودن، ناکارآمدی و نقص حقوق شهروندی سودبخش نخواهد بود.

کلیدواژه‌ها: ایران، سیاست‌گذاری، افزایش جمعیت، پاروزی، سیاست‌های جمعیتی، طرح جوانی جمعیت.

شایانی الکترونیک: ۲۵۸۸-۶۵۵X / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی



مقدمه و بیان مسئله

موضوع‌های مربوط به جمعیت از دیرباز ذهن بشر را به خود مشغول داشته است. از قدیم‌الایام سیاستمداران و متفکران همواره، با در نظر گرفتن ملاحظه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی در رابطه با مسائلی همچون اندازه جمعیت مطلوب، ضرورت اتخاذ سیاست‌های افزایش جمعیت و یا کنترل جمعیت به اظهار نظر پرداخته‌اند. به عبارتی از آنجایی که جمعیت منبع فناناً پذیر و خلاقانه‌ای است که می‌تواند نقش قاطعی در تحقق برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور ایفا کند، یافتن ارتباط منطقی بین جمعیت و توسعه همواره یکی از مسائل مهم مورد بررسی نزد جمعیت‌شناسان بوده است و اندیشمندان متعددی در راستای شکل‌گیری سیاست‌های جمعیتی نظریه‌پردازی کرده‌اند؛ برای مثال، میشل فوکو در قالب چهارچوب حکومت‌مندی جمعیت و سیاست به مقوله لزوم طراحی سیاست‌های جمعیتی پرداخته است.

فوکو در نظریه خود ضمن توضیح شبکه‌ای از روابط که به تجربه جنسی غرب نظم داده‌اند، معتقد است که عقاینت سیاسی حاصل شده از به کارگیری ابزارهایی چون علم آمار و دستگاه سیاسی - نظامی، سبب ظهور مسئله جمعیت از منظری متفاوت شده است. بدین ترتیب که دولتها پی برندند که صرفاً با رعایا و فرمانبرداران، سروکار ندارند بلکه با یک جمعیت و پدیده‌های منتج از آن یعنی زادوولد، مرگ و میر، باروری و امید به زندگی نیز مواجه‌اند. این امر سبب اتخاذ دیدگاهی شد که جمعیت را نه به عنوان مجموعه‌ای از اتباع که دست‌خوش اراده حاکم هستند بلکه به عنوان رشته‌ای از پدیده‌ها و فرایندهای طبیعی که باید در کو و فهم شوند در نظر گرفت و سازوکارهایی جهت حفظ آن فراهم آورد (کسرایی؛ مرادخانی و رضایی، ۱۳۹۰، ص. ۱۶). بدین ترتیب دولتها در پی تنظیم مقررات و طراحی سیاست‌های جمعیتی برآمدند. این امر و تغییر در ساخت و ترکیب جمعیت به صور مختلف تعریف شده است.

دمنی (Demeny, 2003) سیاست‌های جمعیتی را اعمال برنامه‌های مشخصی از سمت دولت می‌داند که با هدف تأثیر بر تغییرهای جمعیتی اجرا می‌شود. ویکس (Weeks, 2002) نیز سیاست جمعیتی را نوعی راهبرد اتخاذ شده برای دستیابی به مدل خاصی از تغییرها تعریف کرده است. به نظر ویکس، سیاست جمعیتی ممکن است فقط از یک بخش تشکیل شده باشد و هدف واحد و مشخصی چون کاهش

میزان باروری را تعقیب کند یا اینکه چندوچهی باشد و تغییرهای متعددی را دربرگیرد. در این راستا او سیاست‌های جمعیتی را به دو دسته مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌کند: سیاست‌های جمعیتی مستقیم که به منظور تغییر رفتار جمعیتی خاص (مثال کاهش یا افزایش زاد و ولد) تنظیم می‌شوند و سیاست‌های جمعیتی غیرمستقیم که در نظر دارد با تغییر جنبه‌های دیگری از زندگی و رفتار مردم بر روی رفتار جمعیتی آنان تأثیر گذارد.

بدین ترتیب اتخاذ، اجرا و نظارت بر سیاست‌های جمعیتی در کشورهایی که در حالت عدم تعادل جمعیتی قرار دارند رکن مهمی محسوب می‌شود. کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نیست، همین امر سبب برنامه‌ریزی در حوزه سیاست‌گذاری در ایران شده است به طوری که مرور تاریخی سیاست‌های جمعیتی ایران نشان‌دهنده طیفی از این سیاست‌ها می‌باشد.

در جمهوری اسلامی شواهد از ابتدا تاکنون، نشان‌دهنده چهار دوره متمایز است: دوره اول کنترل جمعیت و شکل‌گیری ساختارهای لازم برای کاهش نرخ باروری که از اواسط دهه ۱۳۴۰ تا رخداد انقلاب اسلامی ایران را شامل می‌شود؛ دوره دوم که با توقف برنامه‌های کنترل جمعیت و تشویق فرزندآوری پس از انقلاب تا سال ۱۳۶۸ ادامه یافت؛ دوره سوم که توجه مجدد به کنترل جمعیت و برنامه‌ریزی ساختاری برای کاهش فرزندآوری از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۹ طی برنامه‌های اول و دوم توسعه کشور را دربرمی‌گیرد و دوره چهارم که یا تأکید بر لزوم افزایش جمعیت از سال ۱۳۸۹ آغاز شده و تا کنون نیز ادامه داشته است (اجاق و عباسی شواری، ۱۳۹۷).

بدین ترتیب همسو با آخرین دوره مذکور، برنامه‌ریزی‌های جامعی در عرصه‌های مختلف متناسب با چرخه سیاست‌گذاری افزایش جمعیت انجام شده است. فهم چگونگی این چرخه در قالب الگوی ارزشیابی مدیریت‌گرگار/ سبیپ می‌تواند ما را در درک دقیق‌تر تغییرها در حوزه مسائل جمعیتی یاری رساند؛ چراکه شناخت و آسیب‌شناسی صحیح می‌تواند در جهت بهبود کارایی این چرخه سودمند باشد.

۱. هدف و پرسش پژوهش

پژوهش حاضر با هدف شناسایی و ارزیابی برنامه‌های اعمال شده در برنامه چهارم سیاست‌های جمعیتی به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که مطابق با نظریه سیستمی، سیاست‌های جمعیتی دوره چهارم را چگونه می‌توان بررسی و تحلیل کرد؟

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انجام شده در حوزه سیاست‌گذاری جمعیتی (با محوریت سیاست‌گذاری افزایش جمعیت) را می‌توان به شکل ذیل دسته‌بندی کرد:

۱-۱. پژوهش‌هایی با محوریت الزام‌های سیاست‌گذاری‌های جمعیتی

حسینی و بگی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان تغییرهای جمعیتی چالش‌های برنامه تغییر خانواده و الزام‌های سیاست‌گذاری جمعیتی در ایران، به‌دلیل این امر هستند تا بر مبنای شواهد تجربی و نتایج پژوهش‌های میدانی، به ارزیابی دیدگاه‌های رایج در ارتباط با چگونگی سیاست‌گذاری جمعیتی در ایران بپردازد. نتایج بیانگر آن است که تمایل‌های فرزندآوری و ترجیح‌های باروری زنان تغییر کرده و عمده‌تاً در راستای خانواده‌های کوچک و کم حجم است. از سوی دیگر علی‌رغم گسترش استفاده از وسائل پیشگیری از حاملگی، تقاضای گسترده‌ای برای استفاده از روش‌های دائمی و طولانی اثر پیشگیری از حاملگی وجود دارد. یافته‌ها رویکرد گروه دوم را واقع‌بینانه‌تر ارزیابی نموده و ضمن تأکید بر ارتقای کیفیت خدمات تنظیم خانواده، اتخاذ سیاست‌هایی برای مدیریت فرصت‌های برآمده از تغییرهای صورت گرفته در ساختمان سنتی جمعیت ایران و تسهیل ازدواج و تشکیل خانواده را مهم و ضروری می‌داند. تقی‌نژاد، غمامی و عزیزی (۱۳۹۹) در مقاله با عنوان بایسته‌های تقنینی سیاست‌گذاری‌های جمعیتی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، به‌دلیل پاسخ به این سؤال هستند که بایسته‌های تقنینی سیاست‌گذاری جمعیتی در جمهوری اسلامی ایران چیست؟ فرضیه نگارندگان این است که قانون گذار باید با اصلاح مقررات تأمین اجتماعی، مالیاتی، اعطای تسهیلات و کمک‌های اقتصادی و اجتماعی و منطقه‌گرایی موجبات افزایش جمعیت را با ملاحظه توزیع موزون و متناسب فراهم آورد. اجاق و عباسی شوازی (۱۳۹۷) در مقاله خود با عنوان تحلیل گفتمان سیاست‌های رسانه‌ای شده افزایش جمعیت: ارائه یک راهبرد ترویجی با استفاده از نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی، گفتمان‌های اصلی دو روزنامه کیهان و ایران را شناسایی کرده؛ سپس، گفتمان‌ها را از نظر حضور یا فقدان عوامل اثرگذار بر تغییر رفتار باروری تحلیل کرده‌اند. درنهایت، سه اصل برای بهینه کردن فعالیت‌های ترویجی سیاست‌های جمعیتی ایران معرفی می‌شوند که عبارت‌اند از: (الف) توجه به عوامل متعدد اثرگذار بر رفتار باروری؛ (ب) اتخاذ رویکرد مخاطب آگاه، گزینشگر و عقلانی؛ (ج) برقراری ارتباط و همکاری علمی بین روزنامه‌نگاران و جمعیت‌شناسان.



۲-۲. پژوهش‌هایی با محوریت آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری‌های جمعیتی

رحیمیان (۱۳۹۸) در مقاله خود با عنوان آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری جمعیتی جمهوری اسلامی ایران، در بی آسیب‌شناسی و تشریح چالش‌ها و مسائل جمعیتی پیش‌روی جامعه ایران در بستر ساختارهای اقتصادی و منابع طبیعی است تا از این رهگذر اقدام‌های پیشگیرانه لازم در زمینه جلوگیری از بروز بحران‌های جمعیتی آتی صورت پذیرد. نگارنده معتقد است در مرحله باروری پایین، افزایش سطح باروری به بالای دو بچه نیز کار آسانی نیست، این مسئله را تجربه کشورهای غربی نشان می‌دهد؛ بنابراین مشوق‌های جمعیتی به هیچ‌وجه باعث افزایش افسارگسیخته جمعیت کشورها نخواهد شد و لازم است موضوع جمعیت نه تنها از نظر تعداد، تراکم، ساخت، ترکیب و تغییرات زمانی و مکانی به طور مداوم رصد شود. مهاجری و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله «آسیب‌شناسی تقنین سیاست‌های جمعیتی و ارائه شاخص‌های مطلوب» به شیوه توصیفی و تحلیلی در پی پاسخ‌گویی به این سؤال هستند که با توجه به آسیب‌شناسی نظام قانون‌گذاری در حوزه جمعیت، کدام شاخص‌ها می‌تواند اهداف سیاست‌های مربوط به جمعیت را تأمین کند؟ با آسیب‌شناسی قوانین و سیاست‌های جمعیتی کنونی، آشکار خواهد شد که نظام جمعیتی کشور، آسیب دیده است؛ از این‌رو، برای خروج از این وضعیت و رسیدن به یک نظام جمعیتی مطلوب، دولت باید در تقنین سیاست‌های جمعیتی با لحاظ شاخص‌هایی، ضریب خطای قانون‌گذار را کاهش دهد تا در عین کارایی قوانین و اثربخشی آنها، بتواند اهداف جمعیتی‌اش را محقق سازد. از مهم‌ترین شاخص‌های شناسایی شده برای تقنین سیاست‌های جمعیتی، می‌توان به مصالح عامه، توجه به اسناد بالادستی و اثربخشی آن در قوانین و مقررات مربوطه، لحاظ نمودن منطقه‌گرایی و توجه به کیفیت جمعیتی و تمرکز بر اصل تناسب اشاره کرد.

با توجه به بررسی پژوهش‌های انجام شده، به نظر می‌رسد که هر کدام از پژوهش‌ها بر نقطه‌ای از فرایند سیاست‌گذاری جمعیتی تمرکز نموده‌اند؛ به‌گونه‌ای که پژوهش‌ها با محوریت الزام‌های سیاست‌گذاری جمعیتی بیشتر بر مرحله فرایند تمرکز هستند و پژوهش‌هایی که سیاست‌های جمعیتی را آسیب‌شناسی می‌کنند بیشتر بر نقطه برونداد تأکید دارند؛ لذا خلاً یک مطالعه جامع که به بررسی اقدام‌های انجام شده در تمام مراحل درون‌داد، فرایند و برونداد پردازد زمینه‌ساز انجام پژوهش پیش‌رو بوده است.

۳. چهارچوب نظری

سیاست‌گذاری عرصه‌ای است که با حکومت و دولت، گره خورده و تداعی‌کننده اقدام دولت در اداره صحیح امور عمومی است (قلی‌پور و غلامپور، ۱۳۸۹، ص. ۲۳). درواقع سیاست‌گذاری در هر حوزه‌ای حاصل تعامل پیچیده بین افراد، نهادها، ایده‌ها و منافع است (Pierre, 2006, p.6).

برای اجرای طرح‌هایی به‌منظور دستیابی به اهداف اجتماعی است که تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم بر زندگی شهروندان دارد (Birkland, 2014).

به عقیده هولت و همکاران سیاست‌گذاری عمومی به فعالیت‌های حکومت و مقاصدی که برانگیزند
این فعالیت‌هاست اشاره می‌کند (Howlett, 2009).

سیاست‌گذاری عمومی را می‌توان از منظر نظریه‌های متفاوتی بررسی کرد
به گونه‌ای که سیاست‌گذاری در نظریه انتخاب عمومی^۱ به مثابه تصمیم‌سازی جمعی توسط افراد ذی نفع مطالعه می‌شود. نظریه بازی‌ها^۲ این امر را به عنوان یک انتخاب عقلانی در موقعیت رقابتی مطالعه می‌نماید. نظریه انتخاب عقلانی^۳ سیاست‌گذاری را به عنوان تلاشی برای کسب حداکثر سود اجتماعی تلقی و مطالعه می‌کند و در نظریه گروهی^۴ این امر به مثابه تلاشی برای حفظ تعادل گروهی بررسی می‌شود (Dye, 1995).

علاوه بر نظریه‌های مذکور، یکی دیگر از نظریه‌های رایج در این حوزه که کاربرد وسیعی در علوم سیاسی و به ویژه سیاست‌گذاری عمومی یافته است نظریه سیستمی یا الگوی سیپ است.

این الگو چهارچوبی برای ارزیابی برنامه‌ها، طرح‌ها، محصولات، مؤسسه‌ها و سیستم‌ها را فراهم می‌آورد (درانی و صالحی، ۱۳۸۵، ص. ۱۷۴).

الگوی سیپ بر این باور شکل گرفته که مهم‌ترین هدف ارزیابی، بهبود و اصلاح برنامه است و به دریافت بازخورد نظاممند از جریان امور به نحوی که نیازهای مهم در اولویت قرار گیرند و منابع در خدمت بهترین نوع فعالیت باشند، کمک می‌کند.

در الگوی مذکور اطلاعات از چهار حیطه ارزشیابی به دست می‌آید که عبارت‌اند از: زمینه^۵، درونداد^۶، فرایند^۷ و برونداد^۸.

1. Public choice Model

2. Game Theorg Model

3. Rational Model

4. Group Model

5. Context

6. Input

7. Process

8. Output

پدیدآورنده‌گان این الگو برای این باورند که با استعاره از رویکرد سیستمی در ارزشیابی در چهار بعد به ارزشیابی «نظام هدف» و درنهایت تسهیل تصمیم‌گیری می‌پردازد (بازرگان، ۱۳۸۳ به نقل از درانی و صالحی، ۱۳۸۵، ص. ۱۷۴). الگوی سیپ دارای چهار مؤلفه ارزیابی است:

- ۱- ارزشیابی زمینه: ارزیابی زمینه به تصمیم‌گیری در طراحی برنامه‌ها اشاره دارد و شامل تعیین مسائل و نیازهایی است که در یک موقعیت رخ می‌دهد. این بعد شامل کوشش‌های تحلیل‌گرایانه برای تعیین عناصر مربوط به محیط برای شناسایی چالش‌ها، نیازها و فرصت‌های موجود می‌باشد.
- ۲- ارزشیابی درون‌داد: شامل قضاوت در مورد راهبردهای مورد نیاز برای تحقق اهداف برنامه است. براین اساس، اطلاعات موردنیاز درباره چگونگی استفاده از منابع گردآوری شده و به برنامه‌ریزان کمک می‌شود تا راهبردهایی را انتخاب کنند که برای دستیابی به اهداف برنامه ضروری تشخیص داده می‌شوند.
- ۳- ارزشیابی فرایند: بر نحوه انجام فعالیت‌ها متمرکز است و با تشخیص چالش‌ها و فرصت‌ها، اطلاعات لازم برای تصمیم‌گیری در انتخاب روش‌های اجرا و تفسیر نتایجی که در آینده به دست می‌آید را فراهم سازد.
- ۴- ارزشیابی برونداد: برای قضاوت درباره مطلوبیت بازده فعالیت‌ها است و شامل تعیین ملاک‌های مربوط به برونداد و چگونگی اندازه‌گیری آنهاست (هدواند؛ رحیمی و دارابی، ۱۳۹۳، ص. ۱۲۵).

در این پژوهش نیز از مدل چرخه سیستمی استفاده می‌شود بدین منظور مراحل متفاوت سیاست‌گذاری در این حوزه را می‌توان به شکل ذیل نمایش داد.

جدول (۱): مراحل چرخه سیستمی در سیاست‌های جمعیتی

کاربرد نظریه سیستمی در سیاست‌های جمعیتی	تعريف	اجزای تحلیل سیستمی
بررسی و مطالعه اسناد بالادستی به ویژه سخنرانی‌ها و مطالبات رهبری در راستای ضرورت افزایش جمعیت	فشارهای بیرونی از سوی ذی‌نفعان و منابع نیروی انسانی و امکانات	زمینه
بررسی سیاست‌های کلی نظام، برنامه توسعه و مفاد قانون اساسی در راستای افزایش جمعیت، افزایش نرخ باروی، کاهش مرگ‌ومیر نوزادان و بهبود کیفی جمعیت	طراحی سیاست از جانب کارگزاران در جهت پاسخ به مطالبات	درون‌داد

کاربرد نظریه سیستمی در سیاست‌های جمعیتی	تعریف	اجزای تحلیل سیستمی
بررسی نحوه انجام و اجرایی کردن سیاست‌ها و قوانین مطرح شده، گزارش‌های رسمی و سازمانی برای نحوه اجرایی شدن سیاست‌های مذکور از جمله سیاست‌های تشویقی و تنبیه‌ی در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، بهداشتی، اجتماعی	اجراییات و سطوح کاربردی اقدامات صورت گرفته برای طراحی سیاست	فرایند
بررسی نحوه اثرگذاری سیاست‌های اجرایی بر روند جمعیت تحلیل و بررسی می‌شود.	گزارش عملکرد	برون داد

۴. روش پژوهش

رویکرد روش‌شناختی مورد نظر در این مطالعه را از نظر ماهیت، می‌توان توصیفی تحلیلی تلقی کرد. در پژوهش‌های توصیفی - تحلیلی محقق به دنبال چگونه بودن موضوع است و می‌خواهد بداند پدیده، متغیر، شیء یا مطلب چگونه است؛ همچنین علاوه بر تصویرسازی آنچه هست به تشریح و تبیین دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن می‌پردازد. محقق برای تبیین و توجیه دلایل، نیاز به تکیه‌گاه استدلالی محکمی دارد. این تکیه‌گاه از طریق جستجو در ادبیات و مباحث نظری پژوهش و تدوین گزاره‌ها و قضایای کلی موجود درباره آن فراهم می‌شود. در این نوع پژوهش‌ها نوعاً از روش‌های مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی متون و محتوای مطالب استفاده می‌شود. در این روش، پژوهشگر داده‌های پژوهشی خود را درباره کنشگران، وقایع و پدیده‌های اجتماعی، از بین منابع و اسناد جمع‌آوری می‌کند (حافظنیا، ۱۳۷۷، ص. ۶۹). بر مبنای این الگو، نوع پژوهش، کاربردی - توسعه‌ای و از نظر ماهیت، توصیفی و تحلیلی می‌باشد و در گرداوری داده‌ها از روش اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده است.

۵. یافته‌های پژوهش

در این بخش در پاسخ به پرسش چگونگی چرخه سیاست‌گذاری افزایش جمعیت مطابق با نظریه سیستمی، جهت ارزیابی هر کدام از ابعاد مذکور، اسناد و منابع متفاوتی بررسی و تحلیل شدند که در ادامه این مراحل به ترتیب زمینه، درون داد، فرایند و برون داد بیان می‌شود.



۱-۵. زمینه؛ شکل‌گیری مسئله افزایش جمعیت

با آغاز دوره چهارم برنامه‌های جمعیتی مسئله افزایش جمعیت جزو اولویت‌های سیستم قرار گرفته و به شکل‌های مختلف مورد تأکید است. با آغاز دهه ۹۰ و با توجه به تأکیدهای چندباره رهبر انقلاب، حرکت‌هایی برای تنظیم و تدوین مقرراتی به منظور تشویق خانواده‌ها به فرزندآوری بیشتر انجام شده است (غمامی و عزیزی، ۱۳۹۳، ص. ۱۳۳). رهبر انقلاب بارها در سخنرانی‌های خود به این نکته تأکید داشته‌اند که مسئله فرزندآوری و مسئله نسل بسیار مهم است. ایشان در مورد «خطرات کاهش رشد جمعیت» کشور هشدار دادند. به عبارتی خطر کاهش جمعیت برای نخستین بار، توسط رهبر انقلاب مورد اشاره قرار گرفت و وارد گفتمان عمومی کشور شد؛ چراکه افزایش جمعیت جوان کشورهای اسلامی مسئله عمده‌ای است و علاوه‌بر اینکه افزایش و تراکم جمعیت باعث تکامل روش‌های تولیدی و درنتیجه رشد و پیشرفت اقتصادی می‌شود، مسئله «حفظ و ارتقاء حیات اجتماعی جامعه اسلامی» است که به مراتب از حیات فردی حائز اهمیت‌تر می‌باشد نیز مطرح است.

در این راستا بعد از حدود ۲۰ سال از اعمال سیاست‌های کنترل موالید، مسئله افزایش نرخ رشد جمعیت دوباره به عنوان یک ورویدی در سیستم سیاست‌گذاری عمومی مورد توجه قرار گرفت. در محیط یعنی فضای خارج از سیستم نیز واکنش‌هایی نسبت به این ورودی وجود دارد. واکنش محیط به حرکت نظام سیاسی در پاسخ به این مسئله به دو صورت حمایت یا اعتراض و مطالبه انجام می‌پذیرد. اگر محیط از نتیجه عملکرد سیستم راضی باشد از سیاست در پیش گرفته شده حمایت می‌کند و اگر با نتیجه بازخورد سیستم موافق نباشد دست به اعتراضات زده و مطالبات جدید خود را مطرح می‌کند.

۲-۵. درون داد؛ طراحی سیاست‌های افزایش جمعیت

در طراحی سیاست‌های رشد جمعیتی در جمهوری اسلامی ایران باید بر سه مؤلفه طراحی یعنی سیاست‌های کلی نظام، شش قانون برنامه توسعه و قانون اساسی تأکید بیشتری داشت.

۲-۵-۱. سیاست‌های کلی نظام

طبق اصل ۱۱۰ قانون اساسی یکی از وظایف رهبر ایران تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام است. یکی از

مسائلی که به‌ویژه در سال‌های اخیر در تعیین سیاست‌های کلی نظام مورد توجه بوده است مسائل جمعیتی است. بدین ترتیب رهبر انقلاب با عنایت به اهمیت مقوله جمعیت در اقتدار ملی و با توجه به پویندگی، بالندگی و جوانی جمعیت کنونی کشور به‌عنوان یک فرصت و امتیاز و در جهت جبران کاهش نرخ رشد جمعیت و نرخ باروری در سال‌های گذشته، سیاست‌های کلی جمعیت را ابلاغ کردند. این سیاست‌ها با این اصل آغاز می‌شود:

- ۱- ارتقاء پویایی با افزایش نرخ باروری به بیش از سطح جانشینی؛
- ۲- رفع موانع ازدواج؛
- ۳- اختصاص تسهیلات مناسب برای مادران و پوشش بیمه‌ای هزینه‌های زایمان و درمان ناباروری؛
- ۴- تحکیم بنیان و پایداری خانواده با اصلاح و تکمیل آموزش‌های عمومی؛
- ۵- ترویج و نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی؛
- ۶- ارتقاء امید به زندگی، تأمین سلامت و تغذیه سالم جمعیت و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی؛
- ۷- فرهنگ‌سازی برای احترام و تکریم سالمندان؛
- ۸- توانمندسازی جمعیت در سن کار؛
- ۹- بازتوزیع فضایی و جغرافیایی جمعیت، متناسب با ظرفیت زیستی؛
- ۱۰- حفظ و جذب جمعیت در روستاهای و مناطق مرزی از طریق توسعه شبکه‌های زیربنایی؛
- ۱۱- مدیریت مهاجرت به داخل و خارج هماهنگ با سیاست‌های کلی جمعیت؛
- ۱۲- تشویق ایرانیان خارج از کشور برای حضور و سرمایه‌گذاری؛
- ۱۳- تقویت مؤلفه‌های هویت‌بخش ملی (ایرانی، اسلامی، انقلابی) و ارتقاء وفاق بویژه در میان مرزنشینان و ایرانیان خارج از کشور؛
- ۱۴- رصد مستمر سیاست‌های جمعیتی در ابعاد کمی و کیفی. همچنین ضروری است با هماهنگی و تقسیم کار بین ارکان نظام و دستگاه‌های ذی‌ربط در این زمینه، اقدام‌های لازم با دقت، سرعت و قوت صورت گیرد و نتایج رصد مستمر اجرای سیاست‌ها گزارش شود (دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳).

۵-۲. سند برنامه توسعه (اول تا ششم)

تا کنون شش برنامه توسعه نوشته است. مسئله جمعیت تنها در لایحه جدید برنامه

ششم توسعه (۱۴۰۰-۱۳۹۶) مطرح شده است. در ماده ۷۶ بیان شده است که دولت مکلف است با رعایت سیاست‌های کلی جمعیت، سلامت مادر و کودک و ارتقای شاخص‌های نسبت مرگ مادر و نوزادان را بر اساس جدول زیر تأمین نماید:

جدول (۲): شاخص‌های نسبت مرگ مادر و نوزادان

عنوان	واحد	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰
کاهش نسبت مرگ مادران	در صد هزار تولد زنده	۱۸	۱۷	۵.۱۶	۱۶	۱۵
کاهش میزان مرگ کودکان در هر هزار تولد زنده ۱ تا ۵۹ ماهه	در هر هزار تولد زنده	۶.۱۵	۴.۱۴	۳.۱۳	۳.۱۲	۳.۱۱
افزایش درصد زایمان طبیعی	درصد	۵.۵۳	۵.۵۴	۵.۵۵	۵.۵۶	۵.۵۷
کاهش عوارض ناشی از بارداری و سقط جنین	در هر هزار تولد زنده	۶.۷	۲.۷	۸.۶	۵.۶	۳.۶

منبع: (قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه، ۱۳۹۴)

در ماده ۱۰۲ اعلام شده است که دولت موظف است براساس سیاست‌های کلی جمعیت و خانواده و سند جمعیت مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی با همکاری نهادهای ذی‌ربط به منظور تقویت و تحکیم جامعه‌ای خانواده محور و تقویت و تحکیم و تعالی خانواده و کارکردهای اصلی آن با رعایت شاخص‌های الگو و سبک زندگی اسلامی - ایرانی با ایجاد سازوکارها و تأمین اعتبارهای لازم در قالب بودجه سنواتی اقدام‌های ذیل را به عمل آورد:

الف) زمینه‌سازی مناسب جهت کنترل و کاهش میانگین سن ازدواج به میزان ۱۰ درصد نسبت به سال پایه؛

ب) حمایت، پشتیبانی و ارتقای معیشت و اقتصاد خانواده از طریق توسعه مشاغل خانگی؛
پ) مقابله فعال و هوشمند با جنگ نرم در عرصه خانواده و منع نشر برنامه‌های مخل ارزش‌ها در جهت تحکیم خانواده؛

ت) زمینه‌سازی جهت افزایش نرخ باروری به حداقل ۱/۹ فرزند به ازای هر زن در سن باروری؛

ث) پشتیبانی و حمایت از ترویج ازدواج موفق، پایدار و آسان، فرزندآوری و تربیت فرزند صالح، ارزش دانستن ازدواج و فرزندآوری؛

ج) آموزش و مشاوره مستمر و مسئلانه نوجوانان و جوانان با اولویت خانواده‌ها

توسط همه دستگاه‌های ذیری، به‌ویژه وزارت‌خانه‌های آموزش و پرورش؛
 چ) ارائه تسهیلات و امکانات ساخت و اجاره مسکن با اولویت زوج‌های دارای فرزند؛
 ح) تمهیدات لازم از قبیل ارائه تسهیلات جهت افزایش سلامت ازدواج و درمان ناباروری در قالب بودجه سنواتی؛
 خ) تمهیدات لازم جهت بهره‌مندی از قضات و وکلا مجرب با ارائه آموزش‌های لازم در جهت تشویق صلح و سازش زوج‌ها،
 د) حمایت و توسعه بیمه سلامت و تکمیلی برای مادران در کلیه مراحل دوران بارداری تا پایان دوران شیرخوارگی؛
 ذ) ستاد ملی زن و خانواده، با تشکیل جلسه‌های مستمر، عهده‌دار هدایت، ایجاد هماهنگی بین‌بخشی، نظارت کلان بر برنامه‌ها، اقدام‌ها و ارزیابی عملکرد مربوط به وزارت‌خانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی ذیری، نهادهای عمومی و تشکلهای مردمی و نیز بسیج ملی جلب مشارکت فراغیر در تحقق سیاست‌های کلی ابلاغی و رصد و پایش تحولات خانواده و جمعیت خواهد بود و گزارش آن باید هر شش ماه یکبار به مجلس شورای اسلامی ارائه شود (قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه، ۱۳۹۴).

۳-۲-۵. قانون اساسی

در سند قانون اساسی مسائل جمعیتی به عنوان یک اصل مطرح نشده‌اند؛ اما در سال‌های اخیر و با بررسی وضعیت نرخ رشد جمعیت در ایران نمایندگان مجلس شورای اسلامی طرح ۵۰ ماده‌ای را موسوم به «طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده» در خداداد ۹۲ تهیه کردند که هدف آن نیل به نرخ باروری ۰.۲ در رشد کمی جمعیت تا سال ۱۴۰۴ توأم با ارتقای کیفی جمعیت و تثبیت آن تا سال ۱۴۳۰ بود. این طرح در مجلس یازدهم نمایندگان به شکل مشروط طبق اصل ۸۵ قانون اساسی تصویب شد و بعدتر برای تبدیل به قانون لباس نو بر تن کرد و با عنوان قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» تلاش شد تا با منقضیات زمان و نقدها کارآمد شود به‌گونه‌ای که در مهرماه ۱۴۰۰ این قانون مشتمل بر هفتادوسه ماده و هشتادویک تبصره شد که در کمیسیون مشترک جوانی جمعیت و حمایت از خانواده مجلس شورای اسلامی طبق اصل ۸۵ قانون اساسی تصویب گردید و پس از موافقت مجلس با اجرای آزمایشی آن به مدت هفت‌سال در تاریخ آبان‌ماه ۱۴۰۰ به تأیید شورای نگهبان رسید (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۰).

۳-۵. فرایند؛ سطوح کاربردی اقدام‌ها

بخش عمده‌ای از سیاست‌های ابلاغی در مهر ماه ۱۴۰۰ تحت عنوان قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت توسط کمیسیون مشترک طرح جوانی جمعیت و حمایت از خانواده مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. در این راستا، به منظور برنامه‌ریزی، ارزیابی کلان و نظارت بر اجرای این قانون با رعایت مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، ستاد ملی جمعیت به ریاست رئیس جمهور و مرکب از اعضای ذیل تشکیل شد: رئیس جمهور (رئیس ستاد)، دبیر ستاد وزرای کشور بهداشت، درمان و آموزش پژوهشی، علوم، تحقیقات و فناوری، وزرش و جوانان، راه و شهرسازی، تعاون، کار و رفاه اجتماعی، اطلاعات، امور اقتصادی و دارایی، فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش و ارتباطات و فناوری اطلاعات، رئوسای سازمان‌های صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، برنامه و بودجه کشور، تبلیغات اسلامی، پژوهشی قانونی کشور، معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، مدیر حوزه‌های علمیه، دادستان کل کشور، رئیس شورای فرهنگی - اجتماعی زنان و خانواده، شورای عالی انقلاب فرهنگی، دو نفر نماینده مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و رئیس سازمان بسیج مستضعفین (مصطفویه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹).

در این راستا نهادهای مختلفی متولی مسائل جمعیتی شدند و سیاست‌های متفاوتی را در حوزه‌های مختلف به اجرا گذاشتند. ۶۴ ماده از ۷۳ ماده این طرح در حوزه سیاست‌های تشویقی و تنبیه‌ی و یک ماده در حوزه اعتبارات این طرح سامان یافته است.

۳-۵. سیاست‌های تشویقی

الف. حوزه بهداشتی

- ۱- ارائه تسهیلات برای حمایت از فرزندآوری و درمان ناباروری.
- ۲- راهاندازی مرکز تخصصی درمان ناباروری.
- ۳- تدوین راهنمای بالینی مربوط درمان افراد نابارور و در معرض ناباروری.
- ۴- برخورداری همه زوج‌هایی که صاحب فرزند نشده‌اند از برنامه‌های معاینه، و... بیماریابی، و پوشش کامل بیمه‌ای.
- ۵- فراهم کردن امکان زایمان طبیعی در بیمارستان‌ها.
- ۶- ارتقای سلامت مادر، نوزاد و کاهش سالانه ۵ درصد از میزان زایمان غیرطبیعی.

- ۷- ثبت اطلاعات کلیه مراجعان باروری، بارداری، سقط و دلایل آن و زایمان و نحوه آن با رعایت اصول محترمانگی.
- ۸- اجرا برنامه جامعی برای پیشگیری و کاهش سقط خودبه‌خودی جنین.
- ۹- رعایت ضوابط سازمان پدافند غیرعامل پس از اعلام آزمایش مواد و فرآورده‌های غذایی و وارداتی و محصولات تاریخته نسبت به اختلال‌های باروری یا جنسی (تصویب مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹).

ب. حوزه اقتصادی

- ۱- تأمین مسکن خانوار را پس از تولد فرزند سوم و بیشتر؛
- ۲- اهدای قطعه زمین یا واحد مسکونی فقط برای یک بار به صورت فروش اقساطی؛
- ۳- تخفیف پایان کار و عوارض ساختوساز، کلیه هزینه‌های تخصیص شبکه، انشعاب‌ها و هزینه‌های خدمات نظام مهندسی برای خانواده‌های دارای سه فرزند و چهار فرزند؛
- ۴- تخصیص حداقل ۷۰ درصد از ظرفیت منازل مسکونی سازمانی به خانواده‌های کارکنان دارای حداقل سه فرزند؛
- ۵- احداث، تکمیل، تأمین و تجهیز خوابگاه‌های متأهلان؛
- ۶- پرداخت و دیعه مسکن (قرض‌الحسنه ضمن اجراء)، برای دانشجویان و طلاب متأهل؛
- ۷- پرداخت انواع تسهیلات مسکن با هدف تشویق فرزندآوری خانواده‌ها؛
- ۸- پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه تولد فرزند؛
- ۹- اختصاص مبلغ ۱۰ میلیون ریال به ازای هر فرزند در بورس از ابتدای سال ۱۴۰۰ و به نام فرزند؛
- ۱۰- تخصیص یک خودروی ایرانی به قیمت کارخانه به انتخاب و به نام مادر پس از تولد فرزند دوم؛
- ۱۱- افزایش یارانه فرزندان خانواده‌های دهک‌های اول تا چهار؛
- ۱۲- واگذاری‌ها حق بهره‌برداری زمین با استغلال‌زایی و اجرای طرح‌های تولیدی برای خانواده‌هایی صاحب فرزند سوم و بیشتر؛
- ۱۳- افزایش هر ساله کمک‌هزینه اولاد و حق عائله‌مندی؛
- ۱۴- معافیت مالیاتی به ازای فرزند سوم و بیشتر؛
- ۱۵- بیمه مادران خانه‌دار دارای سه فرزند و بیشتر؛

- ۱۶- اعطای خدمات سبد تغذیه رایگان و بسته بهداشتی رایگان به مادران باردار، شیرده و دارای کودک زیر پنج سال؛
- ۱۷- پوشش بیمه‌ای مادران فاقد پوشش بیمه‌ای طی دوران بارداری و شیردهی و همچنین کودکان تا پایان پنج سالگی؛
- ۱۸- تدوین راهنمای بالینی پوشش بیمه‌ای خدمات سلامت زنان، مادران باردار و نوزادان؛
- ۱۹- ارائه تسهیلات ازدواج به کلیه زوج‌هایی که بیشتر از چهار سال از تاریخ عقد ایشان نگذشته جهت حمایت از ازدواج جوانان؛
- ۲۰- پرداخت تسهیلات قرض الحسن و دیعه یا خرید یا ساخت مسکن که در سال ۱۳۹۹ به بعد صاحب فرزند سوم بشوند (تصویب مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹).

ج. حوزه اجتماعی

- ۱- افزایش مدت مرخصی زایمان به ۹ ماه و اختیاری بودن نوبت کاری شب برای مادران شاغل باردار و اعطای دورکاری به درخواست مادران و کاهش در سن بازنیستگی مادران شاغل؛
- ۲- اقدام به تأمین فضای مناسب جهت رفع نیازهای نوزادان، کودکان و مادران باردار؛
- ۳- حمایت از شیرخوارگاه‌ها و مراکز نگهداری شبانه‌روزی کودکان بی‌سرپرست و خیابانی؛
- ۴- ایجاد سامانه برخط برای معرفی و صدور شناسنامه ویژه برای مادران دارای سه فرزند یا بیشتر؛
- ۵- موافقت با تقاضای دانشجویان مادر باردار جهت مرخصی؛
- ۶- کسر شش ماه از تعهدات به خدمت پزشکان و پیراپزشکان از مادران مشمول این قانون؛
- ۷- آموزش‌های حین ازدواج به تمامی زوجین؛
- ۸- برنامه‌ریزی جامع در حوزه مهاجرت داخل و خارج از کشور با هدف ارتقای کیفی و کمی جمعیت؛
- ۹- تولید و انتشار آمارهای مهاجرت بر حسب فرد و خانواده بر پایه داده‌های مکانی پایگاه اطلاعات جمعیت کشور؛
- ۱۰- افزایش سقف محدوده سنی در استخدام به ازای تأهل و نیز داشتن هر فرزند اضافه (تصویب مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹).

د. حوزه فرهنگی

- ۱- تخصیص جایزه ملی جوانی جمعیت؛
- ۲- تشویق کارکنی که در یک سال گذشته، ازدواج کرده و یا دارای فرزند شده‌اند در روز ملی جمعیت؛
- ۳- آگاهی‌بخشی نسبت به وجوده مثبت و ارزشمند ازدواج و مقابله با محتوای مغایر سیاست‌های کلی جمعیت و عوارض جانی استفاده از روش‌های مختلف پیشگیری از بارداری از قبیل تولید و پخش فیلم؛
- ۴- اختصاص ۱۰ درصد از بودجه اختصاص یافته به برنامه‌های تولیدی، با محوریت موضوع افزایش جمعیت؛
- ۵- حمایت از فعالان مردمی در حوزه فرزندآوری و تسهیل ازدواج، در قالب هیئت‌ها، مساجد، کانون‌های فرهنگی، اعزام مبلغ؛
- ۶- اختصاص ۳۰ درصد از بودجه حمایتی از سازمان‌های مردم‌نهاد در جهت کاهش سن ازدواج، تسهیل ازدواج جوانان، تشویق به فرزندآوری؛
- ۷- اختصاص یک‌سوم ظرفیت فعالیت تبلیغات محیطی به موضوع ازدواج، فرزندآوری، رشد جمعیت؛
- ۸- تربیت و آموزش مهارت‌های مربوط به سبک زندگی اسلامی - ایرانی، ترویج فرهنگ ارزشمندی ازدواج، خانواده و فرزندآوری؛
- ۹- ایجاد، رشته‌های تحصیلی مناسب با جایگاه و نقش خانواده و زن بر اساس فرهنگ اسلامی - ایرانی؛
- ۱۰- ترویج و آگاهی‌بخشی نسبت به وجوده مثبت ازدواج به هنگام نیاز، حذف محتوای آموزشی مخالف فرزندآوری؛
- ۱۱- تأسیس مراکز مشاوره مبتنی بر سبک زندگی اسلامی - ایرانی با هماهنگی نمایندگی ولی فقیه؛
- ۱۲- تسهیل در امر ازدواج، از طریق مؤسسه‌های فرهنگی، مساجد و روحانیون؛
- ۱۳- تخصیص حداقل ۵ درصد از اعتبارات پژوهشی به مطالعات و پژوهش‌های مرتبط با خانواده؛
- ۱۴- تأکید بر اثرهای مثبت بارداری و زایمان طبیعی، فواید فرزندآوری، کاهش فاصله ازدواج تا تولد فرزند اول و همچنین کاهش فاصله بین تولد فرزندان؛
- ۱۵- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است راهنمای مكتوب در

- اختیار مادران قرار دهد؛
- ۱۶- بازنگری دستورالعمل‌ها در جهت افزایش باروری و ثمرات بارداری و زایمان طبیعی و خودداری از القای هر گونه ترس و هراس نسبت به امر بارداری (تصویب مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹).

۲-۳-۵. سیاست‌های تنبیه‌ای

- ۱- ممنوعیت از هر گونه توزیع رایگان یا یارانه‌ای اقلام مرتبط با پیشگیری از بارداری؛
- ۲- ممنوعیت عقیم‌سازی دائم زنان و مردان؛
- ۳- حذف کلیه دستورالعمل‌های صادره مرتبط با بارداری و سلامت مادر و جنین که مادران را به سقط جنین توصیه کرده؛
- ۴- ممنوعیت سقط جنین و احتساب آن از جرائم دارای جنبه عمومی که مستوجب مجازات دیه، حبس و ابطال پرونده پژوهشکی است؛
- ۵- اعمال تمهیدات قانونی لازم برای پیشگیری و مقابله با سقط غیرقانونی جنین؛
- ۶- مجاز بودن توزیع داروهای رایج در سقط جنین فقط برای عرضه مراکز درمانی بیمارستانی؛
- ۷- معرفی و پیگیری متخلفان فروش داروهای سقط و عناصر ترویج‌دهنده سقط غیرقانونی؛
- ۸- ممنوعیت فعالیت مدیران جهت معرفی افراد و مراکز مشارکت‌کننده در سقط غیرقانونی جنین و مجازات تعزیری به پرداخت جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر عوائد حاصل از ارتکاب جرم؛
- ۹- مشمول شدن جنایت علیه تمامیت جسمانی جنین به قصد نتیجه یا علم به تحقق آن (تصویب مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹).

۳-۵. اعتبارات هزینه‌ای

- اعتبارات هزینه‌ای در نظر گرفته برای اجرایی شدن طرح جوانی جمعیت نیز به شکل ذیل مطرح شده است:
- ۱- درصد از اعتبارات بودجه کلیه دستگاه‌ها، نهادها و مؤسسه‌ها؛
 - ۲- درصد از اعتبارات مالیات بر ارزش افزوده پ: ۱ درصد از اعتبارات جدول هدفمندی یارانه‌ها؛

- ۳- مبلغ ۳۰ درصد از مابه التفاوت نرخ ارز؛
- ۴- ۱۰ درصد منابع از مقررات مالی دولت (مالیات سلامت)؛
- ۵- ۲ درصد از یکدوازدهم هزینه‌های جاری شرکت‌های دولتی، بانک‌ها؛
- ۶- ۱۰۰ درصد از محل افزایش بیست درصدی جرایم تخلفات رانندگی؛
- ۷- ۷۰ درصد از درآمد اجرای اصل (۴۹) قانون اساسی؛ به غیر از اموالی که باید به صاحبان حق رد شود و یا در اختیار ولی فقیه است؛
- ۸- منابع حاصل جریمه‌های مذکور در متن قانون جوانی جمعیت؛
- ۹- اعتبارات مرتبط با توزیع عموم اقلام پیشگیری از بارداری، عقیم‌سازی؛
- ۱۰- ۱۰۰ درصد درآمد حاصل از افزایش تعریفه هر مترمکعب گاز مصرفی واحدهای تولید‌کننده فولاد؛
- ۱۱- ۱۰۰ درصد درآمد حاصل از افزایش هر مترمکعب فروش آب شرب شهری مشترکان پر مصرف؛
- ۱۲- صد درصد درآمد حاصل از افزایش سه برابری جرایم مربوط به کالا، تجهیزات و داروهای قاچاق؛
- ۱۳- ۱۰۰ درصد جرایم تعزیرات حاصل از احتکار و گران‌فروشی؛
- ۱۴- اتخاذ مبلغ ۱۰ ریال از استفاده‌کننده خدمات مخابراتی علاوه بر قیمت هر پیامک و قرار دادن آن جزو منابع این قانون (تصویب مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹).

۴-۵. برونداد؛ گزارش عملکرد

در قسمت برونداد باید به بررسی نتایج و دستاوردهای حاصله ناشی از اجراییات بر سیاست مورد نظر پرداخت. آمارهای مرتبط با سیاست‌های اعمال شده می‌تواند گویای اثربخش بودن سیاست‌های تشویقی و تنبیه‌ی باشد. بدین ترتیب با توجه به اهمیت این شاخص‌ها در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی جمعیتی، محاسبه میزان باروری در دستور کار مرکز آمار ایران قرار گرفت. آمارهای ارائه شده در این بخش، آمار میزان باروری از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ را شامل می‌شود.^۱

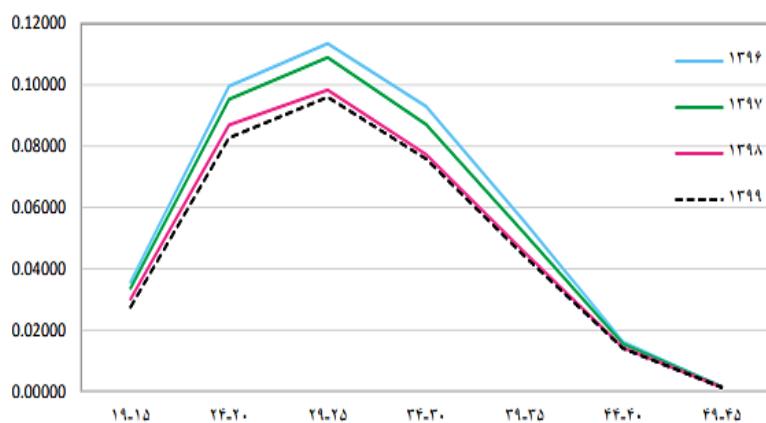
۱. لازم به ذکر است که همان‌گونه که شرح آن رفت «طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده» در خرداد ۹۲ تهیه شد و در مجلس یازدهم، نمایندگان به شکل مشروط طبق اصل ۸۵ قانون اساسی تصویب شد؛ لذا در این بخش با ارائه آمارهای موجود در چهار سال اخیر به بررسی ثمربخش بودن مقدمات اجرایی این سیاست‌ها بر افزایش جمعیت می‌پردازیم.

جدول (۳): میزان باروری ویژه سنی ۱۳۹۶-۱۳۹۹

۱۳۹۹	۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	شرح
۰,۰۲۷۵۸	۰,۰۳۰۱۶	۰,۰۳۳۷۳	۰,۰۳۵۶۷	۱۹-۱۵ ساله
۰,۰۸۲۷۱	۰,۰۸۶۹۲	۰,۰۹۵۳۳	۰,۰۹۹۶۱	۲۴-۲۰ ساله
۰,۰۹۵۹۹	۰,۰۹۸۳۶	۰,۱۰۸۹۲	۰,۱۱۳۵۲	۲۹-۲۵ ساله
۰,۰۷۵۸۷	۰,۰۷۷۳۰	۰,۰۸۷۱۰	۰,۰۹۳۰۲	۳۴-۳۰ ساله
۰,۰۴۴۱۴	۰,۰۴۵۳۹	۰,۰۵۱۴۹	۰,۰۵۵۳۹	۳۹-۳۵ ساله
۰,۰۱۳۹۹	۰,۰۱۴۲۹	۰,۰۱۵۴۶	۰,۰۱۶۱۶	۴۴-۴۰ ساله
۰,۰۰۱۳۲	۰,۰۰۱۳۷	۰,۰۰۱۴۸	۰,۰۰۱۳۸	۴۹-۴۵ ساله
۱,۷۱	۱,۷۷	۱,۹۷	۲,۰۷	میزان باروری کل

منبع: (فتحی، ۷: ۱۳۹۹)

همان‌طورکه آمارها نشان می‌دهد به رغم اجرای سیاست‌های تشویقی و تنبیه‌ی میزان باروری کل که مهم‌ترین نرخ برای اندازه‌گیری رشد جمعیت است روندی نزولی داشته است و از ۲,۰۷ در سال ۱۳۹۶ به نرخ ۱,۷۱ در سال ۱۳۹۹ رسیده است.



منبع: (فتحی، ۸: ۱۳۹۹)

نمودار (۱): الگوی سنی باروری زنان ایرانی

الگوی سنی باروری نیز نشان‌دهنده کاهش میزان باروری در همه سنین از جمله گروه‌های سنی ۲۴-۲۰ و ۲۹-۲۵ و ۳۴-۳۰ ساله از سال ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۹ است. این تغییر بیانگر کاهش باروری به‌ویژه در میان گروه سنی جوان است که بهنوبه‌خود سهم

بسزایی در کاهش میزان باروری کشور داشته است. این موضوع اهمیت باروری زنان در گروه‌های سنی مورد بحث را نشان می‌دهد و لازم است بیش از پیش در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های جمعیتی مورد توجه قرار گیرد (فتحی، ۱۳۹۹، ص. ۱۲).

با توجه به تازگی تغییرهای حاصله در آخرین طرح مصوب و در دسترس نبودن آمارهای دقیق از سایر شاخصه‌های مطرح شده چون میزان ناباروری، میزان سقط جنین، میزان مرگ و میر نوزادان و مرگ میر مادران و همچنین به علت وجود نبود اطلاعات مدونی از نحوه و میزان تأثیرگذاری سایر مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی بر میزان باروری، نمی‌توان با قطعیت علیت نتایج حاصله را شناخت و صرفاً باید به بیان این نکته کلی که با وجود سیاست‌های مختلف در بخش اجراییات روند باروری روندی رو به رشدی نبوده است، بسنده کرد.

نتیجه‌گیری؛ ارزیابی چرخه سیاست‌گذاری

در مرحله ارزیابی با ارائه گزارش‌های بی‌طرف و بین‌المللی نقاط ضعف و قوت چرخه سیاست‌گذاری مد نظر را بررسی می‌کنیم. با توجه به اینکه مسیر هر سیاست‌گذاری شامل دو بخش اصلی هدف و ابزار می‌شود؛ لذا می‌توان ارزیابی موجود را بر این اساس سaman داد.

الف. ارزیابی هدف

ایران تنها کشوری نیست که جمعیت سالم‌نمد آن رو به افزایش است؛ اما با این حال رشد جمعیت در ایران همچنان مثبت است و نرخ باروری در ایران هنوز بیشتر از سناریوی کاهش جمعیت است. مرکز آمار ایران در بررسی تغییرهای جمعیتی ایران تا سال ۱۴۳۰، چهار فرضیه را برای باروری در نظر گرفته است.

جدول (۴): برآورد رشد جمعیت کل کشور با فرض چهار پیش‌بینی ۱۴۰۰-۱۴۹۵

سال‌های پیش‌بینی	افزايش میزان باروری کل فرزند ۲/۶	فرض اول	فرض دوم ثبتیت میزان باروری کل ۲/۱ فرزند	فرض سوم کاهش میزان باروری کل ۱/۵ فرزند	فرض چهارم کاهش میزان باروری کل فرزند ۱/۹۵
۱۴۰۰-۱۴۹۵	۱/۲۵	۱/۲۰	۱/۱۶	۱/۱۹	۱/۱۹
۱۴۰۵-۱۴۰۰	۱/۱۱	۰/۹۸	۰/۸۷	۰/۹۵	۰/۹۵
۱۴۱۰-۱۴۰۵	۰/۹۸	۰/۷۹	۰/۵۸	۰/۷۳	۰/۷۳



سال‌های پیش‌بینی	افزایش میزان باروری کل فرزند ۲/۶	فرض اول	فرض دوم ثبتیت میزان باروری کل ۲/۱	فرض سوم کاهش میزان باروری کل ۱/۵	فرض چهارم کاهش میزان باروری کل فرزند ۱/۹۵
۱۴۱۵-۱۴۱۰	۰/۹۳	۰/۶۸	۰/۴۱	۰/۵۹	۰/۵۹
۱۴۲۰-۱۴۱۵	۰/۹۱	۰/۶۲	۰/۳۰	۰/۵۲	۰/۵۲
۱۴۲۵-۱۴۲۰	۰/۸۷	۰/۵۵	۰/۱۸	۰/۴۵	۰/۴۵
۱۴۳۰-۱۴۲۵	۰/۷۹	۰/۴۴	۰/۰۰	۰/۳۲	۰/۳۲
۱۴۳۰-۱۳۹۵	۰/۹۸	۰/۷۵	۰/۵۰	۰/۶۸	۰/۶۸

منبع: (فتحی، ۱۳۹۵: ۹۸)

بدین ترتیب بر اساس نرخ باروری موجود و بر اساس برآوردهای مرکز آمار جمعیت ایران در سال ۱۴۲۰ بین ۱۱۲ میلیون و ۴۷۵ هزار نفر در صورت افزایش باروری و در صورت کاهش شدید باروری ۹۵ میلیون و ۳۱۷ هزار نفر خواهد بود. همچنین با توجه به آغاز موج دوم رشد جمعیت در ایران و موقع پدیده گشتاوری جمعیت و پیش‌بینی ادامه روند آن حداقل تا سه دهه آینده، در بدترین حالت (فرض ۱/۵ فرزند) پیش‌بینی می‌شود، حداقل تا دهه ۱۴۲۰ شمسی رشد جمعیت کشور به صفر نخواهد رسید. موضوعی که هم‌اکنون دغدغه بسیاری از برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران است. درواقع این پیش‌بینی می‌تواند به بسیاری از نگرانی‌های موجود در زمینه کاهش رشد جمعیت شدید خاتمه دهد (فتحی، ۱۳۹۵، ص. ۹۹). در این راستا به نظر ایران هنوز به نقطه بحران خود نرسیده است و با توجه به انبوه مسائل اقتصادی و اجتماعی و زیست‌محیطی انباشته شده که خود زمینه‌ساز و بستر ساز مسئله کاهش نرخ باروری هستند طرح جوانی جمعیت اولویت خود را برای ورود به سیستم سیاست‌گذاری از دست می‌دهد.

در امر مسائل اقتصادی، بر اساس آمارهای بانک جهانی، ایران در سال ۲۰۱۹ نرخ تورم ۳۹ درصدی و نرخ بیکاری ۲۵ درصدی را تجربه کرده است (The World Bank, 2021). براین اساس به نظر می‌رسد در این شرایط مسئله افزایش جمعیت را دیگر نمی‌توان به عنوان مهم‌ترین بحران ملی شناخت. علاوه بر آن در بعد زیست‌محیطی نیز به جهت دشواری و زمان بر بودن حل مشکلات این حوزه نیز هر تصمیمی که به نحوی تبعات و فرایند آن با این مسائل در ارتباط باشد نیاز به بررسی ابعاد و سنجدید همه‌جانبه دارد و دارای اهمیت ویژه‌ای می‌شود. در این راستا حتی با

فرض مساعد بودن سایر شرایط ممکن است وضعیت اکولوژیکی یک منطقه امکان افزایش جمعیت را سلب کند. از آنجایی که بر اساس نسخه‌های مختلف «نظریه جمعیت بهینه»^۱ تعداد جمعیتی بهینه است که بیشترین میزان رفاه و کیفیت زندگی را برای شهروندان کشور فراهم کند، قدر مسلم این است که بر اساس این مبنای جمعیت مطلوب برای ایران پاسخگوی افزایش جمعیت نیست و با رصد وضعیت زیستی ایران می‌توان صحت این ادعا را بررسی کرد.

به این منظور با کمک شاخص جای پای اکولوژیک، می‌توان میزان توان هر کشور، برای تکفل جمعیت خود، از طریق منابع تجدیدپذیر را سنجید. مفهوم جای پای اکولوژیک در اوایل دهه ۱۹۹۰ توسط ماتیس واکرناگل^۲ و ویلیام ریز^۳ (۱۹۹۶) ابداع شد. شاخص جای پای اکولوژیک نشان می‌دهد که در کدام ناحیه و کجا، انسان بر روی منابع طبیعی فشار وارد می‌کند. این شاخص با سه عامل: جمعیت، سرانه مصرف و حجم منابع و پسمندانها تعیین می‌شود (Ewing, 2010, p. 23). مقایسه این شاخص با شاخص ظرفیت زیستی که ظرفیت اکوسیستم برای تولید مواد حیاتی مفید و جذب پسمنداند است، می‌تواند حد مناسبی از جمعیت هر منطقه را به ما نشان دهد (صادقی و سعادت، ۱۳۸۳، ص. ۱۷۳). به عبارتی هر چه فاصله بین ظرفیت زیستی و شاخص جای پای اکولوژیک بیشتر باشد تراز اکولوژیک بیشتر می‌شود. تراز اکولوژیک ایران در سال ۲۰۱۲ عدد ۱,۹ را نشان می‌دهد در حالی که این عدد در سال ۲۰۱۵ مصادف می‌شود با ۲,۶ (Ecological Footprint Atlas, 2010) و این امر نشان‌دهنده این است که افراد برای تأمین نیازهای مصرفی خود اثرهای بیشتری را بر محیط زیست خود وارد کرده‌اند. تراکم جمعیت یکی از مهم‌ترین عوامل افزایش تراز این شاخص است؛ بنابراین با توجه به کاهش ظرفیت زیستی کشور طبق برآوردهای علمی، اعمال سیاست‌های افزایش جمعیت حتی با وجود استفاده بهینه از منابع موجود فاصله بین ظرفیت زیستی و جای پای اکولوژیکی را بیشتر می‌کند و این امر را می‌توان به معنای عدم توانایی اکولوژیکی ایران برای پاسخگویی به جمعیت دانست که این موضوع می‌تواند فلسفه افزایش جمعیت در ایران را در این شرایط مورد تهدید قرار دهد.

1. Optimum Theory of Population

2. Wackernage

3. Rees

ب. ارزیابی ابزار

بیشتر ابزارهای تشویق کننده ارائه شده در این طرح در حوزه اقتصادی است. اینکه اهمیت مسائل اقتصادی برای فرزندآوری مهم است سبب شده است مشوقهای اقتصادی بیشتر شود؛ اما به نظر نوع مشوقهای اقتصادی به جهت کمیت و کیفیت، مقطوعی و کوتاه‌مدت بودن به‌گونه‌ای نیستند که به اجرایی شدن این طرح کمک شایانی بکند.

ابزارهای این قانون چه در حوزه اقتصادی و چه در سایر حوزه‌ها ناکارآمد و ناقص‌اند، ضمن اینکه بخش بزرگی از مواد این طرح به دلیل نبود نظارت صحیح و سرپیچی مدیران، قدرت اجرایی خود را از دست می‌دهند. همچنین بسیاری از قوانین ذکر شده به علت ضعف در برنامه‌ریزی و نبود پشتونه علمی درنهایت تبعات منفی زیادی بهبار خواهد آورد؛ برای مثال آنچه در مورد افزایش مرخصی زایمان و بازنشستگی زودتر از موعد مادران شاغل در قانون گنجانده شده است، هر چند در ظاهر در حمایت از مادران شاغل است؛ اما نتیجه آن خروج زنان از مشاغل، عدم استخدام زنان از سوی کارفرمایها و کاهش بیشتر نرخ اشتغال زنان و حضور اجتماعی آنان خواهد بود و این امر در ابتدای اعمال این سیاست‌ها می‌تواند به تعییض بیشتر علیه مادران بیانجامد. همچنین برخی از سیاست‌های تنبیه‌ی اعمال شده در این طرح از جمله اختیاری شدن آزمایش ژنتیک پیش از ازدواج و غربالگری، به نظر نه تنها از نظر اقتصادی با توجه به تحمیل هزینه‌های مراقبت و درمان توجیهی برای آن نیست بلکه از نظر اخلاقی نیز محل ایراد است. درکنار آن ممنوعیت خرید و فروش و توزیع یارانه‌ای و سایل جلوگیری از بارداری نیز منجر به افزایش بیماری‌های مقاربتی و افزایش بارداری‌های ناخواسته خصوصاً در دهکهای کمتر برخوردار می‌شود. درواقع از آنجایی که بیش از همه خانواده‌های کم‌تر برخوردار، فقیر و حاشیه‌نشین امکان دسترسی رایگان و یا ارزان به لوازم پیشگیری از بارداری، عقیمسازی و سقط جنین را از دست می‌دهند، بارداری و فرزندآوری در این خانواده‌ها افزایش می‌یابد، درنتیجه بیم افزایش تعداد کودکانی که از ظرفیت لازم برای رشد و بالندگی برخوردار نیستند و احتمالاً درگیر فقر، کار در دوران کودکی، کودک‌همسری و مواردی این چنینی خواهند شد، افزایش خواهد یافت. این در حالی است که آمادگی برای فرزندآوری و داشتن اختیار و شرایط حداقلی پرورش باکیفیت فرزند از پیش‌نیازهای تربیت فرزندان و شهروندان سالم و توانا است.

در چنین شرایطی مهم این است که مداخله دولت برای ارتقای باروری از چه مسیری باشد. دولت باید شرایط لازم و مساعد را برای ارتقای باروری فراهم سازد. در غیراین صورت، از طریق توصیه‌های دستوری امیدی به افزایش موالید نیست. با توجه تغییر ترجیح‌های باروری زنان و خانواده‌ها، ارائه بسته‌های تشویقی برای افزایش موالید وافی به مقصد نیست (حسینی، ۱۳۹۴، ص. ۴۲).

اعتبارهای هزینه‌ای تخصیص یافته برای این مصوبه نیز خود محل مناقشه است و با توجه به بحران مالی دولت و بار هزینه‌ای اکثر سیاست‌های اعلام شده چون کاهش سن بازنشستگی، افزایش مدت مرخصی زنان و... در ادامه باید بررسی‌های دقیق‌تری در جهت نحوه تخصیص بودجه و چگونگی اثرباری این امر بر طرح مورد نظر صورت گیرد.

راهکارها

بررسی چرخه سیاست‌گذاری جمعیت جهت نیل به اهداف نظام جمعیتی مطلوب و ضروری است. با بررسی نتایج به دست آمده از این نوشتار و برای بروز رفت از وضعیت متعارض موجود که از سمتی شامل بحران مدیریتی زیرساخت‌های اجتماعی، اقتصادی، رفاهی، بهداشتی، زیستی و فرهنگی است و از طرف دیگر وضعیت محتمل باروری پایین‌تر از سطح جایگزینی است که به سالخوردگی جمعیت در چند دهه آینده منجر خواهد شد، می‌توان راهکارهایی را پیشنهاد داد که بتوان به رشد متعادل جمعیتی دست یافت.

در ابتدا لازم است مدیریت کلان کشور از تمام ظرفیت خود برای بهبود متغیرهای کلان اقتصادی و اجتماعی استفاده کند تا شرایط لازم برای تغییر شاخص‌های کیفی و سپس کمی جمعیت فراهم شود. به عبارتی صرف حمایت‌های خرد و مستقیم در جهت تنظیم نرخ باروری در این راستا نمی‌تواند اثربار باشد. بدین ترتیب همان‌گونه که سیاست‌های جمعیتی در کشورهای توسعه‌یافته نیز بیشتر معطوف به سیاست‌های تقنی نیز غیرمستقیم و حمایتی است؛ لذا اعمال سیاست‌هایی مثل دگرگون‌سازی جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی از شرایط زندگی و رفتار مردم و به کارگیری قوانین غیرمستقیم در رسیدن به اهداف جمعیتی مطلوب، اثربخشی بیشتری دارد. همچنین با توجه به ماهیت سیال جمعیت ضمن رصد مستمر موقعیت‌های زمانی و مکانی و شرایط خانوارها و طبقات مختلف جامعه برای اثربخشی این سیاست‌ها باید در نظر داشت که ارائه یک قانون کلی مبنی بر افزایش



جمعیت در این راستا پاسخگو نیست. به عبارتی نمی‌توان برای تمام مناطق کشور با وجود تفاوت‌های متعدد اقلیمی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی یک سیاست تقنیکی واحد و یکسان را لحاظ کرد. رعایت اصل تناسب در این زمینه برای استفاده از ظرفیت این قوانین ضروری است، به گونه‌ای که مناسب است حمایت‌های لحاظ شده در سیاست‌های جمعیتی صرف‌نظر از ماهیت اقتدارگرایانه برای تسری به همه بخش‌های جامعه به عنوان ابزاری گرینشی، در خدمت اقسام و خانوارهایی با زمینه مناسب برای افزایش جمعیت و همچنین مناطقی که دارای توان زیستی و ظرفیت اکولوژیکی مناسب هستند، قرار گیرد.

به نظر می‌رسد در صورت الزام برای اجرایی شدن این طرح شایسته است مفاد و اعتبار آن مجدد در دستور بازبینی مجلس قرار گیرد. بدین جهت انجام کار علمی در راستای آینده‌پژوهی سیاست‌های اعمال شده از طریق متخصصان حوزه‌های گوناگون، مسئولان و متولیان مربوطه در این زمینه می‌تواند کمک‌رسان باشد. همچنین شایسته است تجربه‌های شکست خورده و موفقیت‌آمیز کشورهای دیگر در امر سیاست‌گذاری جمعیت و با دقت نظری بیشتری مطالعه شود.

جدول (۵): چرخه سیاست‌گذاری افزایش جمعیت

زمینه	مطلوبه رهبری، اهمیت اقتصادی و اجتماعی مسئلله جمعیت
درون داد	افزایش جمعیت، افزایش نرخ باروی، کاهش مرگ‌ومیر نوزادان، بهبود کیفی جمعیت
فرایند	سیاست‌های تشویقی و تنبیه‌ی در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، بهداشتی، اجتماعی
برون داد	عدم اثربخش بودن سیاست‌ها در دهه ۹۰ (قبل از تصویب طرح جوانی جمعیت)
ارزیابی	آشفتگی و منسجم نبودن قوانین، تعیین در اعطای تسهیلات، ضمانت اجرا نداشتن، بار مالی سنگین آن برای دولت، بی‌توجهی به اثر اجتماعی سیاست‌های اعمال شده
راهکار	بهبود متغیرهای کلان اقتصادی، توجه به آمایش سرزمینی و توان محیطی، در نظر داشتن تفاوت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی، اعمال سیاست‌های غیرمستقیم، بازبینی مجدد طرح و اعمال نظر متخصصان در این زمینه

فهرست منابع

- اجاق، سیده زهرا و عباسی شوازی، محمدجلال (۱۳۹۷). تحلیل گفتمنان سیاست‌های رسانه‌ای شده افزایش جمعیت: ارائه یک راهبرد ترویجی. نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، ۲۵(۲۵)، ۱۳۳-۱۶۴.
- تقی‌نژاد، علی؛ غمامی، سید محمدمهردی و عزیزی، حسین (۱۳۹۹). بایسته‌های تقنی‌نامه سیاست‌گذاری جمعیتی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران. فقه و حقوق خانواده، ۷۲(۲۵)، ۲۵-۴۷.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۷۷). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: انتشارات سمت.
- حسینی، حاتم (۱۳۹۴). وضعیت‌های متعارض و مسئله سیاست‌گذاری جمعیت در ایران. فصلنامه جمعیت، ۹۳(۹۴)، ۱۹-۴۵.
- حسینی، حاتم و بگی، بلال (۱۳۹۰). تغییرات جمعیتی، چالش‌های برنامه تنظیم خانواده و الزامات سیاست‌گذاری جمعیتی در ایران. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱۰(۱۲)، ۱۰۲-۱۲۱.
- درانی، کمال و صالحی، کیوان (۱۳۸۵). ارزشیابی هنرستان‌های کاردانش با استفاده از الگوی سیپ به‌منظور پیشنهاد چهارچوبی برای بهبود کیفیت هنرستان‌های کاردانش: موردی از هنرستان‌های منطقه ۲ شهر تهران. دوفصلنامه روانشناسی و علوم تربیتی، ۳۶(۱-۲)، ۱۴۳-۱۶۶.
- دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۹۳). ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت. در دسترس از آدرس: <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=26440>
- رحیمیان، فرشاد (۱۳۹۸). آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری جمعیتی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه جمعیت، ۱۰(۱۰۵-۱۰۶)، ۱۲۷-۱۵۱.
- صادقی، حسین و سعادت، رحمان (۱۳۸۳). رشد جمعیت، رشد اقتصاد و اثرات زیست محیطی در ایران (یک تحلیل علی). فصلنامه تحقیقات اقتصاد، ۶۴(۶۴)، ۱۶۳-۱۸۰.
- غمامی، سیدمحمدمهردی؛ مهاجری، مریم؛ جاوید، محمدجواد و حکمت‌نیا، محمود (۱۳۹۸). آسیب‌شناسی تقنی‌نامه سیاست‌های جمعیتی و ارائه شاخص‌های مطلوب. فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات راهبردی زنان، ۸۶(۸۶)، ۳۱-۵۸.
- غمامی، سیدمحمدمهردی و عزیزی، حسین (۱۳۹۳). بایسته‌های تغییر سیاست‌های

تقنیتی جمعیتی جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات راهبردی زنان* (کتاب زنان)، ۱۱۷-۱۵۶، (۶۶).

فتحی، الهام (۱۳۹۵). بررسی روند تغییرات ساختار و ترکیب جمعیت کشور و آینده آن تا افق ۱۴۳۰ شمسی براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن. تهران: مرکز آمار ایران.

فتحی، الهام (۱۳۹۹). روند باروری ایران، از سال ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۹. در دسترس از آدرس: <https://www.amar.org.ir>

قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۶-۱۴۰۰ (۱۳۹۴). در دسترس از آدرس: <https://www.cbi.ir>
قلی پور، رحمت‌الله و ابراهیم، غلام‌پور (۱۳۸۹). فرایند سیاست‌گذاری عمومی در ایران. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

کسرابی، محمدسالار؛ مرادخانی، همایون و رضایی، محمد (۱۳۹۰). فوکو حکومت‌مندی سوزه سیاسی و کنش سیاسی. *جامعه‌شناسی تاریخی*، (۲).

مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی (۱۴۰۰). در دسترس از آدرس: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1678266>
مصطفوی مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۹). در دسترس از آدرس: <http://nazarat.shora-rc.ir>

هداوند، سعید؛ رحیمی، رضا و دارابی، مهدی (۱۳۹۳). اعتباریابی الگوی ارزشیابی سیپ در عملکرد مراکز آموزشی مطالعه موردي، شرکت ملي صنایع پتروشیمی ایران. پژوهش‌های رهبری و مدیری آموزشی، (۱)، ۱۱۹-۱۳۸.

Birkland, T. A. (2014). *An introduction to the policy process: Theories, concepts and models of public policy making*. Routledge.

Demeny, P. (2003). *Policy Population: York New, Population of Encyclopedia*. Eds (M A R d Concepts to Introduction An: Population). Ecological Footprint Atlas (2010). *Global Footprint Network*. <http://www.footprintnetwork.org>.

Ewing B.; A. Reed, A. Galli; J. Kitzes, & M. Wackernagel (2010). *Calculation Methodology for the National Footprint Accounts*. Edition. Oakland: Global Footprint Network.

Howlett, M.; Ramesh, M. & Perl, A. (2009). *Studying public policy: Policy cycles and policy subsystems*, (3), Oxford: Oxford University.

Peters, guy Jon Pierre (2006). *Handbook of Public Policy*. Sage Publication. p 6.

The World Bank (2021). *Inflation*. consumer prices. <https://data.worldbank.org>

The World Bank (2021). *Unemployment*. youth total (% of total labor force

- ages 15-24). <https://data.worldbank.org>
- Thomas R. Dye (1995). *Understanding Public Policy, Eight Edition*. New Jersy, Prentice Hall, EnglewoodCliffs.
- Wackernagel, Mathis & William, Rees (1996). *Our ecological footprint: reducing human impact on the earth*. Gabriola Island, Canada: New Society Publishers.
- Weeks, J. R. (2002). *Population: An Introduction to Concepts and Issues*. 8th Edition, USA, Wadsworth.

References

- Birkland, T. A. (2014). *An Introduction to the Policy Process: Theories, Concepts and Models of Public Policy Making*. Routledge.
- Darani, K., & Salehi, K. (2008). Evaluation of Technical Colleges Using the CIPP Model for Proposing a Framework to Improve the Quality of Technical Colleges: A Case Study of Region 2 Technical Colleges in Tehran. *Journal of Psychology and Educational Sciences*, 143-166. (In Persian)
- Demeny, P. (2003). "Policy Population." In M. A. R. Concepts to Introduction An: Population. Encyclopedia of New York.
- Dye, T. R. (1995). *Understanding Public Policy*, Eighth Edition. New Jersey: Prentice Hall, Englewood Cliffs.
- Ecological Footprint Atlas. (2010). Global Footprint Network. <http://www.footprintnetwork.org>
- Ewing, B., Reed, A., Galli, A., Kitzes, J., & Wackernagel, M. (2010). "Calculation Methodology for the National Footprint Accounts, Edition." Oakland: Global Footprint Network.
- Fathi, E (2016). "Analysis of the Trend of Changes in the Structure and Composition of the Country's Population and Its Future up to the Horizon of 2051 SH Based on the Results of the General Population and Housing Census," Published by: Statistical Center of Iran. (In Persian)
- Fathi, E (2020). "Trend of Fertility in Iran, from 2017 to 2020," available at:<https://www.amar.org.ir>. (In Persian)
- Ghamami, M. M., Mohajeri, M., Javid, M. J., & Hekmatnia, M. (2019). Assessment of Legislation on Population Policies and Presentation of Desirable Indicators. *Strategic Studies of Women*, 86,31-58. (In Persian)
- Ghamami, S. M. M., & Azizi, H. (2014). Necessities of Changing Legal Population Policies in the Islamic Republic of Iran. *Strategic Studies of Women (Women's Book)*, 66, 117-156.. (In Persian)
- Gholipour, R., & Ebrahim, G. A. (2010). Public Policy Process in Iran.

- Tehran: Research Center of the Islamic Consultative Assembly. (In Persian)
- Hafeznia, M. R. (1998). An Introduction to Research Methods in Humanities. Tehran: SAMT Publications. (In Persian)
- Hodavand, S., Rahimi, R., & Darabi, M. (2014). Validation of the CIPP Evaluation Model in the Performance of Educational Centers: A Case Study of the National Petrochemical Company of Iran. *Leadership and Educational Management Research*, 1,119-138. (In Persian)
- Hosseini, H. (2015). Contradictory Situations and the Issue of Population Policy in Iran. *Population Quarterly*, 93-94,19-45.(In Persian)
- Hosseini, H., & Bagi, B. (2011). Population Changes, Challenges of Family Planning Programs, and Requirements of Population Policy in Iran. *Iranian Journal of Sociology*, 12,102-121. (In Persian)
- Howlett, M., Ramesh, M., & Perl, A. (2009). *Studying Public Policy: Policy Cycles and Policy Subsystems* (Vol. 3). Oxford: Oxford University.
- Islamic Consultative Assembly Research Center (2021). Available at: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1678266>.(In Persian)
- Kasraei, M. S., Moradkhani, H., & Rezaei, M. (2011). "Foucault: Governmentality, Political Subject, and Political Action." *Historical Sociology*, No. 2. (In Persian)
- Law of the Sixth Five-Year Economic, Social, and Cultural Development Plan of the Islamic Republic of Iran 2017-2021 (2015), available at:<https://www.cbi.ir>. (In Persian)
- Ojagh, S. Z., & Abbasi Shavazi, M. J. (2018). Analysis of Media-Promoted Discourse on Population Increase: Presentation of a Promotional Strategy. *Iranian Journal of Sociology*, 25,133-164. (In Persian)
- Peters, G., & Pierre, J. (2006). *Handbook of Public Policy*. Sage Publication, p. 6.
- Rahimian, F. (2019). Assessment of Population Policy in the Islamic Republic of Iran. *Population Quarterly*, 105-106,127-151. (In Persian)
- Resolution of the Islamic Consultative Assembly (2020). Available at:<http://nazarat.shora-rc.ir>. (In Persian)
- Sadeghi, H., & Saadat, R. (2004). Population Growth, Economic Growth, and Environmental Effects in Iran (An Ali Analysis). *Economic Research Quarterly*, 64,163-180. (In Persian)
- Taghinejad, A., Ghamami, S. M. M., & Azizi, H. (2020). Legal Requirements of Population Policy in the Legal System of the Islamic Republic of Iran. *Jurisprudence and Family Law*, 72,25-47. (In Persian)
- The Office for the Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Khamenei (2014). "Announcement of General Population Policies," available at: (<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=26440>). (In Persian)

- The World Bank. (2021). Inflation, consumer prices.
<https://data.worldbank.org>
- The World Bank. (2021). Unemployment, youth total (% of total labor force ages 15-24). <https://data.worldbank.org>.
- Wackernagel, M., & Rees, W. (1996). Our Ecological Footprint: Reducing Human Impact on the Earth. Gabriola Island, Canada: New Society Publishers.
- Weeks, J. R. (2002). "Population: An Introduction to Concepts and Issues," 8th Edition. USA: Wadsworth.

عوامل مؤثر بر سلامت اجتماعی نوجوانان ۱۳ تا ۱۸ سال مقیم مراکز شبه‌خانواده تحت ناظارت سازمان بهزیستی

مراد سیفی

دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
MORADSEIFI@yahoo.com

ID 0000-0003-3056-6809

طهمورث شیری

گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
shiri.tahmures@gmail.com

ID 0000-0003-0810-8043

رضاعلی محسنی

دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
mohseni.net14@gmail.com

ID 0000-0002-9741-7085

چکیده

عوامل طبیعی و غیرطبیعی موجب شده که تعداد کثیری از نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست در مراکز شباهنگی روزی زندگی و اقامت داشته باشند. این پژوهش با هدف شناسایی عوامل ساختاری و کارکردی مؤثر بر سلامت اجتماعی نوجوانان ۱۳ تا ۱۸ دختر و پسر مقیم مراکز شبه‌خانواده تحت ناظارت سازمان بهزیستی در سال ۱۴۰۱ در شهر تهران انجام شده است. پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت پژوهش در زمرة پژوهش‌هایی اکتشافی، به لحاظ نوع پژوهش کاربردی و به لحاظ راهبردی دارای راهبرد استقرایی و به لحاظ ماهیت داده‌ها در زمرة طرح پژوهش کیفی و از نوع نظریه داده‌بنیاد براساس مدل پارادایمی (Strauss & Corbin 1990) می‌باشد. در این پژوهش برای رهیافت پژوهشی نظریه داده‌بنیاد، از مدل پارادایمی (Corbin & Strauss 1990) که مبتنی بر شناسایی عناصر شش گانه: شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌ای، راهبردهای کنش/ واکنش، پیامد و پدیده‌محوری و ارتباط بین آنهاست؛ استفاده شد. جامعه آماری وحجم نمونه؛ تعداد ۲۴ نفر از کارشناسان عالی و ارشد و مسئولین و کارشناسان شاغل در این بخش هستند، بهصورت هدفمند انتخاب گردیده‌اند. داده‌های کیفی با استفاده نرم افزار مکس کیو.دی ای (MAXQDA2020)، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد مهم‌ترین عوامل مؤثر بر سلامت اجتماعی در دو گروه اصلی؛ عوامل ساختاری با سه زیرگروه؛ وضعیت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی قبل از ورود به شبه‌خانواده، کارکرد خانواده زیستی و ساختارهای موجود و عوامل کارکردی با زیرگروه کارکردهای قابل بهبود، حمایت اجتماعی، کارهای کاهش مشکلات نوجوانان، هماهنگی عوامل تربیتی، کارکردهای تربیتی و آموزشی، توجه به نقش آموزشی مربیان، کارکردهای اقتصادی و مالی شناسایی شدند.

کلیدواژه‌ها: مسائل اجتماعی، سلامت اجتماعی، نوجوانان، شبه‌خانواده، پژوهش کیفی.

شایانی الکترونیک: X-655-2588 / پژوهشگاه تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی



مقدمه و بیان مسئله

پژوهش حاضر تلاشی است در حوزه رفاه و بهزیستی اجتماعی گروه‌های اجتماعی بهویژه کسانی که در بستر زندگی در خانواده‌ای که در معرض آسیب و یا آسیب‌دیده باشد عرصه زندگی گذاشته‌اند نوجوانان دختر و پسری که به دلایلی همچون فوت سرپرست، بدسرپرستی و به علت آسیب‌های طبیعی (بیماری‌ها و حوادث) و علل غیرطبیعی، مشکلات خانوادگی، اعتیاد و طلاق و... نتوانسته‌اند در کانون خانواده ادامه حیات دهند و در مراکز نگهداری شبانه‌روزی سازمان بهزیستی مقیم شده‌اند تا به ادامه زندگی امیدوار باشند. متولیان امر، دولت و مؤسسه‌های خیریه با طراحی برنامه، فضا و امکانات سعی داشته و دارند که از آنها مراقبت و نگهداری کنند تا به شرایط مطلوب برسند و در آینده افرادی مفید در جامعه باشند. سلامت اجتماعی این گروه از نوجوانان به دلیل مراقبت‌های شبانه‌روزی در فضای شبه‌خانواده و شناسایی عوامل مؤثر بر آن حائز اهمیت است، امیدوارم که کلیه افرادی که در راه خدمت به کودکان معصوم و نوجوان عزیز مقیم در مراکز شبه‌خانواده قدم برمی‌دارند موفق و پیروز باشند.

سلامتی و رفاه در گستردگی‌ترین معنی آن، پدیده‌ای است که مورد توجه تمامی انسان‌ها، گروه‌های اجتماعی و جوامع بشری است. گرچه مفاهیم سلامتی ذهن و بدن طی مکان و زمان‌های مختلف، متفاوت بوده‌اند؛ اما برای تمامی فرهنگ‌ها و جوامع، نقش اساسی در تجارب زندگی انسان‌ها بازی کرده است. امروزه یکی از محورهای اساسی و مهم ارزیابی سلامتی جوامع مختلف که نقش مهمی در تضمین پویایی و کارآمدی هر جامعه ایفا می‌کند و تابعی از عوامل مختلف اجتماعی، فرهنگی و... برخورداری جامعه از بهزیستی اجتماعی است. بهزعم گلدادسمیت^۱ بهزیستی اجتماعی ارزیابی رفتارهای معنادار مثبت و منفرد فرد در ارتباط با دیگران است و آن را یکی از شاخص‌های سلامت هر جامعه‌ای معرفی می‌کند، که منجر به کارایی فرد در جامعه می‌گردد. به نظر می‌رسد اگرچه برخورداری از بهزیستی اجتماعی برای همه اشار جوامع دارای اهمیت است؛ اما برای قشر جوان واحد اهمیت بیشتری است؛ ضررورت آن به خاطر نقش محوری جوانان در جریان رشد و توسعه ملی و تحقق اهداف کمّی و کیفی آن است؛ درواقع می‌توان گفت برخورداری نوجوانان از بهزیستی اجتماعی موجب به

حداکثر رسیدن کارکردها و پیامدهای مثبت اجتماعی آن نظیر مشارکت سیاسی، اقتصادی و مدنی می‌شود و عدم برخورداری آنان، آسیبها و پیامدهای منفی آن را به همراه خواهد داشت (رزاقی، ۱۳۹۶).

مهم‌ترین مشخصات جامعه سالم، جامعه‌ای است که در آن مصرف مواد، کار کودکان، طلاق، بیکاری تحصیل کردگان، تنبیه و مواختی ناکافی کودکان و مصرف دخانیات وجود نداشته باشد (Zamankhani, 2016). اکر^۱ معتقد است زمانی که پیوند اجتماعی فرد با جامعه گسترش شود، عدم برخورداری از بهزیستی اجتماعی، فرد را مستعد کج رفتاری خواهد کرد. همچنین سازمان بهداشت جهانی^۲ شناسایی عوامل تعیین‌کننده و مرتبط با بهزیستی اجتماعی را در جهت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در سطوح خرد و کلان جامعه را از مسائل اساسی هر کشوری می‌داند (Zare Shah, 2015; Abadi, 2015). درواقع رشد جامعه و افزایش سلامت و رفاه اجتماعی نیازمند سرمایه اجتماعی خواهد بود و از آنجایی که شخصیت‌های فردی تحت تأثیر کیفیت و کمیت روابط میان‌فردی است، فقدان حمایت‌های اجتماعی و سرمایه اجتماعی ممکن است منابع فردی را برای مقابله با چالش‌ها تقلیل دهد، احتمالاً به اختلال‌های فراوان و کاهش رضایت از زندگی و کیفیت زندگی منجر شود؛ زیرا حمایت‌هایی را که فرد از خانواده، دوستان و یا جامعه دریافت می‌کند مستقیم و غیرمستقیم سلامت او را تحت تأثیر قرار می‌دهند (هزارجریبی، ۱۳۹۱). بنابر نظریه دورکیم هر چه احساس نزدیکی و پیوند فرد و ارتباط و حمایت با گروهش قوی‌تر باشد، احتمال به خطر افتادن سلامتی فرد کاهش می‌یابد. از نظر دورکیم مشکل اصلی جوامع جدید رابطه فرد با جامعه و میزان برخورداری فرد از میزان حمایت و سرمایه اجتماعی است، مشکلی که به از هم‌پاشیدگی اجتماعی و ضعف پیوندها و سرمایه اجتماعی برمی‌گردد. از پیامدهای سست شدن رابطه فرد با جامعه و عدم سرمایه اجتماعية و حمایت اجتماعی، به خطر افتادن بهزیستی اجتماعی (خودکشی) فرد است (AbdeLah, 2008). معتقدند شرکت کردن در جامعه از طریق مشارکت این مفهوم را می‌رسانند که افراد برای زندگی آرمان دارند و نشان‌دهنده سلامت و بهزیستی افراد است. مشارکت در جامعه به جوانان فرصت بسط روابط اجتماعی با افرادی غیر از خانواده و همسالان را در موقعیت‌های مختلف اجتماعی می‌دهد و به آنان کمک می‌کند تا یک درک درست نسبت به خود و دیگران پیدا کنند و از این طریق هویت اجتماعی خود را تقویت نمایند، هر ارتباطی که

1. Akers

2. worpd heaphth organization

فرد در زندگی خود برقرار می‌کند شامل حمایت‌هایی است که از خانواده، دولت و یا جامعه دریافت می‌کند و همه این‌ها مستقیماً سلامت او را تحت تأثیر قرار می‌دهند (باقی نصرآبادی، ۱۳۸۷).

مطالعات نشان داده‌اند که مشارکت اجتماعی پایین و فقدان حمایت اجتماعی اثرهای منفی روی سلامت افراد دارد. هاووس (۱۹۸۱) حمایت اجتماعی را نوعی مبادله بین فردی می‌داند که پیوندهای عاطفی، کمک‌های مؤثر ابزاری، ارائه اطلاعات، اظهارنظر و ارزیابی دیگران را دربرمی‌گیرند. هلر (۱۹۸۶) حمایت اجتماعی را یک فعالیت اجتماعی می‌داند که از طریق آن حرمت ذات فرد در یک رابطه بین شخصی تقویت شده و فرد از طریق کمک‌هایی که از دیگران دریافت می‌کند (عاطفی، شناختی و ابزاری) در برابر فشار روانی محافظت می‌شود (رستاگار خالد و عظیمی، ۱۳۹۱، ص. ۱۳۷). ساراسون معتقد است که حمایت عبارت است از ارزیابی شناختی فرد از محیط و روابطش با دیگران از نظر وی روابط در صورتی منبعی برای حمایت اجتماعی هستند که فرد آنها را به عنوان منبعی در دسترس یا مناسب برای رفع نیاز خود درک کند (قائیدی و یعقوبی، ۱۳۸۷، ص. ۷۰). همچنین پاتنم از اعتماد به عنوان تسهیل‌گر کنش‌های اجتماعی یاد می‌کند که به عنوان سازوکار کنترل اجتماعی در جامعه عمل می‌کند. از دیدگاه کیز عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر بهزیستی اجتماعی و در عین حال مأثر از سرمایه اجتماعی، کیفیت زندگی است. کیز معتقد است، کیفیت زندگی و عملکرد شخصی فرد را نمی‌توان بدون توجه به معیارهای اجتماعی و سرمایه اجتماعی فرد ارزیابی کرد و عملکرد خوب و کیفیت بالای زندگی چیزی بیش از سلامت جسمی، عاطفی و روانی است و بهزیستی اجتماعی و شیوه مواجه با چالش‌های اجتماعی را نیز دربرمی‌گیرد و بر آن نیز تأثیر می‌گذارد. کیفیت زندگی به شکل وسیع با مفهوم بهزیستی، روابط اجتماعی، سرمایه اجتماعی، اعتماد و مشارکت اجتماعی ارتباط پیدا می‌کند. بوردیو^۱ نیز معتقد است که موقعیت عامل در زمینه اجتماعی، به حجم و میزان سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی وی بستگی دارد، یعنی هر قدر سرمایه فرد بیشتر باشد، در فضای اجتماعی در موقعیت بالاتری قرار می‌گیرد (قادری، ۱۳۹۳). کودکان به دلایل ذیل و با معرفی‌نامه مقام قضایی جهت برخورداری از خدمات (مراقبت و پرورش) در بخش شبه‌خانواده پذیرش می‌شوند:

﴿فوت سرپرستان یا تنها سرپرست

- زندانی بودن سرپرستان یا تنها سرپرست
- مفقود الاثر شدن سرپرستان یا تنها سرپرست
- مجھول الهویه بودن کودک

عدم صلاحیت سرپرستان با حکم مقام قضایی و بهدلیل وجود شرایط خاص آسیب‌پذیری برای کودک در خانواده از قبیل سوءرفتار شدید (جسمانی، عاطفی - روحی، جنسی، بی‌توجهی و غفلت یا ترکیبی از همه موارد) بیماری‌های واگیر صعب‌العلاج و بیماری‌های روانی در خانواده که به سلامت جسمی، روانی، رشد و تعالی همه‌جانبه کودک آسیب می‌رساند. اعتیاد سرپرست یا سرپرستان درصورتی که سلامت جسمی، روانی، رشد و تعالی کودک را مورد مخاطره قرار دهد مراقبت و پرورش از کودکان تحت سرپرستی سازمان در خانه‌های کودکان و نوجوانان زمانی تجویز می‌شود که کلیه اقدام‌ها و تلاش‌های حرفة‌ای در زمینه بازگشت کودک نزد والدین یا انتقال وی به خانواده جایگزین مؤثر واقع نشده باشد، تأسیس خانه بهمنظور مراقبت و پرورش به صورت شباهتر روزی از کودکانی که مسئولیت آنان از طریق سازمان بهزیستی استان به مؤسسه خیریه محول می‌گردد.

در ماده ۱ «قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست» مصوب ۱۳۹۲/۰۶/۳۱ سرپرستی کودکان و نوجوانان فاقد سرپرست بهمنظور تأمین نیازهای مادی و معنوی آنان، با اذن مقام معظم رهبری و مطابق مقررات این قانون صورت می‌گیرد. طبق ماده ۳۶ «قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست» مصوب ۱۳۹۲/۰۶/۳۱، بهمنظور انجام صحیح مسئولیت پذیرش، نگهداری و مراقبت، حضانت و سرپرستی کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست توسط سازمان بهزیستی کشور و اختیار واگذاری سرپرستی آنان به خانواده‌های واحد شرایط و مؤسسه‌ها، مطابق آیین‌نامه‌های اجرایی این قانون واگذار می‌شود (سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۹۵).

کودکان مراکز شبه‌خانواده در یک مؤسسه با ویژگی‌های خاص مراقبت و نگهداری می‌شوند، کیفیت زندگی آنها برای متولیان امر با توجه به ابعاد سلامت اجتماعی مهم و قابل توجه است، کودکان و نوجوانان از جمله گروه‌های آسیب‌پذیر هستند که نیازمند توجه خاص هستند تا اطمینان نسیی جهت تأمین سلامت آنان برای آینده داشته باشند. در حال حاضر ۶۵٪ مؤسسه و مرکز غیردولتی تحت عنوان خانه کودک و نوجوان در کشور وجود دارد. عملده مراکز کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست توسط مؤسسات خیریه و مؤسسات غیردولتی با مجوز سازمان بهزیستی

کشور اداره می‌شوند. در شهر تهران ۶ خانه کودک و نوجوان پسر و دختر در سنین ۱۳ تا ۱۸ سال وجود دارد که به طور میانگین ۲۰ نوجوان به صورت تک‌جنسیتی (پسر یا دختر) در هر کدام از آنها آنها مقیم هستند که در زمان انجام این پژوهش تعداد ۱۱۶ نفر در این مراکز مقیم بودند. ساختار مراکز فعلی که از مراکز بزرگ و شبانه‌روزی دولتی قبل فاصله گرفته و با کاهش تعداد کودکان و شرایط فیزیکی، موجب شده شباهت‌هایی را به خانواده پیدا کنند به خانه‌های کودک و نوجوان تبدیل شده و به همین دلیل شبه‌خانواده نامیده شده‌اند. تهران به عنوان یکی از شهرهای پرجمعیت پایتخت که از تراکم جمعیتی بالایی برخوردار است بیشترین فراوانی مراکز و مقیمان شبه‌خانواده را دارد و با توجه به نظر مشورتی با مسئولین ذی‌ربط در سازمان بهزیستی انجام شده است.

۱. هدف و پرسش‌های پژوهش

سلامت اجتماعی موضوعی بسیار مهم و راهبردی است. سلامت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های مهم رفاه اجتماعی است، شناخت وضعیت سلامت اجتماعی نوجوانان به‌ویژه آن دسته از نوجوانان دختر و پسری که در مراکز شبه‌خانواده مراقبت و نگهداری می‌شوند از اهمیت بالایی برخوردار است، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی برای این دسته از نوجوانان، ارتقاء سلامت اجتماعی، تقویت ارتباطات اجتماعی سالم، بهبود روحیه انطباق اجتماعی، افزایش مشارکت اجتماعی و حضور در جامعه از اهداف بهزیستی این گروه از نوجوانان است. این افراد در ساختارهایی قرار گرفته‌اند که دارای سلسله مراتب اداری است، ساختارهای موجود و تغییرات آنها، چگونگی تأمین نیازها و... در وضعیت سلامت اجتماعی تأثیر دارد. اهمیت توجه به بعد اجتماعی توسعه و همچنین تأکید سازمان بهداشت جهانی بر سلامت اجتماعی، در کنار سلامت فیزیکی، سبب شده است تا امروزه سلامت اجتماعی به دغدغه مشترک جامعه‌شناسان و برنامه‌ریزان اجتماعی در هر جامعه تبدیل شود؛ زیرا سلامت اجتماعی افراد از یک طرف معلول عوامل متعدد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و... است و یکی از شاخص‌های توسعه جوامع به‌شمار می‌رود و از طرف دیگر خود می‌تواند در توسعه جامعه نقش اساسی ایفا کند.

تحقیق سلامت اجتماعی، آگاهی، مسئولیت‌پذیری، توانمندی و مشارکت ساختارمند و فعالانه نوجوان، شبه‌خانواده، ساختار مؤسسه و همکاری سازمان بهزیستی را در تأمین، حفظ و ارتقاء سلامت اجتماعی طلب می‌کند، هدف عمدۀ این پژوهش آن است

که مهم‌ترین عوامل ساختاری و کارکردی مؤثر بر سلامت اجتماعی نوجوانان ۱۳ تا ۱۸ سال مقیم مراکز شبه‌خانواده تحت نظارت سازمان بهزیستی کدامند؟ از طرفی داشتن سلامت اجتماعی در سطح مطلوب برای این گروه از نوجوانان ۱۳ تا ۱۸ ساله که به زودی از مراکز شبه‌خانواده خارج و به صورت مستقل زندگی خود را پیش خواهند برد، بسیار اساسی است. توانایی برخورد مناسب با چالش‌های ناشی از ایفای نقش‌های اجتماعی در آینده ضروری است. اهمیت سلامت اجتماعی در گروه نوجوانان که آینده‌سازان کشور هستند از یک طرف و لزوم حمایت و مراقبت صحیح و اصولی از این عزیزان از طرف دیگر، موجب شده است تا متولیان ذی‌ربط به موضوع شناخت وضعیت سلامت اجتماعی این عزیزان و همچنین توجه به ارتقاء میزان سلامت اجتماعی آنان مهم تلقی شود، مسئولین سازمان بهزیستی با نگاه به آینده به دنبال افزایش کیفیت خدمات برای این گروه اجتماعی هستند و نسبت به افزایش روزافرون تعداد کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست به دلیل رشد آسیب‌های اجتماعی نگران هستند و به دنبال رویکردهای نوین در جهت پیشگیری و توانمندسازی و خروج موفق از چرخه حمایت هستند، انتظار می‌رود این پژوهش بتواند زمینه شناخت وضعیت موجود و نیز پیشنهادها و راهکارهای ارتقاء وضعیت مطلوب سلامت اجتماعی، اطلاعاتی فراهم نماید که تغییر در رویکردهای مراقبت و نگهداری نوجوانان در شبه‌خانواده را به دنبال داشته باشد. پرسش‌های اصلی پژوهش عبارت‌اند از:

- ۱- عوامل ساختاری مؤثر بر سلامت اجتماعی نوجوانان مقیم مراکز شبه‌خانواده تحت نظارت سازمان بهزیستی کدامند؟
- ۲- عوامل کارکردی مؤثر بر سلامت اجتماعی نوجوانان مقیم مراکز شبه‌خانواده تحت نظارت سازمان بهزیستی کدامند؟

۲. پیشینه پژوهش

نتیجه جستجو در بانک‌های اطلاعات و کتابخانه‌ها حاکی از آن است که در مورد سلامت اجتماعی کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست مقیم در مراکز شبانه‌روزی تحت نظارت سازمان بهزیستی انجام نشده است؛ اما در موضوع سلامت اجتماعی و کودکان شبانه‌روزی پژوهش‌هایی انجام شده است گرچه به صورت مستقیم به موضوع سلامت اجتماعی اشاره نکرده‌اند؛ ولی در مورد مسائل و مشکلات مراکز شبانه‌روزی، کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست پژوهش‌های انجام شده است که در ادامه

ضمن بیان برخی مطالعات قابل توجه در این زمینه به عنوان، نویسنده، تاریخ انجام، جامعه مورد مطالعه و نتایج سایر مطالعات انجام شده اشاره می‌شود.

نتایج مطالعه با موضوع اثربخشی آموزش کفایت اجتماعی بر گرایش به رفتارهای پرخطر نوجوانان پسر مراکز شبانه‌روزی بهزیستی در شهرهای مشهد و سبزوار نشان می‌دهد نوجوانان پسر بی‌سرپرست و بدسرپرست در طول دوران زندگی‌شان در مراکز شبانه‌روزی دچار تندیگی و تنشی‌های بسیاری می‌شوند. متأسفانه آنان جایگاه اجتماعی منفی را تجربه می‌کنند که کسب موفقیت را برای آنان دشوار و به آرزوی همیشگی تبدیل می‌کند. آموزش کفایت اجتماعی موجب ارتقاء مهارت‌ها، افزایش ظرفیت برای انطباق نوجوانان با موقعیت‌های مختلف و برخورد آنان با مشکلات می‌شود (Alizadeh, 2018). تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی بر اضطراب اجتماعی و خشم نوجوانان بدسرپرست و بی‌سرپرست شهرستان تهران نشان داد که فقدان آموزش مهارت‌های ارتباطی بر اضطراب اجتماعی و خشم نوجوانان بدسرپرست و بی‌سرپرست می‌گردد و مشکلات اجتماعی زیادی بهار می‌آورد، توصیه می‌شود؛ مهارت‌های ارتباطی در مراکز نگهداری شبانه‌روزی و نیمه‌متمرکز کودکان و نوجوانان دارای آسیب‌های اجتماعی استفاده شود تا آنان مهتم‌ترین اصل زیستن، یعنی باور داشتن خودشان را بیاموزند (برجاعی، ۱۴۰۰)، سلامت اجتماعی کودکان ۷ تا ۱۱ ساله ساکن مراکز نگهداری شبانه‌روزی، توسط محبوبه بیات (بیات و دیگران، ۱۳۸۶) نشان داد که کودکان ساکن مراکز نگهداری شبانه‌روزی از نظر سلامت اجتماعی جزو گروه‌های پرخطر در جوامع محسوب می‌شوند؛ لذا با توجه به یافته‌های به دست آمده در مطالعه انجام شده و سایر پژوهش‌های در کشورهای دیگر، توجه بیشتر و رسیدگی به وضعیت سلامت اجتماعی این گروه از کودکان، همچنین انجام مطالعات بیشتر در خصوص بررسی عوامل مؤثر بر سلامت اجتماعی آنان توصیه می‌شود.

پیشنهاد پژوهش‌های انجام شده مرتبط با موضوع

نويسنده	عنوان	نتیجه
نویدزاده و دیگران. ۱۴۰۱	اثربخشی آموزش حل مسئله با حل مسئله با رویکرد توانمندسازی رویکرد توانمندسازی بر درک مددکاری اجتماعی، تأثیر معناداری بر ارزش‌های خویشتن دختران شبانه‌روزی سطح درک ارزش‌های دختران ساکن در شبانه‌روزی شبانه‌روزی داشته است و همچنین بین میانگین گروه مداخله و کنترل، در متغیر	یافته‌های پژوهش نشان داد آموزش مهارت حل مسئله با رویکرد توانمندسازی بر درک مددکاری اجتماعی، تأثیر معناداری بر ارزش‌های خویشتن دختران شبانه‌روزی سطح درک ارزش‌های دختران ساکن در شبانه‌روزی شبانه‌روزی داشته است و همچنین بین میانگین گروه مداخله و کنترل، در متغیر

نويسنده	عنوان	نتيجه
		مورد بررسی درک ارزش‌ها تفاوت معنی‌دار وجود دارد. یافته‌های این پژوهش نشانگر آن است که آموزش مهارت حل مسئله با رویکرد توانمندسازی مددکاری اجتماعی می‌تواند روشی مؤثر جهت ارتقای سطح سازگاری فردی (خرده مقیاس درک ارزش‌های خویشتن) دختران ساکن در شبانه‌روزی است.
نویدزاده، ۱۴۰۰	بررسی اثربخشی آموزش حل مسئله با رویکرد توانمندسازی مددکاری اجتماعی، تأثیر معناداری بر افزایش سطح روابط اجتماعی دختران ساکن در شبانه‌روزی داشته است. و همچنین بین میانگین گروه مداخله و کنترل، سطح روابط اجتماعی دختران ساکن در شبانه‌روزی داشته است و همچنین بین میانگین گروه مداخله و کنترل، در متغیر مورد بررسی روابط اجتماعی تفاوت معنی‌دار وجود دارد و روشی مؤثر جهت ارتقای سطح روابط اجتماعی دختران ساکن در شبانه‌روزی است.	نتایج نشان داد آموزش مهارت حل مسئله با رویکرد توانمندسازی مددکاری اجتماعی، تأثیر معناداری بر افزایش سطح روابط اجتماعی دختران ساکن در شبانه‌روزی داشته است. و همچنین بین میانگین گروه مداخله و کنترل، سطح روابط اجتماعی دختران ساکن در شبانه‌روزی داشته است و همچنین بین میانگین گروه مداخله و کنترل، در متغیر مورد بررسی روابط اجتماعی تفاوت معنی‌دار وجود دارد و روشی مؤثر جهت ارتقای سطح روابط اجتماعی دختران ساکن در شبانه‌روزی است.
عادلیان راسی و دیگران ۱۴۰۰	تأثیر مداخله مددکاری اجتماعی با مددکاری اجتماعی بر شیوه مقابله پسران و همدمی تأثیر داشته، طوری که تفاوت معناداری بین میانگین نمرات پیش آزمون - پس آزمون نوجوانان در دو گروه آزمایش و کنترل وجود داشت.	تأثیر مداخله نشان داد که مداخله رویکرد حل مسئله بر همدلی و راهبردهای مقابله‌ای در نوجوانان پسر مراکز شبانه‌روزی
خدابخشی کولایی و دیگران، ۱۳۹۸	مداخله آموزش مدیریت خشم که متناسب با بافت و نوع زندگی نوجوانان پسر مقیم در مرکز طراحی شده بود به کاهش پرخاشگری و اضطراب اجتماعی آنها منجر شد. مشاوران می‌توانند برای پیشگیری از مشکلات روان‌شناختی در این گروه از نوجوانان از این مداخله بهره بگیرند.	اثربخشی برنامه آموزش گروهی مدیریت خشم و تأثیر آن بر پرخاشگری و هراس اجتماعی نوجوانان پسر مقیم در مراکز شبانه‌روزی بهزیستی

نويسنده	عنوان	نتيجه
چيتاساز و ديگران، ۱۳۹۸	تجربه زبسته کودکان و نوجوانان بسپرست از زندگی در مراكز تکه داري شبانه روزی شهر تهران	يافته ها حاكي از درك پيچيده ای از زندگي در مراكز شبانه روزی تو سط شركت كنندگان بود. آنان با وجود محدودي ت و نظرات زياد در اين مراكز از زندگي خود رضي ات داشتند اما حضور در اين مراكز را منشأ آينده اي مبهم برای خود می دانند و در خواست شادي بيشتر، حمایت و پذيرش در جامعه داشته و نسبت به خانواده خود احساسی دوگانه از دلتنگی و ناراحتی دارند.
سيده ئه ستيره و سجادى نسب، ۱۳۹۹	مقاييسه ميزان صميميت اجتماعي نوجوانان مقيم مراكز شبانه روزي نوجوانان مقيم مراكز شبانه روزي بهزيستي و نوجوانان ساكن در خانواده	تحليل صميميت اجتماعي و مؤلفه هاي آن نشان مي دهد كه بين صميميت اجتماعي نوجوانان مقيم مراكز شبانه روزي بهزيستي و نوجوانان ساكن در خانواده تفاوت معناداري وجود ندارد.
بهنوش و محمدزاده اد ملابي، ۱۳۹۹	بررسی مقاييسه ای عملكرده ای اجرايی شناختي (حل مسئله، انعطاف پذيری ذهنی و عملكرده ای اجرايی (حل مسئله، انعطاف پذيری ذهنی و رسک پذيری) در مراكز شبانه روزی بهزيستی و همتاييان عادي آنها در شهر تهران	نتيجه حاكي از آن بود كه نوجوانان ساكن در مراكز شبانه روزی بهزيستي نسبت به همتاييان عادي آنها در شهر تهران در عملكرده ای اجرايی (حل مسئله، انعطاف پذيری ذهنی و رسک پذيری) عملكرد ضعيفتري دارند و بين اين دو گروه در عملكرده ای اجرايی حل مسئله، انعطاف پذيری ذهنی و رسک پذيری تفاوت معنی داري وجود دارد؛ بنابراین می توان نتيجه گرفت كه نوجوانان ساكن مراكز شبانه روزي در عملكرده ای اجرايی شناختي خود نسبت به همتاييان عادي آنها ضعيفت هستند و نياز است كه با ارائه پروتوكل هاي جياباني و درمانی شناختي، جهت بهبود آينده اين نوجوانان و درنهایت بهمود جامعه، اقدام كرد.
کشاورز و رنجبر نوشري، ۱۳۹۹	اثرخشی آموزش ذهن آگاهی برخورد تنظيمي هيجانی در دختران نوجوان تحت سپرستي مراکز شبانه روزی بهزيستی	در نتيجه، آموزش ذهن آگاهی بر خود تنظيمي هيجانی در دختران نوجوان تحت دختران نوجوان تحت سپرستي مراکز شبانه روزی اثرگذار است.

نتیجه	عنوان	نویسنده
این نتایج از کارایی فراینده مداخله مدیریت خشم تدوین شده مناسب با بافت فرهنگی در جهت کاهش پرخاشگری و هراس اجتماعی نوجوانان (مطالعه موردي مراکز شباهنروزی بهزیستی استان تهران)	تدوین برنامه آموزش گروهی مدیریت خشم و تأثیر آن بر پرخاشگری و هراس اجتماعی نوجوانان (مطالعه موردي مراکز شباهنروزی بهزیستی استان تهران)	ashrafieh esfahanian, ۱۳۹۸
نتایج تجزیه و تحلیل داده ها نشان داد نوجوانان ساکن در مراکز شباهنروزی بهزیستی نمرات کمتر معناداری در افسردگی نسبت به همتایان عادی خود داشتند.	بررسی مقایسه های اضطراب، افسردگی و خود کارآمدی نوجوانان ساکن مراکز شباهنروزی بهزیستی و همتایان عادی آنها در شهر تهران	بهنوش حامد و پاک روح، ۱۳۹۸
بنابراین از یافته های پژوهش می توان نتیجه گرفت که آموزش ایفای نقش بر پرخاشگری و ابراز وجود پسران نوجوان مراکز شباهنروزی افزایش ابراز وجود و کاهش پرخاشگری پسران نوجوان مؤثر بوده است.	تأثیر آموزش به شیوه ایفای نقش بر پرخاشگری و ابراز وجود پسران نوجوان مراکز شباهنروزی	کریمی و یارویسی، ۱۳۹۸
نتایج تجزیه تحلیل داده ها نشان داد نوجوانان ساکن در مراکز شباهنروزی بهزیستی نمرات کمتر معناداری در مقایسه با همتایان عادی در متغیرهای حافظه کاری، توجه و کنترل پاسخ، نمرات هوش کلامی و عملی آزمون وکسلر و همچنین آزمون انگیزه پیشرفت به دست آورند که این تفاوت ها معنادار بودند. پیشنهاد می شود به کودکان ساکن مراکز شباهنروزی بهزیستی خدمات مشاوره های و آموزشی در جهت تقویت انگیزه پیشرفت و کارکردهای اجرایی ارائه شود.	بررسی مقایسه های عملکردهای اجرایی شناختی (تمرکز و توجه، حافظه) و انگیزه پیشرفت در نوجوانان ساکن در مراکز شباهنروزی بهزیستی و همتایان عادی آنها در شهر تهران	بهنوش حامد، ۱۳۹۸
نتایج حاصل از آزمون انشان داد که دختران نوجوان تحت حمایت خانواده به طور معنی داری از سلامت روان دختران نوجوان تحت حمایت مراکز نگهداری شباهنروزی با دختران گروه دیگر برخوردار بودند و این تفاوت مخصوصاً در زیر مقیاس های اضطراب - کم خواهی و افسردگی معنی دار بود. همچنین بین سبک دلیستگی دختران دو گروه نیز تفاوت معنی دار وجود داشت و دختران تحت	بررسی مقایسه های سبک های دلیستگی و سلامت روان دختران نوجوان تحت حمایت مراکز نگهداری شباهنروزی با دختران نوجوان تحت حمایت خانواده شهرستان آباده	اسلمی، ۱۳۹۷

نتیجه	عنوان	نویسنده
حمایت خانواده به طور معنی‌داری سبک دلبستگی نزدیک (ایمن) داشتند.		
نتایج تحلیل نشان داد پرخاشگری کلی در بین نوجوانان عادی و بی‌سربست تفاوت معنی‌داری دارد. همچنین میزان پرخاشگری غیرعمدی در نوجوانان بی‌سربست بیشتر از نوجوانان عادی است. در حالی که بین پرخاشگری عمدی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. بر اساس این یافته‌ها می‌توان گفت وضعیت نوجوانان بی‌سربست و شرایط زندگی آنان سبب رشد پرخاشگری غیرعمدی در آنان شده است.	بررسی مقایسه کنترل خشم آنی بین فرزندان مراکز شبانه روزی بهزیستی و فرزندان خانواده‌های عادی شهر کرمان سال ۹۶	آقامالی و دیگران، ۱۳۹۶
نتایج نشان داد: بین خیال‌پردازی، میزان تاب‌آوری و تحمل پریشانی رابطه معنادار وجود دارد و خیال‌پردازی قادر به نوجوانان پسر ساکن در مراکز شباهروزی پریشانی است.	پیش‌بینی میزان تاب‌آوری و تحمل تاب‌آوری و تحمل پریشانی رابطه معنادار نوجوانان پسر ساکن در مراکز شباهروزی	۱۳۹۶
با توجه به نتایج به دست آمده بیان می‌شود که دوره‌های آموزش کیفیت زندگی درمانی به شیوه گروهی بر جهت‌گیری زندگی دختران بی‌سربست یا بد از زندگی و درنهایت افزایش بهزیستی افراد سربرست مراکز شباهروزی اصفهان شود.	اثربخشی کیفیت زندگی درمانی به شیوه گروهی بر جهت‌گیری زندگی دختران بی‌سربست یا بد	جنت و لطیفی، ۱۳۹۶
یافته‌ها نشان داد که دین مقیاس اطلاعاتی سبک هویتی، مقیاس هنجاری، مقیاس سردرگمی - اجتنابی و تعهد نوجوانان در خانواده و مراکز شباهروزی شباه خانواده تفاوت معنی‌داری وجود دارد.	مقایسه سبک‌های هویتی نوجوانان در خانواده و مراکز شباهروزی شباه خانواده یزد	۱۳۹۵
نتایج تحلیل داده‌های حاصل از پژوهش نشان داد که بین دو گروه مراقبان برنامه fbr و مراقبان مراکز شباهروزی سازمان بهزیستی شهر اصفهان fbr و مراقبان مراکز شباهروزی سازمان بهزیستی در مؤلفه‌های امید و شفقت به خود تفاوت معنادار وجود دارد.	مقایسه امید و شفقت به خود بین مراقبان برنامه fbr و مراقبان مراکز شباهروزی سازمان بهزیستی شهر اصفهان	ملایی و صادقی، ۱۳۹۵

نتیجه	عنوان	نویسنده
نتایج تحقیق نشان داد که بالط敏ان ۰/۹۵ آموزش مهارت‌های ارتباطی بر سازگاری اجتماعی و تکاش‌گری در بین دختران ساکن خانه‌های شبانه‌روزی مؤثر بود. همچنین با اطمینان ۰/۹۵ و سطح خطای بزرگ‌تر از ۰/۰۵ آموزش مهارت‌های ارتباطی بر تکاش‌گری دختران ساکن خانه‌های شبانه‌روزی مؤثر نیست.	اثرخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی بر سازگاری اجتماعی و تکاش‌گری در بین دختران ساکن خانه‌های شبانه‌روزی	انتصارفمنی و کابینی مقدم، ۱۳۹۵
نتایج تحقیق نشان داد مقایسه رابطه ابراز وجود و رشد قضایت اخلاقی با سلامت روان در روان در نوجوانان مراکز نگهداری شبانه روزی بهزیستی خراسان جنوبی و نوجوانان عادی متفاوت است.	مقایسه رابطه ابراز وجود و رشد قضایت اخلاقی با سلامت روان در نوجوانان مراکز نگهداری شبانه روزی بهزیستی خراسان جنوبی و نوجوانان عادی	بارانی، و دستجردی، ۱۳۹۵
می‌توان از نتایج این مطالعه نتیجه گرفت که، فقدان خانواده سبب می‌شود کودکان خانواده از سیاری از تجارب مفید و یادگیری‌های سالم محروم شده و این خلاصه‌ای تواند تعییراتی را در رفتار کودکان ایجاد نموده و زمینه را برای بروز مشکلاتی از قبیل افسردگی، گوشگیری و اضطراب یا بروز اختلالات شدید روانی فراهم نماید؛ لذا حضور در محیط گرم و دوستانه خانواده وجود روابط عاطفی خوب بین افراد خانواده موجب پرورش افرادی با سلامت روان و شخصیت سالم و بالعکس فقدان دیافت حمایت عاطفی از طرف والدین موجب کچروی‌های اجتماعی و مشکلات روان‌شناختی و تزلزل سلامت روانی می‌گردد.	مقایسه شاخص‌های سلامت روان در کودکان بی‌سرپرست نگهداری شده در مراکز با کودکان سپرده شده نزد اقوام در استان لرستان	رجبی و دیگران، ۱۳۹۵
نتایج نشان داد استفاده از مریبیان و مسئولان آموزش دیده و روان‌شناسان با تجربه (یا حتی روان‌پزشک) شبیه‌سازی محیط خانه در مجموعه - کم کردن جایه‌جایی بچه‌ها و تعییر مدام محل سکونت (به حداقل رساندن جایه‌جایی بچه‌ها) توجه به مسائل رفاهی، تفریحی،	آسیب‌شناسی و نیاز‌سنجی کودکان بی‌سرپرست در جامعه معاصر ایران	سنایی پارسا و جمشیدی، ۱۳۹۵

نتیجه	عنوان	نویسنده
آموزشی و پرورشی، ایجاد اسکان برای یکجا بودن خواهر و برادرها – نسبت صحیح تعداد مردی به بچه‌ها یا کودکیار به کودک که عدد ۱ به ۳ مناسب است - استقرار فرزندان در مناطق متوسط شهر برای آشنایی با این فرهنگ - تقسیم واحدهای بزرگ‌تر به کوچک‌تر ۶ فرزند در هر واحد - تفکیک کامل شباهنروزی‌ها از مجتمع - وجود تنوع سنی در یک مرکز - جدا نگهداری کردن از بچه‌هایی که به شکل موقت هستند با بچه‌هایی که مدت طولانی‌تری در مرکز خواهند بود - ایجاد مرکزی مستقل برای انجام دادن خدمات مشاوره‌ای - ایجاد همانندسازی، الگوسازی و تمرکز عاطفی کودک و مسئول پرورش او - ایجاد احساس مسئولیت در بچه‌ها - مشارکت بچه‌ها در اداره امور واحدها - کاریابی و ترجیح مناسب.		
نتایج این مطالعه نشان داد سلامت اجتماعی کودکان بررسی سلامت اجتماعی کودکان کار مراجعته کننده به مراکز مردم نهاد حمایت از حقوق کودکان اجتماعی و شناسایی و حذف عوامل مؤثر بر پدیده کار کودکان، تلاش مشترک کلیه سطوح جامعه را می‌طلبد.	بررسی سلامت اجتماعی کودکان کار مراجعته کننده به مراکز مردم نهاد حمایت از حقوق کودکان اجتماعی و شناسایی و حذف عوامل مؤثر بر پدیده کار کودکان، تلاش مشترک کلیه سطوح جامعه را می‌طلبد.	مرادی و دیگران، ۱۳۹۳
که نتایج نشان داد میان آموزش مهارت‌های اجتماعی در میان فرزندان شباهنروزی افزایش رضایتمندی، برقراری ارتباط صحیح و افزایش قدرت حل مسئله و تصمیم‌گیری از لحاظ آماری و با مقداری ضریب ۵۰ درصدی رابطه مؤثر برقرار بوده است.	بررسی میزان مهارت‌های اجتماعی در میان فرزندان شباهنروزی افزایش رضایتمندی، برقراری ارتباط صحیح و افزایش قدرت حل مسئله و تأثیر آن بر سیک زندگی	طالبی، ۱۳۹۳
نتیجه‌گیری: مداخله آموزشی از طریق بحث گروهی تأثیر مثبتی در بهبود آگاهی افراد مورد مطالعه در خصوص بهداشت بلوغ جسمی دختران نوجوان ساکن	بررسی تأثیر آموزش از طریق بحث گروهی بر ارتقاء آگاهی بهداشت	شیرزادی و دیگران، ۱۳۹۲

نويسنده	عنوان	نتيجه
	مراکز شبانه روزی بهزیستی شهر تهران	بلغ جسمی داشت؛ لذا شایسته است از این روش در آموزش مسائل مربوط به دوران بلوغ دختران نوجوان بهره گرفته شود.
پرويزی سرور و ديگران، ۱۳۹۰	زمينه‌های اجتماعی سلامت اجتماعی بر نوجوانان و سلامت آنان نوجوانان به روش پژوهش کيفي غیرقابل انکار است. پرداختن به بعد اجتماعی سلامت نوجوانان با زير گروههای كه با خانواده، اشتغال، رفاه و توسيعه ارتباط دارد می‌تواند در طراحی زير بنای سلامت آينده مفید باشد.	نتيجه‌گيري کلي: نقش مهم عوامل اجتماعي بر نوجوانان و سلامت آنان نوجوانان به روش پژوهش کيفي غیرقابل انکار است. پرداختن به بعد اجتماعي سلامت نوجوانان با زير گروههای كه با خانواده، اشتغال، رفاه و توسيعه ارتباط دارد می‌تواند در طراحی زير بنای سلامت آينده مفید باشد.
رحيمي و ديگران، ۱۳۹۰	رابطه سبک های هویت یابی و سلامت اجتماعی در نوجوانان ۱۸- ۱۵ ساله ساكن مراکز شبانه روزی شهر تهران ۱۳۹۰	در مجموع، يافته‌ها نشان می‌دهد که صرف نظر از شيوه مواجهه‌ي افراد با مسائل مربوط به هویت، وجود یا عدم وجود تعهد می‌تواند تعیین‌کننده سلامت اجتماعی باشد. نوجوانان اطلاعات مدار و هنجارمدار در مقایسه با همتایان سردرگم خود، تعهدات قوی تر و سلامت اجتماعی بالاتری نشان می‌دهند.

۳. ملاحظه‌های نظری

سلامت اجتماعی تابعی از عوامل مختلف اجتماعی و فرهنگی است که نقش مهمی در تضمین پویایی و کارآمدی هر جامعه ایفا می‌کند از آنجایی که شرط مهم برای رشد و شکوفایی هر جامعه وجود افراد آگاه، کارآمد و خلاق است (شویچی و کاظمی، ۱۳۹۴، ص. ۲). امروزه مفهوم سلامت اجتماعی با توجه به تعاریف و ابعاد گوناگون آن عبارت است از هماهنگی بین ارزش‌ها، علائق و نگرشا در حوزه عمل افراد در جامعه و درنتیجه برنامه‌ریزی واقع‌بینانه و هدفمند برای زندگی است (چایچی تبریزی، ۱۳۹۴). سلامت اجتماعی مفهومی است که به ارتباط بین دو مفهوم سلامت و اجتماع اشاره دارد. با توجه به اینکه اجتماع خود مفهومی اعتباری است و حقیقت خارجی آن منوط به تک‌تک افرادی است که آن را تشکیل داده‌اند، در بررسی اجتماع باید بیش از هر چیز افراد جامعه را مورد مطالعه قرار داد. سلامت اجتماعی هنگامی محقق می‌شود که

خانواده‌ها و افراد از رضایت‌نسبی برخوردار باشند و هر یک از شهروندان در برابر اجتماع خود احساس مسئولیت کنند و سعادت خود را در اجتماع بدانند (بخارایی؛ شربتیان و طوفانی، ۱۳۹۴، ص. ۲). لارسون (۱۹۹۶م) معتقد است سلامت اجتماعی شامل پاسخ‌های درونی فرد (احساس، تفکر و رفتار) است که نشانگر رضایت یا نبودن رضایت فرد از زندگی و محیط اجتماعی‌اش است (لارسون، ۱۹۹۶م، ص. ۱۸۳). سلامت اجتماعی به کیفیت ارتباطات یک فرد با دیگران برمی‌گردد. درجه صبر و بردباری و احترام فرد به دیگران بخشی از سلامت اجتماعی فرد به حساب می‌آید، همچنین توانایی توسعه و حفظ روابطی که به زندگی افراد ارزش می‌بخشد نیز بخشی دیگر از سلامت اجتماعی محسوب می‌شود که از طریق بررسی روابط سالم فرد با جامعه، خانواده، مدرسه و محیط شغلی قابل بررسی است (تلفر و شارپلی، ۲۰۱۵م، ص. ۶۹).

مجموع نظرها درباره بعد سلامت اجتماعی را می‌توان درسه دسته یا رویکرد قرار داد:

- الف) سلامت اجتماعی به مثابه جنبه‌ای از فرد در کنار سلامت جسمی و روانی؛
- ب) سلامت اجتماعی به مثابه شرایط اجتماعی رضایت بخش؛
- پ) سلامت اجتماعی به مثابه جامعه‌ای سالم (Samiee, 2010)

بلوک و برسلو^۲ برای اولین بار در سال ۱۹۷۲ در پژوهشی به مفهوم سلامت اجتماعی^۳ پرداختند. آنان مفهوم سلامت اجتماعی را با درجه عملکرد اعضای جامعه متراffد کردند و شاخص سلامت اجتماعی را ساختند. آنان با طرح پرسش‌های گوناگون در ابعاد جسمی، روانی و اجتماعی فردی، به میزان فعالیت و عملکرد فرد در جامعه رسیدند. این مفهوم را چند سال بعد دونالد و همکاران در سال ۱۹۷۳ مطرح کردند. استدلال آنان این بود که فراتر از گزارش علائم بیماری، میزان بیماری‌ها و قابلیت‌های کارکردی فرد است. سنجش محتوای سلامت اجتماعی از ابتدا با تمرکز بر فرد و درباره تعاملات میان فردی (برای مثال ملاقات با دوستان) و مشارکت اجتماعی (مانند عضویت در گروه‌ها) سنجیده شد.

کنت نول، از مدیران سازمان بهداشت جهانی در کتاب (people the health) که در سال ۱۹۷۵ منتشر شد نوشت: اقدام‌های انجام شده در ارتباط با سلامت در آفریقا، آسیا و آمریکای جنوبی نشان داد که بسیاری از علل و مشکلات معمولی در ارتباط با سلامت از خود جوامع نشئت می‌گیرد و مداخله بخش بهداشت به تنها بی اثر است و نهادها و سازمان‌های جامعه نیز باید در مهیا‌سازی فضای سالم در جامعه سهیم

1. Block and Breslow
2. Social Health

باشند. از دیدگاه کنت نول (۱۹۷۵) سلامت دو بعد توانایی‌های جسمانی و توانایی‌های اجتماعی را دربرمی‌گیرد (سجادی و دیگران، ۱۳۸۴، ص. ۲۴۴). درواقع سلامت اجتماعی نوعی بهداشت روانی، فردی و اجتماعی است که در صورت تحقق آن شهروندان به انگیزه و روحیه‌ای بانشاط دست می‌یابند و درنهایت جامعه شاداب و سرحال خواهد بود. درواقع زندگی سالم محصول تعامل اجتماعی میان انتخاب‌های فردی از یکسو و محیط اجتماعی و اقتصادی احاطه کننده افراد از سوی دیگر است. در این‌باره، گلداسمیت^۱ سلامت اجتماعی را ارزیابی رفتارهای معنادار مثبت و منفی فرد در ارتباط با دیگران تعریف می‌کند و آن را یکی از اساسی‌ترین شاخص‌های هر جامعه می‌داند که به کارایی فرد در جامعه منجر خواهد شد؛ به عبارت دیگر زمانی شخص را واحد سلامت اجتماعی می‌دانند که بتواند فعالیتها و نقش‌های اجتماعی خود را در حد متعارف بروز و ظهرور دهد، با جامعه و هنجارهای اجتماعی احساس پیوند و اتصال کند (Samaram, 2009). ریشه و مفهوم سلامت اجتماعی را باید در محیط زیست مادی مثبت (با توجه به موضوع‌های اقتصادی و اجتماعی) و محیط زیست انسانی مثبت مدنظر قرار داد (Winstra, 2000, p. 31) به نقل از: هزارجریبی، ۱۳۹۱). با بررسی ادبیات در حوزه سلامت چند دیدگاه کلی شناسایی می‌شود؛ اول دیدگاهی که سلامت اجتماعی را در معنا و مفهوم سلامت عمومی به کار می‌برد. این دیدگاه سلامت اجتماعی را شاخص‌هایی می‌داند که توصیف کننده عمومی یک جامعه است و به همین دلیل به معنای توسعه‌یافته‌گی کشورها یا جوامعی است که از میزان مطلوبی از این شاخص‌ها برخوردارند. در این دیدگاه به شاخص‌هایی مانند بیمه‌های سلامت، میزان بودجه، شیوع خشونت و جرم، مصرف مواد مخدر، تعداد زندانی‌ها، تعداد افراد بی‌خانمان، سرانه‌های آموزشی و بهداشتی، نرخ شیوع بیماری و... توجه می‌شود. دیدگاه دوم به سلامت اجتماعی ناظر به رفتارهای سلامت شهروندان می‌پردازد که به عنوان کنشی جمعی تلقی می‌شود که هم بر جامعه اثرگذار است و هم از جامعه اثر می‌پذیرد. رفتارهای سلامت شامل عادت‌های غذایی، ورزش و تحرک، مصرف سیگار، الکل و... است (Hippa, 2010). دیدگاه اول را می‌توان با عنوان رویکرد عام معرفی کرد که در نهادهای برنامه‌ریزی و سازمان بهداشت جهانی مدنظر است. دیدگاه دوم به سلامت اجتماعی، بیان کننده کیفیاتی ذهنی و روان‌شناختی است که ظرفیت‌های ایجاد تعامل سالم و سازنده را برای فرد ایجاد می‌کند. در این دیدگاه می‌توان به نظریه سلامت

1. Goldsmith

روان‌شناختی ریف، سلامت اجتماعی کیز و نظریه سرمایه روان‌شناختی مثبت اشاره کرد، از این نظر، سلامت اجتماعی با شاخص‌هایی مانند میزان ارتباطات و تعاملات‌فردی، مهارت‌های اجتماعی، سازگاری، انطباق با محیط و غیره مشخص می‌شود (W.H.O, 2016). در این رویکرد، سلامت اجتماعی یکی از ابعاد سلامت بهشمار می‌آید. تعریف پیش گفته کیز نیز در این سطح قرار می‌گیرد که شاید بتوان آن را «سطح خرد» سلامت اجتماعی در نظر گرفت. این دیدگاه به فرایند و چگونگی حفظ سلامت اجتماعی در افراد می‌پردازد. سلامت اجتماعی یا حداقل نبود آن، نگرانی مهمی در نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی است. از نظر تجربی، این موضوع در ادبیات جامعه‌شناسی مربوط به ناهنجاری و بیگانگی اجتماعی ریشه دارد. دورکیم معتقد است از جمله مزایای بالقوه زندگی عمومی، یکپارچگی و همبستگی اجتماعی است؛ یعنی احساس تعلق وابستگی، در ک اگاهی مشترک و داشتن سرنوشت جمعی. این مزایای زندگی اجتماعی اساس و بنیانی برای تعریف جهانی و کلی از سلامت اجتماعی است (کیز، ۱۹۹۳، ص. ۱۲۲). چگونگی انفال فرد از نظم جمعی و نابسامانی در سیستم هنجاری و آنومی از مباحث شاخصی است که در نظریه نابسامانی دورکیم^۱ مدنظر قرار گرفته است. او نابهنجاری را به مفهوم نبود اجماع میان فرد و جامعه درباره اهداف اجتماعی و انتظارات جمعی و آنچه جامعه به عنوان الگوهای رفتار برای اعضای خود متصور شده است، به کار می‌برد. دورکیم دو نوع آنومی^۲ را، یکی در سطح فردی و دیگری در سطح اجتماعی تشخیص می‌دهد. آنومی در سطح فردی یا آنومیا^۳ نوعی احساس فردی از بی‌هنجاری و نشان‌دهنده حالتی فکری است که در آن احساسات فرد به خود وی سنجیده می‌شود. چنین حالتی همراه با اختلالاتی درون فرد بوده و او با نوعی احساس نابهنجاری، پوچی و بی‌قدرتی مواجه می‌شود. آنومی در سطح اجتماعی، بیان‌کننده نوعی اختلال و بی‌هنجاری جمعی است که در آن احساسات فرد با توجه به سیستم اجتماعی سنجیده می‌شود. زمانی که توازن اجتماعی وجود ندارد، فرد بدون وسیله لازم برای تنظیم رفتار خود و تطبیق آن با معیارهای اجتماعی مقرر و نیز بدون احساس حمایت جمعی و پشتیبانی اجتماعی است. در اینجا می‌توان گفت عوامل اجتماعی یکسانی بر هر دو نوع نابسامانی مؤثرند؛ یعنی جامعه بیمار، افراد بیمار تولید می‌کند و وفور این افراد در جامعه، به بیمارشدن جامعه منتهی

1. Durkheim

2. Anomie

3. Anomia

می شود (نبوی و دیگران، ۱۳۹۳). هیرشی^۱ در نظریه پیوند اجتماعی و تأثیر آن بر آنومی مارکس در نظریه از خودبیگانگی (آرون، ۱۹۳۱م، ص. ۱۳۳) و مرتون در بحث آنومی، براساس رویکرد بیماری محور، سلامت اجتماعی را حضور نداشتن عوامل ضد اجتماعی مانند از خودبیگانگی و بی هنجاری (آنومی) در فرد دانسته‌اند. لارسن با توجه به رویکرد سلامت محور، چهارچوبی مفهومی و نظری برای سلامت اجتماعی ارائه داده‌اند. از نظر لارسن، سلامت اجتماعی ارزیابی فرد از کیفیت روابطش با خانواده، دیگران و گروه‌های اجتماعی به شمار می‌آید و درواقع شامل پاسخ‌های درونی فرد به محرك‌ها و احساسات، تغکرات و رفتارهایی است که نشان‌دهنده رضایت داشتن یا نداشتن فرد از زندگی و محیط اجتماعی است (لارسن، ۱۹۹۳م، ۲۳۱). کیز با رویکرد جامعه‌محورانه^۲ سلامت را تعریف می‌کند. از نظر او سلامت اجتماعی در برگیرنده ارزیابی فرد از محیط و کارکرد خود او در جامعه است (کیز، ۲۰۰۹)، او میان زندگی عمومی و خصوصی فرد تفاوت قائل می‌شود. البته این عمومی و خصوصی ناظر بر زندگی، ویژگی‌های ذهنی افراد است، اما زندگی عمومی بیانگر دیدگاه‌های فرد به جامعه است که زمینه‌های رفتاری او را فراهم می‌کند. او برای زندگی عمومی انسان‌ها منفعت‌هایی برمی‌شمارد که از آن میان می‌توان به یکپارچگی اجتماعی، وفاق، احساس تعلق، همبستگی، وابستگی متقابل، احساس آگاهی مشترک و سرنوشت جمعی اشاره کرد. این منافع چهارچوبی را برای ارائه تعریف اجتماعی از سلامت در اختیار می‌گذارد؛ به عبارت دیگر ارزیابی ذهنی فرد ریشه در جامعه و کارکردهای محیطی دارد. او برخی از عوامل ساختاری اجتماعی مانند سن، جنسیت و پایگاه اجتماعی و اقتصادی را بر گرایش‌ها و نگرش‌های فردی مؤثر می‌داند. این مفهوم در برابر بیگانگی و انزواج اجتماعی سیمن و آگاهی طبقاتی مارکس فرار می‌گیرد (Keeys, 1998)، منظور از انسجام (یکپارچگی اجتماعی)، ارزیابی یک فرد با در نظر گرفتن کیفیت همراهی او با جامعه اطرافش است، احساس تعلق می‌تواند جنبه‌ای محوری از سلامت باشد (Rif, ۲۰۰۳) و لذا یکپارچگی با دیگران در محیط و جامعه اطراف می‌بایست حاصل یک تجربه مشترک شباخت با دیگران باشد. آنتونوفسکی^۳ معتقد است که احساس انسجام در وجود فرد می‌تواند نشانه‌ای برای او باشد؛ افرادی که از انسجام برخوردارند تلاش می‌کنند در هنگام مواجهه با رویدادهای غیرقابل پیش‌بینی، انسجام خود را حفظ

1. Hirsch

2. Socially-Oriented

3. Antonovsky

کنند. انسجام اجتماعی در ک فرد از کیفیت جهان اجتماعی خود و شیوه سازماندهی و عملکرد آن است (Keeys, 1998). این مقوله با قابلیت معنابخشی به وجود شخص است افرادی که سالم‌ترند به ماهیت جهان اجتماعی خود علاقه‌مندند و می‌توانند شیوه عملکرد آن را در کنند. نبود حس یکپارچگی اجتماعی در بالاترین سطح خود به خودکشی می‌انجامد. افراد سالم احساس می‌کنند که جزئی از جامعه‌اند؛ لذا یکپارچگی اجتماعی میان احساس اشتراک فرد با دیگرانی است که واقعیت اجتماعی او را می‌سازند و به جامعه خود تعلق دارند. از نظر دورکیم هماهنگی اجتماعی و سلامت اجتماعی بازتابی از ارتباط افراد با یکدیگر از طریق هنجارها است. سیمین^۱ معتقد است که بیگانگی فرهنگی عبارت است از گسست فرد و جامعه، طرد جامعه و یا این نگرش که جامعه نمی‌تواند انعکاسی از ارزش‌ها و سبک‌های فرهنگی فرد باشد. انزوای اجتماعی عبارت است از خدشه‌دار شدن روابط فرد که به زندگی او معنا می‌دهند و نقش حمایتی برای او دارند (رفیعی، ۱۳۹۴، ص. ۳۶). کنش مشارکتی که با جهت‌گیری عام‌گرایانه و همراه به اعتماد متقابل صورت می‌گیرد در فضای عمومی تعریف می‌شود. از این‌رو وجود حوزه عمومی و مباحثه آزاد و فارغ از سلطه از مقتضیات کنش مشارکتی است. در جریان این گفتگوی آزاد است که افراد خود را جزیی از جمع می‌پندارند و رفتارهای جمعی را می‌آموزند و اقدام به مشارکت اجتماعی می‌کنند و دنیای خود را همراه با ارزش‌ها و مشترکات هنجاری بنا می‌کنند. اگر افراد احساس کنند که کنش آنها در ساختن دنیای آنها بیهوده است احساس بی‌قدرتی به آنها دست دهد، هرگز وارد مشارکت و مباحثه نمی‌شوند. اینکه افراد وارد مشارکت می‌شوند و در ساختن دنیای خود مشارکت می‌کنند، به خاطر این است که آنها این فرض را با خود دارند که مباحثه و مشارکت آنها تأثیری در ساختن دنیای خودشان دارد. اگر افراد احساس کنند که مشارکت آنها فایده‌ای ندارد و احساس بی‌قدرتی کنند، وارد کنش مشارکتی نمی‌شوند. مسئولیت اجتماعی عبارت است از تعیین الزام‌های فردی برای نقش‌آفرینی در جامعه (رفیعی، ۱۳۹۴). این بعد از سلامت اجتماعی معرف این است که این افراد فکر می‌کنند، آنچه که انجام می‌دهند برای جامعه ارزشمند است یا نه؟ کیز (Keeys, 1998) معتقد است که ایفای سهم اجتماعی، با مفهوم کارآمدی شخصی که باندورا^۲ (۱۹۷۷) مطرح می‌کند همپوشانی دارد و نیز می‌تواند به عنوان نوعی مسئولیت اجتماعی تلقی شود، تلقی فرد از ارزشی که در جامعه می‌تواند داشته باشد.

1. Siemens

2. Bandura

۳-۱. حمایت اجتماعی و سلامت اجتماعی

مطالعه در این زمینه دارای سابقه نه چندان دور است، افرادی که دارای روابط اجتماعی بیشتری هستند، احتمالاً از سلامت بهتری برخوردارند، البته این معیار چندان طرفدار ندارد، چرا که ضرورتاً تعداد روابط نمی‌تواند مالک سلامت بیشتری باشد، حتی ممکن است فردی روابط بیشتری داشته باشد، ولی این روابط جنبه منفی و بیماری‌زا داشته باشد؛ مثلاً در موقعی که انسان دچار ورشکستگی اقتصادی می‌شود، تعداد روابط و ملاقات‌های او زیادتر می‌شود ولی این نوع افزایش رابطه، بیشتر استرس‌زاست تا اینکه در افزایش سلامتی کمک نماید. طبق پژوهش ات لیندیز و تامسون^۱ (۱۹۸۸) تعدد روابط اجتماعی در سلامت نقش مثبت دارد. همچنین ارتباط حمایت اجتماعی با مرگ‌ومیر نیز بررسی شده است و نتایج نشان داده است که افرادی که از حمایت اجتماعی برخوردارند دارای مرگ‌ومیر کمتری هستند و از طرف دیگر سلامت روانی و اجتماعی نیز مأثر از حمایت اجتماعی است (Armstrong, 1972, P. 98). نقل از: حسینی حاجی بکنده و تقی‌پور، ۱۳۸۹).

اعتقاد بر این است که حمایت اجتماعی به سه طریق در برخورد با تنیدگی و استرس به فرد کمک می‌کند. اولاً، اعضای خانواده، دوستان و سایر افراد می‌توانند مستقیماً حمایت ملموسی به شکل منابع مادی در اختیار یک شخص قرار دهند (مثلاً قرض دادن پول، خرید مایحتاج زندگی و مواظبت از کودکان). ثانیاً، اعضای شبکه اجتماعی می‌توانند با پیشنهاد اقدام‌های متنوع، فرد را از حمایت اطلاعاتی خود برخوردار سازند و این اقدام‌ها متنوع، می‌توانند به حل مشکلی که موجب تنیدگی و استرس شده کمک کند. این پیشنهادها به شخص کمک می‌کنند تا به مشکل از دیدگاه جدیدی نگاه کند، بدین ترتیب آن را حل کرده یا آسیب‌های ناشی از آن را به حداقل برساند. ثالثاً، افراد شبکه اجتماعی می‌توانند به اطمینان بخشی دوباره به فرد، در خصوص اینکه او شخص مورد علاقه، بالرزش و محترم است از وی حمایت عاطفی به عمل آورند (زاده‌ی اصل، ۱۳۹۳).

۳-۲. نظریه‌های ایرانی شبه‌خانواده

فلسفه تأسیس خانه شباهه‌روزی، ایجاد یک محیط نسبتاً طبیعی خانوادگی و برقرار کردن ارتباط‌های صمیمانه و عاطفی بین کودکان و سرپرستان (شبه پدر و مادر) است.

نظریه‌های مرتبط با کودکان بی‌سربست در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی و رفتاری دو دسته عمده هستند:

- ۱- نظریه‌هایی که عمدتاً به اتیولوژی و سبب‌شناسی بی‌سربستی پرداخته است؛
 - ۲- برخی دیگر از نظریه‌ها به پیامدها، آثار و نتایج بی‌سربستی در کودکان می‌پردازنند.
- بدون وجود خانواده و یا دست کم شبه‌خانواده، رشد صحیح اجتماعی، عاطفی و فرهنگی کودکان مشکل خواهد بود، سیستم خانواده نظام روابط اجتماعی را در سطح درون و بیرون از خانواده ممکن می‌سازد و در صورتی که این نظام تخریب شود و جایگزین قابل قبولی حتی در حد نسبی برای آن در نظر گرفته نشود باعث آسیب‌پذیری کودکان شده و نابهنجاری‌هایی را در آنها پدید می‌آورد (امیدی، ۱۳۹۸). پیرامون رهیافت‌های شبه‌خانواده عنوان می‌کند: سه نظریه مهم در باب شبه‌خانواده وجود دارد که می‌توان از آنها به عنوان رهیافت‌های بنیادین نام برد. نظریه تأسیسی بودن شبه‌خانواده، نظریه تتمیمی و تکمیلی بودن شبه‌خانواده و نظریه جایگزینی تلفیقی. شبه‌خانواده در وضعیت کنونی دیگر به سان امری نامعارف و غیرطبیعی نگریسته نمی‌شود. واقعیت جوامع و دگرگونی‌های شکل گرفته نشان می‌دهد که راهی غیر از شبه‌خانواده نداریم؛ اما با این وصف می‌توانیم درباره سرشت، کارکرد و آینده آن و امکان انجام تغییرهایی در آن سخن بگوییم. تغییرهایی که شبه‌خانواده را از ساختار فیزیکی محض به سمت بنیان‌های خانواده توأم با مؤلفه‌های عاطفی پیوندی نزدیک سازد (پورحسن، ۱۳۹۸). شواهد تجربی و حوزه نظری نشان می‌دهد که ما خانواده را به درستی نمی‌شناسیم و نمی‌دانیم پیوست آن با دیگر عناصر جامعه کدام است. به گمانم چند نیروی اجتماعی در بروز و ظهور شبه‌خانواده در ایران مؤثر هستند. در وهله اول فرزندانی که در جامعه بلا تکلیف‌اند. دوم نهادها و سازمان‌هایی که متکفل این بودند که این ماجرا اتفاق نیفتند؛ اما به دلیل کارکرد نادرست، حالا باید معلول خودشان را سامان بدهند؛ مثل سازمان بهزیستی. سومین گروه نیز کسانی هستند که به دلایل مختلف میل به پذیرفتن فرزند دیگری یا بدسرپرست را دارند. جامعه‌پذیری، اجتماعی شدن، رشد عاطفی و فرهنگی افراد بدون وجود خانواده دچار اختلال می‌شود بر این اساس ایجاد مراکز شبه‌خانواده گزینه مناسبی برای کودکان بی‌سربست و بدسرپرست است تا خلاً نبود خانواده تا حدودی برطرف شود. به دلیل واقعیت‌های اجتماعی دنیای جدید، شبه‌خانواده، دیگر به عنوان پدیده‌ای غیرمعمول شناخته نمی‌شود، علاوه بر سوانح طبیعی مانند سیل، زلزله، بیماری و حوادث غیرطبیعی مثل جنگ‌ها و تصادفات، سبک زندگی‌های جدید نیز بنیان خانواده سنتی و نهادینه را لرزان کرده و

ضرورت ایجاد نهادهایی چون «شبهخانواده» را بیش از پیش در جوامع آشکار و مهم کرده است (آزاد آرمکی، ۱۳۹۸).

جایگاه اجتماعی ایران در شاخص‌های بین‌المللی رفاه و اجتماعی در ادامه جایگاه کشورمان ایران در مهم‌ترین شاخص‌های رفاه اجتماعی (شامل شاخص کیفیت زندگی، گزارش جهانی شادی، شاخص پیشرفت اجتماعی، شاخص رفاه لگاتوم، شاخص توسعه انسانی) بررسی می‌گردد. شاخص کیفیت زندگی شاخص کیفیت زندگی از جمله شاخص‌های حوزه اجتماعی است که به طور سالانه سطح کیفیت زندگی کشورها را می‌سنجد و در محاسبه این شاخص مؤلفه‌هایی چون، قدرت خرد؛ اینمنی؛ مراقبت‌های سلامتی؛ هزینه زندگی؛ نسبت قیمت ملک به نسبت درآمد؛ زمان رفت‌وآمد؛ شاخص آلودگی؛ شاخص آب و هوا به طور سالیانه و در مقایسه با سایر کشورها مورد محاسبه قرار می‌گیرد (Derakhshannia, 2013). شکل‌گیری شخصیت کودکان از محیطی آغاز می‌شود که در آن محیط پرورش می‌یابند و آموزش می‌یابند. کودکان شخصیت شکننده‌ای دارند و این مهم درمورد کودکان بی‌سرپرست از شدت زیادی برخوردار است؛ چون این کودکان به صورت طبیعی از برخی از نیازهای مادی و معنوی خود محروم‌اند و باید توجه داشت که این کودکان خود آسیب‌های زیادی دیده‌اند و هر چه قدر محیط زندگی آنان مناسب و هماهنگ با روحیات آنان نباشد در وحله اول کودکانی با بیماری‌های جسمی و روانی خواهیم داشت و در وحله دوم جامعه نیروی جوان با مشکلات شخصیتی زیاد و بیمار خواهد داشت (شمسایی، ۱۳۹۷).

دانشمندان علوم اجتماعی خانواده را در عصر ماشینی حاضر، به عنوان قرارگاه و حمایت گاهی دانستند که می‌تواند بهترین مکان برای مناسبات عاطفی غنی مابین والدین و فرزندان باشد. لزوم روابط عاطفی و تنگاتنگ والدین و کودکان در خانواده، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان را به این نتیجه رساند که زندگی فرزندان بی‌سرپرست به دور از هر نوع ساخت خانوادگی آنها را دچار بحران‌های جدی خواهد ساخت. در حقیقت، ضرورت ایفای نقش هر دو سرپرست برای فرزندان بنتیم و نیز اهمیت اجتماعی شدن ایتمام در محیط‌هایی شبیه خانواده دولتها را ودادشت تا در نزدیک ساختن روش‌های سرپرستی به نظام خانواده بیش از پیش همت گمارند. در محیط‌های پرورشگاهی نه تنها از ایفای صحیح نقش‌های والدینی خبری نیست بلکه تعدد کانون‌های عاطفی، فقدان پیوستگی عاطفی و درنهایت ضایعات حاصله از محرومیت‌های پرورش گاهی، اجتماعی شدن فرد بی‌سرپرست را با مشکل جدی رو به رو می‌سازد.

۴. روش پژوهش

مقاله حاضر به لحاظ ماهیت پژوهش در زمرة پژوهش‌های اکتشافی، به لحاظ نوع پژوهش کاربردی و به لحاظ راهبرد دارای راهبرد استقرایی و به لحاظ ماهیت داده‌ها در زمرة طرح پژوهش کیفی و از نوع نظریه داده‌بنیاد براساس مدل پارادایمی می‌باشد. در این پژوهش برای رهیافت پژوهشی نظریه داده‌بنیاد، از مدل پارادایمی Corbin & Strauss (1990) که مبتنی بر شناسایی عناصر شش گانه: شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌ای، راهبردهای کنش/ واکنش، پیامد و پدیده محوری و ارتباط بین آنهاست، استفاده شد.

جامعه آماری پژوهش نیز شامل کلیه کارشناسان و مسئولان و کارشناسان عالی و خبره متولیان امور شبه‌خانواده در سطح شهرستان و استان و کشور مرتبط با موضوع بوده و دارای دانش، تجربه و مسئولیت و نقش مؤثر در این موضوع هستند. از روش نمونه‌گیری نظری استفاده شده است. نمونه‌گیری نظری به تعبیر عبارت است از فرایند گردآوری داده‌ها برای نظریه‌پردازی که از این طریق تحلیل‌گر به‌طور همزمان داده‌هایش را گردآوری، کدگذاری و تحلیل می‌کند و تصمیم می‌گیرد که چه داده‌هایی را در مرحله بعدی گردآوری و آنها را کجا پیدا کند تا بدین‌وسیله نظریه‌اش را در حین شکل‌گیری اش تدوین کند. نظریه در حال تدوین فرایند گردآوری داده‌ها را کنترل می‌کند (Flik, 2006, p. 138). نمونه‌ها در اینجا حکم نمایا و معرف بودن با جامعه آماری را ندارند بلکه از این حیث اهمیت دارند که به بررسختن پدیده مورد بررسی و تدوین نظریه کمک‌کننده می‌باشند. «قاعده کلی به هنگام نظریه‌سازی این است که به گردآوری داده‌ها تا زمانی که مقوله‌ها به اشباع برستند؛ باید ادامه داد. یعنی تا زمانی که: (الف) هیچ داده جدیدی مرتبط با یک مقوله به‌دست نیاید (اشباع داده‌ها یکی از نشانه‌ای اشباع نظری قلمداد می‌گردد). (ب) مقوله از لحاظ ویژگی‌ها و ابعاد به خوبی پرورش یافته باشد و گوناگونی‌های آن به نمایش گذارده شده باشد، (ج) مناسبات میان مقوله‌ها به خوبی مشخص و اعتبارشان ثابت شده باشد. پس پژوهشگر باید تا حایی که تمام مقوله‌ها اشباع شوند؛ به گردآوری داده‌ها ادامه دهد؛ در غیر این صورت نظریه ناهموار و فاقد غنا و دقیقت است» (Corbin & Strauss, 1990, p. 230).

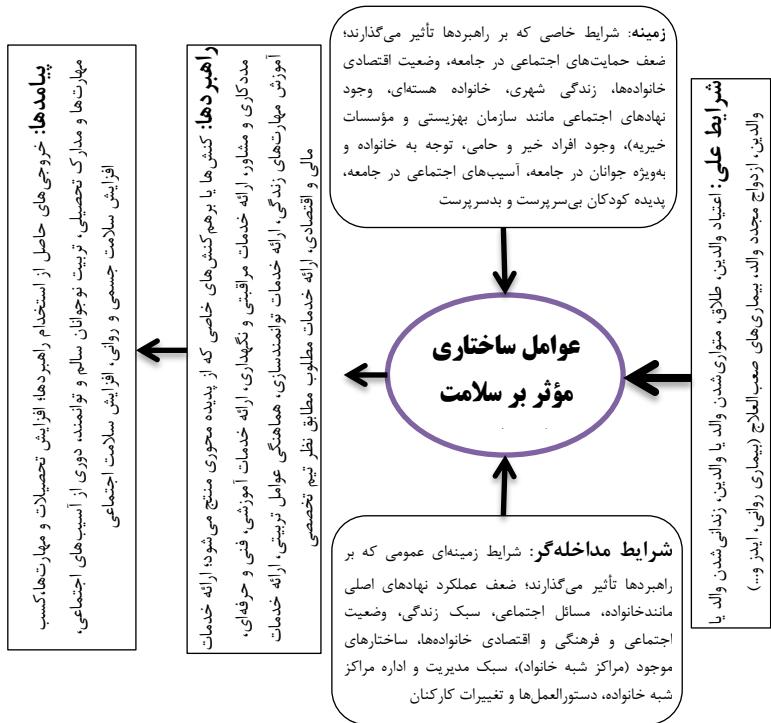
با توجه به این موضوع در پژوهش حاضر پس از مصاحبه عمیق با ۲۴ نفر از جمله کارشناسان مددکاری و روان‌شناسی و مسئول فی مراکز شبه‌خانواده در ۶ مرکز هدف بررسی، کارشناس مسئول شبه‌خانواده شهرستان و کارشناسان ارشد استان و کارشناسان عالی و خبره در سطح

سازمان بهزیستی به حالت اشیاع نظری رسیده و انجام مصاحبه متوقف شد. فرایند کار بدین صورت بود که با رعایت اصول اخلاقی پژوهش و هماهنگی و کسب اجازه از متولیان و مصاحبه‌شوندگان، مصاحبه‌ها به طور دقیق ضبط می‌شد و سپس در قالب گزاره‌های خبری تدوین و به منظور دستیابی به مقولات اصلی و بر ساخت الگوی تحلیلی مفهوم عوامل مؤثر بر سلامت اجتماعی نوجوانان مقیم مراکز شبه‌خانواده از فرایند کدگذاری نظری در سه مرحله کدگذاری باز (کشف مفاهیم)، کدگذاری محوری (کشف مؤلفه‌ها) و کدگذاری گزینشی و یا انتخابی (کشف مقولات اصلی) در قالب نظریه داده‌بنیاد (Corbin & Strauss 1990) صورت گرفته است. هر مصاحبه معمولاً بین ۴۵ دقیقه تا ۱ ساعت به طول می‌انجامید. با هر یک از کارشناسان به صورت جداگانه مصاحبه صورت گرفت. جهت اعتبارسنجی (قابلیت اطمینان و باورپذیری) مقولات پایه‌ای، فرعی و اصلی و نیز مدل بر ساخته شده مفهوم شبه‌خانواده و عوامل مؤثر بر سلامت اجتماعی از دو روش «الف» ارزیابی اعتبار به شیوه ارتباطی که به معنای آن است که مفاهیم و مقولات فرعی و اصلی احصاء شده توسط اعضاء مصاحبه‌شونده کنترل خواهد شد (Flick, 2006, pp. 415-416).

با استفاده از تشکیل فوکوس گروپ و نظرخواهی از اساتید و صاحب‌نظران حوزه شبه‌خانواده، استفاده شده است». همچنین جهت پایایی‌سنجدی مقولات پایه‌ای، فرعی و اصلی از طریق بازنگری داده‌ها مرتفع شده است. همچنین به منظور قابلیت انتقال یا تعمیم‌پذیری سعی شد تا حد امکان از همکاران با تجربه بالا و دارای سابقه مشارکت در تدوین دستورالعمل‌های اجرایی و آیین‌نامه‌های مربوطه در پژوهش استفاده شود؛ یعنی سعی شده است که نمونه‌گیری نظری به صورت منظم و جامع صورت گیرد (Corbin & Strauss 1990, pp. 283-284). داده‌های مستخرج از مصاحبه عمقی با کارشناسان به صورت خطبه‌خط و به صورت گزاره‌های خبری تدوین و سپس مورد کدگذاری باز قرار گرفته‌اند و به منظور کشف مفاهیم از کدهای زنده (استفاده از مفاهیمی که مشارکت‌کنندگان به کار برده‌اند) و نیز مفاهیم برخاسته از نوشه‌ها (استفاده از مفاهیم در نظریه‌های موجود) استفاده شده است. با تعیین و مشخص شدن ۳۸۹ مفهوم و یا کد اولیه، مرحله کدگذاری باز به اتمام رسیده است.

سپس در مرحله فرایند کدگذاری محوری، مقولات انتزاعی‌تر کشف شده‌اند. پس از کدگذاری محوری، مرحله نهایی کدگذاری گزینشی یا انتخابی بوده است. در کدگذاری گزینشی یا انتخابی مقوله‌ها انسجام می‌یابند تا چهارچوب نظری اولیه شکل بگیرد. در این مرحله پژوهشگر روابط توصیفی از پدیده مرکزی را بیان می‌کند که به آن داستان گفته می‌شود. این داستان در ادامه باید در خصوص پدیده مرکزی

مفهوم‌سازی شود که شرح داستان نام دارد. در این بخش همانند کدگذاری باز و محوری باید به پدیده اصلی یا مقوله محوری نام داد و به عنوان یک مقوله به تدریج آن را به سایر مقوله‌ها مرتبط کرد (از کیا، ۱۳۹۶: ۵۲۶). این مقوله نسبت به سایر مقوله‌ها به تعبیر استراوس و کوربین انتزاعی‌تر و شمول عام دارند که یا از داده‌ها برپمی خیزند و یا از سوی خود پژوهشگر نام‌گذاری می‌شوند (Corbin & Strauss, 1990, p. 168). بعد از بیان داستان و انتخاب مقوله اصلی، پژوهشگر پارادایم نهایی را ترسیم و در آن ارتباط مقوله اصلی را با سایر مقولات نشان می‌دهد.



شكل (١): عوامل ساختاری مؤثر بر سلامت

۵. یافته‌های پژوهش

در این پژوهش با استخراج متون مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته به شناسایی عوامل تأثیرگذار بر سلامت اجتماعی نوجوانان دختر و پسر ۱۳ تا ۱۸ سال مراکز خانواده پرداخته شده است، برای تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از آنچه

که این داده‌ها در زمرة داده‌های کیفی قرار می‌گیرند، مشابه با سایر داده‌های کیفی، توصیف و تحلیل می‌شوند و همچون داده‌های کمی، کدگذاری نمی‌شوند؛ بنابراین کدگذاری داده‌های حاصل از مصاحبه، مشکل‌تر از کدگذاری داده‌های حاصل از پیمایش است و طبیعتاً مراحل بیشتر و طولانی‌تری دارد که در حین پژوهش با توجه به معیارهای به‌دست‌آمده، دسته‌بندی می‌شوند. یکی از این معیارها، یافتن شباهت‌ها و تفاوت‌ها و پیدا کردن الگوهایی در داده‌های به‌دست‌آمده است. ابتدا از طریق شباهت‌ها، الگویی در پاسخ‌های پاسخگو یا پاسخگویان کشف می‌شود. سپس با یافتن نمونه‌هایی که این الگوها را نصف می‌کند یا زمان‌هایی که پاسخگو به‌طور متفاوتی عمل کرده است، علت‌یابی می‌شوند. گاهی هم برخی از رفتارها باعث می‌شود که به صورت جدا و عبارتی تک‌افتاده در نتایج مصاحبه وجود دارد که می‌تواند نتایج یک مطالعه را متحول کند؛ زیرا در مطالعاتی که با روش‌های کیفی و از جمله مصاحبه انجام می‌شود، حتی یک مورد هم - هر چند متفاوت نباید از قلم بیافتد (Strauss & Corbin, 1998, pp. 21-22).

در این میان، یکی از مهم‌ترین و کارآمدترین ابزار تجزیه و تحلیل اطلاعات این پژوهش تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده است و ابزار آن استفاده از نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی مکس کیودا (MAXQDA pro) نسخه ۲۰۲۰ می‌باشد که از برنامه‌های پیش‌رو برای تحلیل داده‌های کیفی در سراسر جهان است که برای ایجاد و آزمایش چهارچوب‌های نظری و نتیجه‌گیری از تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی گوناگون به کار می‌رود. لازم به ذکر است ابعاد و محورهای سؤالات مصاحبه با مشورت مسئولین شبه‌خانواده سازمان بهزیستی کشور و گروهی از کارشناسان خبره و دستورالعمل‌های اجرایی مربوطه بحث و بررسی شده، تعدیل‌های لازم صورت گرفته و پرسش‌های پایانی در قالب ۱۷ سوال تشریحی مورد نظر پژوهشگر قرار گرفت که در مصاحبه‌های خود از آنها در دو محور کلی یعنی عوامل ساختاری و عوامل کارکردی بهره‌برداری شد.

۱-۵. توصیف داده‌ها

درمجموعه تعداد افرادی که در مصاحبه شرکت نمودند ۲۴ نفر هستند که تعداد کل کدهای استخراج شده از مصاحبه با آنها ۳۸۹ کدهای باز در دو گروه استخراج شده که نام گروه مصاحبه شده و تعداد کدهای استخراج شده در جدول زیر آورده شده است.

جدول (۱): توصیف داده‌ها

نام گروه	تعداد افراد	تعداد کدهای استخراج شده	نام گروه کدهای استخراج شده	تعداد کدهای استخراج شده	تعداد افراد	تعداد کدهای استخراج شده	نام گروه
کارشناسان عالی، خبره و مسئولان	۸	۱۶۵	کارشناسان روان‌شناس و مددکار اجتماعی	۱۶	۲۲۴	کارشناسان عالی، خبره و ارشد	

اطلاعات فوق نشان‌دهنده آن است که مسئولان، کارشناسان عالی، خبره و ارشد به تعداد ۸ نفر یعنی ۳۳ درصد مصاحبه‌شوندگان به تعداد ۱۶۵ کد به میزان ۴۲ درصد در تولید کدهای استخراج شده مشارکت داشته‌اند و کارشناسان به تعداد ۱۶ نفر به میزان ۶۷ درصد مصاحبه‌شوندگان به تعداد ۲۲۴ کد به میزان ۵۸ درصد در تولید کدهای استخراج شده مشارکت داشته‌اند.

Coded Segments

عوامل تاثیر گذار بر سلامت اجتماعی (عوامل کارکرده‌ای) کسب حمایت اجتماعی



Document group	Document name	Preview	Modified by
کارشناسان	کارشناس ۵	رسمهای ای در اختیار آنها قرارهی دهد که بسیار کمک کننده است	M. Seifi
کارشناسان	کارشناس ۱۰	روابط با خویشاوندان موجب افزایش سلامت اجتماعی و آرائش روانی نوجوان	M. Seifi
کارشناسان	کارشناس ۵	در همراهی با ناخنین یاراگاه فرد مهیاوند موثر باشد.	M. Seifi
کارشناسان	کارشناس ۷	در کسب حمایت اجتماعی هزرنو خمامیت می‌تواند مفید و مؤثر باشد.	M. Seifi
کارشناسان	کارشناس ۷	در حالیکه مراجعت والدین بدسترسیست و مهندسی مدل کوکوکا به	M. Seifi
کارشناسان	کارشناس ۴	در برخی مواقع اگر مراجعت نکیم آسیب دارد ولی در مجموع کمک کننده	M. Seifi
کارشناسان عالی	مسهولین و کارشناس ۳	داشتنت حامی خوب است و اگر توانایم حمایت های بیشتر را تأمین کنم	M. Seifi
کارشناسان	کارشناس ۲	داشتنت حامی برای فرزندان که خانواده ای ندارند چهت تقابل را زند	M. Seifi
کارشناسان	کارشناس ۹	داشتنت حامی برای اطفال و نوجوانان بی سریست موتور ترا از افراد بدین	M. Seifi
کارشناسان	کارشناس ۸	داشتنت ارتباط با خانواده مهم است و همچنانگی با مهیال تربیت نزدیک داشته	M. Seifi
مسهولین و کارشناس	کارشناس عالی ۳	داشتنت ارتباط با خانواده مهم است و همچنانگی با مهیال تربیت نزدیک داشته باشد	M. Seifi
کارشناسان	کارشناس ۶	چشمی فقط در جوی کمک مالی باشد و ارتباط نزدیک داشته باشد	M. Seifi
کارشناسان	کارشناس ۱	به نظر من ما سمعی کنیم که یونیت‌های اجتماعی را فقط کمک اموحه ت	M. Seifi
کارشناسان	کارشناس ۷	نه داشتن ارتباط مفید است و دیده شده که چیز هایی که با خانواده	M. Seifi
کارشناسان	کارشناس ۱۴	اگرچه داشتن ملاقات با والدین زیستی از حقوق اصلی کوک و نوجوان ۱	M. Seifi
کارشناسان	کارشناس ۴	اگر واقعاً موضع باشد حیلی از یونیت‌های اجتماعی را تأمین کنم	M. Seifi
کارشناسان	کارشناس ازند ۱	اگر حامی واقع بین و با تم مراجعت مکر همراهیگ باشد به	M. Seifi
کارشناسان	کارشناس ۳	ارتباط نوجوانان با سینکات و اعتماد خانواده اگر مود علاقه فرزند	M. Seifi
کارشناسان ازند ۲	کارشناس ازند ۲	ارتباط داشتن فرزند با فاعیل سبب نسیبی باعث دلیستگی اینهن نسبت خ	M. Seifi
کارشناسان	کارشناس ۱۶	ارتباط داشتن با خانواده مهیاوند لطف دادنیه باشد و بیارهای ای از آنها ر	M. Seifi
کارشناسان	کارشناس ۱۵	ارتباط با دیگران برای داشتن رفتار هیچ‌گزار لازم است	M. Seifi
کارشناسان	کارشناس ۱۳	ارتباط با خانواده اقام و سینکات مکمک به اعتماد به نفس و ارتباط	M. Seifi
کارشناسان	کارشناس ۱۲	ارتباط با خانواده اقام و سینکات مکمک به اعتماد به نفس و ارتباط	M. Seifi
کارشناسان	کارشناس ۱۳	ارتباط با خانواده اگر صلاحیت داشته باشد مناسب است در غیر این ص	M. Seifi
کارشناسان	کارشناس ۱۱	ارتباط با سینکات معمولاً اثر خوبی ندارد زیرا خانواده ها آسیب دید	M. Seifi
کارشناسان	کارشناس ۱	ارتباط با اقام و سینکات با نظارت دقیق و کنترل شده	M. Seifi

شکل (۲): نمونه کدگذاری‌ها

۲-۵. تحلیل داده‌ها با استفاده از اطلاعات استخراج شده از نوم افزار مکس کیو دی ای

پژوهشگر پس از هر مصاحبه و در اولین گام، گفته‌ها را تحت یک جمله یا بند استخراج کرده و یک برچسب مفهومی بر آن زده که این اولین قدم در تجزیه و تحلیل محسوب شده است، پس از چندین مصاحبه، مضامین و مفاهیم تحت مقولاتی انتزاعی‌تر دسته‌بندی و بیش از ۳۸۹ گُد یا مضمون در مصاحبه‌ها مشخص شد.

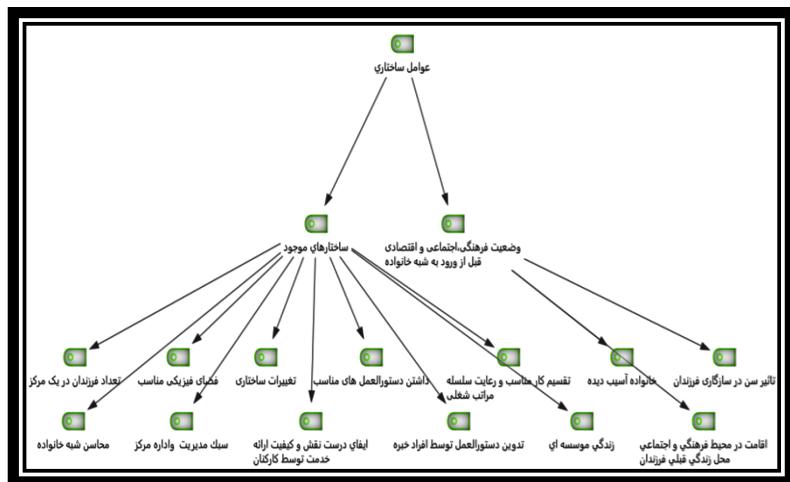
برای کدگذاری مقوله‌ها، ابتدا کدگذاری باز (کدگذاری آغازین و بدون محدودیت داده‌ها) در دستور کار قرار گرفته است. برای انجام این کدگذاری، متون (مصاحبه‌های پیاده شده و یادداشت‌های میدانی) را خط به خط خوانده شده و پاره‌ای از آنها را که بیانگر یک مقوله‌اند، در یک گروه جای گرفته و مقوله‌ها نام‌گذاری شده‌اند. در مرحله بعد، کدها و مقوله‌های ساخته شده نزدیک به هم را با استفاده از روش کدگذاری محوری در هم ادغام شده و کدگذاری نهایی به شکل انتخابی یا گرینشی، استخراج شد؛ یافته‌های حاصل از کدگذاری نهایی صورت‌بندی شده نشان می‌دهد عوامل مؤثر بر سلامت اجتماعی جامعه آماری به دو گروه بزرگ تحت عنوان:

- عوامل ساختاری با سه زیرگروه: وضعیت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، کارکرد خانواده زیستی و ساختارهای موجود.
- عوامل کارکردی با ۷ زیرگروه، کارکردهای قابل بهبود، حمایت اجتماعی، کارهای کاهش مشکلات نوجوانان، هماهنگی عوامل تربیتی، کارکردهای تربیتی و آموزشی، توجه به نقش آموزشی مربیان، کارکردهای اقتصادی و مالی. بهبیان دیگر سلامت اجتماعی نوجوانان مقیم در مراکز شبه‌خانواده تحت تأثیر عوامل مختلفی است، مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار را از زبان مجریان و کارشناسان بهزیستی و مدیران مراکز، مسئول فنی مرکز، روان‌شناس و مددکار اجتماعی در قالب مصاحبه‌های انجام شده استخراج نمودیم، درنتیجه طیف وسیعی از عوامل، از وضعیت خانواده قبل از ورود فرزند نوجوان به مراکز بهزیستی (شبه‌خانواده) و بهدلیل آن ورود به مراکز و مؤسسات و ساختاری ایجاد شده، برای انجام وظایف و کارکردهای یک خانواده (شبه‌خانواده) که در این مؤسسات و متناسب با سن و جنس نوجوانان مقیم برنامه‌ریزی و اجرا می‌گردد، است. بررسی مدل‌های ترسیمی با

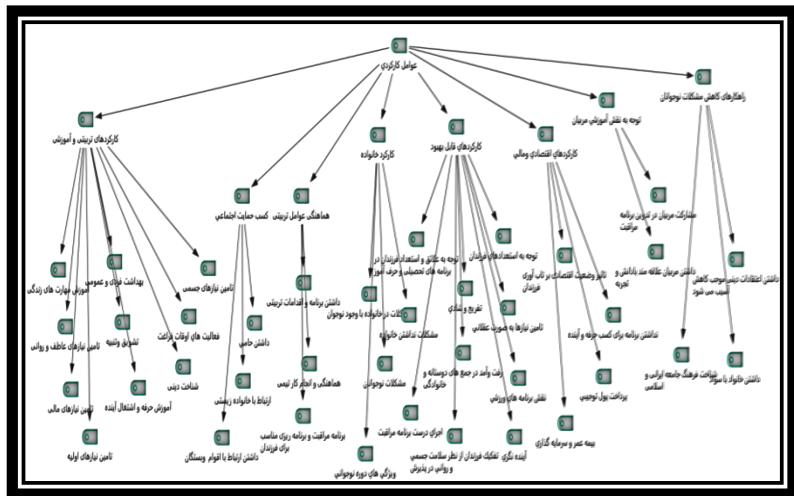
نرم افزار مکس کیودای گویای این واقعیت است که سلامت اجتماعی نوجوان دختر و پس ۱۳ تا ۱۸ ساله مقیم مراکز شبانه‌روزی تهران تحت تأثیر عوامل فراوان بوده، به طوری که از مجموعه ۲۴ مورد مصاحبه انجام شده، ۳۸۹ مورد موارد مهم و قابل توجه در کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی به شرح جدول زیر مورد توجه قرار گرفته است.

جدول (۲): فایند کدگذاری محوری و گزینشی برای براساخت مفاهیم عوامل ساختاری و عوامل کارکردی در مراکز شبه‌خانواده بر اساس طرح نظاممند نظریه داده‌بنیاد

عنصر پارادایم گرند د تئوری	کدگذاری گزینشی (کشف مقولات)	کدگذاری محوری (کشف مؤلفه‌ها)	تعداد کدهای محوری فرعی	کدگذاری باز (کشف مفاهیم)
۲	۱۰	۵۲	۸۳	۳۸۹



شکل (۳): مدل عوامل ساختاری



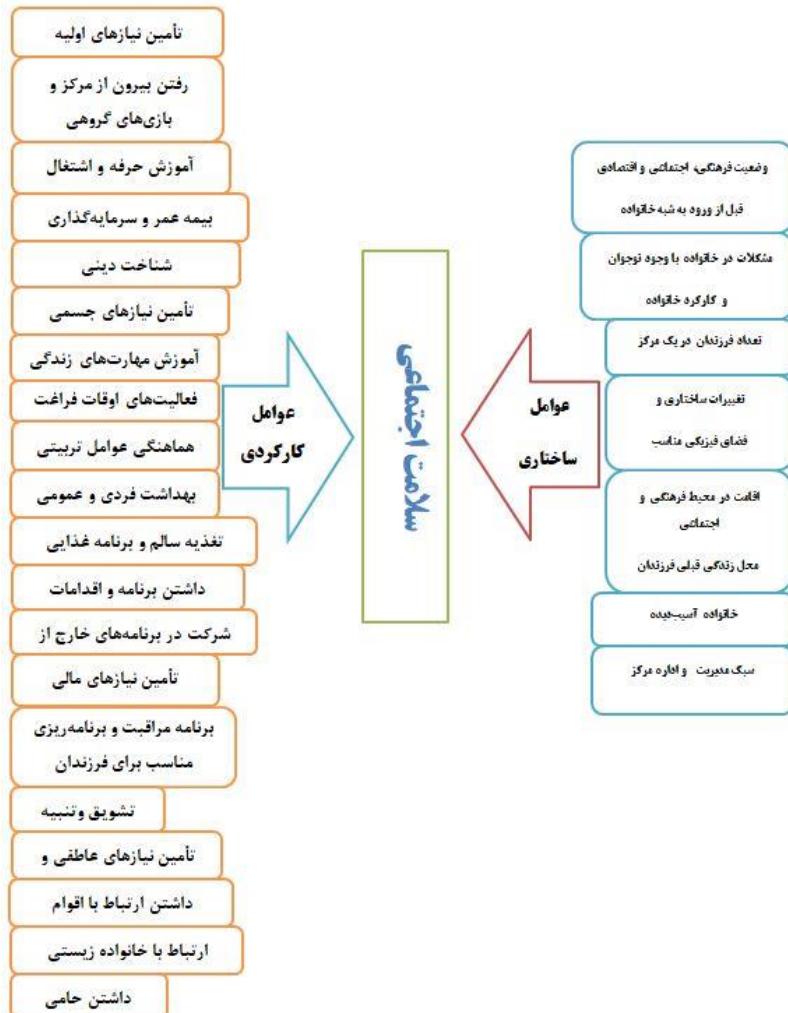
شکل (۴): مدل عوامل کارکرده

در فراوانی مقولات مطرح شده از عوامل تأثیرگذار بر سلامت اجتماعی؛ در گروه عوامل ساختاری تعداد فرزندان در خانه با ۱۵ نظر و سهم ۳,۸۶ درصدی در رتبه اول قرار دارد، یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: «طبق استانداردهای جهانی برای یک خانواده ۴ نفره، حدود ۱۵۰ متر زیربنا احتیاج است (نفری ۴۰ متر). حال با عنایت به این مسئله جواب مشخص است در حالی که اکثر خانوارها با مشکلات اساسی مسکن مواجه هستند، در حال حاضر عموماً ظرفیت اتاق‌های مراکز شبه‌خانواده بین چهار تا ۶ فرزند می‌باشد. این تراکم جمعیت در اتاق‌ها را با استفاده از فضای عمومی (سالن پذیرایی و حیاط مرکز و...) باید تا حد امکان کاست. کمترین مشکل فرزندان شبه‌خانواده که در مراکز آپارتمانی سکونت داشتند؛ در دوران قرنطینه کرونا؛ کمبود فضای بازی؛ اکسیژن و بهداشت است. ضروری است ساختار فیزیکی مراکز دارای حیاط مشجر، امکانات تهویه و نور کافی و تعییه فضای بازی، حمام و سرویس بهداشتی کافی برای جمعیت موجود باشد». وضعیت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی با ۱۴ نظر و سهم ۳,۸۰ درصد، خانواده آسیب‌دیده با ۱۲ نظر و سهم ۳,۰۸ درصد بیشترین سهم را در عوامل ساختاری به خود اختصاص داده‌اند. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گفت: «وضعیت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی خانواده قبل از ورود فرزندان به شبه‌خانواده بر وضعیت سلامت اجتماعی نوجوانان مقیم مرکز مؤثر است. فرزندان پذیرش شده از خانواده‌هایی که در بستر اعتیاد گرفتار هستند و حتی در صورت ارجاع به کمپ و ترک اعتیاد نیز از آن جهت که والدین دچار عوارض پس

از ترک هستند، همواره تربیت نوجوانان را برای کادر مراقبتی دچار چالش می‌نمایند. خانواده‌های درگیر اعتیاد؛ در ملاقات‌ها و مهمانی منزل و یا در رفتارهای هیجانی و قول و وعده وعیدها هماهنگی کاملی با کارکنان شبه‌خانواده ندارند و معمولاً در برنامه‌های مشاوره همکاری ضعیفی دارند. لغزش و ریزش در معتادان زیاد است و بارها پیش آمده والدین زیستی بعد از خدمات بازپروری نیز درگیر مواد شده و روند بازپیوند فرزندان به خانواده را با مشکل مواجه کرده‌اند.».

در گروه عوامل کارکردی، آموزش مهارت‌های زندگی با ۲۳ نظر و سهم ۵,۹۱ درصد، تأمین نیازهای مالی با تعداد ۱۴ نظر و سهم ۳,۶۰ درصد، تشویق و تنبیه با تعداد ۱۳ نظر و سهم ۳,۳۴ درصد، داشتن حامی و تأمین نیازهای عاطفی و روانی بیشترین سهم را در بین عوامل کارکردی مؤثر بر سلامت اجتماعی را به خود اختصاص داده‌اند.

۳-۵. مدل استخراج شده محورهای کلی و مهم عوامل ساختاری و کارکرده مؤثر بر سلامت اجتماعی نوجوانان



شكل (۵): محورهای کلی و مهم عوامل ساختاری و کارکرده مؤثر بر سلامت اجتماعی نوجوانان

نتیجه‌گیری

مراکز شباهنگ روزی سازمان بهزیستی که کودکان و نوجوانان بی‌سروپرست و بدسوپرست در آنها نگهداری می‌شوند از جمله واحدهای مهم و قابل توجه در سازمان بهزیستی و مورد توجه عموم مردم و خیران هستند. در مراکز مراقبت و نگهداری این عزیزان موضوع‌های مهمی قابل توجه هست که از جمله آن می‌توان به «سلامت اجتماعی» اشاره کرد.

شناسایی عوامل ساختاری مؤثر بر سلامت نوجوانان بخش مهمی از داده است که در این پژوهش کارشناسان به سه مقوله اصلی که وضعیت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خانواده قبل از ورود نوجوانان به مراکز شباهنگ، کارکرد خانواده زیستی و ساختارهای موجود و آسیب‌های اجتماعی خانواده را به عنوان عوامل مؤثر بر سلامت اجتماعی عنوان کردند که تا حدود زیادی با نتایج حاصل از پژوهش‌های انجام شده در مورد مهم‌ترین مسائل و مشکلات خانواده و جامعه همپوشانی دارد. نوجوانان مقیم مراکز شباهنگ نیز متأثر از ساختارها، شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه هستند.

فضا و ساختار مراکز، تعداد نوجوانان مقیم در یک مرکز و محدودیت‌های ارتباطی نیز از جمله موارد مؤثر بر سلامت اجتماعی آنها بوده که بدون ارتباط با شرایط اجتماعی و اقتصادی جامعه نیست. از جامعه آماری مورد مطالعه ۷۶/۷۲ درصد دارای خانواده و اقوام بودند که نشان‌دهنده مشکلات جدی اجتماعی و فرهنگی جامعه است. نکته قابل ذکر در اینجا وضعیت ساختار مراکز است که می‌توان گفت به دلیل محدودیت‌های موجود در تأمین منابع مالی امکان اصلاح دقیق ساختارها، تأمین فضا و امکانات لازم، جلوگیری از تغییرهای تأثیرگذار بر سلامت اجتماعی نوجوانان مقیم فراهم نیست. همچنین تأثیر شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه و خانواده، کاهش بیکاری، اعتیاد، رفع فقر و محرومیت، بهبود شاخص‌های توسعه و کاهش تعداد آسیب‌دیدگان اجتماعی را به دنبال داشته و زندگی و سلامت اجتماعی نوجوانان مقیم در مراکز شباهنگ روزی که عمدتاً حاصل شرایط فوق الذکر هستند را بهبود می‌بخشد. پژوهش؛ نویدزاده (۱۴۰۱) اثربخشی آموزش حل مسئله با رویکرد توانمندسازی بر درک ارزش‌های خویشتن دختران شباهنگ روزی یافته‌های این پژوهش نشانگر آن است که «آموزش مهارت حل مسئله با رویکرد توانمندسازی مددکاری اجتماعی می‌تواند روشی مؤثر جهت ارتقای سطح سازگاری فردی دختران ساکن در شباهنگ روزی است».

نتیجه حاصل شده با نتایج به دست آمده در ساختارهای کارکردی و موضوع آموزش و مهارت‌ها، که از کارکردهای تربیتی مؤثر بر سلامت اجتماعی نوجوانان مقیم مراکز شبه خانواده است همخوانی داشته و بر سلامت اجتماعی ایشان مؤثر است. پژوهش بهنوش و محمدزاده دهملایی (۱۳۹۹) با عنوان بررسی مقایسه‌ای عملکردهای اجرایی‌شناختی حل مسئله، در نوجوانان ساکن در مراکز شبانه‌روزی بهزیستی و همتایان عادی آنها در شهر تهران نشان داد: «نوجوانان ساکن مراکز شبانه‌روزی در عملکردهای اجرایی‌شناختی خود نسبت به همتایان عادی آنها ضعیف‌تر هستند و نیاز است که با ارائه پروتکل‌های حیرانی و درمانی شناختی، جهت بهبود آینده این نوجوانان و درنهایت بهبود جامعه، اقدام کرد و پیشنهاد شده است خدمات مشاوره‌های و آموزشی در جهت تقویت انگیزه پیشرفت و کارکردهای اجرایی ارائه شود». این نتیجه با آموزش مهارت‌های زندگی به عنوان یکی از کارکردهای تربیتی مراکز شبه خانواده همخوانی دارد. پژوهش علی‌زاده و دیگران (۱۳۹۷) با عنوان «اثربخشی آموزش کفايت اجتماعی بر گرایش به رفتارهای پرخطر نوجوانان پسر بی‌سرپرست و بدسرپرست در شهرهای مشهد و سبزوار» نشان می‌دهد: نوجوانان پسر بی‌سرپرست و بدسرپرست در طول دوران زندگی‌شان در مراکز شبانه‌روزی دچار تنیدگی و تنش‌های بسیاری می‌شوند. متأسفانه آنها جایگاه اجتماعی منفی را تجربه می‌کنند که کسب موفقیت را برای آنان دشوار و به آرزوی همیشگی تبدیل می‌کند. آموزش کفايت اجتماعی موجب ارتقاء مهارت‌ها، افزایش ظرفیت برای انطباق نوجوانان با موقعیت‌های مختلف و برخورد آنان با مشکلات می‌شود. این نتیجه با یافته‌های پژوهش حاضر در موضوع عوامل ساختارهای با عنوان فرهنگی و اجتماعی خانواده زیستی و همچنین آموزش مهارت‌ها برای افزایش انطباق اجتماعی در کارکردهای مراکز شبه خانواده همخوانی دارد و بر سلامت اجتماعی نوجوانان مقیم مؤثر می‌باشد. سنایی پارسا و جمشیدی (۱۳۹۵) با عنوان آسیب‌شناسی و نیازمندی کودکان بی‌سرپرست در جامعه معاصر ایران نشان داد که «با رعایت برنامه‌ریزی‌های مناسب و استفاده از روش‌های درست، استفاده از مریبیان و مسئولان آموزش‌دیده و روان‌شناسان باتجربه (یا حتی روان‌پیشک) شبیه‌سازی محیط خانه در مجموعه، کم کردن جایه‌جایی بچه‌ها و تغییر مدام محل سکونت (به حداقل رساندن جایه‌جایی بچه‌ها) توجه به مسائل رفاهی، تفریحی، آموزشی و پرورشی، استقرار فرزندان در مناطق متوسط شهر برای آشنایی با این فرهنگ، ایجاد مرکزی مستقل برای انجام دادن خدمات مشاوره‌ای می‌توان به کودکان و درنهایت جامعه کمک شایان توجهی کرد». نتایج فوق با یافته‌های پژوهش از جمله برنامه مراقبت و

هماهنگی عوامل تربیتی، مریبان آموزش دیده، توجه به مسائل رفاهی، تفریحی، آموزشی و پرورشی که از عوامل کارکردی و نیز جایه‌جایی کودکان و تغییر محل سکونت، تغییرات ساختاری و استقرار فرزندان در مناطق متوسط شهری و نزدیک به محیط فرهنگ آنها از جمله عوامل ساختاری مؤثر بر سلامت اجتماعی را تأیید می‌نماید. رجبی و دیگران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «مقایسه ساختهای سلامت روان در کودکان بی‌سروپست نگهداری شده در مراکز با کودکان سپرده شده نزد اقوام در استان لرستان» نتیجه گرفت که «فقدان خانواده سبب می‌شود کودکان خانواده از بسیاری از تجارب مفید و یادگیری های سالم محروم شده و این خلاً می‌تواند تغییرهایی را در رفتار کودکان ایجاد نموده و زمینه را برای بروز مشکلاتی از قبیل افسردگی، گوشه‌گیری و اضطراب یا بروز اختلال‌های شدید روانی فراهم نماید؛ لذا حضور در محیط گرم و دوستانه خانواده وجود روابط عاطفی خوب بین افراد خانواده موجب پرورش افرادی با سلامت روان و شخصیت سالم و بالعکس فقدان دریافت حمایت عاطفی از طرف والدین موجب کچروی‌های اجتماعی و مشکلات روان‌شناسختی و تزلزل سلامت روانی می‌گردد که نتایج پژوهش حاضر در زمینه حمایت اجتماعی و لزوم ارتباط با خانواده زیستی و اقوام و بستگان را تأیید می‌نماید. انتصار فومنی و کابینی مقدم (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی بر سازگاری اجتماعی و تکانش‌گری در بین دختران ساکن خانه‌های شبانه‌روزی»، نتایج تحقیق نشان داد که آموزش مهارت‌های ارتباطی بر سازگاری اجتماعی دختران ساکن خانه‌های شبانه‌روزی مؤثر بود، که این نتیجه نیز با تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر نتایج پژوهش حاضر به عنوان عوامل کارکردی مراکز شبه‌خانواده منطبق است.

موضوع‌های دیگری مانند: تأمین نیازهای مالی، تشویق و تنبیه، بهداشت فردی و عمومی، داشتن حامی، تأمین نیازهای عاطفی و روانی نیز از جمله موضوع‌هایی بودند که در پژوهش‌های انجام شده اشاره مستقیمی به تأثیرهای آنها در زندگی نوجوانان مقیم مراکز شبه‌خانواده نشده است، لیکن هر کدام از این موضوع‌ها نیز می‌توانند محورهایی برای پژوهش‌های آینده باشند. در دهه‌های اخیر تقویت روند مؤسسه‌زدایی در مراقبت از کودکان، زمینه توسعه طرح‌های پذیرش موقت یا دائم کودکان در خانواده‌های جایگزین و فرزندخواندگی را فراهم نموده است. در برخی جوامع در حال توسعه به‌ویژه جوامع اسلامی ساختار گسترش‌دهتر خانواده و احساس تعهد عمومی نسبت به کودکان موجب شده است تا تعداد بسیار قابل توجه‌ای از کودکان نیازمند حمایت، به صورت طبیعی

تحت مراقبت و سرپرستی بستگان خود قرارگیرند. نتایج این پژوهش نشان داد در مورد عوامل کارکردی اکثر کارشناسان به آموزش مهارت‌های زندگی، تأمین نیازهای مالی، تشویق و تنبیه، بهداشت فردی و عمومی، داشتن حامی، تأمین نیازهای عاطفی و روانی، برنامه مراقبت و برنامه‌ریزی مناسب برای فرزندان و داشتن ارتباط با اقوام و بستگان در تأمین سلامت اجتماعی نوجوانان مراکز به عنوان بیشترین عوامل مؤثر بر سلامت اجتماعی تأکید نمودند، برای نوجوان درک جامعه و ارتباط اجتماعی بسیار بالاهمیت می‌باشد و یادگیری نحوه ارتباط اجتماعی و تمرکز بر یادگیری مهارت‌های زندگی برای دستیابی به دانش و اطلاعات لازم بهمنظور برقراری ارتباط با افراد، احساس مفید بودن، احساس تعلق اجتماعی و درک ارتباطات مفید اجتماعی از کارکردهای مهم مراکز می‌باشد که در این زمینه برنامه گروه مراقبت در مرکز متشکل از مدیر مرکز، کارشناس روان‌شناس، کارشناس مددکاری اجتماعی و مربيان در راستای تأمین نیازهای اولیه، زیستی و روانی، اجتماعی و اقتصادی، امکانات پیشرفته و رشد اجتماعی نوجوانان را لحاظ نموده و اجرای دقیق این برنامه‌ریزی مدنظر بوده است. هر چند نوجوان از محیط اجتماعی تأثیر می‌پذیرد ولی کنترل و نظارت بر کارکردهای خانه می‌تواند به شکل گیری رفتار نوجوانان کمک کند، آسیب‌های گذشته به فرزندان مقیم این همواره تهدیدی برای بهبود سلامت اجتماعی آنها بوده است، لیکن تدوین دستورالعمل‌های مناسب توسط افراد متخصص، به کارگیری کارشناسان و مربيان آشنا به اصول علمی، هماهنگی عوامل تربیتی، تجربه اصلاح رفتار در مراکز می‌تواند در زمینه کاهش مشکلات آنها، تشویق و تقویت رفتارهای سالم در برنامه‌های تربیتی و مراقبتی زمینه‌ساز بهزیستی اجتماعی نوجوانان است.

داده‌های حاصله از نظرهای کارشناسان مرتبط حاکی است که تأمین نیازهای اولیه، نیازهای عاطفی و روانی کمک به هویت‌یابی از طریق تعاملات اجتماعی، ارتباط با خانواده زیستی، تجربه زیسته نوجوانان مقیم، ارتباط با اقوام و بستگان و حضور در برنامه‌های آموزشی و تحصیلی، شغلی، هنری ورزشی و اجتماعی نیز به عنوان کارکردهای تربیتی مراکز در تأمین سلامت اجتماعی فرزندان مؤثر بوده است. با این حال وجود حضور حدود ۸۵۰ کودک و نوجوان بی سرپرست در مراکز شبانه روزی سازمان بهزیستی با ساختارهای مختلف در بخش‌های دولتی و غیردولتی، ساختار خانواده و آسیب‌های اجتماعی و تهدیدهای موجود در حیات خانواده زمینه‌هایی هستند که در حال حاضر حدود ۶۵۰ مرکز در کشور که بیشتر آنها توسط مؤسسه‌های خیریه

تأسیس ایجاد شده فعالیت دارند، زندگی در مؤسسه‌ها همواره مشکلاتی را برای کودکان و نوجوانان مقیم به‌دبیال داشته است. از این منظر در جهت کاهش مشکلات، آسیب‌شناسی مراکز و مؤسسه‌ها و زندگی افراد مقیم همواره مورد بررسی پژوهشگران دانشگاهی و متخصصان امور بوده است. در اینجا لازم است به بررسی نتایج حاصل از پژوهش حاضر و سایر پژوهش‌های اشاره شده در پیشینه و مرتبط با موضوع شبه‌خانواده و زندگی در مراکز شباهنگی روزی داشته باشیم.

پیشنهادهای پژوهش

با وجود مطالعات زیاد در زمینه سلامت اجتماعی در کشور در زمینه سلامت اجتماعی نوجوانان مقیم مراکز شبه‌خانواده تحت نظارت سازمان بهزیستی تحقیقی صورت نگرفته است.

- ۱- تربیت نیروهای تخصصی اعم از کارشناسان ارشد با گرایش کودکان و نوجوانان شبه‌خانواده، تربیت نیروی کارشناس تربیتی کودک و نوجوانان مقیم مراکز شبه‌خانواده و آسیب‌دیدگان اجتماعی در دستور کار قرار گیرد.
- ۲- کیفیت زندگی کودکان و نوجوانان و تجربه‌های زیسته آنها مطالعه و بررسی شود.
- ۳- بررسی ویژگی‌های آسیب‌شناسی خانواده‌های دارای کودکان و نوجوانان مقیم مراکز شبه‌خانواده می‌تواند موضوع مهمی برای اقدام‌های پیشگیرانه باشد.
- ۴- مقایسه شیوه‌های مراقبت از کودکان و نوجوانان بی‌سپریست و بدسرپرست در مراکز شبه‌خانواده و خانواده‌های جایگزین توصیه می‌شود.
- ۵- نهادهای اجتماعی دولتی و نهادهای غیردولتی چگونه می‌توانند در تقویت شبکه حمایت‌های اجتماعی و کاهش ورود کودکان و نوجوانان بی‌سپریست و بدسرپرست به شبه‌خانواده مؤثر باشند.

با توجه به ویژگی‌های نوجوانان مقیم مراکز شبه‌خانواده و مشکلات زندگی در مراکز شبه‌خانواده و مؤسسه‌های تشکیل شده این گروه سنی نیازمند توجه به برنامه‌ریزی و خدمات مراقبت و نگهداری با استانداردهای خاص دارند؛ بنابراین مسئولان امر در دولت، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، سازمان بهزیستی و مؤسسه‌های متولی خانه‌های کودکان و نوجوانان ضروری است ضمن ارتقاء شاخص‌های سلامت اجتماعی آنها به توانمندسازی و تقویت حمایت‌های اجتماعی پس از ترجیح توجه لازم و کافی را داشته باشند.

فهرست منابع

- آزاد آرمکی، محمدتقی (۱۳۹۸). اولین نشست «شبه‌خانواده» با عنوان «نگاهی به بنیان‌های نظری شبه‌خانواده». تهران: ۲۸ خرداد.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۹۶). روش پژوهش کیفی از نظریه تا عمل. تهران: کیهان.
- امیدی، کاوه (۱۳۹۸). اولین نشست «شبه‌خانواده» با عنوان «نگاهی به بنیان‌های نظری شبه‌خانواده». تهران: ۲۸ خرداد.
- باقی نصرآبادی، علی (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی خانواده. تهران: دانشگاه علمی کاربردی.
- بخارایی، احمد؛ شربتیان، محمدحسن و طوفانی، پویا (۲۰۱۵). مطالعه جامعه‌شناسختی رابطه نشاط با سلامت اجتماعی (جوانان ۱۸ تا ۳۰ سال شهرستان ملایر). برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۷(۲۵)، ۱-۴۰.
- برجاعی، فرامرز (۱۴۰۰). پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی. پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۴۴.
- بهنوش حامد، علی و محمدزاده ده ملایی، رجبعلی (۱۳۹۹). بررسی مقایسه‌ای عملکردهای اجرایی شناختی (حل مسئله، انعطاف‌پذیری ذهنی و ریسک‌پذیری) در نوجوانان ساکن در مراکز شبانه روزی بهزیستی و همتایان عادی آنها در شهر تهران، هفتمین همایش علمی پژوهشی توسعه و ترویج علوم تربیتی و روان‌شناسی ایران.
- بیات، محبوبه؛ نادری‌فر، مهین؛ بیات مقداد، میری مجید و فروغی، سعید (۱۳۸۶). سلامت اجتماعی کودکان ۷ تا ۱۱ ساله ساکن مراکز نگهداری شبانه روزی.
- پورحسن، قاسم (۱۳۹۸). اولین نشست «شبه‌خانواده» با عنوان «نگاهی به بنیان‌های نظری شبه‌خانواده». تهران: ۲۸ خرداد.
- چایچی تبریزی، نگار (۱۳۹۴). سلامت اجتماعی و عوامل مرتبط با آن. تهران: تک درخت.
- حسینی حاجی بکنده سید احمد و تقی‌پور مليحه (۱۳۸۹). بررسی تأثیر حمایت اجتماعی بر سلامت اجتماعی زنان سرپرست خانوار. پژوهش اجتماعی، ۳(۷)، ۱۳۹-۱۵۸.
- خوش‌فر، غلامرضا؛ محمدی، آرزو؛ محمدزاده، محمدی و اکبرزاده، فاطمه (۲۰۱۵). امنیت اجتماعی و سلامت اجتماعی (مطالعه موردی: جوانان ۱۵-۲۹ ساله شهر قاین). مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۹(۱)، ۷۱-۱۰۲.

رزاقی، رضا (۱۳۹۶). مراقبت و توانمندسازی کودکان دور از خانه. تهران: نشرتارات ارجمند.

رستگار خالد، امیر و عظیمی، هاجر (۲۰۱۳). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با شهروندی دموکراتیک. *فصلنامه علوم اجتماعی*, ۱۹(۵۹)، ۹۷-۱۴۱.

رضایی، سحر؛ گودرزی، محمود و علی مددی، کامران (۲۰۲۲). اثربخشی آموزش الگوی توانمندسازی مهارت‌های زندگی بر افزایش عزت نفس و حل مسئله اجتماعی در کودکان تحت سرپرستی مراکز نگهداری شبانه‌روزی (حدوده سنی ۶ تا ۱۲ سال) شهر کرمانشاه. *توانمندسازی کودکان استثنایی*, ۱۳(۳)، ۴۳-۳۴.

رفیعی، حسن (۱۳۹۴). رابطه سرمایه اجتماعی با سلامت اجتماعی ایران. *رفاه اجتماعی*, ۱۱(۴۲)، ۲۰۳-۲۲۸.

رفیعی، حسن (۱۳۹۴). رابطه سرمایه اجتماعی با سلامت اجتماعی ایران. *فصلنامه رفاه اجتماعی*, ۲۲۸.

Zahedi Asl, Mohammad (۱۳۹۳). فراتحلیلی بر مطالعات مربوط به سلامت اجتماعی. *برنامه‌ریزی و توسعه اجتماعی*, ۱۹(۵)، صص. ۷۱-۱۰۷.

Zahedi Asl, Mohammad و نعمت‌ساعتلوا، فایقه (۲۰۱۵). برنامه‌های حمایتی و کیفیت زندگی معتادان: مقایسه معتادان بازتوان شده کنگره ۶۰ و معتادان بازتوان شده در کلینیک‌های خصوصی. *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*, ۳(۲)، ۱۸۹-۲۱۱.

Zahedi Asl, Mohammad (۱۳۹۳). فراتحلیلی بر مطالعات مربوط به سلامت اجتماعی. *برنامه‌ریزی و توسعه اجتماعی*, ۱۹(۵)، صص. ۷۱-۱۰۷.

سازمان بهزیستی کشور (۱۳۹۵). قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست. تهران: سازمان بهزیستی کشور.

سجادی، حانیه السادات؛ کرمی، مهرگان؛ ترک‌زاده، لیلا؛ کریمی، سعید و بیدرام، رسول (۱۳۸۴). کارایی مراکز آموزشی، درمانی و بیمارستان‌های عمومی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در سال‌های ۱۳۸۴-۸۵ با استفاده از روش تحلیل فرآگیر داده‌ها.

علیزاده، سیما؛ راهب، غنچه؛ میرزائی، زهرا و حسین‌زاده، سمانه (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش کفایت اجتماعی بر گرایش به رفتارهای پرخطر نوجوانان پسر مراکز شبانه‌روزی بهزیستی در شهرهای مشهد و سبزوار. *تونبخشی*, ۲۱(۱).

شریعتمدار، آسیه و پورگراوند، ساحره (۲۰۱۴). مقایسه هیجان خواهی و کفایت اجتماعی دختران ساکن مراکز شبانه روزی بهزیستی با دختران تحت سرپرستی

- خانواده. فرهنگ مشاوره و روان درمانی، ۱۴۱-۱۵۸. شمسایی، محمدحسین (۱۳۹۷). رازها و نیازهای مراکز شبانه روزی. تهران: کویر.
- عبدالله‌فام، رحیم؛ جهانگیر یاری، حاج عطالو؛ طالبی، بهنام و ابراهیم‌پور، داود (۲۰۱۹). مدل یابی ساختاری سلامت اجتماعی براساس نقش عوامل فردی، شغلی و سازمانی در میان اعضای هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی استان آذربایجان شرقی. مدیریت سازمان‌های دولتی، ۷(۳)، ۹۱-۱۰۴.
- نویدزاده، فریده؛ قادری ثانوی، رمضانعلی و عرشی، مليحه (۱۴۰۰). نهمین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی. علوم تربیتی و سبک زندگی.
- قادری، مهدی (۱۳۹۳). کاربرد شاخص‌های نوین در تبیین سبک زندگی سالم. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۵۸(۱)، صص. ۶۲-۹.
- کابینی مقدم، سلیمان؛ انتصار فومنی، غلامحسین؛ حجازی، مسعود و اسدزاده، حسن (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش راهبردهای یادگیری خودگردان و آموزش کمک‌خواهی بر پایستگی تحصیلی دانش‌آموزان اهمال کار مدارس غیرانتفاعی. رویکردهای نوین آموزشی، ۱۴(۱)، ۳۳-۴۸.
- رجیبی، مسلم؛ بگیان کوله مرز، محمدمجود؛ بختی، مجتبی و کریمی‌نژاد، کلشوم (۱۳۹۶). مقایسه شاخص‌های سلامت روان در کودکان بی‌سرپرست نگهداری شده در مراکز با کودکان سپرده شده نزد اقوام در استان لرستان. نشریه پرستاری کودکان، ۱۴(۱)، ۴۲-۴۶.
- نبوی، عبدالحسین؛ نواح، عبدالرضا و امیرشیرزاد، نرگس (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر بی‌تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه: شهر وندان ۱۸ سال به بالای شهر دزفول). *جامعه‌شناسی ایران*، (۳).
- آزاد آرمکی، محمدتقی (۱۳۹۸). نگاهی به بنیان‌های با عنوان «شبه خانواده». اولین نشست تهران: ۲۸ خرداد، بنیان‌های نظری شبه خانواده.
- امیدی، کاوه (۱۳۹۸). نگاهی به بنیان‌های با عنوان «شبه خانواده». اولین نشست تهران: ۲۸ خرداد، بنیان‌های نظری شبه خانواده.
- پورحسن، قاسم (۱۳۹۸). نگاهی به بنیان‌های با عنوان «شبه خانواده». اولین نشست تهران: ۲۸ خرداد، بنیان‌های نظری شبه خانواده.
- نواح، عبدالرضا؛ بوداقی، علی و سعدی، ناهید (۱۴۰۱). مطالعه جامعه‌شناسخانه تأثیر سرمایه اجتماعی و کیفیت خدمات آموزشی بر احساس نابرابری اجتماعی مطالعه موردی: دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم شهرستان ایذه. *جامعه‌شناسی*

کاربردی، ۲۲-۱، (۲)۳۳

- هزارجریبی، جعفر و اسدالله، مهری (۱۳۹۱). تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت روانی اجتماعی. *فصلنامه علوم اجتماعی*، (۵۹)، ۸۸-۴۱.
- هزارجریبی جعفر و ارفعی مقدم، عبدالمجید (۱۳۹۴). جهانی شدن و توسعه اجتماعی ایران در سه دهه گذشته بین سال‌های ۱۳۶۱-۱۳۹۱. *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*. ۷(۲)، ۲۶-۷.

- AbdeLah Tabar, h. (2008). A study of Social Wellbeing among Students. *Social Welfare*, 89-171.
- Alizadeh, S. (2018). *Effect of social competence training on Tendency Towards High-Risk Behaviors in Adolescents Living in Boarding Centers*.
- Aron, S., Beckers, R., Deneubourg, J. L., & Pasteels, J. M. (1993). Memory and chemical communication in the orientation of two mass-recruiting ant species. *Insectes Sociaux*, (40), 369-380.
- Bandura, A., & Walters, R. H. (1977). *Social learning theory* (Vol. 1). Prentice Hall: Englewood cliffs.
- Corbin, J. M., & Strauss, A. (1990). Grounded theory research: Procedures, canons, and evaluative criteria. *Qualitative sociology*, 13(1), 3-21.
- Derakhshannia, F. (2013). Define Index and Indicators of Social Health in Iran. *Tehran: University of Rehabilitation Sciences and Social Welfare*.
- Filk, T. (2006). Relational interpretation of the wave function and a possible way around Bell's theorem. *International Journal of Theoretical Physics*, (45), 1166-1180.
- keeys, C. A. (1998). social well-bing. *socia sychology quarterly*.
- Keyes, C. L. (2002). The mental health continuum: From languishing to flourishing in life. *Journal of health and social behavior*, 207-222.
- Kyees, L. L. (2014). Rigor and academic achievement: Career academies versus traditional class structure. Liberty University.
- Larsoon, J. E. (1996). Diagnosis based on Explicit Means-ends Models. *Artificial Intelligence*, (80), 29-93.
- Ness, R. B. & Joint Policy Committee. (2007). Influence of the HIPAA privacy rule on health research. *Jama*, 298(18), 2164-2170.
- Samaram, E. (2009). Community Oriented Policing and Social Health. *ENTEZAM-E-EJTEMAEI*.
- Samiee, M. A. (2010). Social Health of Iran: from a Consensus-based Definition to an Evidence-based Index. *jof soc lrobl in Iran*.
- Telfer, D. J. & Sharpley, R. (2015). *Tourism and development in the developing world*. Routledge.
- Towards High-Risk Behaviors in Adolescents Living in Boarding Centers. W.H.O (2016). <http://www.who.int/about/definition/en/lrint.html>, <http://www.who.int>

- Zamankhani, F. (2016). Social Health Situation Analysis of all Provinces of Islamic Republic of Iran. *Community Health*
- Zare Shah Abadi, A. (2015). A Survey on the Factors Affecting the Social Health of the Primary District of a Yazd District. *Journal of Yazd School of Public Health*.

References

- A thousand acres, vol. (2013). Leisure time and social health. Welfare planning and social development, 233. (In Persian)
- Abdullah Pham et al.: Structural modeling of social health based on the role of individual, occupational and organizational factors. *Education and Evaluation Quarterly (Educational Sciences)*. 2(6), 119-151. (In Persian)
- Afrasiabi, Rezaei Sadrabadi, Arzoo. (2023). Cross-contextual construction of individuality: Adolescent girls' interpretation of success *Applied Sociology*, 34(2), 1-26. (In Persian)
- Amini Rarani, Mustafa; Mousavi, Mirtaher and Rafiei, Hassan (2018). "The relationship between social capital and social health in Iran". *Faslnameh Refah*. 203 of 228, (11) (42), social. (In Persian)
- Arabi, Mehrdad (2013). A selection of articles on the prevention of emerging social harms, theories and methods, welfare organization, first edition. (In Persian)
- Asodi, Marzieh; Jadidi, Mohsen and Mirzaian, Bahiram (2015). The social model of Bir Esias's sociological model, self-control variable, psychological problems, purposefulness in life, self-acceptance with the mediating variable of thinking styles. *The 2nd National Conference of Sibak on Marriage and Stable Family*, Tehran: Islamic Azad University of Science and Research Branch of Tehran. (In Persian)
- Azad Aramaki, T. (2018). The first meeting of "Semi-family" with the title "Looking at the theoretical foundations of the pseudo-family" on June 28. Tehran. (In Persian)
- Azkia, Mustafa and others (2016). Qualitative research method from theory to practice, first volume (first edition), Kaihan Publications. (In Persian)
- Baghi Nasrabadi, A. (1387). Family sociology. Tehran: University of Applied Sciences, first edition. (In Persian)
- Baghi Nasrabadi, Ali (1387). Sociology of Family, University of Applied Sciences (first edition). (In Persian)
- Bandura, Albert (1977). Social learning theory Translated by Farhad Maher. Tehran: Rahgosha Publications. (In Persian)
- Barjali, M. (1400). Social psychology research. *Researches in social psychology*, (44). (In Persian)
- Barjali, Mahmoud and Burhani, Irfan, *Social Psychology Research*, (44), Winter 1400.
- Bukharai, Ahmed; Sharbatian, Mohammad Hasan and Towafi, Pooya

- (2014) "Study of Shinakhti society, the relationship between people and society" Welfare and Social Development Planning Quarterly, 25, 1-39. (In Persian)
- Chaichi Tabrizi, N. (2014). Social health and related factors. Social health and related factors, p. 81. (In Persian)
- Chaichi Tabrizi, Negar and Baf Shamali, Hamid (2014) Social health and factors related to it. Tehran: Takdrakht. (In Persian)
- Coleman, James (2014). Foundations of Social Theory, translated by Manouchehr Sabouri, Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Expression of fur, strength, & Mobin (2023). The effectiveness of group-based existential awareness training on social exclusion, social adjustment, social adequacy and cognitive avoidance in the elderly with empty nest syndrome. Social Psychology Research, 12(48), 35-54. (In Persian)
- Ezkia, Mustafa and others (2016). Qualitative research method from theory to practice, second volume (first edition), Keihan Publications. (In Persian)
- Giddens, Anthony (1391). The Consequences of Modernity, translated by Mohsen Al-Thalari, Central Publishing House, Tehran, first edition. (In Persian)
- Golshan, Mohammad Reza (2013). Sociology of Organizations and Organizational Power, Duran Publishing House. (In Persian)
- Hazarjaribi, Jafar, Arfaei Ainuddin, Reza (2013). Leisure time and social health, Social Development and Welfare Planning Quarterly, (83). (In Persian)
- Hazarjaribi, Jafar, Mehri, Asadullah (8418). Analysis of the relationship between social capital and mental and social health, Social Sciences Quarterly, (81). (In Persian)
- Khoshfar, Gholamreza; And others (2013). Social security and social health of youth aged 15-29 in Qain city. Iranian Journal of Social Studies, 9(1), 71-102. (In Persian)
- Kikhaoni, Shiler, Safarinia, Alipour, Ahmed "Compilation of social dimensions of health from the perspective of urban" Social Psychology Research 10InPersian 38(2020): 41-64. (managementInPersian).
- Kodkhodaei, Fatemeh, Shorush, Lotfi (2012). Measuring the level of social health of female high school students in Shiraz city and investigating factors affecting it, Social Research Quarterly, 5th year, 20th issue, fall term. (In Persian)
- Kozer, Louis (2012). The life and thought of great sociologists, translated by Mohsen Talasi, 10th edition, Tehran: Scientific Publications. (In Persian)
- Marandi, Alireza (1391). Public Health, Tehran: Shahid Beheshti University Press. (In Persian)
- Marandi, Alireza (2018). Social factors of health in the comprehensive book of public health, Ministry of Health, Medical Treatment and Education, Deputy of Research and Technology. (In Persian)

- Masoudnia, Ebrahim (2013). Sociology of Medicine, Tehran: Tehran University Press. (In Persian)
- Mohammadi, Ayoub, Khaftan, Parvaneh, Amirpour, Barzo, Sapideh Dem, Maryam Al Sadat, Gholami Jam, Fatemeh, (2015). "Relationship between self-efficacy and social health among nurses of Taleghani Hospital, Kermanshah". (In Persian)
- Moradi, Akro and others (2013). Social health survey of working children referring to non-governmental centers to support children's rights in Tehran, a research article in the journal of Rafsanjan University of Medical Sciences, 2014, ppInPersian. 977-988. (In Persian)
- Mousavi, Mirtaher, Shiani, Maleeha, Fateminia, Siavash, Omidnia, Soheila (2013). Conceptual expansion of social health with a social health approach, Social Welfare Quarterly, 15th year, (81). (In Persian)
- Najafi Asl. (2022). A qualitative study of the social health of women with children (case study: Ahvaz city) Women and Society Quarterly, 13(50), 197-212. (In Persian)
- Nik Varez, Tayyaba and Yazdanpanah, Leila (2014). "The relationship between social factors and the social health of Shahid Bahonar University students in Kerman", Applied Sociology, 23(3), 116-99. (In Persian)
- Niki Dehghani, Seyedah Shida, Khabeiri, Omid, Basics of Designing Home for Working Children with Social Sustainability Approach, University Science Publications, 2017. (InPersian)
- Noorbala, Ahmad Ali (2013). Mental-social health and ways to improve it, Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology, 17th year, (2). (In Persian)
- Omedi, Kaveh (2018). The first meeting of "Semi-family" with the title "Looking at the theoretical foundations of the pseudo-family" on June 28.Tehran. (In Persian)
- Pourhasan, Qasim (2018). The first meeting of "Semi-family" with the title "Looking at the theoretical foundations of the pseudo-family" on June 28. Tehran. (InPersian)
- Protection Law for Unsupervised and Abused Children (2017), National Welfare Organization, first. (InPersian)
- Qadri, Mehdi, Amir Maliki, Ahmadnia, Shirin (2016). From Bourdieu's cultural capital to health-related cultural capital according to Abel's interpretation: Application of new indicators in explaining healthy lifestyle, Social Welfare, 16(62), 58-9. (InPersian)
- Razzaghi, Reza (2016). Care and empowerment of children away from home, Arjmand Publications, first edition. (InPersian)
- Richard, Hall (2004). Organization: structure, process and management, translated by Seyed Mohammad Arabian, Ali Parsaian, cultural research office. (InPersian)
- Shamsai, Mohammad Hossein, Tavakoli, Sadegh (2017). Secrets and Needs of Boarding Centers, Tehran, Kavir Publications. (InPersian)
- Specialized instructions for the care and upbringing of children under the

- supervision of the country's welfare organization (2008). public relations of the country's welfare. (InPersian)
- Taghipour, Maleeha (2009). Investigating the effect of social support on the social health of female heads of households in Tehran.Master's Thesis of Women's Studies, Islamic Azad University, Roudhen Branch. (InPersian)
- Turkaldani, Fatemeh (2009). "Effect of self-efficacy on people's success in life". School Counselor, 6(2), 4-7. (InPersian)
- Yazdan Panah, Leila (2013). Investigating the factors affecting the social participation of citizens aged 81 and over in Tehran, PhD thesis of the Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran. (In Persian)
- Zahedi Asl, Mohammad and Pilehvari, Azam (2014). An analysis of studies related to social health.Social Planning and Development Quarterly, 5(19), 71-107. (InPersian)
- Zaki, Mohammad Ali and Khashoui, Mary Al Sadat (2012). Social health and factors affecting it among the citizens of Isfahan, Studies, Cognitive Urbanism of Society, 3(7) 79-108. (InPersian)

مطالعه تطبیقی سیاست‌های حوزه باروری زنان در دو کشور اسکاندیناوی (سوئد و نروژ) و دو کشور اسلامی (ایران و ترکیه)^۱

زهرا آقایی

کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران
(نویسنده مسئول).

z.aghaei@student.alzahra.ac.ir

ID 0009-0000-0878-0441

محسن بدراه

استادیار گروه مطالعات زن و خانواده، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران.
m.badreh@alzahra.ac.ir

ID 0000-0001-5309-6999

غلامرضا خواجه‌سروری

استاد تمام دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
sarvireza1968@gmail.com

ID 0000-0003-0476-5249

چکیده

بحran کاهش جمعیت در کشور ایران مسئله‌ای مهم و قابل توجه است. این پژوهش به منظور دستیابی به راهکارهایی سیاستی برای رسیدن به رشدی متناسب در حوزه باروری انجام شده است. در این راستا پژوهش حاضر با دو رویکرد روشی سیاست‌پژوهی و مطالعه تطبیقی، به مطالعه امکان‌های تسهیل فرزندآوری پرداخته است؛ سیاست‌پژوهی، فرایند انجام پژوهش درخصوص مسئله اجتماعی مهمی یا تحلیل آن، به منظور ارائه توصیه‌های عملی به سیاست‌گذاران برای حل مسئله است. بدین منظور شاخص باروری زنان در دو کشور اسلامی (ایران و ترکیه) و دو کشور اسکاندیناوی (سوئد و نروژ) تحلیل و مقایسه شده است. نتایج نشان می‌دهند سیاست دولتهای اسکاندیناوی تا حد زیادی توانسته است زنان بیشتری را به فرزندآوری تشویق نماید. بررسی کشور ترکیه نشان‌دهنده بحران جمعیت در این کشور است؛ البته دولت ترکیه با اعمال سیاست‌های تشویقی در صدد است خانواده‌ها را به فرزندآوری تشویق کند. کشور ایران نیز از نظر جمعیتی به سمت پیری در حرکت است و تا کنون اقدام جدی با تأثیر قابل ملاحظه‌ای برای تشویق خانواده‌ها به فرزندآوری انجام نشده است؛ البته با تصویب قانون جوانی جمعیت امیدهایی وجود دارد. پیشنهاد می‌شود ضمن

^۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز:

CC BY-NC-ND (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>) است.

مرتفع نمودن مشکلات اقتصادی در این خصوص، به ایجاد امنیت شغلی بیشتر برای زنان توجه گردد. همچنین می‌توان از تجربه سیاستی کشورهای اسکاندیناوی نیز استفاده نمود البته باید در نظر داشته باشیم در کنار رشد در این کشورها، آسیب‌هایی نیز وجود دارند که در یافتن الگوی اسلامی - ایرانی باید برای آنها تدبیری اندیشیده شود.

کلیدواژه‌ها: باروری زنان، سیاست باروری، جمعیت، کشورهای اسکاندیناوی، کشورهای اسلامی.

شایای الکترونیک: ۶۵۵-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی



 10.22034/SCS.2023.393487.1427

مقدمه و بیان مسئله

یکی از مهم‌ترین مسائل کشورهای پیشرفته، مسئله باروری و افزایش جمعیت است. خانواده به عنوان یک نهاد مهم اجتماعی، بر تمام ابعاد جامعه تأثیرگذار است. از جمله مهم‌ترین تأثیرهای آن، می‌توان به تغییرهای جمعیتی جامعه اشاره کرد؛ لذا مسئله باروری از اهمیت فراوانی برخوردار است؛ زیرا از یکسو بر نیروی انسانی جامعه و توسعه اقتصادی آن، تأثیرهای فراوانی دارد. از سوی دیگر، میزان عزت نفس و رضایتمندی از زندگی در خانواده‌هایی که فرزند دارند نسبت به خانواده‌های بدون فرزند، در سنین میانسالی بیشتر است (Koropeckyj, 1988). میزان رضایتمندی از زندگی نیز از عوامل تأثیرگذار بر شاخص امید به زندگی است که یکی از شاخص‌های توسعه انسانی می‌باشد.

از مهم‌ترین چالش‌های ایران در چند دهه اخیر کاهش نرخ فرزندآوری بوده است که می‌تواند به بحران پیری جمعیت در دهه‌های آتی منجر شود. مسائل مختلفی از جمله ازدواج دیرهنگام، نگرانی زنان نسبت به از دست دادن موقعیت‌های کاری به دلیل فرزندآوری، عدم ارائه تسهیلات مناسب تشویق خانواده‌ها در این حوزه، از مهم‌ترین عوامل عقب‌ماندگی جامعه ایران و کاهش نرخ باروری است.

اتخاذ سیاست‌های مناسب در جهت تشویق و ترغیب خانواده‌ها به فرزندآوری، نیاز به برنامه‌ریزی و پژوهش دارد. این برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری جمعیتی نامیده می‌شود. این نوع سیاست‌گذاری ضمن بررسی جمعیت به عنوان هدف اصلی، تحولات جمعیتی جوامع و ارتباط آن با موضوع‌های سطح کلان این جوامع را نیز بررسی می‌کند. درواقع مجموعه‌ای از اصول و تدبیر جمعیتی است که توسط دولتها اتخاذ می‌شود و وظایف دولت را درخصوص مسائل جمعیتی یا امور مرتبه تعیین می‌کند. این سیاست‌ها علاوه‌بر کنترل جمعیت، مسائل و مشکلات جمعیتی را نیز بررسی می‌کنند. این سیاست‌ها به دو دسته مستقیم (تشویق موالید، جلوگیری از مرگ‌ومیر و بسته‌های تشویقی و...) و غیرمستقیم (افزایش یا کاهش میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی جامعه و مانند آن) تقسیم می‌شوند.

همچنین از آنجاکه شمار جمعیت، از دیرباز عاملی مؤثر در مؤلفه‌های قدرت یک کشور به‌ویژه در اقتصاد و نیروی نظامی آن به‌شمار می‌رفته است، عملاً سیاست‌های جمعیتی را در همه موجودیت‌های سیاسی نوین می‌بینیم که البته این سیاست‌ها به‌سبب شرایط متفاوت طبیعی، تاریخی، دینی، سیاسی و اقتصادی کشورها متنوع

بوده است.

از آنجاکه سیاست‌گذاری در زمینه جمعیت امری پیچیده بوده و میزان موفقیت و پیش‌بینی کنندگی آن را عوامل بسیار متعددی تعیین می‌نماید که هر کدام از این عوامل نیز خود به بسترهای دیگری در سطوح ملی و جهانی وابسته‌اند، باید تجارب کشورهای مختلف در این زمینه را مطالعه نمود تا از اشتباه‌ها و کژکاری‌های این سیاست‌ها کاست و بخت کامیابی‌شان را بیشینه نمود.

در این راستا سیاست‌های حوزه باروری دو کشور مسلمان ایران و ترکیه با همین سیاست‌ها در دو کشور اسکاندیناوی مقایسه شده‌اند. از این‌میان، کشور ترکیه همسایه ایران است و به لحاظ سابقه شاخص‌های جمعیتی در سده گذشته وضعیتی کم‌وبیش شبیه ایران دارد. همچنین دو کشور سوئد و نروژ که هر دو در یک منطقه جغرافیایی واقع‌اند، به عنوان کشورهای حاضر در صدر جدول توسعه انسانی و شکاف جنسیتی، بررسی شده‌اند.

گفتنی است در گزارش شاخص شکاف جنسیتی سال ۱۴۰۱۷ از میان ۱۴۴ کشور مورد بررسی، سه کشور اسکاندیناوی در سه رتبه اول تا سوم قرار دارند. مالزی ۱۰۴، ترکیه ۱۳۱ و ایران در ردیف ۱۴۰ (کشورهای اسلامی) جای گرفته‌اند (درخشنان، ۱۳۹۹، ص. ۲۱).

با توجه به اینکه اقتصاد ایران نفتی بوده و در کشورهای وابسته به نفت وضعیت زنان قدری با کشورهای دیگر متفاوت است، به همین منظور کشور نروژ علاوه‌بر اینکه در صدر جدول قرار دارد به عنوان یک کشور با اقتصاد نفتی نیز مورد توجه قرار گرفته است.^۲

درخصوص کشور ترکیه، با مقایسه گزارش‌های مذکور در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸، متوجه می‌شویم این کشور نیز مانند کشور سوئد ارتقاء درجه داشته و از ۱۳۰ به ۱۳۱ رسیده است. همچنین با توجه به اینکه از نظر فرهنگی و آداب و رسوم شبهات‌هایی میان این ایران و ترکیه وجود دارد، می‌توان مقایسه بهتری انجام داد.

1. Gender Gap Index Report 2017

۲. طبق مطالعات انجام شده در کشورهای نفتی بهویژه منطقه خاورمیانه، بهداشت و تحصیلات زنان پیشرفت بالایی داشته؛ اما متأسفانه مشارکت زنان در بازار کار و مشارکت سیاسی زنان پیشرفتی نداشته است (باستانی، ۱۳۹۴)، لذا با توجه به اینکه نروژ نیز یک کشور نفتی بوده و بهطور کلی پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در شاخص‌های توسعه‌ای داشته است، مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. هدف و پرسش‌های پژوهش

هدف این پژوهش مطالعه تطبیقی سیاست‌های چهار کشور ذکر شده در زمینه باروری به منظور ارائه پیشنهادهای سیاستی مناسب، جهت رسیدن به رشد جمعیتی متناسب با شرایط ایران است. در این راستا، دو پرسش اصلی طرح شده و مقاله در صدد پاسخ به آنهاست:

- ۱- کشورهای ایران، ترکیه، سوئد و نروژ در دهه‌های اخیر چه سیاست‌هایی را در زمینه باروری اتخاذ کرده‌اند؟
- ۲- مقایسه سیاست‌های باروری ایران، ترکیه، سوئد و نروژ، چه پیشنهادهایی را برای ارتقای سیاست باروری ایران با هدف رسیدن به یک رشد جمعیتی مناسب در اختیار می‌گذارد؟

۲. پیشینه پژوهش

۱- پیشینه داخلی

سلاطین و همکاران (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان تأثیر باروری بر نرخ مشارکت زنان در گروه کشورهای منتخب: رهیافت داده‌های پانل به بررسی میزان تأثیرگذاری باروری بر نرخ مشارکت زنان در گروه کشورهای منتخب با درآمد متوسط پرداخته‌اند. یافته‌ها در گروه کشورهای منتخب در دوره زمانی ۱۹۹۰-۲۰۱۵ نشان‌دهنده تأثیر منفی و معنادار نرخ باروری بر نرخ مشارکت زنان در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط است.

دلیری (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان تأثیر ناظمینانی شغلی بر تمایل به فرزندآوری در استان‌های ایران، تأثیر ناظمینانی بازار کار بر نرخ فرزندآوری در استان‌های ایران (بازه زمانی ۱۳۸۴-۱۳۹۲) را بررسی نموده است. یافته‌ها نشان‌دهنده تأثیر مهم و منفی ناظمینانی شغلی بر تمایل فرزندآوری مردان و تأثیر مهم و مثبت ناظمی از یافتن شغل بر تمایل زنان به فرزندآوری در استان‌های ایران است.

فطرس و همکاران (۱۳۹۶)، در مقاله خود با عنوان تحلیل ارتباط میان نرخ اشتغال زنان و میزان باروری (مطالعه موردی: ایران)، به بررسی رابطه میان نرخ باروری و میزان اشتغال زنان در ایران پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان‌دهنده رابطه منفی میان سن ازدواج، نرخ شهرنشینی و درآمد سرانه با نرخ باروری است؛ در حالی که نرخ اشتغال با نرخ باروری بر خلاف مطالعات پیشین، رابطه مثبت دارد.

۲-۲. پیشینه خارجی

جالوا آرا^۱ و همکاران (۲۰۱۹) در مقاله‌ای با عنوان آموزش، جنسیت و بارداری هم‌گروه در کشورهای شمال اروپا، به بررسی و مقایسه نظاممند تحولات باروری بر اساس آموزش، جنسیت و زمینه کشور پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند باروری هم‌گروه (CTF^۲) در ابتدا در هر چهار کشور کاهش یافته است، اگرچه برای گروههای متولد دهه ۱۹۵۰ و بعد، CTF ثابت مانده یا فقط به طور متوسط کاهش یافته است. عدم تمايل به فرزندآوری در دانمارک، نروژ و سوئد به طور فزاینده‌ای افزایش یافته است. به جز فنلاند، میان سطح آموزش زنان و باروری رابطه مثبتی وجود دارد. همچنین میان سطح تحصیلات مردان و عدم تمايل به فرزندآوری رابطه منفی وجود دارد.

هلسترند^۳ و همکاران (۲۰۲۱)، در مقاله‌نه فقط بعد، بلکه کمتر: روندهای جدید در باروری هم‌گروهی در کشورهای شمال اروپا به یافتن پاسخ برای این سؤال پرداخته‌اند که: «آیا کاهش باروری دوره‌ای که از حدود سال ۲۰۱۰ در بسیاری از کشورهای با باروری نسبتاً بالا آغاز شد، باروری هم‌گروهی شمال اروپا را نیز تحت تأثیر قرار داده و از الگوی پایدار تاریخی خود منحرف خواهد نمود؟». یافته‌های پژوهش دو نتیجه کلیدی را نشان می‌دهند: اولاً، این کاهش بیشتر به اولین تولدها مربوط می‌شود؛ اما می‌توان آن را در همه افراد از ۱۵ تا اواسط دهه ۳۰ مشاهده کرد. دوم پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که میانگین CFR در شمال اروپا از ۲ کودک برای گروه ۱۹۷۰ به حدود ۱/۸ کودک برای گروههای اواخر دهه ۱۹۸۰ کاهش می‌یابد.

پژوهش‌های داخلی انجام شده، به جز یک پژوهش، در سطح ملی بوده و به صورت تطبیقی یا مقایسه‌ای انجام نشده است. پژوهش‌های خارجی نیز درخصوص کشورهای حوزه اسکاندیناوی انجام شده‌اند. در پژوهش حاضر، به صورت تطبیقی و مقایسه‌ای، سیاست‌های حوزه باروری زنان کشورهای با رویکرد اسلامی و کشورهای اسکاندیناوی، بررسی شده‌اند. همچنین با توجه به اینکه کشورهای اسکاندیناوی منتخب (سوئد و نروژ) به ویژه سوئد کاهش باروری کمتری را نسبت به سایر کشورها تجربه نموده است، می‌توان از سیاست‌های تشویقی آنها در این حوزه استفاده نمود.

1. Jalovaara
2. Cohort Fertility
3 . Hellstrand

۳. ملاحظه‌های نظری

۳-۱. تعریف مفاهیم

باروری (Fertility) مهم‌ترین مؤلفه رشد جمعیت و اولین اولویت کشورهای در حال توسعه است (مهدی‌پور، ۱۳۸۷). با ورود به حوزه مطالعات زنان، مؤلفه‌ای که بسیار به چشم می‌خورد، برابری جنسیتی و نقطه مقابل آن یعنی شکاف جنسیتی است. مجمع جهانی اقتصاد شاخص شکاف جنسیتی را با چهار زیر شاخص بررسی نموده است که عبارت‌اند از: فرصت و مشارکت اقتصادی، دستیابی به امکانات آموزشی، بهداشت و بقا و توانمندسازی سیاسی (درخشان، ۱۳۹۹، ص. ۵۰).

با توجه به حضور کشورهای اسکاندیناوی در صدر جدول شاخص شکاف جنسیتی، نیاز است این کشورها نیز معرفی شوند؛ کشورهای اسکاندیناوی، کشورهای حوزه شمال اروپا هستند. از جمله این کشورها می‌توان به سوئد، دانمارک و نروژ اشاره نمود. در مطالعات علمی منطقه‌ی اسکاندیناوی تنها شامل این سه کشور است که بعد از جنگ جهانی دوم با وجود رشد اقتصادی مطلوب خود و همچنین به دلایل امنیتی، سیاسی، فرهنگی و... به اتحادیه اروپا ملحق نشدند (بیدالله خانی، ۱۳۹۷).

۳-۲. مبانی نظری

خانواده نهادی مولد در جامعه است که مانند سایر نهادهای جامعه تحت تأثیر تغییرهای ایدئولوژیک قرار می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین مسائلی که در این نهاد می‌تواند تحت تأثیر شرایط جامعه، فرهنگ و نظام فکری حاکم بر آن باشد، نرخ باروری است (اعزازی، ۱۳۸۷، ص. ۱۷). بارداری در نگاه اسلامی فرایند بسیار مهم و ارزشمندی است تا جایی که خداوند برای این دوران آداب و حتی عادت‌های تغذیه ای خاصی را در نظر گرفته است. فرزندآوری در دین اسلام بسیار مهم است و مهم‌تر از آن مسئله حلال‌زاده بودن فرزندان است. درواقع زمانی فرزندآوری ارزشمند است که ذیل پیوند ازدواج (دائم یا موقت) صورت بگیرد (رحمانی، ۱۳۹۸).

زمانی که تغییرهای ساختاری در جامعه رخ می‌دهد، همراستا با این تغییرها، خانواده نیز دچار دگرگونی می‌شود (اعزازی، ۱۳۸۷، ص. ۱۷). باروری به عنوان تنها عامل افزایش جمعیت در سطح جهان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مسئله باروری را از چند نقطه نظر می‌توان بررسی نمود: نقطه نظر اقتصادی،

اجتماعی و... در این میان عده‌ای بر فرزندآوری تأکید دارند و عده‌ای خوشبختی فرد و تکامل جامعه را در داشتن فرزند کمتر می‌دانند.

در نظریه‌پردازی‌های اجتماعی این مسئله، می‌توان به نظریه‌های دورکیم و گیدنر اشاره کرد. دورکیم عقیده دارد خانواده یک گروه طبیعی نیست بلکه یک نهاد اجتماعی است که تحت تأثیر عوامل اجتماعی به وجود آمده است. همواره عوامل اجتماعی بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و هر عمل اجتماعی به‌وسیله عمل اجتماعی دیگر تبیین می‌شود؛ بنابراین خانواده نیز به عنوان یک نهاد اجتماعی تحت تأثیر دیگر عوامل اجتماعی قرار می‌گیرد (Michell, 1354, p. 32). همچنین گیدنر معتقد است بهدلیل صنعتی شدن جوامع و تأثیر آن بر خانواده‌ها، تصمیم به فرزنددار شدن تبدیل به تصمیمی عاطفی شده است (عنایت، ۱۳۹۲). نظریه‌های اقتصادی تمایل یا عدم تمایل والدین به فرزندآوری را بر پایه منافع اقتصادی آن برای پدر و مادر، بیان می‌کنند؛ به عبارت دیگر در این نظریه بر هزینه‌های رشد و تربیت فرزندان، فرست های شغلی از دست رفته مادران در ازای فرزندآوری و میزان درآمد خانواده به عنوان عوامل تعیین‌کننده کمیت و کیفیت فرزندان تأکید شده است (Becker & Barro, 1986, p. 69). استرلین معتقد است به دنبال کاهش فرصت‌های شغلی جوانان، مهاجرت‌های شغلی، افزایش تمایل زنان به اشتغال، بالارفتن میانگین سن ازدواج و افزایش طلاق، رفتار باروری تحت تأثیر قرار می‌گیرد (Geslly, 2010, p. 8).

دو قرن پیش، نظریه‌ای درخصوص رشد جمعیت مطرح شد که هنوز نیز طرفدارانی دارد؛ توماس مالتوس، در سال ۱۹۷۹ رساله‌ای با موضوعیت مبانی جمعیت و توسل به مفهوم بازده نزولی نوشت که در آن فرض شده بود جمعیت یک کشور (جز در شرایط قحطی مواد غذایی) به صورت تصاعد هندسی افزایش می‌یابد و هر ۳۰ تا ۴۰ سال یک بار حدوداً دو برابر می‌گردد؛ در حالی که منابع غذایی به صورت تصاعد حسابی رشد می‌کند؛ بنابراین زمانی که جمعیت افزایش یابد با توجه به ثابت بودن زمین، هر فرد به زمین کمتری دسترسی می‌یابد و درنتیجه افراد دچار فقر می‌شوند. درنهایت او پیشنهاد می‌کند برای جلوگیری از فقر بهتر است فرزندآوری محدود شود و این نظریه به دام جمعیتی مالتوس معروف شده است (نمایی، ۱۳۸۷، ص. ۲۴).

این نگاه مالتوسی، که مضمون اصلی آن نگرانی اقتصادی و لحاظ محدودیت منابع در سیاست‌های جمعیتی است، به اشکال و انحصار مختلفی در دیدگاه‌های دانشمندان و همچنین سیاست‌سازان منعکس شده است؛ مثال بارز این انکاس،

سیاست‌های جدی کنترل جمعیت در دهه هفتاد شمسی در ایران است. ولی به هر تقدیر، همان‌طور که لحاظ محدودیت منابع در سیاست‌های جمعیتی اهمیت دارد، رهیافت‌های دیگری که در فهم نسبت جمعیت و توسعه اجتماعی - اقتصادی وجود دارند، از جمله ضرورت جوان ماندن جمعیت، اجتناب از ایجاد مسائل امنیتی در سطح ملی به سبب کاهش‌های جمعیتی، اجتناب از پیری جمعیت، تأمین نفوس کافی برای رشد اقتصادی مخصوصاً از رهگذر تأمین نیروی کار کافی و کارآمد نیز باید در نظر گرفته شوند.

۴. روش‌شناسی

این پژوهش به‌گونه‌ای، سیاست‌پژوهی تطبیقی است. در ادامه سیاست‌پژوهی و مطالعه تطبیعی به مثابه دو رویکرد روشی معرفی می‌شوند.

۱- سیاست‌پژوهی

علم خط‌نمایی گذاری یا تعیین مسیر برای پیشبرد اهداف کلان در جوامع، بر رویکردی عقلایی استوار است. در این رویکرد، مشکلات اجتماعی باید به صورت سازمان‌یافته و نظاممند، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرند. آنچه عقلانیت و حرفة‌ای بودن را به خط‌نمایی گذاری تزریق می‌کند و درواقع روشی علمی به منظور بررسی مسائل و مشکلات اجتماعی به شمار می‌آید، سیاست‌پژوهی است (قلی‌پور و دیگران، ۱۳۹۱). سیاست‌پژوهی، درواقع فرایند انجام تحقیق درخصوص مسئله اجتماعی مهمی یا تحلیل آن، به منظور ارائه توصیه‌های عملی به سیاست‌گذاران برای حل مسئله است (Majchrzak, 1394, p. 15).

فرایند سیاست‌پژوهی توسط مازرزاک، در پنج مرحله تعریف می‌شود که عبارت‌اند از:

۱- زمینه‌سازی؛

۲- مفهوم‌سازی؛

۳- تحلیل فنی؛

۴- تحلیل پیشنهادها و توصیه‌ها؛

۵- ارتباطات و انتقال نتایج به سیاست‌گذاران.

مرحله سوم، یعنی تحلیل فنی که یکی از اصلی‌ترین مراحل است، خود شامل

مراحل زیر است:

عملیاتی نمودن متغیرها، ارائه طرح روش‌شناسی برای تحقیق، فرایند تحلیل،

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادهای اولیه. به منظور ارائه طرح روش تحقیق در سیاست پژوهی چندین روش معرفی شده‌اند که عبارت‌اند از: ترکیب متمرکز، تحلیل ثانوی، آزمایش میدانی، روش‌های کمی، پیمايش، موردپژوهی، تحلیل هزینه و سود و کارایی، نظرخواهی و مطالعه موردنی (دوکشیر و ترلو، ۲۰۰۲، صص. ۴-۸).^۱

۲-۴. مطالعه تطبیقی

این روش که بر مبنای مقایسه، جهت یافتن شباهت‌ها و تفاوت‌ها است، یکی از قدیمی‌ترین روش‌ها در میان نظریه‌پردازان علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی به‌شمار می‌رود. تحلیل تطبیقی به عنوان روشی برای بیان و توصیف تفاوت‌ها و شباهت‌های شرایط یا پیامد در میان واحدهای اجتماعی دارای مقیاس بزرگ مانند منطقه‌ها، ملت‌ها، جوامع و فرهنگ‌های گوناگون کاربرد دارد (Smelser, 2003, p. 645).

گفتنی است برای یافتن اسناد سیاستی موضوع تحلیل، منابع زیر کاوش شدند:

بانک اسناد توسعه کشورها، مقاله‌های منتشر شده در زمینه‌های مورد مطالعه، گزارش‌های منتشر شده در درگاه الکترونیکی وزارت‌خانه‌های مربوطه به امور زنان و خانواده کشورهای اسکاندیناوی، اسناد تصویب شده در مجلس کشورهای منتخب و همچنین مفاد قانون اساسی این کشورها.

با توجه به اینکه پژوهش حاضر درخصوص سیاست‌گذاری‌های انجام شده از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۲۰ است؛ لذا اسنادی که در این بازه زمانی منتشر شده بودند، بررسی شده‌اند.

۵. یافته‌ها

در اینجا وضعیت جمعیتی و سیاست‌های باروری در چهار کشور موضوع پژوهش را بررسی و سپس مقایسه می‌کیم.

۱-۵. سوئد

در آغاز دهه ۱۹۹۰، باروری زنان سوئدی توجه ویژه‌ای را به خود جلب کرد. توجه به سازگاری بیشتر بین اشتغال و نقش مادری زنان در سوئد – و سایر مناطق اسکاندیناوی – از سوی شمار زیادی از نویسنده‌گان مورد تأکید قرار گرفته است

۱. این مقاله، که مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده مسئول است، در حقیقت، بیشتر نشان‌دهنده نتیجه کاربست مرحله‌های یک تا سه است.

(Heome, 2005)

بورواستیت^۱ (اداره آمار اروپا) بر اهمیت تغییرهای نهادی که زنان را به باروری تشویق می‌کند نیز تأکید کرده است. توجه به این نکته مهم است که سیاست دولت سوئد در حوزه خانواده هرگز به طور خاص در جهت تشویق فرزندآوری نبوده بلکه در عوض تقویت دلیستگی زنان به بازار کار و ارتقا برابری جنسیتی بوده است. با توجه به تمرکز این سیاست‌ها بر استقلال زنان از دیگران می‌توان گفت سیاست‌ها صریحاً متوجه افراد بوده است نه خانواده‌ها.

از نظر فرزندآوری، هدف این است که زنان و مردان بتوانند تعداد فرزندان خود را افزایش دهند. بررسی‌ها از جوانان سوئدی نشان می‌دهد که به طور متوسط، زنان و مردان آرزو دارند که بیش از دو فرزند داشته باشند. کاهش باروری در اواخر دهه ۱۹۷۰ و دویاره در اواخر دهه ۱۹۹۰، به سطحی بسیار کمتر از سطح جایگزینی جمعیت که ۲/۱ کودک به ازای هر زن بود، موجب نگرانی مقام‌های سوئدی شد. در هر دو مورد، به نظر می‌رسید که این مستله با افسردگی دوران باروری مرتبط است و تحقیقاتی با هدف شناسایی نوع موانع موجود در جامعه که افراد را از دستیابی به اهداف زندگی مورد نظرشان باز می‌دارد، انجام شد. با وجود این، مطلوبیت باروری بالاتر در سوئد در این دو دوره صریح‌تر از سایر دوره‌های تاریخ بیان شده است. در هر دو مورد، اندکی پس از انجام تحقیقات باروری مجددًا افزایش می‌یابد (Heome, 2005).

تمرکز سیاست دولت بر برابری جنسیتی، نه تنها ارتقا موقعیت زنان در بازار کار بلکه ترغیب مردان به فعالیت بیشتر در زمینه انجام وظایف فرزندآوری در حوزه خانواده را به دنبال داشته است (Andersson, 2004). با مقایسه کشوری الگوهای جنسیتی در فعالیت بازار کار و پویایی خانواده در رژیم‌های مختلف کشورهای اروپایی، به نظر می‌رسد دولت رفاه اروپایی از نقش عوامل سیاسی و نهادی در توضیح رفتار فرزندآوری پشتیبانی شدیدی می‌کند (Andersson & Neyer, 2004).

آندرسون (۲۰۰۰) و هوم (۲۰۰۰) نشان دادند زنانی که در بازار کار مستقر هستند و سطح متوسط مناسبی از درآمد را دارند نسبت به زنان بدون فرزند که وابستگی ضعیفتری به بازار کار دارند تمایل بیشتری به مادر شدن دارند. این الگو تأکید می‌کند که فعالیت والدین و بازار کار به هیچ وجه توسط زنان سوئدی به عنوان یک فعالیت رقابتی در نظر گرفته نمی‌شود. درواقع سیاست افزایش میزان سازگاری فرزندآوری و

1. Eurostat (European Statistical Office)

اشتغال با کمک هزینه مرخصی که ۸۰ درصد درآمد خود شخص قبل از زایمان را تشکیل می‌دهد، می‌تواند منجر به افزایش سطح باروری می‌شود. امروزه سطح مناسبی از درآمد یک زن در سوئد پیش‌شرط فرزندآوری وی تلقی می‌شود و حتی انگیزه فراوانی را برای مادران ایجاد می‌نماید که در فاصله‌های کوتاه بارداری‌های خود را داشته باشند؛ اما آنچه قابل توجه است کمپودن زمان مرخصی پدران است. والدین می‌توانند یک سال مرخصی برای فرزندآوری دریافت کنند که پدران تنها مجاز به استفاده از ۲۰ درصد آن هستند. (Andersson & Duvander, 2004)؛ همچنین گسترش برابری جنسیتی در سطح خانواده‌ها دیگر سیاست اتخاذ شده توسط این دولت است؛ زیرا تأثیر درآمد زن و مرد بر رفتار بچه‌داری آنها تأثیر بسیاری می‌گذارد (Andersson & Scott, 2007).

طرح کمک هزینه پرداختی دولت سوئد جهت فرزندآوری نیز می‌تواند در تشویق مادران به فرزندآوری کمک کننده باشد؛ اما نکته قابل توجه این است که تمامی این سیاست‌ها فرد محور هستند و به خانواده توجّهی نمی‌کنند؛ زیرا تحت عنوان کمک هزینه ازدواج، هدیه‌ای به خانواده‌ها تعلق نمی‌گیرد. برخی ویژگی‌های فرهنگ سیاسی سوئد که برای زنان بسیار مطلوب بهشمار می‌رود در ذیل ارائه شده است:

- سیاست‌ها به‌سمت فرد سوق می‌یابند و سیستم‌های مازاد مالیات بر درآمد و تأمین اجتماعی این رویکرد را بر جسته می‌سازد. در سوئد، هر فرد بابت درآمد خود مالیات می‌پردازد و دارای پوشش تأمین اجتماعی خود است.
- نظام سوئد دیدگاه کودکمحور روشی دارد. این نظام بر «حق برابر زنان کارگر برای بچه‌دار شدن» به‌جای «حق اشتغال مادران» نیز تأکید دارد. هیچ‌چیزی در این سیستم وجود ندارد که بتواند مادران را وادار کند در خانه بمانند و از فرزندان خود مراقبت کنند. بر عکس، کل سیستم زنان را تشویق می‌کند که شغلی پیدا کرده و آن را حفظ کنند.
- مراقبت‌های روزانه به‌عنوان یک فرصت آموزشی کل نظام را به‌عنوان ابزاری برای ارتقای فرصت‌های برابر برای همه کودکان و نه به‌عنوان وسیله‌ای برای محافظت از کودکان در حالی که مادرانشان در کار هستند، فراهم می‌کند. با توجه به روند باروری در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ کاهش محسوس این روند در سال‌های ۲۰۱۸، ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ وجود دارد. در این ۱۰ سال، بیشترین تعداد نوزادانی که در سوئد متولد شده‌اند، مربوط به سال ۲۰۱۶ بوده است که بیش از

۱۱۷ هزار تولد رخ داده است. پایین‌ترین نرخ باروری مربوط به سال ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ است که در سال ۲۰۱۹ به پایین‌ترین حد در یک دوره ده‌ساله رسید و نرخ باروری در سال ۲۰۲۰ به ازای هر زن در سوئد ۱/۶۶ کودک کاهش یافت (گزارش سایت ایستتیستا، ۲۰۲۰).

۲-۵. نروژ

با توجه به وجود سیستم یکپارچه رفاه اسکاندیناوی در کشور نروژ، می‌توان گفت سیاست‌های اتخاذ شده در این کشور نیز مانند کشور سوئد است؛ اما به دلیل برخی تفاوت‌ها به بررسی این سیاست‌ها می‌پردازیم.

از سال ۱۹۷۰ تا سال ۲۰۱۶، نرخ ثبت‌نام کودکان در مهد کودک‌ها افزایش یافت به‌طوری‌که در سال ۲۰۱۶، نرخ ثبت‌نام آنها به سطح بالای ۹۱ درصد رسید. در کنار افزایش آمار کودکان یک‌ساله، نروژ کیفیت مراقبت از کودکان پیش‌دبستانی را افزایش داده است. گسترش مراقبت از کودکان بدویشه برای تشویق والدین به تولد دوم و سوم مهم بود. دولت حمایت خود از هزینه‌های مهد کودک را افزایش داد (تقریباً بین سال‌های ۱۹۹۸ و ۲۰۱۲ دو برابر شد و به ۱/۴ درصد از تولید ناخالص داخلی رسید؛ بنابراین تا سال ۲۰۱۲ مشارکت عمومی به ۸۵ درصد افزایش یافت که نشان‌دهنده کاهش هزینه‌های والدین و استقبال از طرح دولت بود). امروزه هزینه‌های مراقبت از کودکان حدود ۱۰ درصد از حقوق متوسط را به خود اختصاص می‌دهند.^۱ علاوه‌براین، خانواده‌های کم‌درآمد از شهرداری محل سکونت خود حمایت مالی بیشتری دریافت می‌کنند. تعهد سیاسی برای دستیابی به مراقبت از همه کودکان نیز با معرفی «حق قانونی برای جایگاه مهد کودک» برای همه کودکان، از یک سالگی در سال ۲۰۰۹ تأیید شد.

یکی از ویژگی‌هایی که اغلب به آن اشاره می‌شود، نوع سیاست‌های خانواده اسکاندیناوی از جمله مرخصی‌های طولانی مدت پدر و مادر با جبران دستمزد و تأمین منابع خوب یارانه عمومی است. این اقدام‌ها قطعاً هزینه‌های باروری را کاهش می‌دهد و بنابراین می‌تواند زنان را به بچه‌دار شدن ترغیب کند.

در بررسی بارداری‌های هم گروه مشاهده شده است، کسانی که در حدود ۱۹۵۰ متولد شده‌اند اولین فرزند خود را در کمترین سن داشته‌اند. نیمی از این زنان در

۱. این هزینه برای کشورهای OECD ۲۵ درصد است.

میانگین سنی ۲۲/۸ سالگی مادر شده بودند، این در حالی است که میانگین سن برای اولین تولد در میان گروههای بعدی سیری صعودی داشته است و برای زنان متولد ۱۹۷۰ در ۲۶/۷ سالگی بوده است. لازم به ذکر است که سطح تحصیلات در این میان نقشی محوری دارد.

در میان زنان متولد ۱۹۵۰، میانگین سن برای اولین تولد در میان افرادی که پایین‌ترین سطح تحصیلات را داشته‌اند، ۲۰/۶ سال و در میان زنانی که بیشترین سطح تحصیلات را داشتند، ۲۸/۴ سال بوده است. درحالی که در گروه زنان متولد ۱۹۶۷ میانگین سنی مربوط به ترتیب ۲۱/۹ و ۳۰/۷ سال بود. در این میان خدمات دولتی نیز به خانواده‌ها افزایش یافته است؛ از سال ۱۹۹۳ پدران ۴۲ هفته و مادران ۵۳ هفته مرخصی فرزند دارند. از سال ۱۹۷۱ پدران از حق ترک کار فرزند^۱، استفاده می‌کردند. طبق مطالعات انجام شده در حال حاضر این روند ادامه پیدا کرده و در میان کشورهای اسکاندیناوی، نروژ پایین‌ترین آمار کاهش تولد را داشته است؛ البته لازم به ذکر است که در حال حاضر تفاوتی میان بارداری زنان با تحصیلات بالاتر و تحصیلات پایین‌تر مشهود نیست؛ اما در میان مردان با تحصیلات پایین‌تر آمار فرزنددار شدن پایین‌تر است و این مسئله می‌تواند مرتبط با درآمد خانواده باشد (Jalovaara, 2019). دولت نروژ در زمینه بهداشت جنسی و حق جنسی زنان (حق بر بدن) نیز فعالیت‌هایی داشته است. بهداشت و حقوق جنسی و باروری بر آزادی، توانمندسازی و فرصت‌های زنان تأثیر بهسزایی دارد؛ زیرا زمانی که زنان قدرت تصمیم‌گیری درباره بدن خود را نداشته باشند، این مسئله بر تحصیل، زندگی شغلی و توانایی مشارکت در جامعه تأثیر دارد. بهمین‌دلیل آموزش جنسی، دسترسی به پیشگیری از بارداری، حق سقط جنین ایمن، آزادی از خشونت و اقدام‌های مضر باید در برنامه‌ریزی برای رسیدن به برابری جنیتی لحاظ شوند.

به منظور تقویت برابری جنسیتی، دولت نروژ سیاست‌هایی را در جهت سازگاری بیشتر اشتغال و فرزندآوری اتخاذ نموده است:

- افزایش استفاده پدران از مرخصی والدین؛
- فرهنگ‌سازی برای مشارکت بیشتر مردان در طرح برابری جنسیتی؛
- افزایش آگاهی عمومی از وضعیت مردان و نقش‌های آنان؛
- افزایش مسئولیت‌پذیری مردان در قبال مراقبت از کودکان و افراد مسن خانواده؛

همچنین توجه ویژه به افراد بیمار در خانواده؛

- تقویت خدمات مراقبت از زنان در دوران بارداری، زایمان و دوره پس از زایمان؛
 - دادن اولویت بیشتر به تفاوت‌های جنسیتی برای پیشگیری از بیماری؛
 - تقویت موقعیت زنان باردار و مصرف کنندگان مرخصی والدین در زندگی کاری.
- حرکت به سوی برابری جنسیتی بیشتر، انتشار الگوهای متفاوت و دیگرگونه تشکیل خانواده، به ویژه زندگی مشترک بدون ازدواج رسمی عواملی هستند که منجر به تأخیر در مادر شدن در دهه‌های گذشته گردیده‌اند.

۳-۵. ترکیه

در ترکیه، بهدلیل نوع نگاه سنتی، عوامل اجتماعی و اقتصادی، سن ازدواج در گذشته به طور کلی پایین بود. به ویژه در مناطق روستایی، انتظار می‌رفت که زنان به زودی پس از ازدواج صاحب فرزند شوند. والدین دختران را وادار می‌کردند تا قبل از ۲۰ سالگی ازدواج کنند و اولین تجربه جنسی با ازدواج به وجود می‌آمد. عموماً والدین پس از ازدواج حمایت اقتصادی و روانی فرزندان خود ادامه می‌دادند (Aksit, 2003).

آمارها نشان می‌دهد که میانگین سن ازدواج اول، که شاخص مهمی برای سلامت باروری است، در سال ۲۰۲۰ از ۲۴/۴ در سال قبل به ۲۵/۱ سال افزایش یافته است. سن تأثیر زیادی بر باروری دارد؛ زیرا ازدواج بعدی به طور مداوم منجر به باروری بعدی و کاهش مدت زمان بارداری می‌شود که به نوبه خود اغلب به تعداد زایمان کمتری منجر می‌گردد (Dailysabah, 2021).

سیاست‌های دولت‌های ترکیه درخصوص فرزندآوری دارای دو مسیر کلی است: مسیر اول روند افزایشی را از جنگ جهانی اول تا دهه ۱۹۶۰ طی نموده است و مسیر دوم نشان‌دهنده روند کنترلی جمعیت تا دهه اول قرن بیست و یکم است؛ اما در حال حاضر سیاست دولت ترکیه بر افزایش فرزندآوری متمرکز شده است (گزارش مرکز تحول و پیشرفت ریاست جمهوری).

فراز و نشیب‌های سیاست‌گذاری‌های انجام شده در ترکیه به طور کلی به این ترتیب هستند:

- تأکید بر افزایش جمعیت پس از شکست عثمانی و تأسیس جمهوری ترکیه تا دهه ۱۹۶۰؛ به دلیل کاهش جمعیت ناشی از مرگ‌های ناشی از جنگ جهانی و بیماری‌ها و...

اقداماتی انجام شده در این دوره:

- ممنوع شدن واردات داروهای ضد بارداری، غیرقانونی شدن سقط جنین^۱ و تهیه خوارک اطلاعاتی و آموزش افراد. حمایت از خانواده‌های پرجمعیت با مشوق‌های مالی (Güriz, 1975, p. 51). بهبود بهداشت عمومی، ایجاد بیمارستان‌های زایمان رایگان و توزیع داروها به صورت رایگان برای فقرا (Aksit, 2003). ممنوعیت آموزش تنظیم خانواده در سال ۱۹۳۶ و تصویب قانون زایمان رایگان در بیمارستان‌های دولتی. کاهش حداقل سن ازدواج در سال ۱۹۳۸^۲ (Piyal, 1944, p. 2) و واگذاری اولویت توزیع زمین به خانواده‌های دارای فرزندان بیشتر. ارائه طرح کاهش مالیات و معافیت مالیاتی بر اساس تعداد فرزندان در سال ۱۹۴۹ (Güriz, 1975, p. 150).
- انفجار جمعیتی از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۶۰، بهدلیل بهبود وضعیت بهداشتی و معیشتی و در نتیجه افزایش سن امید به زندگی و اتخاذ سیاست‌های کاهش جمعیت.
 - تصویب قانون «اجتماعی شدن خدمات بهداشتی» در سال ۱۹۶۱ با هدف اولویت دادن به رفع مشکلات مهم بهداشتی و گروههای محروم (زنان و کودکان) بدون تبعیض جنسیتی.
 - تصویب قانون «تنظیم خانواده» در سال ۱۹۸۳ به منظور تأکید بر بهداشت زنان و قانونی نمودن سقط داوطلبانه فرزندان ناخواسته تا هفته ۱۰.
 - کاهش تعداد نوزادان متولد شده در این کشور، در سال ۲۰۱۲ (یک میلیون و ۲۴۱ هزار و ۶۱۷ نوزاد) نسبت به سال ۲۰۰۸ (یک میلیون و ۲۸۱ هزار و ۳۰۲ نوزاد).
 - از سال ۲۰۱۲ تا کنون؛ اتخاذ سیاست‌های افزایش جمعیت به منظور وجود حداقل سه فرزند در هر خانواده و تأکید رئیس جمهور بر داشتن جمعیتی جوان به منظور حفظ قدرت کشور (مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه).
 - در نظر گرفتن پاداش فرزندآوری از سال ۲۰۱۵؛ اولین فرزند هر خانواده ۳۰۰ لیره، برای فرزند دوم ۴۰۰ لیره و برای فرزند سوم ۶۰۰ لیره.
 - بهره‌مندی مادران شاغل در ادارات دولتی از ترفیع رتبه در زمان مرخصی بدون حقوق پس از زایمان.
 - اجازه کار پاره وقت پس از پایان مرخصی زایمان به مادران (مادران تک فرزند دو ماه، دو فرزند، ۴ ماه و مادران دارای سه فرزند یا بیشتر، ۶ ماه) و دریافت حقوق کارمندان تمام وقت.

۱. قانون مجازات سال ۱۹۲۶، که از قوانین ایتالیایی اقتباس شده بود، سقط جنین را غیرقانونی دانست. سقط جنین همچنان جرم محسوب می‌شود.

۲. حداقل سن ازدواج بیشتر برای مردان به ۱۷ سال و برای زنان ۱۵ سال کاهش یافت.

- کاهش ساعت کار مادران با فرزندان زیر سن مدرسه تا ۳۰ ساعت در هفته (گزارش مسیر اقتصاد، ۱۳۹۸).

۴-۵ ایران

پس از دهه ۲۰ شمسی بهدلیل بیماری‌های فراوان و افزایش مرگ‌ها، ایران با کاهش جمعیت مواجه شد؛ اما در سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۶۰ جمعیت پیشرفت چشمگیری را تجربه نمود. این افزایش به حدی بود که در خلال سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ جمعیت ایران از ۱۹ میلیون به ۵۰ میلیون نفر رسید! عوامل افزایش جمعیت در این سال‌ها را می‌توان به این صورت بیان نمود: افزایش نرخ رشد اقتصادی، افزایش سطح بهداشت عمومی و امید به زندگی در ایران و درنتیجه کاهش میزان مرگ نوزادان و اطفال. در این میان رشد طبیعی سالانه جمعیت ایران ۲ درصد بود که موجب شد جمعیت ایران در هر بیست سال ۲ برابر شود. اگر به همین صورت افزایش جمعیت دنبال می‌شد منجر به افزایش ۱۶ درصدی در طول یک قرن می‌شد (فولادی، ۱۳۹۰: ۱۵۷).

از مسائل مهمی که در چند دهه اخیر بیشترین تأثیر را بر باروری زنان در ایران گذاشته است، تغییر ارزش‌ها و نگرش‌ها نسبت به مسائل فرزندآوری، ازدواج و خانواده بوده است. توجه خانواده‌ها به داشتن فرزند کمتر، بالارفتن سن ازدواج در میان جوانان، فهم نادرست از برابری جنسیتی در بسیاری از گروه‌های زنانه و کم‌توجهی زنان به نقش مهم و ارزشمند مادری، به تبع آن تغییر نگرش نسبت به ازدواج، همسرداری و خانه‌داری در این سال‌ها منجر به تغییرهای گسترده‌ای در روند افزایش جمعیت گردیده است.

یکی از مواردی که منجر به ارتقاء موقعیت اجتماعی و اقتصادی زنان می‌شود، افزایش سطح تحصیلات است. در سال‌های اخیر همین مسئله منجر به تمایل به ازدواج در سنین بالاتر شده، همچنین در صورت ازدواج این مسئله یکی از دلایل اصلی تعویق بارداری یا تمایل به داشتن فرزندان کمتر است؛ به عبارت دیگر مسئله آموزش زنان در ایران تنها متغیری است که توانسته است بارداری را مستقیماً تحت تأثیر خود قرار دهد؛ چراکه تحصیلات عالی و تمایل زنان جهت ورود به این عرصه، به طور غیرمستقیم ارزش‌ها و نگرش‌ها را تحت تأثیر قرار داده و مستقیماً می‌تواند با بالابدن سن ازدواج به تأخیر فرزندآوری منجر شود (عباسی شوازی، ۱۳۸۹، ص. ۴۳).

مشارکت بیشتر زنان در بازار کار نیز یکی دیگر از عوامل اصلی تمایل به داشتن فرزند کمتر است. همچنین گذار از زندگی روستایی به شهری، صنعتی شدن، کاهش

مرگ و میر کودکان، بهبود وضعیت بهداشتی و دسترسی بیشتر به لوازم جلوگیری از بارداری و... که در چند دهه اخیر بیش از بیش کشور ایران را تحت تأثیر خود قرار داده است، در تغییر نگرش‌ها نسبت به خانواده و فرزندآوری نقش بسزایی داشته است (ساروخانی، ۱۳۸۸، ص. ۷۴ و نیازی، ۱۳۹۵، ص. ۴۴).

اکثر فقهای اسلام، سقط جنین را در هر مرحله از بارداری، در صورتی که دلیل پزشکی موجه مانند تهدید سلامت مادر یا ناقص بودن جنین وجود نداشته باشد، منوع اعلام نموده‌اند (نیکزاد، ۱۳۹۳). به گفته مدیرکل دفتر سلامت جمعیت، خانواده و مدارس وزارت بهداشت به همین دلیل، سالانه ۳۰۰ هزار سقط جنین غیرقانونی در ایران انجام می‌شود. سه نوع سقط جنین وجود دارد که شامل سقط‌های قانونی، جنایی و خودبه‌خودی است. همچنین سالانه ۱۲ هزار درخواست سقط جنین به پزشکی قانونی ارائه می‌شود که تنها با حدود ۹۰۰۰ درخواست موافقت می‌شود (گزارش ایپرا).

سیاست‌های تنظیم خانواده در ایران را می‌توان به دو دوره تقسیم نمود، پیش از انقلاب و پس از آن:

- پیش از انقلاب (سال ۱۳۳۵)؛ تأسیس اداره‌ای به نام «بهداشت مادر و کودک» در وزارت بهداری با هدف پیشگیری از بارداری. عدم موفقیت بهدلیل پایین بودن سطح دانش و آگاهی زنان، نبود وسائل ارتباط جمعی به صورت گستردگی، عدم دسترسی مناطق دورافتاده به مراکز بهداشتی از جمله وسائل تنظیم خانواده و پراکندگی مناطق روستایی،
- پس از انقلاب و جنگ تحملی (سال ۱۳۶۵)، طرح برنامه‌هایی درخصوص کنترل جمعیت از جمله خطر افزایش جمعیت برای توسعه، تشکیل «شورای تحدید موالید» با ریاست وزیر بهداشت که منجر به کاهش نرخ باروری کشور از ۶/۵ فرزند به ازای هر زن در سال ۱۳۶۵ به ۲/۰ ۱ فرزند به ازای هر زن در سال ۱۳۹۵ و تا پایان سال ۱۳۹۹ به ۱/۶ فرزند به ازای هر زن (یعنی پایین‌تر نرخ جانشی ۲/۱ تا ۲/۲)، افزایش میانگین سن ازدواج از ۲۶/۲ به ۲۷/۴ سال و از دست رفتن ۲/۱ سال از سال‌های باروری زنان بهدلیل بالارفتن سن ازدواج،
- سال ۱۳۷۰؛ تشکیل «اداره کل جمعیت و تنظیم خانواده»،
- سال ۱۳۷۲؛ تصویب و ابلاغ قانون تنظیم خانواده با چهار ماده و دو تبصره،
- سال ۹۳؛ ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت توسط مقام معظم رهبری،
- رفع موانع ازدواج، تسهیل و ترویج تشکیل خانواده و افزایش فرزند، کاهش سن

ازدواج و حمایت از زوچهای جوان. افزایش امید به زندگی، تأمین سلامت و تغذیه سالم جمعیت و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، توانمندسازی جمعیت در سن کار با فرهنگ‌سازی و اصلاح، تقویت و سازگار کردن نظام‌های تربیتی و آموزش‌های عمومی، بازتوزیع فضایی و جغرافیایی جمعیت مناسب با ظرفیت زیستی، مدیریت مهاجرت به داخل و خارج همانگ با سیاست‌های کلی جمعیت (نخعی، ۱۳۸۸، ص. ۱۶ و گزارش جوان آنلاین، ۱۳۹۹)،

• سال ۱۴۰۰؛ سیاست‌های تشویقی دولت:

اعطای زمین و واحد مسکونی به خانواده‌های دارای سه فرزند و بیشتر،
اعطای خوابگاه متأهلی به دانشجویان و طلاب متأهل، اختصاص وام‌های ۱۰، ۲۰ و ۴۰ میلیون تومانی به ترتیب برای فرزندان اول تا چهارم و ۵۰ میلیون تومانی برای فرزند پنجم و بالاتر. اختصاص ۱۰ میلیون تومان تا سقف سالانه هزار میلیارد تومان برای خرید واحد‌های صندوق‌های سرمایه‌گذاری قابل معامله در بورس، به نام فرزند و افزایش آن با توجه به میزان تورم در هر سال، سه برابر شدن یارانه خانواده‌های دهک اول تا چهارم با حداقل سه فرزند غیر شاغل، افزایش جذب نیروی متأهل و اختصاص امتیاز به تأهل و داشتن فرزند برای جذب در دستگاه‌ها،

مارائه تسهیلات مرخصی زایمان و ملزم بودن مراکز مذکور به تأمین امنیت شغلی مادران بعد از بازگشت به کار، بالاتر بودن آمار زوج‌های نابارور ایرانی ۲۱ درصد) از متوسط جهانی ۱۵ درصد) و تأکید بر قرار گرفتن زوج‌ها تحت پوشش بیمه، پیش‌بینی بودجه سالیانه برای درمان ناباروری و سلامت ازدواج.

نتیجه‌گیری

اکنون با توجه به پرسش اول پژوهش، ابتدا سیاست‌های چهار کشور مورد مطالعه در دهه‌های اخیر در زمینه باروری همراه با موانع و نتایج‌شان به‌طور خلاصه در چند جدول طرح و مقایسه می‌شوند. سپس به پاسخ سؤال دوم و هدف اصلی پژوهش می‌پردازیم.

جدول (۱): سوئد و نروژ^۱

نتیجه	موانع	سیاست تشویقی
توجه به استقرار در محل کار و بعد فرزندآوری		اختصاص مخصوصی به هردو والدین
توجه به فرزندآوری در کنار اشتغال و عدم نگرانی از کسب درآمد		اختصاص مخصوصی با حقوق به مادران قبل و پس از تولد
افزایش تمایل زنان به فرزندآوری به دلیل دریافت یاری بیشتر از مردان		عدم تقسیم کار جنسیتی در خانواده

جدول (۲): ترکیه

نتیجه	موانع	سیاست تشویقی
افزایش جمعیت و در کنار آن مرگ مادرانی که به دلیل عدم تمایل به داشتن فرزند در اوخر سنی برای سقط جنین می‌نمودند	عدم تمایل مادران به داشتن فرزند در اوخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰	ممنوعیت سقط جنین در دوره پس از جنگ جهانی اول تا ۱۹۶۰ و عدم توجه به سیاست‌های جنسیتی
کاهش جمعیت به دلیل اعمال سیاست‌های کنترلی		اعمال محدودیت‌های مالی و بهداشتی برای خانواده‌های پرجمعیت در خلال سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۰
افزایش جمعیت		تعییر خط‌مشی دولت در حوزه فرزندآوری به دلیل گذار جمعیت از جوانی به پیری از سال ۲۰۰۰ تا کنون و تشویق خانواده‌ها با اعطای جواز مالی به فرزندآوری
افزایش تمایل مادران به فرزندآوری		اعطای ترفیع به مادران شاغلی که در مرخصی بدون حقوق پس از زایمان به سر می‌برند
افزایش تمایل مادران شاغل به فرزندآوری		افزودن بندهای مرخصی زایمان برای پدران و افزایش مدت زمان مرخصی زایمان مادران به قوانین کار
افزایش تمایل خانواده‌ها به فرزندآوری		تشویق خانواده‌ها با اعطای جواز مالی برای فرزندان بیشتر

۱. بدليل وجود سیستم یکپارچه رفاه در کشورهای اسکاندیناوی، سیاست‌های این دو کشور جز در یک مورد نسبتاً مشابه بوده است.

جدول (۳): ایران

نتیجه	موانع	سیاست تشویقی
ظاهراً موفقیت چشمگیری نداشته است	به دلیل عدم امنیت شغلی زنان شاغل به ویژه در مراکز خصوصی کمتر اقدام به بارداری می‌نمایند	تعیین نود روز مرخصی با حقوق قبل و بعد از زایمان و احتساب این مدت، جزو سوابق خدمت و اجازه نیم ساعته به مادران شیرده برای شیردادن کودکان پس از هر سه ساعت کار
تا حدودی تشویق کننده است	نبود امنیت شغلی برای زنان مادران صاحب فرزندان دوقلو پنج ماه و برای فرزندان سه قلو و بیشتر، یک سال (با خصوص و نیمه دولتی	در نظر گرفتن مرخصی زایمان برای مادران صاحب فرزندان دوقلو پنج ماه و برای فرزندان سه قلو و بیشتر، یک سال (با حقوق و فوق العاده)
تا کنون توانسته است منجر به افزایش باروری شود	در برخی موارد افرادی که به طور ناخواسته باردار می‌شوند به روش‌های غیرقانونی اقدام به سقط جنین می‌نمایند	ممنوعیت سقط جنین بر اساس فقه اسلامی بدون دلیل موجه پزشکی
هنوز به طور کامل محقق نشده است	بالابودن هزینه‌های درمان ناباروری	اختصاص بیمه برای زوج‌های نابارور

اما در پاسخ به سؤال دوم می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین دلایل عدم تمایل خانواده‌ها به فرزندآوری، نگرانی از هزینه‌هایی است که جهت رفع نیازهای اولیه نوزادان دارند؛ لذا تأمین زیرساخت‌های اقتصادی و اختصاص بودجه مورد نیاز به منظور فرهنگ‌سازی و از بین بردن موانع اقتصادی در راستای فرزندآوری یکی از مهم‌ترین اولویت‌ها است. در همین راستا پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

- عقد قرارداد میان ادارات و مراکز خصوصی با مهدکودک‌های نزدیک خود جهت حمایت مالی از خانواده‌های دارای فرزندانی که زیر سن مدرسه هستند؛
- کاهش مالیات خانواده‌های دارای بیش از ۲ فرزند تا حد مشخصی؛
- اعطای تشویقی به پدران و مادران شاغلی که فاصله سنی کودکان آنها کمتر از ۳ سال باشد؛

• اعطای کمک هزینه‌های مالی بلاعوض به خانواده‌هایی با بیش از ۳ فرزند. با توجه به تجربه موفق برخی سیاست‌های مطالعه شده، حمایت از مادر به عنوان فرد، در کنار حمایت از کلیت خانواده او اعم از پدر و فرزندان، می‌تواند تأثیر مثبتی بر رفع موانع و تشویق به فرزندآوری داشته باشد؛ زیرا در جهان جدید عاملیت زنان در

تصمیم به فرزندآوری و مادری کردن بسیار پُررنگ تر شده است و اصلی‌ترین باز این اقدام نیز به دوش آنان است. در همین راستا، به عنوان مثال، برخی از حمایت‌ها و امکان‌هایی که در حقوق و مزايا و بیمه برای مردان شاغل در دستگاه‌های دولتی وجود دارد و برای زنان در نظر گرفته نمی‌شوند را می‌توان مورد بازنگری قرار داد؛ برای نمونه، یک خانم شاغل به عنوان عضو هیئت علمی که در کنار وظایف همسری و مادری، ساعات و موارد موظفی اش مانند همکاران مرد او است؛ اما وی حق عائله‌مندی به ازای فرزندانش دریافت نمی‌کند و یا از برخی از امکانات پوشش بیمه‌ای بیمه‌گذار برای اعضای خانواده و نزدیکان که برای همکار او وجود دارد، برخوردار نیست.

با توجه به اینکه در جامعه کنونی زنان نیز در کنار مردان به تأمین معاش خانواده اهتمام دارند، ایجاد امنیت شغلی برای زنان شاغلی که تمایل به فرزندآوری دارند؛ ولی به دلیل نگرانی از دست دادن شغل خود از این تصمیم منصرف می‌شوند، می‌تواند راهکار بسیار مؤثری باشد. یکی از پیشنهادها در این خصوص، اختصاص سهمیه به زنان در هیئت مدیره شرکت‌های خصوصی و تقویت جایگاه شغلی آنان است.

خوب‌بختانه در حال حاضر برای مادران شاغل، در صورت فرزندآوری، مخصوصی با حقوق در نظر گرفته شده است. در ادامه این روند، افزایش مرخصی زایمان زنان برای فرزند اول و متعاقب آن فرزندان دیگر، بسیار می‌تواند امیدوار کننده باشد.

با توجه به تجربه جوامعی مانند کشورهای اسکاندیناوی مورد مطالعه، سیاست‌های اتخاذ شده در حوزه پدران نقش محوری در تغییر مادران به فرزندآوری دارد؛ لذا موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

- اختصاص مرخصی زایمان به پدران و امکان کار پاره‌وقت برای پدران دارای فرزندان زیر ۷ سال؛

- فراهم نمودن امکان دورکاری‌های مقطعی برای مادران و پدران در مشاغل آموزشی، دیوان سalarی و...؛

- آموزش پدران به جهت افزایش آگاهی و مسئولیت‌پذیری آنان در زمینه مشارکت در امر نگهداری و تربیت فرزند.

از دیگر عوامل بازدارنده فرزندآوری، افسردگی دوران باروری است؛ همان مسئله‌ای که محققان سوئدی در دهه‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ با آن مواجه بودند. پوشش‌های بیمه‌ای برای بهداشت و نیز درمان روانی مادران در زمینه فرزندآوری و تربیت فرزند، می‌تواند تسهیل‌گری مناسبی برای گذر از نگرانی‌های بازدارنده در این زمینه داشته باشد.

فهرست منابع

- bastani, sosani; mousavi, mرضیه و hossienpour, fاطمه (۱۳۹۴). جنسیت و توسعه در کشورهای اسلامی نفتی و بدون نفت، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، (۲۳)، ۱۵۱-۱۲۳.
- درخشان، مرتضی و شعبانی فارانی، الهه (۱۳۹۹). توسعه (مقدماتی - ۱۳۹۹): مرور تلفیقی بر جایگاه ایران در شاخص‌های جهانی توسعه. اصفهان: فرهنگ مردم.
- دلیری، حسن (۱۳۹۷). تأثیر ناظمینانی شغلی بر تمایل به فرزندآوری در استان‌های ایران. پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار (پژوهش‌های اقتصادی)، (۴)، ۶۵-۸۸.
- رحمانی، مهدی (۱۳۹۸). بررسی نفقة زن باردار پس از انحلال نکاح در فقه امامیه، اهل سنت و حقوق ایران. مطالعات راهبردی زنان، (۲۲)، ۸۶-۱۰۷.
- rstgarxalde, amir و محمدی، میثم (۱۳۹۴). تغییرات فرهنگی و افت باروری در ایران (بر پایه تحلیل ثانوی داده‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان).
- جامعه‌شناسی کاربردی (مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان)، (۲)، ۲۶-۱۵۹.
- ساروخانی، باقر و گودرزی، ثریا (۱۳۸۸). اثرات اشتغال زنان بر خانواده (تحقیقی در بین زنان شاغل و متاهل وزارت کار و امور اجتماعی)، مجله جامعه‌شناسی معاصر، (۲)، ۵۱-۷۸.
- سترگ، طیبه و سترگ، طاهره (۱۳۹۴). مادری از منظر اسلام و فمینیسم. خانواده پژوهی، (۲)، ۷-۲.
- سلطین، پروانه؛ رستمی نکاس، سمانه و محمدی، سمانه (۱۳۹۷). تأثیر باروری بر نرخ مشارکت زنان در گروه کشورهای منتخب: رهیافت داده‌های پانل. زن و مطالعات خانواده، (۱۱)، ۷-۲۲.
- شفیعی، سمیه سادات و پورباقر، زهرا (۱۳۹۳). زنان و شاخص‌های توسعه در ایران و ترکیه. فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، (۲۱)، ۱۱۱-۱۵۶.
- طاهری، مجتبی؛ پژمان، علی و محمودی، محمدمجود (۱۴۰۰). بررسی مقایسه‌ای سیاست‌های جمیتی جمهوری اسلامی ایران با تعدادی از کشورهای سازمان ملل متعدد. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، (۴۶)، ۵۸-۸۰.
- عباسی شوازی، محمدجلال و علی مندگاری، مليحه (۱۳۸۹). تأثیر ابعاد متفاوت استقلال

- زنان بر رفتار باروری آنها در ایران. *زن در توسعه و سیاست*, ۸(۱)، ۳۱-۵۱.
- فطرس، محمدحسن؛ نجمی، مریم و عمارزاده، عباس (۱۳۹۶). تحلیل ارتباط میان نرخ اشتغال زنان و میزان باروری (مطالعه موردی: ایران). *زن در توسعه و سیاست*, ۱۵(۳)، ۳۱۱-۳۲۵.
- فولادی، محمد (۱۳۹۰). تأملی در سیاست کنترل جمعیت شار و پیامدهای آن. *معرفت فرهنگی اجتماعی*, ۱(۱)، ۱۵۳-۱۸۰.
- قلی‌پور، رحمت‌الله؛ الوانی، سید مهدی؛ زارعی متین، حسن؛ جندقی، غلامرضا و حمیدی‌زاده، علی (۱۳۹۱). طراحی مدل عوامل مؤثر بر استفاده از سیاست پژوهی در سیاست‌گذاری؛ با استفاده از نگاشت مفهومی. *مجلس و راهبرد*, ۱۹(۷۰)، ۱۰۳-۱۳۲.
- میشل، آ. (۱۳۵۴). *جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج*. ترجمه اردلان، تهران: انتشارات دانشگاه علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران.
- نخعی، مهناز (۱۳۸۸). *جمعیت و تنظیم خانواده*. تهران: آییز.
- نمایزی، حسین (۱۳۸۷). *نظام‌های اقتصادی*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- نیازی، مهین؛ تورنجی‌پور، فاطمه؛ نوروزی، میلاد و عسگری کوبیری، اسماء (۱۳۹۵). *فراتحلیل عوامل اجتماعی مؤثر بر باروری در ایران. برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*, ۲۹(۸)، ۶۹-۱۱۸.
- نیکزاد، عباس و جورسرايی، سید غلامعلی (۱۳۹۳). بررسی سقط جنین از دیدگاه فقهی. *سلام و سلامت*, ۱۱(۱)، ۲۹-۳۷.

- Andersson, G. & K. Scott (2005). Labour-market status and first-time parenthood: The experience of immigrant women in Sweden, 1981-96. *Population Studies*, 1(59), 21-38.
- Andersson, G. & K. Scott, (2007). Childbearing dynamics of couples in a universalistic welfare state: The role of labor-market status, country of origin, and gender. *Demographic Research*, forthcoming, 897-938.
- Andersson, G. (2004a). Demographic trends in Sweden: An update of childbearing and nuptiality up to 2002. *Demographic Research*, 11(4), 95-110. Available in: Askit, S. & HYPERLINK "<https://www.researchgate.net/scientific-contributions/A-Turpculu-33372273>" Turpculu, A. (2003), Trends in teenage pregnancy in Turkey, HYPERLINK "<https://www.researchgate.net/journal/International-journal-of-gynaecology-and-obstetrics-the-official-organ-of-the-International-Federation-of-Gynaecology-and-Obstetrics-1879-3479>" International journal of gynaecology and obstetrics: the official organ of the International Federation of Gynaecology and Obstetrics, 81(1), 55-6.

- Andersson, G.; A.-Z. Duvander & K. Hank (2004). Do child-care characteristics influence continued child bearing in Sweden? An investigation of the quantity, quality, and price dimension. *Journal of European Social Policy*, 14(4), 407-418.
- Bertrand, M.; Black S.E.; Lleras-Muney A. & Jensen S. (2014). Breaking the Glass Ceiling? The Effect of Board Quota on Female Labor Market Outcomes in Norway, SAM 48, 54.
- Dukeshire, S. & J. Thurlow (2002). Understanding the Link Between Research and Policy. *Rural Communities Impacting Policy Project*, (18).
- Duvander, A.-Z. & G. Andersson (2006). Gender equality and fertility in Sweden: A study on the impact of the father's uptake of parental leave on continued childbearing. *Marriage and Family Review*, (39), 121-142.
- Güriz, A. (1975). *Türkiye'de nüfus politikası ve hukuk düzeni*. Ankara: Türkiye Kalkınma Vakfı Yayınları.
- Hellstrand J.; Nisén J.; Miranda V.; Fallesen P.; Dommermuth L. & Myrskylä M. (2021). Not Just Later, but Fewer: Novel Trends in Cohort Fertility in the Nordic Countries. *Demography* 1, 58(4), 1373-1399.
- Heome, J. M. (2005). Why does Sweden have such high fertility? *DEMOGRAPHIC RESEARCH*, 13(22), 559-572. HYPERLINK "<https://www.weforum.org/reports/the-global-gender-gap-report-2017>"<https://www.weforum.org/reports/the-global-gender-gap-report-2017#:~:text=The%20Global%20Gender%20Gap%20Report%20benc,hmarks%20144%20countries%20on%20their,and%20Survival%2C%20and%20Political%20Empowerment>
- Hoem, B. (1993). The compatibility of employment and childbearing in contemporary Sweden. *Acta Sociologica*, (36), 101-120.
- <http://www.demographic-research.org/Volumes/Vol11/4>
- <http://www.demographic-research.org/Volumes/Vol13/22/>
- <https://core.ac.uk/reader/148319230>
- Jalovaara, M. Neyer, G. Andersson, G. & Dahlberg, J. (2019). Education, Gender, and Cohort Fertility in the Nordic Countries. *European Journal of Population*, (35), 563–586.
- Koropeckyj-Cox, T. (1988). Loneliness and Depression in Middle and Old age: Are the Childless more Vulnerable?. *Journals of Gerontology Series*, (53), 303-312.
- Majchrzak, A. (1984). Methods for policy research, Sag Pablication : New Delhi World Economic Forum, The Global Gender Gap Report 2017, Committed To Improving The State Of The World,. Available in: McDonald, P. (2000a). Gender equity, social institutions and the future of fertility. *Journal of Population Research*, (17), 1-16.
- Mills, M. (2008). Gender Equality, the Labour Market and Fertility: A European comparison. Paperpresented at 35th CEIES Seminar, Warsaw, Poland.Available in:
<https://ec.europa.eu/eurostat/documents/1001617/4436612/11-35th-CEIES-Seminar-CONFERENCE-24-January-3-2-M.pdf/6a0e28f4>

- 2649-44cf-95cb-e9c907de796f
- Oláh, L.S. (2003). Gendering fertility: Second births in Sweden and Hungary. *Population Research and Policy Review*, (22), 171-200.
- Rønseen, M. (2001). Fertility and family policy in Norway-Is there a connection? *Paper for the Nordic Demographic Symposium in Tjöme*, Norway, 3-5 May 2001.
- Smelser, Neil, J. (2003). On Comparative Analysis, Interdisciplinarity and Internationalization in Sociology. *International Sociology*, 18(4), 634-657.
- Statistics Norway (1998). *Ukens Statistikk (Weekly Statistics 45/98)*.

وبگاه‌های مورد استفاده

وبگاه تجزیه و تحلیل سیاست‌گذاری عمومی (ippa / ایپرا)، نگاهی به سیاست افزایش جمعیتی اخیر ایران (۱۳۹۴/۰۶/۰۸)

<http://ippa.com/policy/health-policy/articles/400-mokhtari1.html>
مرکز پژوهش‌های مطالعات استراتژیک خاورمیانه:

<https://www.cmess.ir/Page/View/2013-01-30/640>
گزارشی درخصوص جمعیت ترکیه و آمار تولدها:

<https://www.dailysabah.com/turkey/turkey-ranks-19th-in-population-size-age-for-1st-birth-rises/news>

گزارش مسیر اقتصاد:

<https://masireqtesad.ir/۹۳۱۳۴/%D/.%B/.%DB/.%C%D/.%A/.%D/.%B/.%D/>

AA%E%/.%A%/.%C%D/.%V/.%D/.%A/.%DB%/.C-%

%D/.%AF%D/.%A%/.%D/.%V/.%D/.%AA-

%D/.%AA%D/.%B/.%DA%A/.%DB%/.C%D%V/.%-D/.%AF%D/.%B% -

%D/.%AD%D/.%A%/.%D/.%A/.%DB%/.C%D/.%AA-%D/.%A/.%D/.%B% -

%D/.%A/.%D/.%V/.%B/.%D/.%A/V

گزارش سایت ایستتیتا (۲۰۰۲):

<https://www.statista.com/statistics/537221/sweden-parental-benefit-recipients/>

Statistics Norway (2003): www.ssb.no/English/subjects/04/02/10/barnehager_en/

References

- Abbasi Shawazi, Mohammad Jalal & Ali Mandgari, Maleeha (2009). The effect of different aspects of women's independence on their reproductive behavior in Iran. *Women in development and politics*, 8(1), 31-51. (In persian)
- Andersson, G. & K. Scott, (2005). Labour-market status and first-time parenthood: The experience of immigrant women in Sweden, 1981-96. *Population Studies*, 59(1), 21-38.
- Andersson, Gunnar, Duvander, Ann-Zofie & Hank, Karsten (2004). Do child-care characteristics influence continued child bearing in Sweden? An investigation of the quantity, quality, and price dimension. *Journal of European Social Policy* 14(4), 407-418.
- Andersson, Gunnar & Scott, Kirk (2007). Childbearing dynamics of couples in a universalistic welfare state: The role of labor-market status, country of origin, and gender. *Demographic Research*, forthcoming. 897-938.
- Andersson, Gunnar (2004a). Demographic trends in Sweden: An update of childbearing and nuptiality up to 2002. *Demographic Research*, 11(4), 95-110. Available in:
- Askit, Sadik (2003). Trends in teenage pregnancy in Turkey, *International journal of gynaecology and obstetrics: the official organ of the International Federation of Gynaecology and Obstetrics*, 81(1), 55-60.
- Bastani, Sosan; Mousavi, Marzieh & Hosseinpour, Fatemeh (2014). Gender and development in Islamic countries with oil and without oil. *Welfare and Social Development Planning Quarterly*, (23), 123-151. (In persian)
- Bertrandt, Marianne; Black Sandra E., Jensen Sissel & Lleras-Muney Andriana, (2014). Breaking the Glass Ceiling? The Effect of Board Quota on Female Labor Market Outcomes in Norway. *The review of economic studies*, 86(1), 191-239.
- Derakhshan, Morteza & Shabani Farani, Elham (2019). Development (Preliminary-2019): A consolidated review of Iran's position in global development indicators, Isfahan: People's Culture. (In persian)
- Duvander, Ann-Zofie & Gunner Andersson (2006). Gender equality and fertility in Sweden: A study on the impact of the father's uptake of parental leave on continued childbearing. *Marriage and Family Review*, (39), 121-142.
- Fotros, Mohammad Hassan; Najmi, Maryam & Mimarzadeh, Abbas (2016). Analysis of the relationship between women's employment rate and fertility rate, (case study: Iran). *Women in development and politics*, 15(3), 311-325. (In persian)
- Fuladi, Mohammad (2018). Reflections on Thar Population Control Policy and its Consequences, *Social Cultural Knowledge*, Qom: Imam Khomeini Institute of educational & Research, (1), 180-153. (In persian)
- Güriz, A. (1975). *Türkiye'de nüfus politikası ve hukuk düzeni*. Ankara:

- Türkiye Kalkınma Vakfı Yayınları.
- Hellstrand, Julia; Nisén, Jessica; Miranda, Vitor; Fallesen Peter, Dommermuth Lars & Myrskylä, Mikko (2021). Not Just Later, but Fewer: Novel Trends in Cohort Fertility in the Nordic Countries. *Demography*, 58(4), 1373-1399.
- Heome, Jan M. (2005). Why does Sweden have such high fertility? *Demographic research*, 13(22), 559-572. Available in:
- Hoem, Beritta (1993). The compatibility of employment and childbearing in contemporary Sweden. *Acta* <http://www.demographic-research.org/Volumes/Vol13/22/>
<https://core.ac.uk/reader/148319230>
<https://doi.org/10.1007/s10680-018-9492-2>
<https://doi.org/10.1093/restud/rdy032>
<https://www.demographic-research.org/volumes/vol11/4/>
https://www3.weforum.org/docs/WEF_GGGR_2017.pdf
- Jalovaara, Marika, Neyer, Gerda, Andersson, Gunnar, Dahlberg, Johan, Dommermuth, Lers, Fallesen, Peter & Lappgard, Trude (2019). Education, Gender, and Cohort Fertility in the Nordic Countries. *European Journal of Population*, (35), 563-586.
- Koropeckyj-Cox, Tanya (1988). Loneliness and Depression in Middle and Old age: Are the Childless more Vulnerable?. *Journals of Gerontology Series*, (53), 303-312.
- Majchrzak, Ann (1984). Methods for Policy Research (Applied Social Research Methods), New Delhi World Economic Forum: SAGE Publications.
- McDonald, P. (2000a). Gender equity, social institutions and the future of fertility. *Journal of Population Research*, (17), 1-16.
- Mills, Melinda (2008). Gender Equality, the Labour Market and Fertility: A European comparison. Paperpresented at 35th CEIES Seminar, Warsaw, Poland. Available in:
- Mohammadi, Maysam & Rastgar Khaled, Amir (2018). Cultural changes and fertility decline in Iran (based on secondary analysis of Iranian values and attitudes survey data). *Applied sociology*, 159-180. (In persian)
- Nakhaee, Mahnaz, Population and family planning (1388). Tehran, Aiez, third edition. (In persian)
- Namazi, Hossein (2007). Economic Systems. Tehran: Stock Publishing Company, third edition. (In persian)
- Niazi, Mohsen & Turanjipour, Fatemeh., and Nowrozi, Milad., and Asgari Kaviri, Asma (2015). Meta-analysis of social factors affecting fertility in Iran. *Welfare planning and social development*, 8(29), 69-118. (In persian)
- Nikzad, Abbas & Jursaraei, Seyyed Gholamali (2013). Examining abortion from a jurisprudential point (In persian) of view. *Islam and Health*, 1(1), 29-37.
- Oláh, Livia .Sz, (2003). Gendering fertility: Second births in Sweden and

- Hungary, Population Research and Policy Review 22, 171-200.
- Rahmani, Mehdi (218). Analysis of alimony for a pregnant woman after dissolution of marriage in Imamiyyah, Sunni jurisprudence and Iranian law. Women's Strategic Studies, 22(86), 107-124. (In persian)
- Rønse, M. (2001). Fertility and family policy in Norway-Is there a connection?, Paper for the Nordic Demographic Symposium in Tjöme, 3-5.
- Salatin, Parvaneh, Rostami Nakas, Samaneh & Mohammadi, Samaneh (2017). The effect of fertility on the participation rate of women in the group of selected countries: a panel data approach. Women and Family Studies, 11(41), 7-22 (In persian)
- Sarukhani, Baqer & Gudarzi, Soraya (2008). The effects of women's employment on the family (a study among working and married women of the Ministry of Labor and Social Affairs). Contemporary Sociology Journal, 2(1), 51-77. (In persian)
- Schwab, Klaus, Samans, Richard, Zahidi, Saadia, Leopold, Till Alexander, Ratcheva, Vesselina & Hausmann, Ricardo (2017). The Global Gender Gap Report, World Economic Forum,. Available in :
- Setreg, Tayyaba & Setreg, Tahereh (2014). Mother from the perspective of Islam and feminism. Family Research, 2(1), 7-24. (In persian)
- Shafiei, Samia Sadat & Pourbaker, Zahra (2013). Women and Development Indicators in Iran and Turkey. Social development and welfare planning quarterly, 21(9), 111-156 (In persian)
- Smelser, Neil, J. (2003). On Comparative Ananlysis, Interdisciplinarity and Internationalization in Sociology. International Sociology, 18(4), 634-657.
- Sociologica, 36, 101-120.
- Taheri, Mojtaba; Pejman, Ali & Mahmoudi, Mohammad Javad (2021). A comparative study of the geopolitical policies of the Islamic Republic of Iran with a number of countries of the United Nations. Political and International Research Quarterly of Islamic Azad University, (46), 58-80. (In persian)

بررسی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج با تمرکز بر الزام‌ها و بایسته‌های سیاستی

نصیبیه اسماعیلی

استادیار جمعیت‌شناسی، گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
nasibeh.esmaeli@ut.ac.ir

ID 00000-0003-4078-0198

حجیه بی‌بی دازقی نصرآباد

دانشیار گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
hrazeghi@ut.ac.ir

ID 00000-0002-0990-9689

چکیده

افزایش سن ازدواج به عنوان شاخصی تأثیرگذار بر تأخیر در تشکیل خانواده و کاهش باروری از همیت ویژه‌ای برخوردار است. از آنجاکه افزایش سن ازدواج از عوامل متعددی تأثیر می‌پذیرد، رتبه‌بندی این عوامل می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های هدفمند نقش آفرین پاشد. در مقاله حاضر از روش تحلیل سلسه‌مراتبی و مصاحبه با خبرگان به منظور رتبه‌بندی عوامل تأثیرگذار بر افزایش سن ازدواج استفاده شده است. بدین‌منظور، پرسشنامه خبره طراحی و توسط ۱۱ نفر از خبرگان علمی تکمیل شد. یافته‌ها نشان داد که شاخص کاهش ارزش ازدواج، کم‌رنگ‌شدن اعتقادهای مذهبی و توانمندی‌بودن زنان به ترتیب اثرگذارترین شاخص‌ها و گسترش ارتباط دوستی پسران و دختران قبل از ازدواج، گسترش فیلم‌های شبکه‌های خانگی، سینمایی و دغدغه تأمین مسکن مناسب به ترتیب مهم‌ترین زیرشاخص‌های مؤثر بر افزایش سن ازدواج جوانان از دیدگاه خبرگان علمی محسوب می‌شوند. پیشنهادهای سیاستی حاکی از این است که سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اثرگذار مشوق ازدواج با هدف ایجاد نگرش مثبت در امر ازدواج از طریق پویش‌های رسانه‌ای برای ازدواج از یکسو و بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی جوانان برای رسیدن به یک نتیجه مطلوب در سیاست‌گذاری‌های جمعیتی از سوی دیگر می‌توانند تأمین راهکاری تأثیرگذار بر فراهم‌سازی ازدواج به موقع باشد.

کلیدواژه‌ها: ارزش ازدواج، کم‌رنگ‌شدن اعتقادهای مذهبی، توانمندی‌بودن زنان، سیاست‌گذاری جمعیتی.

شایای الکترونیک: X ۶۵۵-۶۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی



doi 10.22034/SCS.2023.399237.1449

مقدمه و بیان مسئله

تقریباً در تمامی جوامع، خانواده به عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی و رکن اساسی جامعه و کانون اصلی تأمین نیازهای عاطفی، معنوی و محیط مشترکی برای زندگی، تعامل، حمایت و مراقبت اعضا از یکدیگر در مواجهه با مسائل مختلف به شمار می‌رود. خانواده در حفظ و انتقال ارزش‌های اجتماعی، مذهبی و خانوادگی از نسلی به نسل دیگر نقش مهمی ایفا می‌کند؛ علاوه بر آن نقش مهمی در سازماندهی روابط اعضا خانواده با هم و همچنین تعامل‌های اجتماعی افراد با گروه‌ها و اجتماع‌های بزرگ‌تر دارد. در جامعه ایران نیز، نهاد خانواده همواره در طول تاریخ جایگاه مهمی در چرخه زندگی افراد داشته است. افراد در خانواده رشد می‌یابند، با یکدیگر تعامل دارند، نیازهای عاطفی، اقتصادی یکدیگر را تأمین می‌کنند و ارزش‌های مذهبی و اجتماعی را به یکدیگر آموزش می‌دهند. اعضا یک خانواده از یکدیگر در برابر سختی‌ها، مسائل، تغییرها و شوک‌های ناگهانی در زمان بیماری یا پیری حمایت و محافظت می‌کنند. بسیاری از تصمیم‌های خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی درون خانواده اتخاذ می‌شود (رازقی نصرآباد، ۱۴۰۰، ص. ۱۱؛ ترابی و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۳۶). در طول یک قرن گذشته تحولات ساختاری گوناگون نظیر نوسازی، صنعتی شدن، شهرنشینی، گسترش سطح تحصیلات و... به سرعت ساختارهای سنتی را دستخوش تغییر قرار داده است. نهاد خانواده یکی از نهادهایی است که ساختار و کارکردهای آن تأثیر قابل توجهی از این تغییرها پذیرفته و خانواده در ایران، در ابعاد مختلف نگرشی، رفتاری و کارکردی طی چند دهه گذشته تغییرهای محسوسی داشته است (Burgess, 1943; Raymo & et al., 2015) از جمله این تغییرها، تغییر به وجود آمده در امر ازدواج است. روند رو به افزایش سن ازدواج در اکثر مناطق توسعه‌یافته و در حال توسعه جهان مشاهده می‌گردد (عباسی شوازی و رشوند، ۱۳۹۶). در ایران نیز طی سه دهه گذشته میانگین سن ازدواج زنان ایرانی افزایش یافته بهنحوی که از ۱۸/۴ در سال ۱۳۴۵ به ۲۳ سال برای زنان و برای مردان از ۲۴/۹ در سال ۱۳۴۵ به ۲۶/۷ سال در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).

این رخداد به معنای کوتاه‌تر شدن طول دوره باروری برای زنان است. روند مذکور هم در نقاط شهری و هم در نقاط روستایی کشور مشاهده می‌شود. افزایش سن ازدواج به عنوان عاملی مهم و تأثیرگذار بر کاهش باروری در کشورها و عاملی مهم در شکل‌گیری باروری زیر سطح جانشینی می‌باشد. ازدواج دیرهنگام بر عملکرد بنیادی

تدابوم نسل نهاد خانواده تأثیر منفی می‌گذارد (Eralp and Gökmen, 2020). تجزیه و تحلیل تحولات باروری در ایران گویای این مهم است که حدود ۱۵ درصد از کاهش باروری در دهه ۱۳۷۵-۱۳۶۵ تحت تأثیر تغییرهای ازدواج بوده، این عدد در دهه ۱۳۸۵-۱۳۷۵ به ۳۵ درصد رسیده است (عباسی شوازی و دیگران، ۲۰۰۹؛ عباسی شوازی و اسمعیلی، ۱۴۰۰؛ اسمعیلی، ۱۴۰۰). افزایش سنین ازدواج و فرزندآوری زنان، ابتدا شاخص‌های مقطعی باروری نظری میزان باروری کل را تحت تأثیر قرار داده و آن را پایین می‌آورد و سپس بعد تکمیل شده خانوار را کاهش می‌دهد (عباسی شوازی و رازقی نصرآباد، ۱۳۸۹)، زنان با تأخیر در ازدواج و فرزندآوری، نسبت به زنانی که فرزندآوری را زودتر آغاز می‌کنند، زمان کمتری برای داشتن فرزند بیشتر دارند، علاوه بر آن کاهش در موالید یک زن به عنوان عامل اصلی و مهم کاهش جمعیت محاسب می‌شود (Karamat, 2016)؛ برای مثال اگر میانگین سن در اولین فرزندآوری از ۲۵ به ۳۰ سالگی افزایش یابد درنهایت اندازه جمعیت، یک‌ونیم برابر کوچک‌تر از زمانی خواهد شد که این تغییر رخ ندهد (Goldstein, 2016). بارداری در سنین بالا برای مادران در طول دوره بارداری احتمال سقط جنین، نقایص مادرزادی، فشار خون بالا، دیابت بارداری و زایمان سخت را افزایش می‌دهد (Hatice-Gündogdu and Bulut, 2022). ذکر این نکته حائز اهمیت است که در اثر افزایش سن ازدواج احتمال افزایش رفتارهای جنسی پرخطر قبل از ازدواج و ابتلا به بیماری‌های جنسی از جمله ایدز می‌تواند افزایش بیابد (Grant and Soler, 2014; Hampejsek, 2014; Karamat, 2016). از سوی دیگر افرادی که در سنین بالاتر ازدواج می‌کنند چشم‌اندازها و قوانین زندگی آنها شکل گرفته و به سختی در مسائل مختلف با همسر خود می‌توانند همگام و همسو شوند؛ لذا مشکل سازگاری زوجین بیشتر شده و در نتیجه احتمال طلاق در میان این زوج‌ها افزایش می‌باید (Gündogdu and Bulut, 2022; Akhter and Bhat, 2018; Haotanto, 2016). درنهایت می‌توان بیان نمود که ازدواج در سنین بالا احتمال شکاف نسلی بین فرزندان و والدین و عدم تعامل بین آنها و مشکلات تربیتی را افزایش می‌دهد (Adcox, 2021; Nagraj, 2019). با توجه به چندگُ بعدی بودن مشکلات و مسائل فراوان فردی و اجتماعی افزایش سن ازدواج (جمعیتی، اجتماعی، فرهنگی، روان‌شناسی، پژوهشی و...) که به تفضیل در مورد آنها توضیح داده شد، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران به دنبال ارائه راهکارهایی به منظور کاهش میانگین سن ازدواج هستند. از جمله این راهکارها می‌توان به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای

اسلامی در خصوص مهم‌ترین مشکلات زنان و خانواده اشاره داشت که در آن کاهش میزان ازدواج به عنوان مهم‌ترین مسائل پیش‌روی حوزه خانواده در کشور برشمرده شده است.

ازدواج جوانان در ایران همواره یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های اجتماعی و محور گفتگوهای سیاستی بسیار بوده است. به‌التبیع آن مسئله مشکلات و موانع ازدواج نیز همیشه به عنوان یکی از موضوع‌های کلیدی عرصه مطالعات و سیاست‌های اجتماعی مطرح بوده است (بنی جمالی و صادقی فسایی، ۱۳۹۹، ص. ۱۱). با توجه به اهمیت موضوع افزایش سن ازدواج و دغدغه موجود در حوزه ازدواج، مطالعات قابل توجهی بر این موضوع متمرکز شده و به چاپ رسیده است (محمودیان، ۱۳۸۳؛ کاظمی‌پور، ۱۳۸۸؛ انتظاری و دیگران، ۱۳۹۶؛ ضرایی و مصطفوی، ۱۳۹۰؛ دراهکی و محمودیان، ۱۳۹۱؛ جمشیدیها و دیگران، ۱۳۹۲؛ خلچ آبادی فراهانی و شجاعی، ۱۳۹۲؛ عالمی نیسی، ۱۳۹۵؛ انتظاری و دیگران، ۱۳۹۵؛ صادقی فسایی و بنی جمالی، ۱۳۹۶؛ عباسی شوازی و رشوند، ۱۳۹۶؛ انتظاری و دیگران، ۲۰۱۲؛ بنی جمالی و رازقی نصرآباد، ۱۳۹۸؛ عباسی شوازی و دیگران، ۱۴۰۰؛ بختیاری و دیگران، ۱۳۹۹؛ کاظمی‌پور، ۱۴۰۰؛ خلچ آبادی فراهانی، ۱۴۰۰؛ بنی جمالی و صادقی فسایی، ۱۴۰۰؛ بنی جمالی و صادقی فسایی، ۱۴۰۰؛ براتی، ۱۴۰۱؛ ترابی و اسمعیلی، ۲۰۲۱). مروری بر ادبیات تحقیق نشان می‌دهد. علی‌رغم مطالعات ارزشمند صورت گرفته در حوزه ازدواج، استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی و مصاحبه با خبرگان در این حوزه کمتر مورد توجه بوده است. حال آنکه استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی^۱ و استفاده از نظر خبرگان علمی می‌تواند در تصمیم‌گیری درست و صحیح برنامه‌ریزان برای کاهش سن ازدواج بسیار مهم و حائز اهمیت باشد. از سوی دیگر عوامل متعددی در تأخیر ازدواج تأثیرگذار هستند، برای ارزیابی و رتبه‌بندی این عوامل، بهترین روش مطرح در تصمیم‌گیری چندشاخه روش تحلیل سلسله‌مراتبی است. روش مذکور امکان مقایسه زوجی^۲ بین شاخص‌های مختلف را فراهم می‌کند (عباسی شوازی و اسمعیلی، ۱۴۰۰؛ آذر، ۱۳۹۹؛ اصغرپور، ۱۳۸۱؛ قدسی‌پور، ۱۳۸۲، ص. ۱۳۸۴). مطالعه حاضر در تلاش است با استفاده از نظرهای خبرگان و روش تحلیل سلسله‌مراتبی به شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج بپردازد.

1. Analytical Hierarchy Process (AHP)

2. Paired Comparison

۱. اهداف پژوهش

با توجه به اهمیت موضوع افزایش سن ازدواج و بررسی عوامل مؤثر بر آن از یکسو و بهره‌مندی از دیدگاه خبرگان علمی ازوی‌دیگر، مقاله حاضر به‌دنبال استخراج برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های هدفمند و کارا مبتنی بر روش تصمیم‌گیری چند شاخصه می‌باشد. در این راستا می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- استفاده از نقطه‌نظرهای خبرگان؛
- به کارگیری روش‌های مبتنی بر پردازش داده مانند روش تصمیم‌گیری چندشاخه؛
- رتبه‌بندی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج در راستای الزام‌ها و پیشنهادهای سیاستی.

۲. سؤال‌های پژوهش

- ۱- بالاهمیت‌ترین شاخص‌ها و زیرشاخص‌های مؤثر بر تأخیر ازدواج از دیدگاه خبرگان علمی کدام‌اند؟
- ۲- مهم‌ترین پیشنهادها و اولویت‌بندی سیاستی بر اساس نتایج پژوهش کدام‌اند؟

۳. پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد مطالعات مختلفی در ایران و جهان در ارتباط با توصیف و تبیین تأخیر در ازدواج انجام شده است. مطالعات مختلف از دیدگاه‌های نظریه‌های ساختاری و تغییرهای ارزشی و نگرشی به تبیین مسئله تأخیر در ازدواج پرداخته و به عوامل مختلف اجتماعی، فرهنگی، نگرشی و اقتصادی در افزایش سن ازدواج اشاره داشته‌اند. تحصیلات به عنوان یکی از ابعاد نوسازی و از مؤلفه‌های مهم اجتماعی می‌تواند بر زمان‌بندی ازدواج و تغییر ارزش ازدواج تأثیرگذار باشد. در بررسی سطح تحصیلات، ادبیات و مطالعات گستردگی‌ای صورت گرفته است. اکثر مطالعات انجام شده تأثیر این متغیر را بر افزایش سن ازدواج و همچنین تأثیری که بر تغییر ایده‌ها و نگرش‌ها دارد را نشان می‌دهند (Peng, 2006; Kabir et al, 2001; Jones, 1981؛ ضرابی و مصطفوی، ۱۳۹۰؛ میرزایی و قربانی، ۱۳۹۴). افزایش سطح تحصیلات، یکی از عوامل مهم افزایش سن ازدواج در میان زنان است. تأثیر تحصیلات بر افزایش سن ازدواج زنان بر اساس چند سازوکار صورت می‌پذیرد: زنان تحصیل کرده در جستجوی فرصت‌های شغلی بهتری هستند تا از طریق افزایش

درآمد، وابستگی اقتصادی کمتری به همسران داشته باشند، همچنین تحصیلات موقعیت اقتصادی و اجتماعی زنان را افزایش می‌دهد، درنتیجه فرصتی فراهم می‌شود که با مردانی ازدواج نمایندکه موقعیت اقتصادی و اجتماعی بالای داشته باشند. ازسوی دیگر تحصیلات، باورها و ارزش‌های زنان را در ارتباط با فرهنگ و سنت‌های قدیمی ازدواج دچار تغییر می‌سازد (Becker, 1974). عباسی شوازی و رشوند، ۱۳۹۶؛ ۱۳۹۶). هزار جربی و آستین فشن (۱۳۸۵)، در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی مؤثر بر میانگین سن ازدواج زنان در سه دهه گذشته (۸۵-۵۵)» نشان دادند: میزان باسوسادی و بهویژه تحصیلات عالی، یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تأخیر سن ازدواج بوده است. در ادامه می‌توان به مطالعات متعددی اشاره نمود که در ارتباط با وضعیت اشتغال زنان و افزایش در سن ازدواج صورت گرفته‌اند. حسینی و گراوند (۱۳۹۶)، در نتایج مقاله خود نشان دادند اشتغال زنان منجر به توانمندسازی آنها شده و ازسوی دیگر زنان به منظور دستیابی به فرصت‌های بهتر در انتخاب همسر ازدواج را به تأخیر می‌اندازند. در مقاله مشابه دیگری خلچ‌آبادی فراهانی و رحیمی (۱۳۹۶)، مهم‌ترین عوامل به تأخیر انداختن ازدواج را وضعیت اقتصادی، اجتماعی و توانمندسازی زنان معرفی نمودند. در مطالعه دیگری نیز خلچ‌آبادی فراهانی و همکاران (۱۳۹۲)، تجربه معاشرت پیش‌رفته قبل از ازدواج را یکی از دلایل عمدی به تأخیر افتادن ازدواج دانشجویان معرفی نمودند. در مطالعه‌ای محمدپور و تقوی (۱۳۹۲)، با عنوان «عوامل اجتماعی بالا رفتن سن جوانان» بیان نمودند که پنج متغیر تحصیلات، سطح انتظارها، بی‌اعتمادی اجتماعی، سخت‌گیری و انتظارهای بالای خانواده‌ها و لذت بردن از دوران تجرد می‌توانند ۵۱ درصد از واریانس متغیر وابسته (سن ازدواج) را تبیین نمایند.

اوپنهایمر^۱ (۱۹۸۸)، نیز در پژوهشی به این نتیجه دست یافت که تغییر در نقش‌های اقتصادی زنان بر عملکرد بازار ازدواج تأثیرگذار است. گسترش سهم زنان در بازارهای اشتغال، باعث افزایش استقلال اقتصادی زنان شده و به‌التفکیک آن تمایل زنان برای ازدواج کمتر شده و درنتیجه می‌تواند منجر به تعویق انداختن امر ازدواج شود. در ادامه می‌توان به نقش امید به آینده به عنوان یکی از پیش‌نیازهای مهم در در امر ازدواج اشاره نمود. نیازی و همکاران (۱۳۹۴)، در نتایج پژوهش خود نشان دادند که اگر امید به آینده با عواملی مانند مشکلات اقتصادی و اجتماعی تضعیف شود، امر ازدواج هم به

1. Oppenheimer

تأثیر می‌افتد. ضرایب و مصطفوی (۱۳۹۰)، در مطالعه‌ای به نقش هزینه‌های ازدواج، به خصوص هزینه‌های مانند: تهیه جهیزیه و هزینه‌های تشکیل زندگی مستقل را در تصمیم به ازدواج و زمان وقوع ازدواج مؤثر دانستند. در مقاله مشابه‌ای که توسط منش و همکاران (۲۰۰۵) صورت پذیرفت، یافته‌ها نشان داد در کشورهای هند و بنگلادش که جهیزیه توسط خانواده دختر باید تأمین شود، هرچه سن دختر بیشتر می‌شود مقدار و هزینه جهیزیه سنگین‌تر می‌شود. اسکندری و چراتی (۱۳۸۷)، درنتایج تحقیق خود اشاره کردند، مهریه‌های سنگین، مخارج هنگفت خرید طلا و جواهر، هدايا و لباس‌های گوناگون، هزینه‌های سنگین و سراسام‌آور جشن‌های عقد و عروسی و میزان اجاره، رهن و یا خرید مسکن، بارداری و تربیت فرزند و دهها مسئله دیگر خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی فراروی جوانان در امر ازدواج می‌باشد. جعفری و چوبri (۱۳۸۶)، در پژوهشی با عنوان بررسی عوامل اجتماعی مؤثر در بالا رفتن سن ازدواج جوانان در ایران به این نتیجه دست یافتند بین وضعیت اشتغال، نوع شغل، میزان تحصیلات جوانان و نیز بالابودن هزینه ازدواج، مهریه، جهیزیه، افزایش سطح توقعات زوج‌ها و خانواده‌ها، داشتن برادر و خواهر بزرگ‌تر مجرد، عدم حمایت مؤسسات دولتی، تردید در تصمیم‌گیری و وضعیت مسکن با بالارفتن سن ازدواج جوانان رابطه معنی داری مشاهده شده است. کاظمی‌پور (۱۳۸۳)، در پژوهشی با عنوان «تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن» بر این باور است که با افزایش میانگین سن ازدواج زنان فاصله اختلاف سنی زوجین با کاهش بیشتر همراه است. بین سن ازدواج، سعادت، تحصیلات، قومیت، محل سکونت در شهر، روستا و به‌طور کلی پایگاه اقتصادی اجتماعی افراد ارتباط وجود دارد.

ازسوسی دیگر در عصر حاضر رسانه‌های جمعی مهم‌ترین ابزار شکل‌دهنده فرهنگ یک جامعه محسوب می‌شوند، به صورتی که با تغییرهای صورت گرفته در رسانه‌ها، تغییرهای گسترده‌ای در رفتارها، عقاید و ارزش‌های افراد به وجود آمده است (قربانی و دیگران، ۱۴۰۱). رسانه‌های جمعی بر تجربه افراد و افکار عمومی تأثیر گسترده دارند. همچنین بر طبق نظر گرنبر^۱، هرچه میزان مواجهه با رسانه‌ها بیشتر باشد به همان نسبت میزان تغییر نگرش و الگوهای رفتاری افراد نیز متناسب با محتوای آن رسانه‌ها بیشتر می‌شود و رسانه‌ها این قابلیت را دارند که تمام ابعاد زندگی مخاطبان خود را تحت تأثیر قرار دهند (ملتفت و دیگران، ۱۴۰۱، ص. ۳۴۲). رسانه‌های جمعی

بالاترین سطح برقراری رابطه با افراد را دارند و این قدرت منحصر به فرد باعث می‌شود تا عناصر موردنظر خود را در سطح ارتباطی وسیع به مخاطب القاء نمایند و بخشی از فرهنگ یک جامعه را شکل دهند (قربانی و دیگران، ۱۴۰۱، ص. ۳۳۲). نتایج پژوهش‌های مختلف نیز نشان داده‌اند؛ افزایش استفاده از رسانه‌های اجتماعی بر زمان وقوع ازدواج تأثیر دارد. امروزه گسترش رسانه‌های اجتماعی، نحوه آشنایی و تعامل افراد با یکدیگر را تغییر داده و فضایی برای افزایش تعامل‌ها و تغییر ارزش‌ها و باورها برای افراد ایجاد نموده‌اند (Faruq et al, 2017; Abbasi, 2019; Aydin et al, 2014; Haris Faruq et al, 2014). دینداری نیز از جمله متغیرهای ارزشی و ایده‌ای می‌باشد که در مطالعات مربوط به ازدواج مورد بررسی قرار گرفته است. رابطه بین دینداری و افزایش شانس وقوع ازدواج در مطالعات مختلفی (از جمله Aghajanian, ۱۹۹۱ و رازقی نصرآباد و فلاحت‌زاد، ۱۳۹۶) تأیید شده است. رستگار خالد و همکاران (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای به بررسی رابطه دینداری با ازدواج و تشکیل خانواده پرداختند. نتایج تحقیق آنها نشان داد رابطه مثبت و قوی بین میزان دینداری و نگرش مثبت به تشکیل خانواده وجود دارد. سرایی و اجاللو (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای به این نتیجه دست یافتند که دینداری تأثیر مثبت و مستقیم بر ارزش ازدواج دارد. اوکر^۱ (۲۰۱۴)، در مقاله‌ای رابطه بین دینداری و ازدواج را مورد بررسی قرار داد. نتایج تحقیق وی نشان داد: حضور در مراسم مذهبی، دارا بودن روحیه مذهبی، اعتقاد به کتاب مقدس منجر به ازدواج در سن پایین تر می‌شود. ساگتا^۲ (۲۰۱۹)، در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر گروه همسالان و دینداری بر انگیزه ازدواج زودهنگام»، به این نتیجه دست یافت که گروه همسالان و دینداری به صورت مستقیم برانگیزه ازدواج در سن پایین اثر گذار است. هولبرگ^۳ (۲۰۲۲)، در گزارشی با عنوان «آیا دین و ازدواج به هم مرتبط هستند؟» نشان داد: بدون شک مذهب نقش مهمی در عقاید ازدواج به هنگام دارد. افرادی که به طور منظم در مراسم مذهبی شرکت می‌کنند، احتمال بیشتری برای ازدواج دارند. ارزش ازدواج نیز جزء متغیرهای ارزشی می‌باشد که مطالعات بی‌شماری در این حوزه در داخل و خارج از کشور صورت پذیرفته و معنی‌داری آن با تأخیر در ازدواج تأیید شده است؛ برای مثال سرایی و اجاللو (۱۳۹۲)، در بررسی تفاوت‌های نسلی ازدواج نشان داده‌اند که ارزش ازدواج در زنان قبل از انقلاب قوی، نسل جنگ و

1. Uecker

2. Sagita

3. Holbrook

بعد از انقلاب متوسط و در نسل بعد از انقلاب در حد ضعیف است. رازقی نصرآباد و فلاحتنژاد (۱۳۹۶) نیز نشان دادند تفاوت آماری معنی‌داری در ارزش ازدواج نسل‌های مختلف وجود دارد. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی پژوهش آنها نشان داد، متغیر نسل به همراه جنس، نوع رسانه و تقید به مناسک دینی رابطه معنی‌داری با ارزش ازدواج دارد. عباسی شوازی و رشوند (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان «سهم ارزش ازدواج بر وضعیت ازدواج زنان ۲۰-۳۴ ساله شهر تهران» به این نتیجه دست یافتند که ارزش ازدواج در زنان ازدواج کرده بالاتر از زنان ازدواج نکرده است.

رایزنمن^۱ تفاوت‌های نسلی ارزش‌ها را متأثر از رسانه‌ها می‌داند. از نظر او امروزه رسانه‌های جمعی توسعه پیدا کرده و موجب از بین رفتان مرزهای فیزیکی جوامع شده‌اند. استفاده از رسانه‌های جمعی در این دنیای جهانی شده عامل اختلاف و تفاوت نسلی است. مطابق نظریه رایزنمن در دوره‌ای از تاریخ سنت‌ها حاکمیت داشتند و پیوند بین نسل‌ها با نسل‌های پیشین خود از طریق سنت‌ها برقرار می‌شد، در حالی که امروزه در تاریخ زندگی بشر دوره‌ای حاکم شده که دوره حاکمیت قوی رسانه‌های ارتباط جمعی است. در یک جامعه در حال گذار، جوانان ارزش‌های سنتی را تغییر می‌دهند. در این دوره، جوانان با تأثیرپذیری از رسانه‌ها ارزش‌های پیشین خود را کنار گذاشته و ارزش‌های جدید را جایگزین آنها می‌کنند (ساروخانی، ۱۳۷۵، ص. ۵۳). در مطالعه‌ای دیگر گروسی و یاری‌نسب (۱۳۹۹)، نشان دادند تفاوت معنی‌داری بین گروه مادران و دختران در متغیر ارزش‌های ازدواج وجود دارد.

در این بخش به مطالعاتی پرداخته شد که هرکدام از زاویه خاصی افزایش درسن ازدواج را تبیین کرده و به نتایج ارزشمندی نیز رسیده بودند. همان‌طور که ملاحظه شد، در حوزه ازدواج پژوهشی با رویکرد روش‌های تصمیم‌گیری چندشاخصه با استفاده از نظر خبرگان علمی صورت نگرفته بود، حال آنکه قابلیت روش‌های مبتنی بر تصمیم‌گیری چندشاخصه زمانی که از نمونه‌گیری هدفمند استفاده می‌شود بسیار بیشتر از روش‌های مبتنی بر تحلیل آماری است (تقی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۷، ص. ۹۷). بهره‌گیری از نظر خبرگان علمی امکان تصمیم‌گیری هدفمند را برای برنامه‌ریزان بهمنظور کاهش سن ازدواج فراهم می‌سازد. بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که تصمیم‌گیری مبتنی بر نظرهای جمعی خبرگان یک اصل مدیریتی جهت تنظیم برنامه‌ریزی‌های صحیح و مأموریت‌گرا خواهد بود؛ لذا بر مبنای دیدگاه

صاحب‌نظران احتمال تحقق اهداف یک برنامه‌ریزی صحیح و هدفمند در قالب تصمیم‌گیری صحیح افزایش خواهد یافت (قدسی‌پور، ۱۳۸۲؛ قدسی‌پور، ۱۳۸۴؛ آذر و رجب‌زاده، ۱۳۸۱؛ اصغرپور، ۱۳۸۵؛ توقيق، ۱۳۸۱). با توجه به خلاً پژوهشی موجود در مطالعات مرور شده، مقاله پیش رو به دنبال ارائه پیشنهادات و برنامه‌ریزی‌های مبتنی بر رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج با هدف ارائه پیشنهادهای سیاست‌گذاری به برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران می‌باشد. در این راستا با بهره‌گیری از نظر خبرگان و استفاده از روش‌های تصمیم‌گیری چندشاخصه عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج شناسایی و مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

۴. چهارچوب نظری

در تبیین زمان وقوع ازدواج می‌توان به دو دسته نظریه اشاره کرد. دسته اول نظریه‌های ساختاری و دسته دوم متمرکز بر تغییرهای ایده‌ای و فرهنگی هستند (رجیمی و رازقی نصرآباد، ۱۳۹۸)، از نظریه‌های ساختاری، می‌توان به نظریه گود^۱ و دیکسون^۲ اشاره کرد و در زمینه نقش مهم تغییرهای فرهنگی و ارزشی در تغییرهای خانواده و به تعویق اندختن ازدواج، می‌توان به نظریه‌های انتقال دوم جمعیت اشاره نمود (Van de Kaa, 1987, 2001, 2003). گود (1963)، با مطرح نمودن ایده انقلاب جهانی در الگوهای خانواده، به تأثیرهای فرایند نوسازی بر نهاد خانواده و الگوهای ازدواج اشاره می‌کند و معتقد است این فرایند در سطوح مختلف فردی و اجتماعی، ازدواج و الگوهای آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به بیان دیگر گود معتقد است که نوسازی در سطوح فردی و اجتماعی به تأثیرگذاری بر زمان ازدواج منجر می‌شود. وی معتقد است افرادی که در مناطق شهری زندگی می‌کنند به دلیل شیوه‌های زندگی متفاوت و نیز کنترل اجتماعی ضعیف‌تر نسبت به مناطق روستایی ازدواج‌شان با تأخیر صورت می‌گیرد. در میان مهم‌ترین ویژگی‌های نوسازی می‌توان به گسترش فرصت‌های تحصیلی، تغییرها در نیروی کار و فعالیت‌های شغلی، اشتغال زنان و شهرنشینی اشاره کرد. در ادامه دیکسون (1971)، بحث را به سطح جامعه و ساختارهای اجتماعی مرتبط می‌سازد و بر اهمیت ساختار اجتماعی و الگوی ازدواج تأکید می‌کند. وی بیان می‌کند: قابلیت دسترسی به شریک آینده زندگی بر اساس توازن نسبت سن به جنس افراد آماده ازدواج و بر اساس روش انتخاب همسر تعیین

1. Good

2. Dixon

می‌شود. در ادامه امکان‌پذیر بودن ازدواج بر حسب شرایط اجتماعی و اقتصادی و درنهایت مطلوبیت ازدواج را بر حسب فشارهای اجتماعی و انگیزه‌های فردی می‌باشد (عباسی شوازی و رشوند، ۱۳۹۶، صص. ۱۴۰-۱۳۹). نظریه اجتناب از خطر^۱ یکی از نظریه‌هایی است که از نظریه انتخاب عقلانی و اقتصاد جدید خانوار^۲ (Becker, 1974, 1981; Fiori, 2013) ریشه می‌گیرد (Fiori, 2013). نظریه اجتناب از خطر بُعد بی‌اطمینانی را به فرایند تصمیم‌گیری اضافه می‌کند (Sobotka, Skirbekk & Philipov, 2010). طبق نظر مکدونالد (2006) زوجین با ارزیابی هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم و همچنین فواید تشکیل خانواده تصمیم‌های خود را تحقق می‌بخشند. هزینه‌ها و منافع درواقع هزینه‌ها و منافع آینده هستند و براین اساس افراد در مورد هزینه‌ها و منافع اطمینان ندارند، ازین‌رو تصمیم‌گیری در مورد تشکیل خانواده وابسته به جهت‌گیری‌های آینده خواهد بود. بر اساس این رویکرد وجود مخاطره‌ها در جامعه و بی‌اطمینانی در بازار کار و عرصه اجتماعی، زنان و مردان جوان را تشویق می‌کند که خود را وقف افزایش سرمایه انسانی کنند. ازین‌رو آنان تشویق می‌شوند تا آینده شغلی را از طریق افزایش سطوح تحصیلی ارتقا بخشنند و در جستجوی کاری که آنها را به لحاظ اقتصادی توانا بسازد، باشند. به طور خلاصه، بر مبنای این نظریه فرض می‌شود که احساس خطر و ناطمینانی از شرایط اقتصادی اجتماعی، باعث می‌شود که تشکیل خانواده و داشتن فرزند (بیشتر) را به آینده دورتر محول سازند (برنارדי و دیگران، ۲۰۱۵؛ Fahlén and Oláh, 2008, p. 292). همان‌طور که مشاهده می‌شود نظریه‌های ساختاری توجه کمتری به عوامل فرهنگی و ارزشی در تأخیر ازدواج قائل بوده و متمرکز به عوامل اقتصادی و اجتماعی می‌باشند. در مقابل نظریه‌هایی مانند انتقال دوم جمعیتی و توسعه ایدئالیسم توسعه تورنتون^۳ از نقش تغییرهای فرهنگی و ارزشی در تغییر رفتارها و ایدئال‌ها به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم تغییرهای خانواده و ازدواج یاد می‌کند. نظریه انتقال دوم جمعیت یک چهارچوب جهت تحلیل تغییرها در رفتارهای باروری و تشکیل خانواده فراهم می‌سازد (Lesthaeghe, 2014). در نظریه مذکور توجه به تغییرها در رفتارهای باروری و خانواده از جمله افزایش هم‌خانگی، تأثیر در ازدواج، افزایش بی‌فرزندی و

1. Risk Aversion Theory
2. New Home Economics
3. Thornton

برابری جنسیتی متمرکر می‌باشند. این نظریه مبین این مهم هست که دلایل تغییر در ساختهای جمعیتی حاصل و ثمره تغییر در ارزش‌ها و نگرش‌هاست. تغییرهای ارزشی و نگرشی عوامل مهم تغییر رفتار خانواده هستند. به عبارتی تغییر ارزش‌ها بستر نهادی و مدل ذهنی خانواده را تغییر داده است. این نظریه تأکید دارد رفتارهای افراد به وسیله ارزش‌های فردی آنها تعیین می‌شود (Van de kaa, 1987). مدل جدید تبیین‌های نگرشی و ایده‌ای نظریه ایدئالیسم تورنتون^۱ است. در این نظریه تعیین‌کننده تغییرهای ارزشی و رفتاری در خانواده‌ها، اشاعه و گسترش ایده‌های مرتبط با توسعه و پیشرفت و نوسازی در سطح جهان است. بر اساس این دیدگاه، ایده‌های مرتبط با توسعه و پیشرفت به عنوان یک آرمان بشری و در شکل بسته‌ای از ایده‌ها در دنیا مقبولیتی عام یافته است. جامعه و خانواده نوین، خوب و قابل حصول توصیف شده و بین آنها ارتباط علی متقابل وجود دارد. انسان‌های نوین، آزاد و برابرند و روابط اجتماعی مبتنی بر توافق و اجماع در میان آنها حاکم است. گسترش این مجموعه از ایده‌ها، نیرویی قدرتمند در تغییرهای نگرشی و رفتاری خانواده‌ها در سطح جهان بوده است (عسکری ندوشن و دیگران، ۱۳۸۸، صص. ۶-۵). نظریه دیگری که در ادبیات پژوهشی مربوط به تغییرهای جمعیتی توسط ندول و وندوال^۲ (۱۹۷۹) به کار گرفته شد و کاربرد گسترهای یافت، نظریه اشاعه است. اشاعه فرایندی است که به واسطه آن نوآوری از مجازی معین و در طول دوره زمانی خاصی در میان اعضای یک نظام اجتماعی رواج می‌یابد. نظریه اشاعه برگرفته از این ایده است که تعامل یک سازوکار کلیدی است که از آن طریق پذیرش نوآوری‌ها، ایده‌ها و رفتارهای جدید اتفاق می‌افتد در واقع مدل اشاعه، پذیرش تغییر یا نوآوری به وسیله مردم در طول زمان را توصیف می‌کند. در این رویکرد فرایند اجتماعی نوآوری (ایده‌های جدید، شیوه‌های علمی جدید، استفاده از وسائل و ابزارهای جدید و هدف‌های جدید) و چگونگی دستیابی به آن و نحوه گسترش آن به تمامی یک نظام اجتماعی را بررسی می‌کند.

در مرور نظریه‌های انجام شده در حوزه زمان و قوع ازدواج می‌توان به این جمع‌بندی رسید که هر نظریه به تبیین بخش محدودی از فرایند مورد مطالعه پرداخته و از یک زاویه خاص و محدود مسئله تأخیر در ازدواج را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. نظریه‌های دارای رویکرد تغییر ساختاری بر این باورند که تحولات خانواده

1. Thornton

2. Knodel, J. and Van de Walle

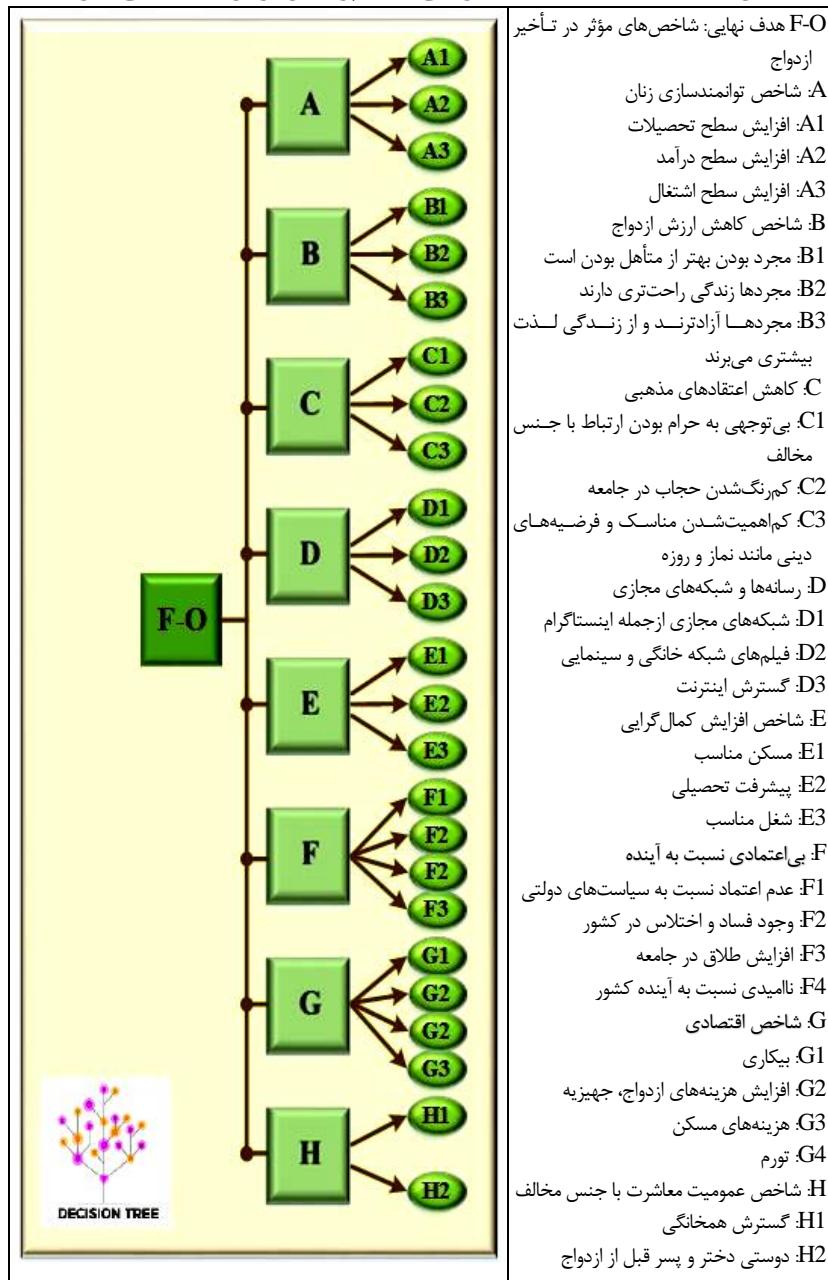


و افزایش سن ازدواج سازگار با تغییرها در متغیرهای بیرونی یا منطبق بر تغییرهای به وجود آمده در شرایط اقتصادی و اجتماعی هستند. از میان نظریه‌ها با رویکرد ساختاری نظریه‌های گود، دیکسون و اجتناب از خطر بررسی شدند. گود معتقد است که نوسازی در سطوح فردی و اجتماعی به تأثیرگذاری بر زمان ازدواج منجر می‌شود و دیکسون بحث تأخیر در ازدواج را به سطح جامعه و ساختارهای اجتماعی مرتبط می‌سازد. نظریه اجتناب از خطر بعد بی‌اطمینانی را به فرایند تصمیم‌گیری ازدواج در نظر می‌گیرد. همان‌طور که اشاره شد یکی دیگر از رویکردهای مهم در تبیین زمان وقوع ازدواج، رویکرد ایده‌ای و فرهنگی است که در مقابل با رویکرد ساختاری مطرح شده است. آنچه که باعث مطرح شدن رویکرد ایده‌ای و فرهنگی در تبیین رفتارهای باروری و ازدواجی شد عدم توانایی رویکرد ساختاری به تنها یی در تبیین این رفتارها بود. رویکردهای ایده‌ای بر نقش ارزش‌ها، نگرش‌ها و نظامهای هویتی در شکل‌گیری اندازه ایدئال خانواده تأکید دارند. این رویکرد تلاش می‌کند، تأثیر و نفوذ زمینه اجتماعی و فرهنگی را در نظر بگیرد و بر عواملی که در ایجاد و تغییر این ارزش‌ها و نظامهای هویتی مهم‌اند، تأکید کند (صادقی و اسماعیلی، ۱۳۹۹). از نظریه‌های بررسی شده می‌تنی بر رویکرد ایده‌ای و فرهنگی در مقاله حاضر، نظریه انتقال دوم جمعیتی، توسعه ایدئالیسم تورنتون و اشاعه موردووجه قرار گرفت. نظریه انتقال دوم جمعیتی بهشدت به تغییر در نگرش و ارزش‌های افراد در جامعه تأکید می‌نماید و تحولات خانواده را پاسخی به فراغیری ارزش‌های فردگرایانه و سکولاریسمی می‌داند. یکی دیگر از نظریه‌های ایده‌ای تبیین زمان وقوع ازدواج، رویکرد اشاعه نام دارد. این نظریه تحولات خانواده و افزایش سن ازدواج را در نتیجه گسترش ارزش‌ها و ایده‌ها در سطح اجتماع قلمداد نموده و بر این باور است که تعامل افراد با یکدیگر و اشاعه و گسترش وسائل ارتباط جمعی منجر به تغییر در ارزش‌های خانواده در جامعه خواهد شد. همان‌طور که مشاهده می‌شود هر نظریه از یک زاویه خاص به تبیین زمان وقوع ازدواج می‌پردازد. حال آنکه تبیین زمان وقوع ازدواج می‌تواند از مجموع رویکردهای مختلف مطرح شده در خصوص نظریه‌های ازدواج تأثیر بپذیرد؛ لذا در مقاله حاضر به صورت ترکیبی از نظریه ساختاری در کنار نظریه تغییرهای ایده‌ای و فرهنگی بهمنظور تبیین زمان وقوع ازدواج استفاده شده است؛ لذا در انتخاب و استخراج شاخص‌ها و زیرشاخص‌ها از هر دو دسته نظریه بهمنظور تنظیم پرسشنامه خبره و ساخت درخت سلسه‌مراتبی بهره برده شده است.

ساخت درخت سلسه‌مراتبی جهت پیاده‌سازی مدل پژوهش مورد استفاده که

مبتنی بر نظریات تبیین‌کننده زمان و قوع ازدواج و همچنین مطالعات تجربی می‌باشد در بخش مبانی نظری و پیشینه تحقیق به تفصیل بیان شد. در شکل ۱، ساختار درخت سلسله‌مراتبی مدل پژوهش نشان داده شده است. بر این اساس مطابق با نظریه انتقال دوم جمعیتی و تحقیقات انجام شده در چهارچوب این نظریه، شاخص‌های کاهش ارزش ازدواج، کاهش اعتقادات دینی و شاخص عمومیت معاشرت با جنس مخالف و کمال‌گرایی به عنوان عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج انتخاب شدند. بر اساس نظریه نوسازی گسترش فرصت‌های تحصیلی، تغییرها در نیروی کار و فعالیت‌های شغلی، اشتغال زنان و شهرنشینی منجر به تغییرهایی در زمانبندی ازدواج شده است؛ لذا در چهارچوب این نظریه شاخص توامندی زنان و شاخص اقتصادی انتخاب شده است. پشتونه نظری شاخص بی‌اعتمادی نسبت به آینده نظریه اجتناب از خطر است. بر اساس این رویکرد وجود مخاطره‌ها در جامعه و بی‌اطمینانی نسبت به آینده زنان و مردان جوان را تشویق می‌کند که خود را وقف افزایش سرمایه انسانی کنند و تشکیل خانواده و داشتن فرزند (بیشتر) را به آینده دورتر محو سازند (Bernardi; Klarner & Von der Lippe, 2008, p. 292). مطابق با نظریه اشاعه (Knodel & Van de Walle, 1979) رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی به مثابه ابزار اشاعه ایده‌ها و نگرش‌های جدید در این مدل در نظر گرفته شده است.

شکل (۱): ساختار درخت سلسه‌مراتبی مدل پژوهش برگرفته از مبانی نظری



۵. روش پژوهش

در مقاله حاضر به منظور رتبه‌بندی شاخص‌های مؤثر بر تأخیر در ازدواج از روش تصمیم‌گیری چندشاخصه استفاده شده است. تصمیم‌گیری هدفمند زمانی حاصل خواهد شد که بر چند معیار^۱ اتخاذ شده مبنی باشد. با تعریف شاخص می‌توان معیارهای مختلف را در فرایند تصمیم‌گیری وارد کرد. در یک مسئله تصمیم‌گیری چندمعیاره، به دلیل استفاده از شاخص‌های مختلف در مسیر تصمیم‌گیری، آن را تصمیم‌گیری چندشاخصه^۲ می‌نامند. در این نوع تصمیم‌گیری، از تعدادی شاخص (معیار) برای اولویت‌بندی (انتخاب) گزینه‌ها استفاده می‌شود. همان‌طور که بیان شد، یکی از روش‌های تصمیم‌گیری چندشاخصه روش تحلیل سلسله‌مراتبی است که در آن فرایند موردنظر به شکل سلسله‌مراتبی دسته‌بندی شده و طی یک فرایند امتیازدهی مبنی بر روش‌های آماری و بر اساس امتیازدهی بهترین تصمیم معرفی می‌شود. پیدایش و گسترش روش سلسله‌مراتبی به دهه ۱۹۸۰ بازمی‌گردد که اولین بار توماس ال ساعتی^۳ آن را ارائه کرد. توانایی این روش در فرمول‌بندی مسائل تصمیم‌گیری و استفاده از روش‌های ریاضی در رسیدن به بهترین تصمیم یکی از شاخصه‌های اصلی در توسعه و محبوبیت این روش در میان محققان است. توانایی این روش در لحاظ کردن شاخص‌های کمی و کیفی جهت اتخاذ بهترین تصمیم یک توانمندی برای این روش محسوب می‌شود. علاوه بر دخیل کردن شاخص‌های مختلف کمی و کیفی در فرایند تصمیم‌گیری، امکان انجام تحلیل حساسیت در تعیین هر شاخص در اتخاذ تصمیم نهایی یکی از قابلیت‌های ویژه این روش است (آذر و رجب‌زاده، ۱۳۸۱؛ اصغرپور، ۱۳۸۵؛ ۱۳۸۲؛ آذر، ۱۳۹۹).

پرسشنامه مورد استفاده برای تحلیل‌های سلسله‌مراتبی و تصمیم‌گیری چندمعیاره به پرسشنامه خبره موسوم است. در طراحی پرسشنامه خبره دقت و داشتن الگوی مناسب بسیار ضروری است. برای تهیه پرسشنامه خبره از مقایسه زوجی گزینه‌ها استفاده می‌شود. برای امتیازدهی از مقیاس نه درجه‌ای به صورت جدول ۱ استفاده می‌شود (قدسی‌پور، ۱۳۸۲؛ ۱۳۸۴؛ آذر و رجب‌زاده، ۱۳۸۱؛ اصغرپور، ۱۳۸۱؛ ۱۳۸۵؛ آذر، ۱۳۹۹).

1. Objective

2. Multi Attribute Decision Making

3. Tomas L Saaty



جدول (۱): الگوی امتیازدهی در مقایسه زوجی شاخص‌ها در پرسشنامه خبره

نمره	الویتها	توضیح
۱	ترجم یکسان	گزینه یا شاخص آ نسبت به زاهمیت برابر دارد و یا ارجحیتی نسبت به هم ندارند.
۳	کمی مرجح	گزینه یا شاخص آ نسبت به زکمی مهم‌تر است.
۵	خیلی مرجح	گزینه یا شاخص آ نسبت به زکمی تر است.
۷	خیلی زیاد مرجح	گزینه آ دارای ارجحیت خیلی بیشتری از ز است.
۹	کاملاً مرجح	گزینه آ از مطلقاً مهم‌تر و قابل مقایسه با ز نیست.
۸-۶-۴-۲	بینابین	ارزش‌های بین ارزش‌های ترجیحی را نشان می‌دهد؛ مثلاً ۸ بینابین اهمیتی زیادتر از ۷ و پایین‌تر از ۶ برای آ است.

در ارتباط با سنجش روایی و پایایی در روش تحلیل سلسله‌مراتبی ذکر این نکته ضروری است که پرسشنامه روش تحلیل سلسله‌مراتبی به تأیید خبرگان در موضوع مورد بررسی می‌رسد؛ لذا روایی آن مورد تأیید می‌باشد. برای پرسشنامه مقایسه زوجی شاخص سنجش پایایی یا روایی، به مانند ضریب پایایی آلفای کرونباخ مطرح نمی‌باشد بلکه به جای مفهوم پایایی در پرسشنامه‌های تحلیل سلسله‌مراتبی، از مفهوم نرخ ناسازگاری استفاده می‌شود. نرخ ناسازگاری شاخصی است که مقدار آن نشان‌دهنده تنافض‌ها و ناسازگاری‌های احتمالی در ماتریس مقایسه‌های زوجی است. بنا به نظر ساعتی بنیان‌گذار روش تحلیل سلسله‌مراتبی، چنانچه نرخ ناسازگاری کمتر از ۰/۰ باشد، سازگاری ماتریس مقایسه‌ها مورد تأیید بوده و قابل قبول می‌باشند؛ اما در صورتی که نرخ ناسازگاری بزرگ‌تر از ۰/۰ باشد، نشان‌دهنده تنافض در ارزیابی‌ها و قضاوت‌های خبرگان می‌باشد. اگر خبره به درستی متوجه مقایسه‌ها و سؤال‌ها نباشد و بدون دقت پاسخ دهد به احتمال خیلی زیاد، نرخ ناسازگاری از حد مجاز ۰/۰ عبور خواهد کرد. برای محاسبه نرخ ناسازگاری، در گام اول ماتریس مقایسه‌های زوجی شاخص‌ها را در بردار وزن‌های نسبی به دست‌آمده ضرب می‌شود و سپس نتیجه حاصله بر بردار وزن‌های نسبی شاخص‌ها تقسیم می‌شود تا بردار سازگاری به دست آید. در ادامه میانگین حسابی عناصر این بردار محاسبه می‌شود که ۰/۸ نامیده می‌شود. در نهایت، شاخص ناسازگاری به صورت معادله ۱ محاسبه می‌شود.

$$\text{معادله ۱}$$

$$\Pi = \frac{\lambda - n}{n - 1}$$

زمانی که شاخص ناسازگاری محاسبه شد در ادامه شاخص IRI بر اساس تعداد (n)، شاخص ناسازگاری ماتریس تصادفی استخراج شده و نرخ ناسازگاری (IR) از رابطه ۲ محاسبه می‌گردد:

$$IRI = \frac{\pi}{IRI} \quad \text{معادله ۲}$$

لازم به ذکر است نرمافزار اکسپرت چویس^۱ می‌تواند به راحتی به محاسبه نرخ ناسازگاری بپردازد (قدسی‌پور، ۱۳۸۲؛ قدسی‌پور، ۱۳۸۴؛ آذر و رجب‌زاده، ۱۳۸۱؛ اصغرپور، ۱۳۸۱؛ اصغرپور، ۱۳۸۵؛ آذر، ۱۳۹۹). در ادامه به نحوه پیاده‌سازی روش تحلیل سلسله‌مراتبی پرداخته می‌شود.

مراحل اصلی در پیاده‌سازی روش تحلیل سلسله‌مراتبی:

۱) ساخت درخت سلسله‌مراتبی: درخت سلسله‌مراتبی شامل سطوح مختلفی است.

سطح اول هدف، سطح دوم شاخص‌ها، و سطح سوم زیرشاخص‌هاست. در شکل

(۱)، درخت سلسله‌مراتبی مقاله حاضر نشان داده شده است.

۲) مقایسه‌های زوجی: این روش بر مبنای مقایسه‌های زوجی است. این مقیاس بر اساس شاخص‌های ۱ تا ۹ است. بر اساس ارجحیت هر شاخص بر شاخص دیگر با استفاده از نظرهای خبرگان کامل می‌شود.

۳) بررسی ناسازگاری در پاسخ‌ها: زمانی که تعداد مقایسه‌ها زیاد باشد، مقداری خطا در پاسخ‌ها قابل چشم‌پوشی است. بهندرت پیش می‌آید که ماتریس‌های مقایسه زوجی سازگار باشند. از این‌رو تعیین درجه ناسازگاری اهمیت زیادی دارد.

۴) تصمیم‌گیری گروهی: پس از جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از نرمافزار اکسپرت چویس، به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته می‌شود. این نرمافزار امکان تعریف خبرگان متعدد را فراهم کرده است. ترکیب داده‌های مختلف بر اساس میانگین هندسی داده‌ها صورت می‌پذیرد.

۵) استخراج وزن هریک از شاخص‌ها: با خروجی گرفتن از نرمافزار اکسپرت چویس، وزن هریک از شاخص‌ها به صورت کمی مشخص می‌شود و می‌توان اولویت‌بندی شاخص‌ها را انجام داد (تقی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۷، صص. ۱۰۰-۱۰۳).

در روش تحلیل سلسله‌مراتبی از روش نمونه‌گیری هدفمند قضاوتی استفاده می‌شود. در روش نمونه‌گیری مذکور، انواع خاصی از افراد که قادر به ارائه اطلاعات موردنظر پژوهشگر هستند، به عنوان نمونه انتخاب می‌شوند. انتخاب نمونه بین ۵ تا ۲۰ خبره در

هر حوزه می‌تواند باشد و تا جایی ادامه می‌یابد که اشباع نظری برای محقق حاصل شود (Baby, 2003). در مقاله حاضر، از نظر ۱۱ خبره برای استخراج وزن عامل‌ها استفاده شده است. این خبرگان از استادان علوم اجتماعی حوزه خانواده دانشگاه تهران، دانشگاه اراک، مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور، دانشگاه یزد و دانشگاه علامه طباطبایی انتخاب شدند. در ادامه بر اساس نظر خبرگان، به وزن‌دهی و اولویت‌بندی شاخص‌ها با استفاده از نرم‌افزار اکسپرت چویس ورژن ۱۱ پرداخته شد. مطابق شکل ۱، ۲۴ زیرشاخص مؤثر در تأثیر در ازدواج در قالب ۸ شاخص، که شامل، توانمند شدن زنان، کاهش ارزش ازدواج، بی‌اعتمادی نسبت به آینده، گسترش رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی، کاهش اعتقادهای مذهبی، عوامل اقتصادی، عمومیت معاشرت با جنس مخالف و افزایش کمال‌گرایی طبقه‌بندی شدند. در ابتدا، مقایسه زوجی بین شاخص‌های اصلی و در مرحله بعد بین زیرشاخص‌های هر شاخص صورت می‌پذیرد.

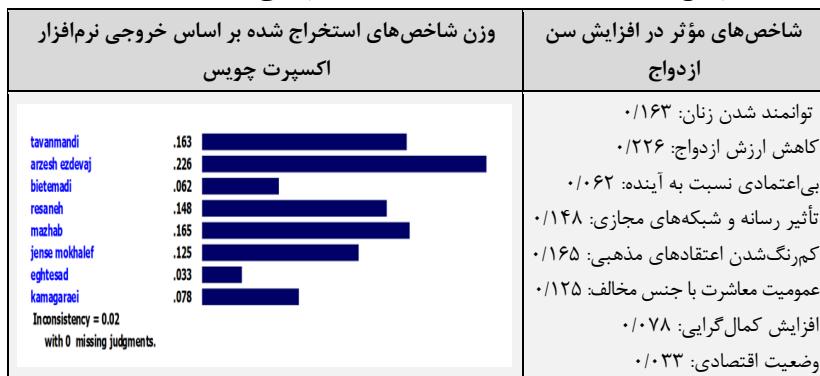
۶. یافته‌های پژوهش

همان‌طور که بیان شد، پرسشنامه زوجی بهنحوی طراحی شده است که ابتدا به مقایسه شاخص‌ها با یکدیگر پرداخته شود و سپس زیرشاخص‌های هر شاخص با یکدیگر مقایسه شوند. در جدول ۲ و نمودار ۱ به سؤال اول پژوهش پاسخ داده می‌شود: (۱) با اهمیت شاخص‌ها و زیرشاخص‌های مؤثر بر تأثیر ازدواج از دیدگاه خبرگان علمی کدام‌اند؟

جدول (۲): رتبه‌بندی شاخص‌های مؤثر در افزایش سن ازدواج مبتنی بر نظر خبرگان علمی

رتبه شاخص	وزن شاخص	شاخص
۱	۰.۲۲۶	کاهش ارزش ازدواج
۳	۰.۱۶۳	توانمندسازی زنان
۲	۰.۱۶۵	کم‌رنگ شدن اعتقادهای مذهبی
۴	۰.۱۴۸	تأثیر رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی
۵	۰.۱۲۵	عمومیت معاشرت با جنس مخالف
۶	۰.۰۷۸	افزایش کمال‌گرایی
۷	۰.۰۳۳	وضعیت اقتصادی
	۰.۰۲	نوخ ناسازگاری

در پاسخ به سؤال اول بر اساس نتایج موجود در جدول ۲ و نمودار ۱ کاهش ارزش ازدواج با وزن ۰/۲۴۵ مطابق با نظر خبرگان علمی اهمیت بیشتری در افزایش سن ازدواج داشته است. بعد از شاخص کاهش ارزش ازدواج به ترتیب شاخص کاهش اعتقادات مذهبی ۰/۱۶۵، توانمندسازی زنان ۰/۱۶۳، تأثیر رسانه و شبکه‌های مجازی ۰/۱۴۸، عمومیت معاشرت با جنس مخالف ۰/۱۲۵، افزایش کمال‌گرایی ۰/۰۷۸ بی‌اعتمادی نسبت به آینده ۰/۰۶۲، وضعیت اقتصادی ۰/۰۳۳ در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند. بر اساس خروجی نرم‌افزار اکسپریت چویس نرخ ناسازگاری برابر با ۰/۰۲ است و چون کوچکتر از ۰/۱ است، در محدوده معتبر قرار دارد (۰/۰۱۲-۰/۰۲) و نشان‌دهنده این مهم است که مقایسه‌های زوجی از اعتبار مناسبی برخوردار است و درنتیجه، پاسخ‌های به‌دست‌آمده قابل اعتماد و دارای پایایی‌اند.



نمودار (۱): خروجی نرم‌افزار اکسپریت چویس برای شاخص‌های درنظر گرفته شده در پرسشنامه خبره

پس از مقایسه معیارهای کلی سنجش شاخص‌های ارزیابی افزایش در سن ازدواج، زیرشاخص‌های هر یک از شاخص‌های کلی به صورت زوجی با استفاده از نظر خبرگان با یکدیگر مقایسه می‌شوند. در نمودارهای مربوط به زیرشاخص‌ها براساس خروجی‌های استخراج شده از نرم‌افزار، نرخ ناسازگاری نشان داده شد. در ابتدا بررسی زیرشاخص‌های، کاهش ارزش ازدواج مورد توجه قرار می‌گیرد.



شاخص	وزن ذیرشاخچهای استخراج شده بر اساس نرم‌افزار Expert Choice								
کاهش ارزش ازدواج	<table> <tbody> <tr> <td>mojarrad behtar</td> <td>.523</td> </tr> <tr> <td>zendegi rahat</td> <td>.274</td> </tr> <tr> <td>azadi mojarradha</td> <td>.203</td> </tr> <tr> <td>Inconsistency = 0.02 with 0 missing judgments.</td> <td></td> </tr> </tbody> </table> <p>مجرد بودن بهتر از متأهل بودن است: ۰/۵۲۳ مجردها زندگی راحت‌تری دارند: ۰/۲۷۴ مجردها آزادترند و از زندگی لذت بیشتری می‌برند: ۰/۲۰۳ نرخ ناسازگاری: ۰.۰۲</p>	mojarrad behtar	.523	zendegi rahat	.274	azadi mojarradha	.203	Inconsistency = 0.02 with 0 missing judgments.	
mojarrad behtar	.523								
zendegi rahat	.274								
azadi mojarradha	.203								
Inconsistency = 0.02 with 0 missing judgments.									

نمودار (۲): رتبه‌بندی و نرخ ناسازگاری مقایسه زوجی ضرایب ذیرمعیارهای شاخص کاهش ارزش ازدواج

همان‌طور که نمودار ۲ نشان می‌دهد، در بین ذیرشاخچهای مؤثر در شاخص کاهش ارزش ازدواج، ذیرشاخچ مجدد بودن بهتر از متأهل بودن است رتبه اول و ذیرشاخچ مجردها آزادترند و از زندگی لذت بیشتری می‌برند در رتبه آخر قرار دارد. نرخ ناسازگاری مقایسه زوجی ذیرشاخچهای کاهش ارزش ازدواج ۰/۰۲ می‌باشد که نشان‌دهنده دقیق بسیار بالای این مقایسه زوجی است. در ادامه در نمودار ۳ به بررسی اهمیت نسبی ذیرشاخچهای کاهش اعتقادهای مذهبی پرداخته می‌شود.

شاخص	وزن ذیرشاخچهای استخراج شده بر اساس نرم‌افزار Expert Choice								
کاهش اعتقادهای مذهبی	<table> <tbody> <tr> <td>jense molkalef</td> <td>.267</td> </tr> <tr> <td>hejab</td> <td>.525</td> </tr> <tr> <td>farizah dini</td> <td>.207</td> </tr> <tr> <td>Inconsistency = 0.03 with 0 missing judgments.</td> <td></td> </tr> </tbody> </table> <p>بی‌توجهی به حرام بودن ارتباط با جنس مخالف: ۰/۲۶۷ کمرنگ شدن حجاب در جامعه: ۰/۵۲۵ کم‌اهمیت شدن مناسک و فرضیه‌های دینی مانند: نماز و روزه: ۰/۲۰۷</p>	jense molkalef	.267	hejab	.525	farizah dini	.207	Inconsistency = 0.03 with 0 missing judgments.	
jense molkalef	.267								
hejab	.525								
farizah dini	.207								
Inconsistency = 0.03 with 0 missing judgments.									

نمودار (۳): رتبه‌بندی و نرخ ناسازگاری مقایسه زوجی ضرایب ذیرمعیارهای شاخص کاهش اعتقادهای مذهبی

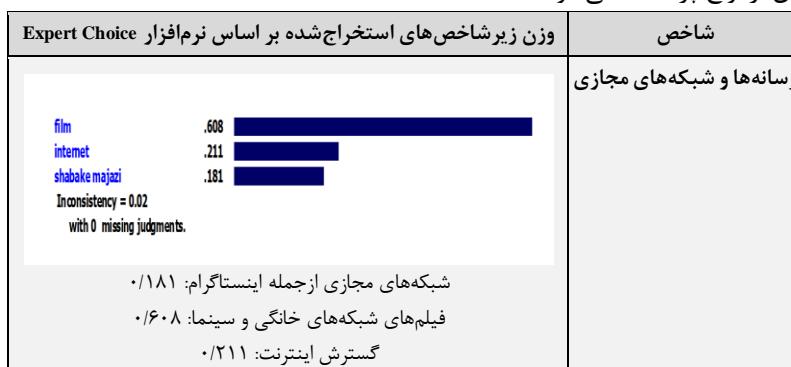
بر اساس نتایج مندرج شده در نمودار ۳ ذیرشاخچ کم‌ررنگ شدن حجاب در جامعه به عنوان یک ذیرشاخچ مهم در کاهش اعتقادهای مذهبی از سوی خبرگان مطرح

شده است و زیرشاخص کم‌اهمیت شدن مناسک و فرضیه‌های دینی مانند نماز و روزه در رتبه سوم و آخر قرار داشته است. نرخ ناسازگاری مندرج شده ۰/۰۳ در نمودار ۳، بهروشی نشان‌دهنده سازگاری مقایسه‌های انجام شده توسط خبرگان می‌باشد. در ادامه در نمودار ۴، به مقایسه و بررسی زیرشاخص توانمندسازی زنان پرداخته می‌شود.



نمودار (۴): رتبه‌بندی و نرخ ناسازگاری مقایسه زوجی ضرایب زیرمعیارهای شاخص توانمندسازی زنان

همان‌طور که نمودار ۴ نشان می‌دهد، در بین زیرشاخص‌های مؤثر در شاخص توانمندسازی زنان، زیرشاخص افزایش درآمد زنان بیشترین اهمیت و اولویت را از دید خبرگان در توانمندسازی زنان داشته است. نرخ ناسازگاری محاسبه شده در حد بسیار خوبی (۰/۰۹) قرار دارد که نشان‌دهنده دقت بسیار بالای این مقایسه زوجی است. در ادامه در نمودار ۵ به بررسی تأثیر رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی بر افزایش سن ازدواج پرداخته می‌شود.



نمودار (۵): رتبه‌بندی و نرخ ناسازگاری مقایسه زوجی ضرایب زیرمعیارهای شاخص تأثیر رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی



اعداد مندرج شده در نمودار ۵ می‌بین این مهم است که از دید خبرگان، گسترش فیلم‌ها و شبکه‌های خانگی در ترویج و تغییر در نگرش‌ها در ارتباط با ازدواج بالاهمیت‌تر از سایر رسانه‌های مورد بررسی بوده است و نرخ ناسازگاری بهدلیل کوچک‌تر بودن از $0.02 < 0.10$ در محدوده معتبر قرار دارد و درنتیجه نتایج بهدست آمده دارای پایایی می‌باشند.

شاخص	وزن زیرشاخص‌های استخراج شده بر اساس نرم‌افزار Expert Choice
عمومیت معاشرت با جنس مخالف	<p>hamkhaneh .647 doostī .353</p> <p>Inconsistency = 0. with 0 missing judgments.</p> <p>گسترش همخانگی: ۰/۳۵۳ دوستی و ارتباط دختر و پسر قبل از ازدواج: ۰/۶۴۷</p>

نمودار (۶): رتبه‌بندی و نرخ ناسازگاری مقایسه زوجی ضرایب زیرمعیارهای شاخص تأثیر عمومیت معاشرت با جنس مخالف

نمودار ۶، به بررسی و رتبه‌بندی زیرشاخص تأثیر عمومیت معاشرت با جنس مخالف بر افزایش سن ازدواج پرداخته است و نشان می‌دهد زیرشاخص دوستی دختر و پسر قبل از ازدواج مهم‌ترین زیرشاخص تعیین‌کننده افزایش سن ازدواج محسوب می‌شود. بر اساس نتایج نمودار ۵ نیز می‌توان اذعان داشت که احتمالاً محتوی تهیه شده در فیلم‌های سینمایی و شبکه‌های خانگی منجر به گسترش تغییر نگرش در ارتباط با دوستی دختران و پسران قبل از ازدواج شده و درنتیجه از دید خبرگان این امر منجر به افزایش سن ازدواج جوانان شده است.

شاخص	وزن زیرشاخص‌های استخراج شده بر اساس نرمافزار Expert Choice
افزایش کمال‌گرایی	<p>maskane khob .556</p> <p>pishrafe tahsili .312</p> <p>shoghe monaseb .132</p> <p>Inconsistency = 0.00077 with 0 missing judgments.</p> <p>مسکن مناسب: ۰/۵۵۶</p> <p>پیشرفت تحصیلی: ۰/۳۱۲</p> <p>شغل مناسب: ۰/۱۳۲</p>

نمودار (۷): رتبه‌بندی و نرخ ناسازگاری مقایسه زوجی ضرایب زیرمعیارهای شاخص افزایش کمال‌گرایی

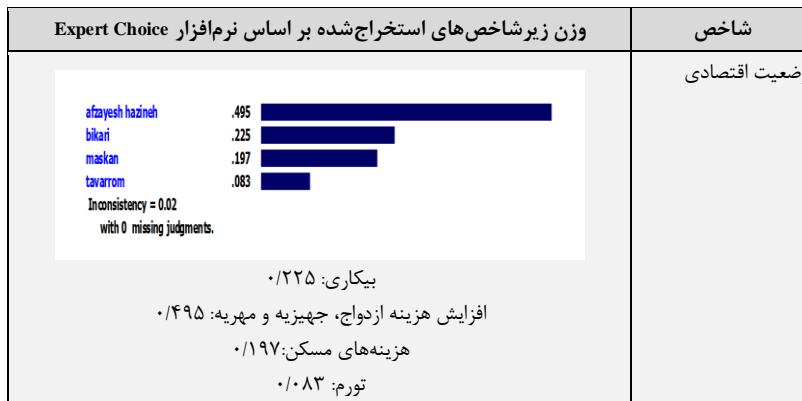
همان‌طور که اعداد درج شده در نمودار ۷ به روشنی نشان می‌دهند از نگاه خبرگان داشتن مسکن مناسب یکی از دغدغه‌های جوانان در امر ازدواج محسوب می‌شود؛ لذا فراهم‌آوردن مسکن مناسب می‌تواند زمینه‌های ازدواج به موقع را برای جوانان فراهم نماید. ضریب ناسازگاری محاسبه شده نیز در محدوده قابل قبولی قرار دارد (۰/۱>۰/۰۰۰۷).

شاخص	وزن زیرشاخص‌های استخراج شده بر اساس نرمافزار Expert Choice
بی‌اعتمادی نسبت به آینده	<p>maskane khob .556</p> <p>pishrafe tahsili .312</p> <p>shoghe monaseb .132</p> <p>Inconsistency = 0.00077 with 0 missing judgments.</p> <p>عدم اعتماد نسبت به سیاست‌های دولتی: ۰/۳۳۲</p> <p>وجود فساد و اختلاس در کشور: ۰/۲۹۴</p> <p>افزایش طلاق در جامعه: ۰/۲۶۴</p> <p>ناامیدی نسبت به آینده کشور: ۰/۱۱۱</p>

نمودار (۸): رتبه‌بندی و نرخ ناسازگاری مقایسه زوجی ضرایب زیرمعیارهای شاخص بی‌اعتمادی نسبت به آینده

نمودار ۸، اولویت‌بندی زیرمعیارهای شاخص بی‌اعتمادی نسبت به آینده را به عنوان یکی از شاخص‌های مهم در افزایش سن ازدواج جوانان را نشان می‌دهد. همان‌طور که اعداد مندرج شده به خوبی نشان می‌دهد زیرمعیار عدم اعتماد نسبت به

سیاست‌های دولتی به عنوان یکی از زیرشاخص‌های مهم بی‌اعتمادی نسبت به آینده، در افزایش سن ازدواج مؤثر می‌باشد. لازم است سیاست‌گذاران در اجرای سیاست‌های جمعیتی، پایدار بودن این سیاست‌ها را به منظور جلب اعتماد خانواده‌ها در نظر داشته باشند. ضریب ناسازگاری محاسبه شده نیز در محدوده قابل قبولی قرار دارد ($0.0007 > 0.0001$). درنهایت در نمودار ۹، به بررسی اهمیت نسبی زیرشاخص‌های وضعیت اقتصادی پرداخته می‌شود.



نمودار (۹): رتبه‌بندی و نرخ ناسازگاری مقایسه زوجی ضرایب زیرمعیارهای شاخص وضعیت اقتصادی

اعداد مندرج در نمودار ۹، بهروشی منعکس کننده این موضوع هستند که افزایش هزینه‌های ازدواج، تهیه جهیزیه و مهریه با وزن 0.495 ، یکی از مهم‌ترین زیرشاخص تأثیرگذار در افزایش سن ازدواج از دید خبرگان محسوب می‌شوند. این مهم می‌تواند در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری هم در سطح کلان توسط سیاست‌گذاران با فراهم آوردن تسهیلات مناسب و هم در سطح خرد در سطح خانواده‌ها با استفاده از رسانه‌های جمعی در ترویج فرهنگ ازدواج آسان مورد توجه قرار بگیرد. نرخ ناسازگاری محاسبه شده 0.02 نیز در محدوده قابل قبول و کمتر از 0.01 قرار دارد؛ لذا پاسخ‌های داده شده توسط خبرگان علمی دارای اعتبار و پایایی می‌باشند.

نتیجه‌گیری

نهاد خانواده یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی در هر جامعه محسوب شده و هرگونه تغییر و تحول در سطح کلان در جامعه بر روی این نهاد تأثیرگذار خواهد بود. افزایش سن ازدواج نیز از جمله تغییرهایی است که در اثر وقوع تغییرها در سطح

کلان و جامعه به وجود خواهد آمد (براتی، ۱۴۰۱). مطالعات نشان می‌دهند که گسترش امکانات جدید ارتباطی و تغییرهای اقتصادی و فرهنگی، جامعه ایران با موج فرایندهای از تغییرهای ارزشی و هنجاری مواجه شده است (آزاد ارمکی و دیگران، ۱۳۹۱، ص. ۶۳). افزایش میانگین سن ازدواج در کشور یکی از شاخص‌های جمعیتی است که نه تنها تأثیر خود را بر شاخص‌های دیگر جمعیتی مانند میزان باروری گذاشته بلکه آسیب‌های اجتماعی متعددی را نیز به همراه داشته است. اطلاعات مرکز آمار ایران که از سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن به دست آمده نشان می‌دهد که میانگین سن ازدواج در ایران طی شش دهه گذشته هم در بین مردان و هم زنان افزایش چشمگیری داشته است (مرادی، ۱۴۰۱). میانگین سن ازدواج زنان ایرانی از ۱۸/۴ در سال ۱۳۴۵ به ۲۳ سال در سال ۱۳۹۵، برای زنان و برای مردان از ۲۴/۹ در سال ۱۳۴۵ به ۲۶/۷ سال رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). اهمیت موضوع افزایش سن ازدواج جوانان و مسائل و مشکلات حاصل از آن در سطح فردی و اجتماعی موجب شده تا در سیاست‌های کلی جمعیت ابلاغ شده توسط مقام معظم رهبری (۱۳۹۳) و نیز سیاست‌های کلی خانواده (۱۳۹۵)، یک بند به صورت جداگانه به موضوع کاهش سن ازدواج و تسهیل تشکیل خانواده اختصاص یافته و به عنوان یک ضرورت مهم مطرح شود. در همین راستا نتایج مطالعات متعدد بیانگر این مهم است که افزایش سن ازدواج، مسائل و مشکلات چندبعدی جمعیتی (کاهش در میزان باروری کل)، اجتماعی (افزایش احتمال طلاق، عدم سازگاری زوجین با یکدیگر، افزایش رابطه دختر و پسر قبل از ازدواج)، روان‌شناسی (افزایش فاصله والدین و فرزندان، شکاف نسلی بین والدین و فرزندان، افسردگی، اختلال‌های جنسی و آسیب‌پذیری جنسی و...) پژوهشی (افزایش سقط جنین، نقایص مادرزادی، فشار خون بالا، دیابت بارداری و زایمان سخت و افزایش رفتارهای جنسی پرخطر مانند ایدز) و... به همراه دارد (Grant, & Soler-Hampejsek, 2014; Akhter & Bhat, 2016; Haotanto, 2016; Adcox, 2021; Nagaraj, 2019; Karamat, 2016; ارمکی و دیگران، ۱۳۹۱). با توجه به اهمیت و ضرورت موضوع، مقاله حاضر با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی به شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج پرداخته است. استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی و بهره‌گیری از نظر خبرگان علمی می‌تواند در تصمیم‌گیری درست و صحیح برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران برای کاهش میانگین سن ازدواج بسیار مؤثر باشد. بر اساس نظریه‌های مطرح در حوزه ازدواج و مطالعات انجام شده در این حوزه فرایند استخراج



شاخص‌ها و زیرشاخص‌های مؤثر بر افزایش در سن ازدواج انجام و در ادامه به تأیید خبرگان رسید. به منظور تجزیه و تحلیل نتایج، پرسشنامه بر مبنای روش مقایسه زوجی طراحی و با روش نمونه‌گیری هدفمند قضاوتی از دیدگاه یازده نفر از خبرگان علمی استفاده شد. درنهایت اولویت‌بندی و رتبه‌بندی ۸ شاخص و ۲۴ زیرشاخص مؤثر بر افزایش سن ازدواج با استفاده از نرم‌افزار اکسپرت چویس انجام شد. مطالعه حاضر در پی پاسخگویی به دو سؤال اصلی تحقیق بود:

۱- بالهمیت‌ترین شاخص‌ها و زیرشاخص‌های مؤثر بر تأخیر ازدواج از دیدگاه خبرگان علمی کدام‌اند؟

۲- مهم‌ترین پیشنهادها و اولویت‌بندی سیاستی بر اساس نتایج پژوهش کدام‌اند؟
به دنبال پاسخگویی به سؤال اول پژوهش، نتایج حاصل از خروجی‌های نرم‌افزار اکسپرت چویس نشان داد، به ترتیب پنج شاخص کاهش ارزش ازدواج (۰/۲۴۵)، کاهش اعتقادهای مذهبی (۰/۱۶۵)، توانمندسازی زنان (۰/۱۶۳)، تأثیر رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی (۰/۱۴۸) و عمومیت معاشرت با جنس مخالف (۰/۱۲۵) مؤثرترین شاخص‌ها و همچنین به ترتیب پنج زیرشاخص دوستی دختر و پسر قبل از ازدواج (۰/۰۶۴۷)، گسترش فیلم‌های شبکه خانگی و سینمایی (۰/۰۶۴۸)، مسکن مناسب (۰/۰۵۵۶)، کمرنگ‌شدن حجاب در جامعه (۰/۰۵۲۵) و گویه ارزشی مجرد بودن بهتر از متأهل بودن است (۰/۰۵۲۳) از مهم‌ترین عوامل در به تأخیر انداختن ازدواج از دیدگاه خبرگان علمی بوده‌اند. نتایج مبین این مهم است که شاخص‌های تأثیرگذار همگی جزء متغیرهای ارزشی و نگرشی می‌باشند و نظریه‌هایی مانند انتقال جمعیتی دوم و نظریه توسعه‌ای ایدئالیسم تورنتون بهترین تبیین‌کننده این شاخص‌ها و تأخیر در ازدواج از دیدگاه خبرگان می‌باشند. نظریه انتقال جمعیتی دوم و نظریه تورنتون از نقش تغییرهای فرهنگی و ارزشی در تغییر رفتارها و ایدئال‌ها به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم تغییرهای خانواده و ازدواج یاد می‌کنند. همان‌طور که بیان شد شاخص کاهش ارزش ازدواج رتبه اول را در تأخیر در ازدواج از دید خبرگان داشته است. نتایج پژوهش‌های مختلف نیز تأیید کننده نتیجه مقاله حاضر است؛ برای مثال سایی و اJacquo (۱۳۹۲)، در بررسی تفاوت‌های نسلی ازدواج نشان داده‌اند که ارزش ازدواج در زنان قبل از انقلاب قوی، نسل جنگ و بعد از انقلاب متوسط و در نسل بعد از انقلاب در حد ضعیف است. همچنین رازقی نصرآباد و فلاحت‌زاد (۱۳۹۶)، نشان دادند تفاوت آماری معنی‌داری در ارزش ازدواج نسل‌های مختلف وجود دارد. عباسی شوازی و رشوند (۱۳۹۶)، نیز در مقاله‌ای با عنوان «سهم ارزش ازدواج بر وضعیت

ازدواج زنان ۳۴-۲۰ ساله شهر تهران» به این نتیجه دست یافتند که ارزش ازدواج در زنان ازدواج کرده بالاتر از زنان ازدواج نکرده است. کاهش اعتقادات مذهبی از دیگر شاخص‌های مؤثر در افزایش سن ازدواج بوده که از دید خبرگان رتبه دوم را از بین شاخص‌های تأثیرگذار به خود اختصاص داده است. این شاخص از جمله متغیرهای ارزشی و ایده‌ای می‌باشد که در مطالعات مربوط به ازدواج مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج مطالعات مختلف نشان داده‌اند که دینداری تأثیر مثبت و مستقیم بر ارزش ازدواج دارد. همچنین حضور در مراسم مذهبی، دارا بودن روحیه مذهبی، اعتقاد به کتاب مقدس منجر به ازدواج در سن پایین‌تر و کاهش همخانگی می‌شود (Holbrook, 2022; Sagita, 2020; Uecker, 2014) (۱۳۹۶؛ رستگار خالد و دیگران، ۱۳۹۳).

سومین شاخص تأثیرگذار از دیدگاه خبرگان توامندسازی زنان بوده که خود دارای سه زیرشاخص استغال، درآمد و تحصیلات زنان می‌باشد. هر سه زیرشاخص تأثیر به سزایی در افزایش سن ازدواج زنان داشته و در مطالعات زیادی تأیید شده‌اند. نتایج مطالعات مختلف نشان می‌دهد که تحصیلات به عنوان یکی از ابعاد نوسازی می‌تواند بر زمان‌بندی ازدواج و تغییر ارزش ازدواج تأثیرگذار باشد (Jones, 2010؛ Kabir, 2001؛ Peng, 2006؛ ضرایب و مصطفوی ۱۳۹۰؛ میرزایی و قربانی ۱۳۹۴). افزایش سطح تحصیلات به خصوص در زنان و حضور آنها در عرصه‌های اجتماعی منجر به ایجاد منافع و سرمایه‌ای مهم‌تر از ازدواج و تشکیل خانواده شده و همچنین با بالارفتن سطح تحصیلات، زنان توансه‌اند فرصت‌های شغلی بهتری کسب نموده و وابستگی کمتری به همسر خود داشته باشند؛ لذا این امر، منجر به کاهش انگیزه نسبت به تشکیل زندگی و افزایش سن ازدواج در میان دختران را به همراه داشته است (شاطریان و بالاخانه، ۱۳۹۴). در ادامه می‌توان به مطالعات مختلفی که در ارتباط وضعیت اشتغال زنان و تأخیر در ازدواج زنان صورت گرفته اشاره نمود. نتایج مطالعات مذکور نشان داده‌اند که اشتغال زنان منجر به توامندسازی آنها شده و این امر منجر به تأخیر اندختن ازدواج از سوی زنان بهمنظور دستیابی به فرصت‌های بهتر در همسرگزینی شده است (حسینی و گروند، ۱۳۹۲)، خلج‌آبادی فراهانی و رحیمی (۱۳۹۶)، نیز نشان دادند که وضعیت اقتصادی و اجتماعی فرد و توامندسازی زنان به علت تحصیلات و اشتغال از عوامل مهم تأخیر در ازدواج ده کشور آسیایی و اقیانوسیه بوده است. چهارمین شاخص تأثیرگذار در تأخیر ازدواج تأثیر رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی می‌باشد. نتایج پژوهش‌های مختلف نیز همسو با

نتیجه مقاله حاضر می‌باشد. مقاله‌های مختلف معتبر علمی نشان داده‌اند که افزایش استفاده از رسانه‌های اجتماعی تأثیر منفی بر ازدواج داشته است. امروزه به کارگیری رسانه‌های مختلف، بخشی از تجربه روزانه افراد است. کمتر کسی را می‌توان یافت که از هیچ‌گونه ابزار رسانه‌ای استفاده نکند یا دست کم در معرض آن قرار نگیرد. با به عرصه آمدن فناوری‌های نوین، ارتباطات افراد و شیوه کسب اطلاعات مورد نیاز دگرگون شده است. در این میان، جوانان بیش از سایر گروه‌ها به استفاده از این رسانه‌های جدید روی آورده و ساعت‌های زیادی از زمان‌های شبانه‌روز، درگیر برخی از این رسانه‌ها بوده و آگهی‌ها و آموزش‌های زیادی را از همین راه دریافت می‌نمایند (موحد و دیگران، ۱۳۸۵، ص. ۸۵). با گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نوین، آشنایی افراد جامعه با فرهنگ و آداب و رسوم سایر ملل امکان‌پذیر شده و درنتیجه این دگرگونی‌ها تغییر نگرش افراد نسبت به موقعیت خود در جامعه و در ارتباط با جامعه جهانی است که از آن به عنوان جهانی‌شدن یاد می‌کنند. جامعه‌پذیری و شکل‌گیری تصورات ما در نتیجه رسانه‌ها تا بدان جاست که ما جهان را به واسطه آنها در ک می‌کنیم و تصور ما از جهان آن‌گونه می‌شود که رسانه‌ها به ما نشان می‌دهند. چنانچه متابع دیگری برای مقایسه پیام‌های رسانه‌ای با حقیقت وجود داشته باشد، شکاف میان حقیقت و واقعیت رسانه‌ای کمتر شده و این فاصله به درستی تشخیص داده خواهد شد؛ اما اگر رسانه تنها مرجع برای تجربه و دانش‌اندوزی باشند، تصور شکل گرفته از حقیقت بر مبنای همین درک ناقص خواهد بود. این تجربه‌ها و دانش‌های ناکامل و رسانه‌محور، زمینه را برای شکل‌گیری کلیشه‌های ذهنی و تصورات قالبی فراهم می‌کند. رسانه‌ها به علت خاصیت و توانایی‌هایی که دارند، می‌توانند وقایع را به‌گونه‌ای دیگر به ما نشان دهند و کلیشه‌هایی را در ذهن ما تصویر نمایند که حقیقی نیستند. این کلیشه‌ها می‌توانند قومی، مذهبی یا جنسیتی باشند (بروجردی علوی و شمسی، ۱۳۹۴، صص. ۲۶۴-۲۶۵). امروزه گسترش رسانه‌های اجتماعی نحوه آشنایی و تعامل افراد با یکدیگر را تغییر داده است. رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی فضایی برای افزایش تعاملات و تغییر ارزش‌ها و باورها برای افراد ایجاد نموده‌اند (Faruq, 2017; Abbasi, 2019; Aydin; & Sahin, 2018; Haris Farooq; Chaudhry & Ahmed, 2014 دیگر عمومیت معاشرت با جنس مخالف می‌باشد که زیرشاخص دوستی دختر و پسر قبل از ازدواج رتبه اول را در کل زیرشاخص‌ها به‌خود اختصاص داده است. نتیجه مطالعه حاضر همسو با مطالعات مختلفی می‌باشد؛ برای مثال خلجم‌آبادی فراهانی و

همکاران (۱۳۹۲)، دو کارکرد متفاوت برای این نوع معاشرت در جامعه ایرانی بیان نموده‌اند. از دیدگاه آنها این نوع معاشرت برای دختران به قصد ازدواج بوده و کارکرد شریک‌گزینی داشته در حالی که در پسران به دلایل فرهنگی، اهمیت عفت و پاکدامنی برای همسر، این نوع معاشرت‌ها کمتر با نیت ازدواج بوده و بیشتر جایگزینی برای ازدواج موقت می‌باشد. از این منظر این روابط قبل از ازدواج برای پسران به دلیل ارضاء نیازهای عاطفی و غریزی از یکسو و از سوی دیگر تنوع و گستردگی روابط با افراد مختلف بدون تعهداتی ازدواج رسمی منجر به گسترش این روابط می‌شود. بر اساس نتایج این مطالعه، هر چقدر رابطه بین دختر و پسر پیشرونده از نظر جنسی باشد منجر به تأخیر در ازدواج و افزایش سن ازدواج برای دختران می‌شود. قاغان (۲۰۰۲)، در نتایج مطالعه خود نشان داد، هر چقدر دختران قبل از ازدواج در رابطه دوستی باشند کمتر تمایل به ازدواج دارند. با توجه به اینکه از دید خبرگان گسترش فیلم‌های شبکه خانگی و سینمایی رتبه دوم را در افزایش سن ازدواج جوانان به خود اختصاص داده است می‌توان بیان نمود در محتوی فیلم‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی تولید شده به صورت ضمنی و آشکار روابط دختر و پسر قبل از ازدواج به صورت یک امر عادی و یک هنجار مقبول نشان داده می‌شود. این موضوع ممکن است در ترویج فرهنگ‌دوستی قبل از ازدواج و تغییر ارزش‌ها و نگرش‌های مذهبی و عرفی مؤثر باشد؛ لذا به برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران توصیه می‌شود توجه ویژه به محتوی ساخته شده فیلم‌ها و مجموعه‌های شبکه‌های خانگی و سینمایی داشته باشند که به نظر می‌رسد در تغییر نگرش‌ها و هنجارها در جامعه مهم و بالاهمیت می‌باشد.

از سوی دیگر کم‌اهمیت‌ترین شاخص از دید خبرگان، شاخص اقتصادی (۰/۰۳۳) می‌باشد؛ اما نکته قابل تأمل این است که افزایش هزینه‌های ازدواج، مهریه و جهیزیه (۰/۴۹۵) در شاخص اقتصادی مهم و تأثیرگذار بوده است. این زیرشاخص رتبه اول در شاخص اقتصادی و رتبه ششم در کل زیرشاخص‌ها را به خود اختصاص داده است. نتیجه مطالعه حاضر همگام با مطالعات تجربی می‌باشد؛ برای مثال ضرایب و مصطفوی (۱۳۹۰)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر سن ازدواج زنان ایران؛ یک رویکرد اقتصادی» بیان کردند، بحث هزینه‌های ازدواج که عموماً در جهیزیه و تشکیل زندگی خود را نشان می‌دهند در تصمیم به ازدواج و زمان آن تأثیرگذار است. در مطالعه دیگری که توسط منش و همکاران (۲۰۰۵)، صورت پذیرفت، نشان دادند در کشورهای هند و بنگلادش که جهیزیه توسط خانواده دختر باید تأمین شود و هرچه سن دختر بالاتر رود

مقدار و هزینه جهیزیه سنگین‌تر می‌شود. اسکندری و چراتی (۱۳۸۷)، درنتایج پژوهش خود اشاره کردند، مهریه‌های سنگین، مخارج سنگین خرید طلا و جواهر، هدایا و لباس‌های گوناگون، هزینه‌های سنگین و سرسام آور جشن‌های عقد و عروسی و میزان اجاره، رهن و یا خرید مسکن، بارداری و تربیت فرزند و دهها مسئله دیگر خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی فراوری جوانان در امر ازدواج می‌باشد؛ بنابراین ملاحظه می‌شود هرچند شاخص‌های نگرشی از شاخص اقتصادی از دید خبرگان در تأخیر سن ازدواج جوانان بالهمیت‌تر بوده است؛ اما بحث هزینه‌های ازدواج هنوز به عنوان مانع مهم در سر راه جوانان در امر ازدواج قرار گرفته است. به منظور پاسخگویی به سؤال دوم پژوهش به مهم‌ترین پیشنهادها و اولویت‌بندی سیاستی بر اساس نتایج پژوهش پرداخته می‌شود؛ نتایج حاصل از مقاله پیش‌رو می‌تواند در حوزه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در راستای کاهش سن ازدواج بسیار مهم و حائز اهمیت باشد. نتایج یافته‌های مقاله بر اساس نظرهای خبرگان نشان داد تغییر نگرش‌ها و ارزش‌ها در سطح خرد و خانواده‌ها صورت گرفته و بر این اساس شاخص کاهش ارزش ازدواج، کمزنگشدن اعتقادهای مذهبی، زیرشاخص مجرد بودن بهتر از متأهل بودن و کمزنگشدن حجاب در جامعه به عنوان مؤلفه‌های مهم نگرشی در تأخیر ازدواج جوانان تأثیرگذار بوده‌اند. در این بین نقش فیلم‌های شبکه خانگی در ترویج فرهنگ و نگرش جوانان بسیار مهم و تأثیرگذار می‌باشد، علی‌الخصوص توجه به این نکته حائز اهمیت است که گسترش روابط دوستی دختر و پسر قبل از ازدواج مهم‌ترین زیرشاخص تأثیرگذار بر تأخیر در ازدواج از دید خبرگان بوده که خود منجر به تعویق اندختن امر ازدواج می‌شود که این مهم در نظر خبرگان و مطالعات تجربی (خلج‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۲؛ Ghaghan, 2002) تأیید می‌شود. توجه به مؤلفه‌های نگرشی می‌تواند در محتوى تولید شده رسانه‌ها و فیلم‌های شبکه‌های خانگی و سینمایی مورد توجه قرار بگیرد و از این طریق هنجارهای مورد مقبول عرفی و شرعاً در زمینه تغییر نگرشی و فرهنگی به وجود بیاید. از سوی دیگر بر اساس نظر خبرگان هزینه‌های ازدواج همچنان به عنوان مانع مهم در مسیر ازدواج جوانان قرار گرفته است، این موضوع می‌تواند با تغییر نگرش‌ها در سطح خرد و خانواده‌ها انجام و با استفاده از فضای رسانه‌ای به تبلیغ و ترویج نگرش مثبت به امر ازدواج آسان و توجه کمتر به برگزاری جشن‌های پرهزینه، جهیزیه و مهریه‌های سنگین در ساخت مجموعه‌های تلویزیونی و برنامه‌های مختلف چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیرمستقیم پرداخته شود. همچنین لازم است در سطح کلان سیاست‌گذاران به این موضوع توجه خاص داشته باشند و برنامه‌ها و سیاست‌های پایدار در طول زمان اعمال نمایند. با پایداری

اعمال سیاست‌های دوستدار خانواده، اعتماد خانواده‌ها و جوانان به سیاست‌های دولتی جلب می‌شود. از دیگر مسائل مهم که توجه ویژه دولتمردان را در سطح کلان می‌طلبد، فراهم آوردن شرایط و تسهیلاتی برای مسکن مناسب جوانان می‌باشد که این خود نیز به عنوان مانعی مهم در مسیر ازدواج جوانان معرفی می‌شود.

- برخی راهکارهای اجرایی جهت رفع موانع ازدواج به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:
- رفع موانع اقتصادی از طریق ارائه فرصت‌های شغلی، تأمین مسکن مناسب از جمله مسکن اجتماعی جوانان، ارائه وام‌های قرض الحسن؛
- ترویج نگرش مثبت نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده و فرزندآوری (از طریق نظام آموزش و پرورش، آموزش عالی و رسانه‌های جمعی)؛
- آموزش شیوه‌ها و معیارهای صحیح همسرگزینی و اصلاح روش‌های سنتی ازدواج و انتخاب همسر؛
- تأکید بر لزوم آشنایی و شناخت خصوصیات و ویژگی‌های اخلاقی رفتاری زوجین قبل از ازدواج با توجه به معیارها و ملاک‌های تناسب زوجین؛
- آموزش شیوه‌های صحیح رفتاری از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی قبل از ازدواج تحت عنوانی: راهبردهای ارتقای کارکرد خانواده، آشنایی با حقوق و تکالیف زوجین، بهداشت باروری و...؛
- آموزش دانش جنسی به زوجین و دختران و پسران در آستانه ازدواج؛
- آموزش و آشناسازی والدین نسبت به مسائل جوانان؛
- آگاهی بخشی درمورد اهداف ازدواج به جوانان قبل از ازدواج؛
- زمینه‌سازی فرهنگی برای ایجاد زمینه مشارکت در مسئولیت‌های خانوادگی و اقتصادی بین زوجین و برقراری تعادل در وظایف و نقش‌های زوجین درون محیط خانواده؛
- فرهنگ‌سازی در جهت پایبندی همسران به ارزش‌های اخلاقی درون زندگی مشترک؛
- فراغیر شدن آموزش مهارت‌های زندگی اجتماعی در همه مقاطع سنی؛
- در پایان باید اذعان داشت با توجه به اینکه نگرش‌ها و رفتارهای خانوادگی و فرزندآوری از عوامل متعدد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جمعیت‌شناختی تأثیر می‌پذیرند، لازم است هرگونه قانون‌گذاری و برنامه‌ریزی پس از بررسی‌های علمی جامع جهت شناسایی ابعاد مختلف مسائل حوزه خانواده تدوین شوند و نحوه و میزان اثربخشی آنها نیز با استفاده از مطالعات میدانی و پژوهش‌های مستمر ارزیابی شود.

فهرست منابع

- آذر، عادل (۱۳۹۹). تصمیم‌گیری کاربردی (رویکرد *MADM*). تهران: انتشارات نگاه دانش.
- آذر، عادل و رجب‌زاده، علی (۱۳۸۱). تصمیم‌گیری کاربردی. تهران: نگاه دانش.
- آزاد ارمکی، تقی؛ شریفی ساعی، محمدحسین؛ ایثاری، مریم و طالبی، سحر (۱۳۹۱). همخانگی؛ پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران. *جامعه پژوهی فرهنگی*، ۱(۵)، ۴۳-۷۷.
- اسماعیلی، نصیبه (۱۴۰۰). تجزیه و تحلیل سیستمی عوامل مؤثر بر باروری پایین با رویکرد مدلسازی عامل بنیان - مطالعه موردی استان تهران. (رساله دکتری). دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، گروه جمعیت‌شناسی، تهران، ایران.
- اسکندری چراتی، آذر (۱۳۷۸). بررسی عوامل مؤثر بر تأخیر سن ازدواج در ایران، نمونه مورد مطالعه استان گلستان. *فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی*، سال چهارم، ۱، ۲۵-۱.
- انتظاری، اردشیر؛ غیاثوند، احمد و عباسی، فاطمه (۱۳۹۶). عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج در شهر تهران. *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۳۳(۱)، ۲۰۱-۲۶۹.
- اصغرپور، محمدجواد (۱۳۸۱). تصمیم‌گیری و تحقیق عملیات در مدیریت. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- اصغرپور، محمدجواد (۱۳۸۵). *تصمیم‌گیری‌های چندمعیاره*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- براتی، هادی (۱۴۰۱). واکاوی ادراک دختران از تأخیر سن ازدواج و دلایل آن (مورد مطالعه: استان خراسان جنوبی. *مطالعات فرهنگی، اجتماعی خراسان*، سال هفدهم، ۱)، ۷-۳۴.
- بروجردی، علوی و آزاده، شمسی (۱۳۹۴). نقش ماهواره در تغییر تصور ذهنی جوانان تهرانی از ازدواج. *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، سال ششم، ۱۶(۱)، ۲۶۳-۲۸۷.
- بختیاری، علیرضا؛ رازقی نصرآباد، حجیه بی‌بی؛ علی ماندگاری، مليحه و عسگری ندوشن، عباس (۱۴۰۰). تعیین کننده‌های سن قصد شده ازدواج: پژوهشی در میان جوانان شهر اصفهان. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۲۲(۲)، ۱۰۴-۱۲۹.
- بنی جمالی، سیدمحسن و صادقی فسایی، سهیلا (۱۴۰۰). جوانان و موانع ازدواج.

مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، (۵۱)، ۹-۳۴.

تقی‌زاده یزدی، محمدرضا؛ طهماسبی، رضا؛ امامت، میرسید محمدحسن و دهقان، علیرضا (۱۳۹۷). شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر جذب و نگهداشت استعدادها با استفاده از رویکرد فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی (مطالعه موردی دانشگاه تهران). مدیریت فرهنگ سازمانی، (۱)، ۸۹-۱۱۵.

ترابی، فاطمه؛ عسگری ندوشن، عباس و علی ماندگاری، ملیحه (۱۳۹۵). تحولات ازدواج و خانواده در ایران: بررسی تحولات وضعیت جمعیت در جمهوری اسلامی ایران، صص ۳۶-۵۰.

جمشیدیها، غلامرضا؛ صادقی فسایی، سهیلا و لولآور، منصوره (۱۳۹۲). نگرش جامعه‌شناختی بر تأثیر فرهنگ مدرن از منظر جنسیتی بر تحولات خانواده در تهران. زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، (۵)، ۱۸۳-۱۹۸.

حسینی، حاتم و گراوند، مریم (۱۳۹۲). سنجش عوامل مؤثر بر شکاف و نگرش زنان به سن مناسب ازدواج در شهر کوهدهشت. زن در توسعه سیاست، (۲۱)، ۱۱-۱۱۸. خلچ آبادی فراهانی، فریده و رحیمی، علی (۱۳۹۶). تعیین کننده‌های سن اولین ازدواج در ده کشور منتخب آسیا و اقیانوسیه: یک مرور نظاممند. مطالعات جامعه‌شناختی، (۲)، ۲۹۹-۳۳۶.

خلچ آبادی فراهانی، فریده (۱۴۰۰). اهمیت ازدواج و تعیین کننده‌های آن با تأکید بر نقش نگرش و تجربه جنسی قبل از ازدواج در دختران دانشجو در تهران. مطالعات جمعیتی، (۱۳)، ۳-۳۴.

خلچ آبادی فراهانی، فریده؛ کاظمی‌پور، شهلا و رحیمی، علی (۱۳۹۲). بررسی تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر سن ازدواج و تمایل به ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران. خانواده پژوهی، (۳۳)، ۷-۲۸.

رحیمی، علی و رازقی نصرآباد، حجیه بی‌بی (۱۳۹۸). تحولات و چالش‌های ساختاری و کارکردی نهاد خانواده در ایران، یک مرور نظاممند. فصلنامه جمعیت، سال بیست و ششم، (۹)، ۹۵۵-۱۰۹.

رازقی نصرآباد، حجیه بی‌بی (۱۴۰۰). بررسی وضعیت ابعاد فرهنگی اجتماعی خانواده در ایران (۱۴۰۰). پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات. مرکز رصد فرهنگی کشور. رازقی نصرآباد، حجیه بی‌بی و فلاحتزاد، لیلا (۱۳۹۶). تفاوت‌های نسلی ارزش ازدواج (مورد مطالعه شهر هشتگرد). مطالعات راهبردی زنان، (۱۹)، ۷۵-۱۹.

رستگار خالد، امیر؛ مرجانی ریک، سجاد و مشکینی ساطی، قاسم (۱۳۹۳). بررسی

رابطه دینداری با ازدواج و خانواده. اولین کنفرانس ملی جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی، تهران.

سرایی، حسن و احاقلو، سجاد (۱۳۹۲). مطالعه نسلی تغییر ازدواج در ایران، مطالعه موردی شهر زنجان. *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال پنجم، (۶)، ۴۰-۲۰.

شاطریان، محسن و بالاخانه، فرزانه (۱۳۹۴). بررسی و سنجش سطح تحصیلات در افزایش سن ازدواج دختران. دومین همایش علمی و پژوهشی علوم تربیتی و روان‌شناسی، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران.

صادقی فساپی، سهیلا و بنی جمالی، سید محسن (۱۳۹۶). جوانان، مقدمات ازدواج و راهبردهای ایشان در رو به رو شدن با ازدواج. *فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، (۳۴)، ۱۹۵-۲۱۹.

صادقی، رسول و اسمعیلی، نصیبه (۱۳۹۹). تحلیل چندسطوحی همبسته‌های فردی و استانی باروری در ایران. *مطالعات راهبردی زنان*، (۲۳)، ۹۰-۳۷.

عالی نیسی، مسعود (۱۳۹۵). سن ازدواج و موقعیت حرفة‌ای زنان: بررسی تطبیقی مطالعات تجربی در کشورهای مختلف. *فصلنامه شورای فرهنگی و اجتماعی زنان و خانواده*، سال نوزدهم، (۷۳)، ۶۵-۹۴.

عباسی شوازی، محمدجلال و رشوند، مرجان (۱۳۹۶). سهم ارزش ازدواج بر وضعیت ازدواج زنان ۲۰-۳۴ ساله شهر تهران. *نامه انجمن جمعیت شناسی ایران*، (۲۴)، ۱۶۴-۱۳۵.

عباسی شوازی، محمدجلال و اسمعیلی، نصیبه (۱۴۰۰). رسانه، فرهنگ‌سازی و باروری: شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر باروری با استفاده از رویکرد فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی. *مطالعات راهبردی فرهنگ*، (۱)، ۷-۴۷.

عباسی شوازی، محمدجلال و اسمعیلی، نصیبه (۱۴۰۱). شبیه‌سازی رفتار باروری زنان استان تهران با استفاده از رویکرد مدل‌سازی عامل بنیان. *نامه انجمن جمعیت شناسی ایران*، (۳۳)، ۷۷-۱۱۱.

عسکری ندوشن، عباس؛ عباسی شوازی، محمدجلال و صادقی، رسول (۱۳۸۸). مادران، دختران و ازدواج تفاوت‌های نسلی در ایده‌ها و نگرش‌های ازدواج در شهر بیزد. *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*، سال یازدهم، (۴۴)، ۷-۳۳.

ضرابی، وحید و مصطفوی، سید فخر (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر سن ازدواج زنان در ایران؛ یک رویکرد اقتصادی. *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، سال یازدهم، (۴)، ۳۳-۶۴.

قربانی، بدیع؛ تاجیک اسماعیلی، سمیه و تربی، سروناز (۱۴۰۱). رابطه میزان و نوع مصرف رسانه‌ای (رادیو و تلوزیون)، با مهارت‌های زندگی شهروندان تهرانی. *فصلنامه علمی مطالعات فرهنگ و ارتباطات*، ۵۸(۲۳)، ۳۲۹-۳۶۴.

قدسی‌پور، سیدحسن (۱۳۸۲). مباحثی در تصمیم‌گیری چندمعیاره. تهران: انتشارات دانشگاه صنعتی امیرکبیر.

قدسی‌پور، سیدحسن (۱۳۸۴). *فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی*. تهران: انتشارات دانشگاه صنعتی امیرکبیر.

کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۳). تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن. *پژوهش زنان*، ۱۰(۱۰)، ۱۰۳-۱۲۴.

کاظمی‌پور، شهلا (۱۴۰۰). تغییرات فرهنگی و تحول خانواده معاصر با تأکید بر ازدواج و فرزندآوری. *فصلنامه رهیویه ارتباطات و فرهنگ*، ۱۱(۱)، ۷-۲۱.

ملتفت، حسین؛ نواح، عبدالرضا و ترکی هرچگانی، زهرا (۱۴۰۱). رابطه الگوی مصرف رسانه‌ای با تغییر رفتار باروری در میان زنان همسردار شهر اهواز. *تدویم و تغییر اجتماعی*، ۲(۱)، ۳۳۱-۳۴۵.

مرادی، سجاد (۱۴۰۱). نگاهی به تغییرات میانگین سن ازدواج در ایران. سایت خبری آتی آن لاین، قابل دسترس در: <https://www.atiyeonline.ir/news>

میرزایی، محمد و قربانی، فرزاد (۱۳۹۴). جهت‌گیری ارزشی مادی‌گرایانه – فرامادی‌گرایانه و زمانبندی ازدواج مطالعه موردي: مردان و زنان در شرف ازدواج استان کهگیلویه و بویراحمد. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال دهم، (۲۰)، ۷۰-۴۹.

محمدیان، حسین (۱۳۸۳). سن ازدواج در حال افزایش، بررسی عوامل پشتیبان. *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۲۴(۲۴)، ۲۷-۵۴.

محمدیان، حسین و دوراهکی، احمد (۱۳۹۱). عوامل مؤثر بر وضعیت ازدواج دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران. *تحلیل اجتماعی نظام و نابرابری اجتماعی*، ۶۲(۶)، ۱۰۳-۱۳۳.

محمدپور، علی و تقی، نعمت‌الله (۱۳۹۲). عوامل اجتماعی بالا رفتن سن ازدواج جوانان. *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۵(۲۰)، ۳۹-۵۳.

موحد، مجید؛ عتایت، لیلا و عباسی شوازی، محمدتقی (۱۳۸۵). بررسی رابطه عوامل اجتماعی و فرهنگی با نگرش دانشجویان نسبت به معاشرت و دوستی دختر و پسر قبل از ازدواج. *نشریه علوم اجتماعی و علوم انسانی دانشگاه شیراز*، ۲۴(۲).

.۱۶۵-۱۴۷

مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). نتایج سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۵. قابل دسترس در:
<https://www.amar.org.ir>

نیازی، محسن؛ شاطریان، محسن و شفائی مقدم، الهام (۱۳۹۴). بررسی نقش عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر در نگرش منفی به ازدواج (مطالعه موردی شهریوندان شهرستان کاشان). *جامعه پژوهی فرهنگی*, ۲(۶)، ۲۷-۵۸.
هزار جریبی، جعفر و آستین فشن، پروانه (۱۳۸۵). بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی مؤثر بر میانگین سن ازدواج زنان در سه دهه گذشته (۸۵-۵۵).
برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱(۱)، ۱۳-۳۲.

- Abbasi, I. S. (2019). Social media addiction in romantic relationships: Does user's age influence vulnerability to social media infidelity?. *Personality and Individual Differences*, (139), 277-280.
- Abbasi-Shavazi, M. J.; A. Askari-Nodoushan & A. Thornton (2012). Family life and developmental idealism in Yazd, Iran. *Demographic Research*, (26), 207-238.
- Abbasi-Shavazi, M. McDonald, J., P. & Hosseini Chavoshi, M. (2009). Family Change and Continuity in Iran: Birth Control Use before First Pregnancy. *Journal of Marriage Family*, 71(5), 1309–1324.
- Adcox, S. (2021). *What Research Says about the Generation Gap: Generational Differnces and Their Causes*.
- Akhter, R. & Bhat, M. R. (2018). Late Marriage Consequences and Concerns among Women of Kashmir Valley, *International Journal on Arts, Management and Humanities*, (7), 1-9.
- Aydin, B.; Sarı, S. V. & Sahin, M. (2018). The effect of social networking on the divorce process. *Universal Journal of Psychology*, 6(1), 1-8.
- Baby, S. (2013). AHP Modeling for Multicriteria Decision-Making and to Optimise Strategies for Protecting Coastal Landscape Resources International Journal of Innovation. *Management and Technology*, 4(2), 218-227.
- Becker, G. S. (1981). *A Treatise on the Family*. Harvard University Press, Cambridge, MA.
- Becker, Gary S. (1974). A Theory of Marriage, Part II; *The Journal of Political Economy*, 82(2), S11-S26.
- Bernardi, L.; Klarner, A. & H. Von der Lippe (2008). Job Insecurity and the Timing of Parenthood: A Comparison between Eastern and Western Germany. *European Journal of Population*, (24), 287-313.
- Burgess, Ernest W. & Paul Wallin (1943). Homogamy in social characteristics. *American Journal of Sociology*, 49(2), 109-124.
- Dixon, R. (1971). Explaining cross-cultural variations in age at marriage and proportions never marrying. *Population Studies*, (25), 215-233.

- Eralp, A. & Gokmen, S. (2020). The Factors Affecting the Late Marriage and Gender Difference. *Optimum Journal of Economics and Management Sciences*, 7(2), 395-492.
- Fahlén, S. & Oláh, L. S. (2018). Economic uncertainty and first-birth intentions in Europe. *Demographic Research*, (39), 795-834.
- Faruq, M. O.; Rahman, M. M. & Alam, M. R. (2017). Impact of social networking sites in Bangladesh: Few Possible Solutions. *International Journal of Intelligent Systems and Applications*, 9(4).
- Fiori, F.; Rinesi, F.; Pinnelli, A. & S. Prati (2013). Economic Insecurity and the Fertility Intentions of Italian Women with One Child. *Population Research and Policy Review*, 32(3), 373-413.
- Ghaghan, M. (2002). The substitution hypothesis: The impact of premarital liaisons and human capital on marital timing. *Journal of Marriage and Family*, 64(2), 407-419.
- Goldstein, J. R. (2006). How Late Can First Births Be Postponed? Some Illustrative Population-level Calculations. *Vienna Yearbook of Population Research*, 153-165.
- Good, W. (1963). *World Revolution and Family Patterns*. London: Free Press of Glencoe.
- Grant, M. J. & Soler-Hampejsek, E. (2014). HIV Risk Perceptions, the Transition to Marriage, and Divorce in Southern Malawi. *Studies in Family Planning*, (45), 315-337.
- Haotanto, A. V. (2016). *Marrying Late: Pros & Cons-Why It Is No One Else's Business*.
- Haris Farooq, D.; Chaudhry, A. G. & Ahmed, A. (2014). *Impact of information and communication technologies on traditional wedding and funeral ceremonies in punjab*. Pakistan.
- Holbrook, K. (2022). *Are religion and marriage connected?* The Daily Universe Site, <https://universe.byu.edu/>
- Jones, G. W. (2010). *Changing Marriage Patterns in Asia*. Working Paper SeriesNo.131, Asian Research Institute and Department of Sociology, National University of Singapore.
- Kabir, Ahmad; Gulshana Jahan and Rukhshana Jahan (2001). Female Age at Marriage as a Determinant of Fertility. *Journal of Medical Sciences*, 1(6), 372-376.
- Karamat, K. (2016). Perceptions on Implications of Delayed Marriage: A Case Study of Married Adults in Kuala Lumpur. *International Journal of Social Science and Humanity*, (6), 572-578.
- Knodel, J. & Van de Walle, E. (1979). Lessons from the past: Policy implications of historical fertility studies'. *Population and Development Review*, 5(2), 217-45.
- Lesthaeghe, R. (2010) The Unfolding Story of the Second Demographic Transition. *Population and Development Review*, 36(2), 211-251.
- Nagaraj, V. (2019). *6 Tips to Fill the Generation Gap between Parent and Child.* <https://parenting.firstcry.com/articles/6-tips-to-fill-the-generation-gap-between-parent-and-child/>

- Oppenheimer, V. K. (1988). A Theory of Marriage Timing. *American Journal of Sociology*, 94(3), 563-591.
- Peng, T. N. (2006). *Trends and correlates of delayed marriage in Malaysia, and implications for development*. Paper presented at the International Conference on Population and Development in Asia: Critical Issues for a Sustainable Future, 20-22 & March, Phuket, Thailand.
- Raymo, J.M.; Park, H.; Xie, Y. & Yeung, W.J.J. (2015). Marriage and family in East Asia: Continuity and change. In: Cook, K.S. and Massey, D.S. (eds.). *Annual Review of Sociology*, (41), 471–492.
- Sagita, R (2020). *The Effect of Peer Group and Religiosity on Early Marriage Motivation*. 5th ASEAN Conference on Psychology, Counselling, and Humanities.
- Sobotka, T.; Skirbekk, V. & D. Philipov (2010). *Economic Recession and Fertility in the Developed World: A Literature Review*. European Commission, Directorate-General “Employment, Social Affairs and Equal Opportunities”, Unit E1-Social and Demographic Analysis, Vienna Institute Demography
- Torabi, F. & Esmaeili, N (2021). Application of neural-wavelet network in predicting the incidence of marriage and divorce in Iran. *China Population and Development Studies*. 4(4), 439-457.
- Uecker, J.E. (2014). Religion and Early Marriage in the United States: Evidence from the Add Health Study. *Scientific Study of religion*, 1(53), 392-415.
- Van de kaa, D. J. (1987). Europe's Second Demographic Transition. *Population Bulletin*, 42(1), Washington, PRB.
- Van de Kaa, D.J. (2001). Postmodern Fertility Preferences: From Changing Value Orientation to New Behavior. *Population and Development Review*, 27(Supp.), 290-331.
- Van de Kaa, D.J. (2003). Second demographic transition. In Encyclopedia of Population, Demeny, P and McNicoll, G. (eds.). New York: Macmillan Reference. pp. 872-875. Wad worth publishing Company.

References

- Abbasi, I. S. (2019). Social media addiction in romantic relationships: Does user's age influence vulnerability to social media infidelity?. *Personality and Individual Differences*, (139), 277-280.
- Abbasi-Shavazi, M. J., A. Askari-Nodoushan, & A. Thornton (2012). Family life and developmental idealism in Yazd, Iran. *Demographic Research*, (26), 207-238.
- Abbasi-Shavazi, M. J., & Rashvand, M. (2018). The Proportion of Marriage Value on the Marriage Status Women 20-34 Years Old in the City of Tehran. *Journal of Population Association of Iran*, 12(24), 135-169. (In Persian)

- Abbasi-Shavazi, M. J., & Esmaeili, N. (2021). Media, Culturalization and Fertility: Identifying and Ranking Factors Affecting Fertility Using Analytical Hierarchy Process Approach. *Strategic Studies of Culture*, 1(1), 7-46. (In Persian)
- Abbasi-Shavazi, M. J., & Esmaeili, N. (2022). Simulation of Women's Fertility Behavior in Tehran Province Using Agent-Based Modeling Approach. *Journal of Population Association of Iran*, 17(33), 77-111. (In Persian)
- Abbasi-Shavazi, M. McDonald, J. P. and Hosseini Chavoshi, M (2009). Family Change and Continuity in Iran: Birth Control Use before First Pregnancy, *Journal of Marriage Family*, 71(5): 1309–1324.
- Adcox, S. (2021). What Research Says about the Generation Gap: Generational Differences and Their Causes.
- Akhter, R., & Bhat , M. R. (2018). Late Marriage Consequences and Concerns among Women of Kashmir Valley, *International Journal on Arts, Management and Humanities*, (7), 1-9.
- Aydin, B., Sari, S. V., & Sahin, M. (2018). The effect of social networking on the divorce process. *Universal Journal of Psychology*, 6(1), 1-8.
- Azar, A. & Rajab-Zadeh, A. (2002), Practical Decision Making, Negahdanesh Publications, first edition. (In Persian)
- Azar, A. (2019), Applicable decision making (MADM approach), Negahdanesh Publications, first edition. (In Persian)
- Azad -Armaki, T., Sharifi -Saei, M. H., Isari, M., & Talebi, S. (2012). Cohabitation; the New Family Pattern in Tehran. *Sociological Cultural Studies*, 3(1), 43-77. (In Persian)
- Asgharpour, M. J . (2002), Decision making and operations research in management, University of Tehran Press. (In Persian)
- Asgharpour, M. J . (2006), Multi-Criteria Decision Making, University of Tehran Press. (In Persian)
- Alami -Neisi, M. (2016). Women age at marriage and professional achievement; comparative study of empirical researches in different countries. *Women's Strategic Studies*, 19(73), 65-94. (In Persian)
- Askari -Nodoushan, A., Abbasi- Shavazi, M. J., & Sadeghi, R. (2009). Mothers, Daughters, and Marriage (Intergenerational Differences in Marriage Attitudes in the City of Yazd, Iran). *Women's Strategic Studies*, 11(44), 7-36. (In Persian)
- Baby, S. (2013). AHP Modeling for Multicriteria Decision-Making and to Optimise Strategies for Protecting Coastal Landscape Resources, *International Journal of Innovation, Management and Technology*, 4(2): 218-227.
- Barati, H. (2022). Exploring girls' perceptions of and reasons for delaying marriage (case study: South Khorasan province). *Scientific Quarterly of Social-Cultural Studies of Khorasan*, 17(1), 7-34
- Borojerdi- Alavi & Shamsi, A. . (2015). The role of satellite TV channels in changing the image of marriage in the youth of Tehran. *Strategic*

- Studies of public policy, 6(19), 263-287. (In Persian)
- Bakhtiari, A., Razeghi- Nasrabad, H. B., Alimondegari, M., & Askari-Nadoshan, A. (2021). The Determinants of the intended age of marriage Amongst Isfahani Youths. Iranian Journal of Sociology, 22(2), 104-129. (In Persian)
- Banijamali, M., & Sadeghi - Fasaee, S. (2023). Youth and class; In the matter of defining and attribution. Strategic Studies on Youth and Sports, 21(58), 407-424.
- Becker, G. S., (1981). *A Treatise on the Family*. Harvard University Press, Cambridge, MA.
- Becker, Gary S. (1974). A Theory of Marriage, Part II; The Journal of Political Economy, 82(2): S11-S26
- Bernardi, L., Klarner, A. & H. Lippe, V. D . (2008). Job Insecurity and the Timing of Parenthood: A Comparison between Eastern and Western Germany, European Journal of Population, (24), 287-313.
- Burgess- Ernest, W., & Wallin, P. (1943). Homogamy in social characteristics, American Journal of Sociology. 49 (2): 109-124.
- Dixon, R. (1971). Explaining cross-cultural variations in age at marriage and proportions never marrying, Population Studies, 25: 215-233.
- Eralp, A., & Gokmen, S., (2020), The Factors Affecting the Late Marriage and Gender Difference, Optimum Journal of Economics and Management Sciences, 7(2), 395-492.
- Esmaeili, N. (2021), Systematic analysis of factors affecting low fertility. Using agent based modeling approach. A case study of Tehran province. Ph.D thesis. University of Tehran. Faculty of Social Sciences. Department of Demography. (In Persian)
- Fahlén, S., and Oláh, L. S. (2018). Economic uncertainty and first-birth intentions in Europe, Demographic Research, (39), 795-834.
- Faruq, M. O., Rahman, M. M., & Alam, M. R. (2017). Impact of social networking sites in Bangladesh: Few Possible Solutions. International Journal of Intelligent Systems and Applications, 9(4), 53,
- Fiori, F., Rinesi, F., Pinnelli, A. and S. Prati (2013). Economic Insecurity and the Fertility Intentions of Italian Women with One Child, Population Research and Policy Review, 32(3), 373-413.
- Ghaghan M. (2002). The substitution hypothesis: The impact of premarital liaisons and human capital on marital timing, Journal of Marriage and Family, 64(2), 407-419.
- Ghorbani, B., Tajik -Esmaeili, S., & torbati, S. (2022). Relationship between the Amount and Type of Media Consumption (Radio and Television) with the Life Skills of Tehran Citizens. Journal of Culture-Communication Studies, 23(58), 329-364. (In Persian)
- Goldin, C. (2006). The Quiet Revolution That Transformed Women's Employment, Education, and Family, American Economic Review , 96 (2) (May), 1-21.
- Goldstein, J. R. (2006). How Late Can First Births Be Postponed? Some Illustrative Population-level Calculations, Vienna Yearbook of

- Population Research: 153-165.
- Good, W. (1963), World Revolution and Family Patterns, London: Free Press of Glencoe.
- Grant, M. J., & Soler- Hampejsek, E. (2014). HIV Risk Perceptions, the Transition to Marriage, and Divorce in Southern Malawi, Studies in Family Planning, (45), 315-337.
- Gundogdu, A.H., & Bult, S, (2022), The Positive and Negative Effects of Late Marriage, Scientific Research Publishing, (11), 63-71.
- Haotanto, A. V. (2016). Marrying Late: Pros & Cons—Why It Is No One Else's Business.
- Haris Farooq, D., Chaudhry, A. G., & Ahmed, A. (2014). Impact of information and communication technologies on traditional wedding and funeral ceremonies in punjab, Pakistan.
- Holbrook, K (2022), Are religion and marriage connected? The Daily Universe Site, <https://universe.byu.edu/>.
- Hezar -Jaribi, J., & Astin- Feshan, A. (2009). Investigating the Socio-Economic Factors Influencing Women's Age at Marriage during the Last Three Decades. Social Development & Welfare Planning, 1(1), 1-32. (In Persian)
- Jafari, M., & Chouberi, Y. (2016), Investigation of social factors affecting the increase in the marriage age of young people in Rasht, Shushtar Department of Social Sciences Research Quarterly, 4(5), 177-201.
- Jones, G. W. (2010), Changing Marriage Patterns in Asia, Working Paper SeriesNo.131, Asian Research Institute and Department of Sociology, National University of Singapore.
- Jamshidiha, G. R., Sadeghi -Fasaei, S., & Lolaavar, M. (2013). A Sociological Study on the Impact of Modern Culture on the Development of the Family from a Gender Perspectivein Tehran, Journal of Woman in Culture and Arts, 5(2), 183-198. (In Persian)
- Kabir, A; Gulshana , J., & Jahan, R. (2001). Female Age at Marriage as a Determinant of Fertility; Journal of Medical Sciences, 1(6): 372-376.
- Karamat, K. (2016). Perceptions on Implications of Delayed Marriage: A Case Study of Married Adults in Kuala Lumpur. International Journal of Social Science and Humanity, (6), 572-578.
- Knodel, J. ,& Van de Walle, E. (1979). Lessons from the past: Policy implications of historical fertility studies, Population and Development Review, 5(2), 217-45.
- Khalajabadi - farahani, F., & Rahimi, A. (2019). Determinants of Age at First Marriage in Selected Countries of Asia & the Pacific Region; A Systematic Review. Sociological Review, 25(2), 299-336. (In Persian)
- Khalajabadi -Farahani, F. (2022). The Importance of Marriage and its Determinants; Emphasizing the Role of Sexual Attitude and Experience Before Marriage among Famale College Students in Tehran. Iranian Population Studies, 7(1), 3-34. (In Persian)
- Khalajabadi -Farahani, F., Kazemipour, S., & Rahimi, A. (2013). The

- Influence on Premarital Heterosexual Relationships on Marital Timing and Marital Desire among College Students in Tehran. *Journal of Family Research*, 9(1), 7-28. (In Persian)
- Kazemipour, S.h, (2005), Change in the age of marriage of women in Iran and demographic factors affecting it, *Women's Research*, (10), 103-124. (In Persian)
- Kazemipour, S.h. (2021), Cultural changes and evolution of the contemporary family with an emphasis on marriage and childbearing, *The Quarterly Journal of Communication and Culture*, 1(1). 21-7. (In Persian)
- Lesthaeghe, R. (2010) The Unfolding Story of the Second Demographic Transition, *Population and Development Review*, 36(2): 211-251.
- Mensch, B. S.; Singh, S .,& Casterline, J.B. (2005), Trends in the Timing of First marriage among Men and Women in the Developing , World; Population Council, Working Paper, No. 202.
- Moltaft, H., Navah, A. R ., & Turki- Harchgani, Z. (2022), The relationship between media consumption patterns and changes in fertility behavior among married women in Ahvaz, *Continuity and Social Change*, 1(2): 331-345. (In Persian)
- Moradi, S. (2023), Looking at changes in the average age of marriage in Iran, Ati online news site. (In Persian)
- Mirzaei, M., & Ghorbani, F. (2014). Materialist-transmaterialist value orientation and timing of marriage case study: men and women about to get married in Kohgiluyeh and Boyer Ahmad province, *Journal of Iran Demographic Association*, 10 (20), 49-70. (In Persian)
- Mahmoudian, H. (2005), Marriage age is increasing, investigation of supporting factors; *Sociological Studies*, (24), 27-54. (In Persian)
- Mahmoudian, H., & Dorahaki, A. (2012), Effective factors on the marital status of postgraduate students of Tehran University, *Social Analysis of Social Order and Inequality*, (62), 103-133. (In Persian)
- Mohammadpour, A., & Taqvi, N. (2012), Social factors of raising the marriage age of young people, *Sociological Studies*, 5(20), 39-53. (In Persian)
- Mohed, M., Inayat, L., & Abbasi -Shavazi, M.T. (2015), Investigating the relationship between social and cultural factors and students' attitudes towards socializing and friendship between girls and boys before marriage, *Journal of Social Sciences and Humanities of Shiraz University*, 24(2), 147-165. (In Persian)
- Nagaraj, V. (2019). 6 Tips to Fill the Generation Gap between Parent and Child, <https://parenting.firstcry.com/articles/6-tips-to-fill-the-generation-gap-between-parent-and-child>.
- Oppenheimer, V. K. (1988). A Theory of Marriage Timing, *American Journal of Sociology*, 94(3): 563-591.
- Hosseini, H., & Geravand, M. (2013). Measurement of Factors Affecting the Gap of Women's Behavior and Attitude on Appropriate Age of Marriage in the City of Koohdasht. *Woman in Development &*

- Politics, 11(1), 101-118. (In Persian)
- Peng, T. N. (2006). Trends and correlates of delayed marriage in Malaysia, and implications for development, Paper presented at the International Conference on Population and Development in Asia: Critical Issues for a Sustainable Future, 20-22, March, Phuket, Thailand.
- Qudsipour, S. H. (2012), Debates in multi-criteria decision making, Amirkabir University of Technology Publications, first edition. (In Persian)
- Qudsipour, S. H. (2004), Hierarchical Analysis Process, Amirkabir University of Technology Publications, 4th edition. (In Persian)
- Raymo, J.M., Park, H., Xie, Y., &, Yeung, W.J.J. (2015). Marriage and family in East Asia: Continuity and change. In: Cook, K.S. and Massey, D.S. (eds.). Annual Review of Sociology , (41), 471–492.
- Rahimi, A., & Razghi -Nasrabad, H.B. (2018), Structural and functional developments and challenges of the family institution in Iran, a systematic review, Population Quarterly, (26), 55-90. (In Persian)
- Razeghi-Nasrabad, H.B. (2021), Investigating the status of cultural and social aspects of the family in Iran, Research Center for Culture, Art and Communication. (In Persian)
- Razeghi -Nasrabad, H. B., & Fallahnezhad, L. (2017). Generational Differences in Marriage Value (Case Study in Hashtgerd city). Women's Strategic Studies, 19(75), 63-84. (In Persian)
- Rostgar - Khaled, A; Marjani Rik, S., & Meshkini -Sati, Q. (2013), Examining the relationship between religiosity and marriage and family, the first national conference of sociology and social sciences, Tehran. (In Persian)
- Sagita, R (2020), The Effect of Peer Group and Religiosity on Early Marriage Motivation, 5th ASEAN Conference on Psychology, Counselling, and Humanities.
- Sobotka, T., Skirbekk, V. & Philipov, D. (2010), Economic Recession and Fertility in the Developed World: A Literature Review", European Commission, Directorate-General ,Employment, Social Affairs and Equal Opportunities, Unit E1-Social and Demographic Analysis, Vienna Institute Demography.
- Sarai, H., & Ajaklou, S. (2012), Generational study of marriage change in Iran, a case study of Zanjan city, Iran Social Development Studies, 5(6), 20-40. (In Persian)
- Shatrian, M., & Balakhane, F. (2014), Evaluation and assessment of the level of education in increasing the marriage age of girls, the second scientific and research conference of educational sciences and psychology, social and cultural harms of Iran. (In Persian)
- Statistical Centre of Iran. (2015). The results of the population and housing census 2015. Available at <https://www.amar.org.ir>. (In Persian)
- Shafaii-moghaddam, E., niazi, M., & Shaterian, M. (2015). The effects of socio-cultural and economic factors on negative attitudes towards marriage; a case study of Kashan citizens. Sociological Cultural

- Studies, 6(2), 67-91. (In Persian)
- Sadeghi -Fasaii, S., & Banijamali, M. (2016). Marriage Requirements and Young People's Strategies for Encountering Marriage. Strategic Studies on Youth and Sports, 15(34), 195-219. (In Persian)
- Sadeghi, R., & Esmaeli, N. (2021). Multilevel Analysis of Individual and Provincial-level Correlates of Fertility in Iran. Women's Strategic Studies, 23(90), 37-65. (In Persian)
- Taghizadeh Yazdi, M. R., Tahmasebi, R., Emamat, M. S. M. M., & Dehghan, A. (2018). Identification and Ranking of Effective Factors on Talent Attraction and Maintain Using Analytic Hierarchy Process Approach (Case study: University of Tehran). Organizational Culture Management, 16(1), 89-115. (In Persian)
- Tarabi, F., Asgari Nadoshan, A., & Ali Mandaghadi, M. (2015), Marriage and Family Developments in Iran, Report on changes in the population situation in the Islamic Republic of Iran, 36-50. (In Persian)
- Torabi, F., & Esmaeli,. N. (2021), Application of neural-wavelet network in predicting the incidence of marriage and divorce in Iran", China Population and Development Studies, 4(4), 439-457.
- Uecker, J.E (2014), Religion and Early Marriage in the United States: Evidence from the Add Health Study, Scientific Study of religion, 1(53), 392-415.
- Van de kaa, D. J. (1987). Europe's Second Demographic Transition, Population Bulletin, 42(1), Washington, PRB
- Van de Kaa, D.J. (2001). Postmodern Fertility Preferences: From Changing Value Orientation to New Behavior, Population and Development Review, 27(Supp.): 290-331.
- Van de Kaa, D.J. (2003). Second demographic transition. In Encyclopedia of Population, Demeny, P & McNicoll, G. (eds.). New York: Macmillan Reference. pp. 872-875. Wad worth publishing Company.
- Zarrabi, V., & Mostafavi, S.F. (2013). Investigation of factors affecting the age of marriage of women in Iran; an economic approach, Economic Research Quarterly, 11(4), 33-64. (In Persian)

بررسی درک دختران از دخترانگی و تبیین آن در نظام سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اجتماعی (با تأکید بر بند ۵ و ۱۲ سیاست‌های کلی خانواده)

آزاده نیاز

دانشجوی دکتری، دانشکده زن و خانواده، دانشگاه ادیان و مذاهب قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).
azadeh.niaz@gmail.com

ID 00000-0002-7323-3556

قاسم زایری

استادیار، جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
qasem.zaeri@ut.ac.ir

ID 00000-0002-0392-9806

چکیده

درک دختران از دخترانگی همان هویت گره خورده با جنسیت دختران می‌باشد که معمولاً توصیف آن در هر نظام تحلیل اجتماعی بدون توجه به ساخت منحصر به فردش به گونه‌ای متفاوت و حتی متناقض تفسیر و تعبیر می‌شود و نیاز به تبیین آن در نظام سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اجتماعی می‌باشد. هدف از پژوهش حاضر تشریح درک دختران از دخترانگی و به تبع آن رسیدن به نقاط و نکات تحلیلی درخور توجهی در حوزه تحلیل اجتماعی خواهد بود که زمینه تأمل جدی و ارائه پیشنهادهایی در حوزه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اجتماعی با محوریت بندهای ۵ و ۱۲ سیاست‌های کلی خانواده را فراهم می‌سازد. به‌منظور انجام پژوهش و فراخور موضوع و مقتضیات، جهت شفافسازی توصیف تجربه زیسته دخترانگی روشنی کیفی با راهبرد مناسب به روش پژوهش پدیدارشناسی انتخاب شد. توصیف درک دختران از دخترانگی نشان داد که این دختران و درکشان از دخترانگی، صرفاً معلول شرایط ساختاری یا کاستی‌های نهادی نیست بلکه آنها به‌جهت حضور در فضاهای سیال هویت‌ساز، بازاندیشانه هویت شخصی و به تبع آن هویت اجتماعی‌شان را بازسازی می‌کنند. توجه نظام تحلیل اجتماعی و سیاست‌گذاری فرهنگی و اجتماعی به همه ابعاد تحول رخ داده می‌تواند ما را با ظرفیت‌های جدی نسل دختران جوان و نوجوان امروز بیشتر آشنا کند.

کلیدواژه‌ها: ادراک خود، دخترانگی، زیست‌جهان، هویت، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی اجتماعی.

شایانی الکترونیک: X-۶۵۵-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی



doi 20.1001.1.?????????123411.11.1.0

مقدمه و بیان مسئله

تحول‌های صورت‌گرفته در دوره‌های تاریخی در وضعیت زنان و روابه‌رو شدن با سوزگی و خودآگاهی نو، سبب شد این چالش ضریب جدی‌تری به‌خورد و زنان و دختران در مواجهه با این تحول‌ها، فرصت بهتری برای انتخابگری در امکان‌های پیش‌رو یابند. چه در نگاه‌های ذات‌گرایانه و چه در تفاسیر برساخت‌گرایانه، ضرورت بحث از هویت و رابطه هویت و جنسیت بیشتر خودش را نشان می‌دهد. همه علوم مرتبط با موضوع هویت، دلالت بر یک اصل کلی دارند که چنانچه تکلیف فرد با هویت و تصویری که از خودش دارد معلوم شود، نسبت او با دیگران هم مشخص خواهد شد.

یافت خود و خویشتن روایتی است که باید گفته و شنیده شود. این روایت مشخصه‌های متمایزی برای هرکس دارد. ساخت هر بخش آن ویژگی‌های منحصر به‌فردی را دارا است. باید این روایت پدیدار شود تا بنیان نشست هر لایه بر امکان‌های مشابه یا متفاوت، فردی یا اجتماعی، کشف شود.

از طرفی واقعیت این است که توصیف درک از دخترانگی نیز همان هویتی است که با جنسیت دختر گره خورده است. در هر نظام تحلیل اجتماعی بدون توجه به ساخت منحصر به فردش به‌گونه‌ای متفاوت و حتی متناقض تفسیر و تعبیر می‌شود. در این میان تلاش برای توصیف من کیستم دخترانه به‌مثابه ورود به سرزمین مقولاتی می‌ماند که یا مبهم است و یا در سایه سنگین تعاریف معمول و روزمره مرد ساخته و یا بدیهیات مناسب به زنانگی تعریف می‌شود. روایت دختر بودن ناتوان از تعریف فصل مجزایی که دخترانگی را مستقل و بی‌هیچ انتسابی توصیف کند، تنها بازگوکننده محدوده‌ای است که او را در پارادایم زن خوب مورد پذیرش استانداردهای اجتماعی قرار می‌دهد یا نه. غافل از اینکه او می‌خواهد خودش باشد و خود را روایت کند. یک منحصر به‌فرد خلاق که استقلال هویتی‌اش باید به‌رسمیت شناخته شود. روایتی که تلاش مؤثری برای شنیدنش وجود نداشته است. روایتی داشته باشد چالش‌برانگیز به بلندای تاریخ مانند هر انسانی که تلاش می‌کند در مواجهه با پرسش «من چه کسی هستم؟» خودی ساخته و پاسخی برای این پرسش فراهم کند.

پژوهش حاضر همزمان با روزهای پُرالتهاب پیش و پس از اعتراض‌های اجتماعی سال ۱۴۰۱ صورت گرفته؛ روزهایی که نقش دختران دهه هشتاد هم در فضای

مجازی و هم در میدان تحول خواهی اجتماعی بسیار پُررنگ دیده می‌شد. مژده بر تحلیل‌های کارشناسی و عرفی اجتماعی این رویداد، صورت‌های متفاوتی از توصیف و یا بعضًا تجویز برای این نسل داشت. به‌نظر می‌رسید نباید در لابه‌لای تعابیر روبنایی از این نسل گم شد و در آشفتگی انواع انتساب‌ها به این نسل می‌باشد به این توجه داشت که دختران دهه هشتادی شاید فهم متفاوتی از دختربودن خود و درک این دخترانگی دارند و زیست‌جهان دخترانه‌شان نسبت به نسل‌های پیش از خودشان و تعابیر تحلیلی اجتماعی و فرهنگی از آنها تحول یافته است. مواجهه با تحلیل‌هایی از این جنس که ما با نسلی عجیب از دختران رویه‌رو هستیم و از آن تصاویر هشدارآمیز پیرامون این نسل، ضرورت پژوهش در این زمینه را توجیه می‌نماید. ضرورتی که باید پس از توصیفی که از فرایند شکل‌گیری هویت توسط آنها روایت می‌شود و نسبتی که این روایت با درک آنها از دخترانگی برقرار می‌کند بتوان اعلام کرد که آیا تحلیل‌های اجتماعی بر جایگاه دقیقی نشسته‌اند یا ما با جریان متتحول شده‌ای از تفسیر شرایط این دختران مواجهیم و بعد توصیف درک و شکل‌گیری هویتی آنها همچنان مورد غفلت بوده است.

۱. هدف و پرسش‌های پژوهش

۱-۱. هدف پژوهش

هدف از این پژوهش تمرکز بر توصیف درک دختران دهه هشتادی از «دختر بودن» و خودآگاهی هویتی آنها خواهد بود. اگر تکلیف مقوله هویت و درک دختران از دخترانگی روشن شود و در همان قدم اول به‌خوبی توصیف شود، می‌توان در خصوص حدود آن اجماع نظری مؤثرتری یافت؛ لذا تلاش خواهد شد با توصیف زیست‌جهان این دختران، موقعیت فعلی و بازندهیشانه آنها را در بازتعريف هویتشان شناسایی کرده و با این توصیف به زوایای دقیق‌تری در نظام تحلیل اجتماعی در فضای کنونی بررسیم. این تصویر می‌تواند کمک شایان توجهی به پیشنهادهایی در حوزه تحلیل اجتماعی، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اجتماعی با محوریت بندهای ۵ و ۱۲ سیاست‌های کلی خانواده بنماید.

۱-۲. پرسش پژوهش

پژوهش به این سؤال پاسخ دهد که درک دختران از دخترانگی در مقام توصیف چه

تصویری پیدا کرده است و آیا ما با تحولی در خصوص تحلیل‌های اجتماعی نسبت به این قشر مواجه هستیم؟

۲. پیشینه پژوهش

دختری به عنوان یک نقش، موقعیتی اجتماعی است که فعالیت‌های خود را ایجاب می‌کند. ایفای این نقش توسط دختران فرهنگ دخترانه را شکل داده و این فرهنگ به مرور شکل عامی در اغلب دختران پیدا می‌کند. در این دوره نقش‌های جنسیتی ویژه‌ای به عهده گرفته می‌شوند که به عنوان هنجارهای دخترانه بازشناسی می‌شوند (ذکایی و قاراخانی، ۱۳۶۸، ص. ۶۰).

در پژوهش «برساخت فهم جنسی در دختران نوجوان شهر اصفهان» آمده است، بلوغ و تغییرهایی که در جسم و ذهن فرد در سن نوجوانی ایجاد می‌شود، پذیرش رابطه جنسی بزرگسالان را تسهیل می‌کند. دختران نوجوان در این سن به لحاظ بدنی، شناختی، روانی و ذهنی پیشرفت متفاوتی دارند و متوجه پیچیدگی‌های دنیای جنسی می‌شوند؛ لذا بیشتر به مباحث جنسی می‌پردازند و با هیجان در رابطه با این موضوع و ابهام‌ها و رمز و رازش صحبت می‌کنند. اینکه اکثر آنها تجربه دوره قاعده‌گی را در این دوره زمانی دارند باعث به اشتراک‌گذاری اطلاعات و کاهش دغدغه و ابهام می‌شود. فهم آنها از این موضوع همواره در حال برساخت‌شدن است (حاجیان و دیگران، ۱۴۰۰، ص. ۱۴۰).

ذکری در پایان‌نامه «مفهوم پردازی هویت و کاربرد آن در تعلیم و تربیت» در تبیین نظریه‌های جاسلسون آورده است، ایجاد هویت، یک فرایند شخصی منحصر به فرد است که درون بافت فرهنگی و بین‌فردی اتفاق می‌افتد و در سطح شخصی، هویت، هسته وجود است. اگر جنبه‌های دیگر هویت، تغییر کنند، این هسته، به عنوان یک شخص بواسطه مجموعه ویژگی‌هایی که برای دیگران قابل شناسایی است، باقی می‌ماند. هویت یک چیز نیست بلکه ترکیبی از ارزش‌ها، نقش‌ها و عقاید است که با هم، یک کل را شکل می‌دهند. او هویت را یک فرایند خلق خود، از طریق تصمیم‌گیری و انتخاب‌گری می‌داند. وی دو بُعد توانش و ارتباط را در هویت زنان، شناسایی کرد. توانش اشاره به احساس هستی اثربخش و انجام کارهای بالرزش دارد و ارتباط اشاره به داشتن گره‌هایی با دیگران دارد. توانش، شامل داشتن احساس حضور در زندگی دیگران و ارتباط، شامل مهارت در عمیق شدن و وفادار ماندن به پیوندها، دارد. توانش، احساس زنان از عاملیت و اثربخشی در حوزه‌های مختلف دارد.

و ارتباط، هسته معنای زنان از خودشان را فراهم می‌کنند (ذاکری، ۱۳۹۴). بر اساس پژوهش «دختران دانشجو و سنخ‌شناسی زنانگی» زنانگی سنتی یا سازگار بر مبنای ارزش‌ها را مبتنی بر نقش‌ها و کلیشه‌های زنانگی است. دسته‌ای از دختران دانشجو تصور و عقایدشان از معیارهای زنانگی بازتابی از هنجره‌های تعیین شده ازسوی جامعه است. ارزش‌های این سنخ از دختران دانشجو متناسب با ساختار اجتماعی است. در همین دسته‌بندی، دختران به‌دلیل بازتولید هویت جنسیتی خود هستند و اغلب به ویژگی‌های جسمانیشان توجه دارند. زنان جزئی‌نگر، چندبعدی و منعطف‌ترند. در سنخ زنانگی مقاوم از دختران دانشجو زن ایدئال فارغ از کلیشه‌های اجتماعی بهمنزله کنشگری مستقل است که قدرت تصمیم‌گیری و استقلال فکری و مالی دارد. آنان به ارزش‌های نوین باور دارند و به تعییر در نقش‌های جنسیتی و بازاندیشی در کلیشه‌های جنسیتی فکر می‌کنند (یعقوبی و مقدس یزدی، ۱۳۹۵، ص. ۵۲۰).

در تحلیل و بررسی ادراک دختران از ارزش‌های زنانگی در پژوهش «دختران جوان و تجربه زنانگی» دختران بایدها و نبایدهای اخلاقی زنانه را به عنوان ارزش‌های زنانگی در مجموعه صفاتی مانند مداراجو، حافظ خانواده، غمخوار و حامی و فداکار دسته‌بندی می‌کنند و آنها را همان تصاویر کلیشه‌ای از زن خوب می‌دانند که توسط فرایند جامعه‌پذیری کسب شده است. آنها ارزش‌های زنانه را در ارتباط با نقش‌های زن در قبال خانواده تلقی می‌کنند و هویت ذاتی و مستقل از موقعیت زنانه برای آن قایل نیستند. همان‌طور که در بُعد رفتاری هم تقسیم‌کار جنسیتی را مبتنی بر تصویرهای کلیشه‌ای از مادری و همسری می‌دانند (ذکایی و قلاراخانی، ۱۳۸۶، ص. ۴۵).

پژوهش «بررسی نیازهای دختران» بحث می‌کند که شناخت از فلسفه زندگی و چیستی آن، موضوعیست که هر نوجوانی مایل است به آن دست یابد و احساس کفايت اجتماعی، به عنوان یک نیاز مطرح بوده است (صدیق سروستانی و حبیب‌پور گتابی، ۱۳۸۶).

ضمن اینکه پژوهش «بررسی و مقایسه پایگاه‌های هویت در میان دختران و پسران دانشجو» در تحلیل پایگاه‌های هویت در دختران به این نتیجه می‌رسد که دختران هویتشان را پیرامون روابط اجتماعی، شکل می‌دهند. روابط عاطفی آنها با خانواده و اطرافیان بیشتر و محکم‌تر است؛ از این‌رو بیشتر پذیرای آراء و تصمیم‌های خانواده و اطرافیان هستند (اسکندری و شکرایی، ۱۳۸۳).

از نتایج بررسی پژوهش‌های انجام‌شده این نکته حائز اهمیت است که ارزش‌ها و

نگرش‌های جنسیتی در جامعه ایرانی متکثراً شده است. دختران جوان از الگوی ثابتی پیروی نمی‌کنند و این امر برای بسیاری از پژوهشگران، روان‌شناسان و جامعه‌شناسان ناشناخته است. آنچه دختران در دخترانگی تجربه می‌کنند، کاملاً تحت تأثیر نگاه آنها به جنسیت‌شان است و دختری به عنوان یک نقش موقعیتی اجتماعی است که فعالیت‌های خود را ایجاب می‌کند. ایفای این نقش توسط دختران فرهنگ دخترانه را شکل داده و این فرهنگ به مرور شکل عامی در اغلب دختران پیدا می‌کند. در این دوره نقش‌های جنسیتی ویژه‌ای به عهده گرفته می‌شوند که به عنوان هنجارهای دخترانه بازشناسی می‌شوند. در پژوهش حاضر تلاش می‌شود با پدیدارشناسی درک دختران از دخترانگی و شناسایی نحوه شکل‌گیری هویت در آنها توصیف نابی از شناخت این درک ارائه شود؛ بدین معنا که دختران چطور دخترانگی را تجربه می‌کند و خود چطور این واقعیت را تجربه کرده‌اند. در حقیقت با این توصیف دنبال فهم برای فهم هستیم نه فهم برای تغییر.

۳. مبانی نظری

در جهت شفاف‌شدن فرایندی که در شکل‌دهی به درک دختران از دخترانگی طی می‌شود باید خود پدیده درک و نسبت آن با هویت مشخص شود؛ لذا در بخش مبانی نظری چند نظریه قابل مطرح شدن می‌باشد که بتواند در محدوده مفاهیم نظری جنسیت و دخترانگی، درک و نسبت آن با شکل‌گیری هویت و زیست جهان را قدری روشن‌تر مورد بررسی قرار دهد.

در مورد موضوع کسب آگاهی و شکل‌دهی به هویت که سازه اولیه درک فرد از خودش می‌باشد، به نظر می‌رسد نظریه‌های برگر چهارچوب نظری مناسبی فراهم می‌آورد. او معتقد است؛ دیالکتیکی که قرار است نحوه شکل‌گیری خود و مدل کسب آگاهی را توضیح دهد بر این منطق استوار است که جامعه فرآورده‌ای انسانی است و جامعه واقعیتی است عینی و انسان فراورده‌ای اجتماعی. واقعیت زندگی روزمره وقتی از طریق فرایندی اجتماعی به صورت درونی درمی‌آیند در قالب امور جاری و در برهمکنش فرد با دیگران پیوسته از نو تأیید شده و در آگاهی فرد جایگزین شود. در پرورش اجتماعی مجدد در نگاه برگر، گذشته از نو تعبیر و تفسیر می‌شود تا با واقعیت کنونی سازگار شود درحالی که در پرورش اجتماعی ثانوی زمان حال از نو تعبیر و تفسیر می‌شود تا در ارتباطی مستمر با گذشته قرار گیرد؛ لذا شالوده واقعیت برای پرورش اجتماعی مجدد زمان حال و برای پرورش اجتماعی ثانوی زمان گذشته

است (برگر، ۱۳۹۹، ص. ۲۳۶)؛ بنابراین بر اساس نظر برگر هویت در رابطه با دیالکتیکی با جامعه قرار دارد و در فرایندهای اجتماعی تشکیل می‌شود، پس از ایجاد یا باقی می‌ماند و یا تغییر می‌کند یا در روابط اجتماعی از نو شکل می‌گیرد (برگر، ۱۳۹۹، ص. ۹۱)؛ اما هویتی که فرد برای خودش تشخیص می‌دهد به اعتبار آگاهشدن از دیگری تعیمی یافته‌ای شکل می‌گیرد که فقط شامل دیگران مشخص نیست بلکه فرد خود را با کلیتی از دیگران یعنی با جامعه همذات می‌انگارد. دیگری تعیمی یافته‌ای که در تحلیل برگر قرار است در آگاهی فرد استقرار پیدا کند و اتمام پرورش اجتماعی اولیه فرد را اعلام کند باید آنقدر قادر تمند باشد که طبق تحلیل او توالی‌های یادگیری را امکان‌پذیر کند که عقلی هستند و از جنبه عاطفی کنترل می‌شوند و این مهم با کاربست شیوه‌های خاص یادگیری محقق می‌شود (برگر، ۱۳۹۹، ص. ۱۸۲).

گیدنز هم تأییدهایی بر این نظر برگر دارد و بر این اعتقاد است که هویت گره خورده با ارزش‌ها، نگرش‌ها، انتظارها، اهداف، تجربه‌ها، نیازها و دانش فرد است. به عبارتی دیگر این خودی که در موقعیت‌های عینی است یا خودهای حاضر در موقعیت‌های سیال است یا خودهای آرمانی و پایدار. درواقع خودآرمانی بر مبنای ارزش‌ها و نگرش‌های فرد شکل می‌گیرد و در هویت نقشی و هویت شخصی فرد اثر دارد (گیدنز، ۱۳۸۷، ص. ۱۲۰).

باتوجه به روند تکاملی که در طول زمان ذهنیت یک دختر نسبت به جنسیت او و به عهده گرفتن نقش‌های جنسیتی‌اش به اقتضای سن بر او تحمیل می‌کند، این موضع نظری بسیار مهم است که او چطور با این قرار گرفتن در موقعیت زنانه آشنا می‌شود و فراتر از قرار گرفتن در دسته و گروههای همسال و محیط اجتماعی که برای حضور او در این موقعیت استانداردهایی تعریف می‌کنند، خودش خویشتن دخترانه‌اش را چطور بازیابی کرده و مواجهه‌اش با این به اصطلاح هنجارهای اجتماعی به چه صورت است. تجارب او در این ساخت هویتی و انعکاسی که از دختر بودنش در محیط اجتماعی شکل می‌گیرد به چه شکلی دریافت می‌کند. برگر معتقد به وارسی زنانه است و می‌گوید که یک زن همیشه با پندار ویژه خودش از خودش همراه است و این همان است که از کودکی با او همراه است و به او آموخته‌اند تا به صورت مستمر خود را در مقابل دیگران مورد بررسی قرار دهد و این برای این است که بداند چطور در مقابل مردان ظاهر شود (Berger, 1998, p. 110).

همان‌طور که اشاره شد در این شکل گیری هویت و تعیین درک از خود اثر

جنسیت بسیار حائز اهمیت است. جنسیت است که به سوژگی دختران و ارزش‌ها و نقش‌هایی که این دختران ایفا می‌کنند رنگ داده و معنای دخترانگی را برای آنها مشخص کند. با تلر نظریه‌پرداز دیگری است که جنسیت را بسیار مؤثر در این دیالکتیک فرد با جامعه می‌داند.

درواقع با تلر جنسیت را هویتی تغییرناپذیر یا جایگاهی ثابت برای کنش‌های جنسیتی می‌داند. درواقع او معتقد است جنسیت همان هویتی است که در کنش‌های یک فرد در طول زمان تکرار می‌شود. او برای بدن سوژه جایگاه هستی‌شناختی قائل نیست که جدای از اعمال واقعی وجودی‌اش باشد یعنی نباید تصور کرد که در فضایی بیرونی با کنش‌های تکرارشونده روش‌های فرد برای زندگی تثبیت می‌شود. او معتقد است زن و مرد اسم نیستند، فعل هستند؛ پس جنسیت در صدد این است که نشان دهد چه جوهر درونی دارد و با کمک چه مجموعه‌ای از کنش‌ها تولید می‌شود. درواقع جودیت با تلر درباره جنسیت معتقد است نقد مفهوم زن به منزله امری واجد هرگونه معنای واحد است. با تلر در مصاحبه‌ای در تشریح ایده خود، بیان می‌کند: «اگر من بخواهم قادر باشم به جنسیتی که دارم، به منظری که از آن به دنیا می‌نگرم و به این اختلاف‌هایی که برای تعریف خودم به آنها نیاز دارم، ارجاع دهم، بهتر است که بدانم این مفاهیم پیش از آنکه من برای توصیف خودم آنها را به کار ببرم، چگونه شکل گرفته‌اند. این بسیار مهم است که بدانیم معنای مقوله «زنان» به صورت تاریخی شکل گرفت» (با تلر، ۱۳۸۵، ص. ۵۶).

زین هم در تأیید نظریه‌های با تلر، کلیشه‌ها را در ربط با شکل‌گیری هویت افراد می‌داند و معتقد است: جنسیت در طبقه‌بندی‌های اجتماعی باعث می‌شود کودکان از بدو تولد آن را بیاموزند. در سنین بالا هم افراد خودپنداره خود را با کلیشه‌های جنسیتی تفسیر و درونی می‌کنند. هنجارهای جنسیتی از طریق نهادهای خانواده و گروه همسال و مدرسه درونی شده و این فرایند به عنوان ساختی اجتماعی برای جنسیت شناخته می‌شود و به کلماتی مانند دخترانگی، پسرانگی یا زنانگی و مردانگی معنا می‌بخشد (Zinn; Hondagneu-Stelo & Messner, 2011). شی و کلی هم وقتی به تعریف دخترانگی می‌رسند آن را مجموعه‌ای می‌دانند از نقش‌ها و انتظارهایی که معنایی از صفات، علایق، رفتارها، نقش‌ها و ظواهر و انتظارات از دختران را به دنبال دارد. اینها طی فرایند اجتماعی شدن به دختر منتبه می‌شود (شی، ۲۰۱۴) و تصور و احساسی که از دختر بودن در زندگی اجتماعی دختران به دست می‌آید و تعریف دخترانگی می‌شود شامل انتظاراتی است که به عنوان یک

دختر برای او تعریف می‌شود. بخش زیادی از هویت دختران مرتبط با باورهایی می‌شود که آنها از کلیشه‌های جنسیتی پیدا می‌کنند. او معتقد است که دختران سوزه‌های منفعلي در مقابل کلیشه‌ها نیستند بلکه در مقابل آنها آگاهانه و کنش‌گرانه عمل می‌کنند (Kelly, 2016). ذیل همین مفهوم است که کاهمل معتقد است دخترانگی مفهومی دارد که به جنسیت نزدیک است و در تمامی جوامع از جمله سازه‌های اولیه شکل‌دهنده به تجربه‌ها و هویت افراد است (Kachel; Steffens & Niedlich, 2016)؛ لذا با توجه به موضوع پژوهش این نکته اهمیت دارد که در بازشناسی عینیت‌های تکرارشونده اجتماعی از طرف دختران ساختار شکل‌دهنده آگاهی آنها این عینیت‌ها را برای درونی‌سازی تأیید می‌کند یا خیر. به نظر می‌رسد دختر در شرایطی می‌تواند نسبت به آنچه به عنوان واقعیت‌های محیط اجتماعی اش به او معرفی می‌شود خود را متوجه ببیند که همه مجری‌های حاضر در فرایند پرورش اجتماعی اش بتوانند در مقام مربی‌های صاحب نفوذ نقش ایفا کنند. گزینش منظومه نظری برگر در شرح ساخت واقعیت و نحوه شکل‌گیری آگاهی، ظرفیت بهتری ایجاد کرده است. این منظومه با تحلیل فرایندهایی که می‌توانند درک افراد از خود و دنیای اطرافشان را توضیح دهد، مواجهه فرد با ساخت هویتش را تبیین می‌کند.

۴. روش پژوهش

پدیدارشناسی از آن جهت که به توصیف معانی یا مفهوم یک پدیده از دیدگاه عده‌ای از مردم و بر حسب تجارب زیسته آنان در آن مورد می‌پردازد و در پی فهم تجارب مشترک عده‌ای از مردم است، به عنوان روش پژوهش حاضر به کار گرفته شد. با توجه به راهبرد پژوهش کیفی پدیدارشناسی؛ آنچه در نمونه‌گیری هدفمند حائز اهمیت است انتخاب آگاهانه نمونه‌ها به شکلی است که بتوانند بهترین وجه از مسئله مورد نظر پژوهش را نشان دهند. دختران حاضر در پژوهش حاضر به گونه‌ای انتخاب شدند که بتوانند پدیده‌ای به نام دخترانگی را در سنی که پایه‌گذاری‌های جدی هویتی در آن رخ می‌دهد به خوبی توضیح دهند و توان توصیف آن را داشته باشند تا پژوهشگر بر توان توصیفی مشارکت‌کننده‌ها تکیه کرده و بی‌واسطه منتقل کننده فضاهای احساسات آنها در درک پدیده مورد نظر باشد. پس از مصاحبه با ۲۰ دختر متولد سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۸۰ و گردآوری داده‌های تکمیلی در قالب فوکوس گروپ و طرح پرسش‌های شفاهی درباره مفاهیم کلیدی از تعداد بیشتری از این دختران برای تأیید مفاهیم به دست آمده و تنظیم داده‌های

مستخرج از مشاهده شیوه مواجهه این دختران با موضوع‌هایی که در ک تجربه دختری و دخترانگی را شفاف‌تر می‌سازد؛ کار در مرحله جمع‌آوری داده‌ها به پایان رسید. بر اساس الگوی پیشنهادی کولایزی به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته و مقوله‌های مرتبط با درک دختران از دخترانگی و نحوه شکل‌گیری هویتشان استخراج و تحلیل و جمع‌بندی نهایی انجام شد.

۵. یافته‌های پژوهش

بر اساس پژوهش انجام شده باید به این سؤال پاسخ پاسخ داده می‌شد که درک دختران از دخترانگی در مقام توصیف چه تصویری پیدا کرده است و آیا ما با تحولی در خصوص تحلیل‌های اجتماعی نسبت به این قشر مواجه هستیم؟

برای پاسخ به این سؤال و قرار گرفتن در مسیر درستی برای توصیف زیست جهان و تجربه زیسته این دختران الگوی پیشنهادی کولایزی برای پیدا کردن خط درستی از تحلیل مصاحبه‌ها، مشاهده‌ها و مصاحبه‌هایی مقدماتی طراحی شد و پس از مصاحبه با نفرات اصلی مورد نظر و چند بحث و گفت‌وگوی گروهی در بین دختران در نظر گرفته شد. پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، متن آنها دو بار کد زده شد؛ در ادامه پژوهشگر به شرح یافته‌های استخراج شده در همین مبنا که به دو حیطه اصلی در درک دختران از دخترانگی، اول درک فردی و دوم درک اجتماعی می‌باشد رسید. هر دو حیطه با مبنای پدیدارشناختی، به توصیف آنچه در ذات پدیده درک و عوامل پیرامونی مؤثر بر درک است، می‌پردازد. با روشن شدن آنچه در این مجموعه توصیف می‌شود زوایای تصویری که در سؤال پژوهش مورد نظر بود مشخص می‌شود. در این زمان است که می‌توان گفت که با تحولی در نسبت با تحلیل‌های موجود مواجه شدیم و این توصیف می‌تواند دقت‌های نظری و توجه‌هایی در حوزه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای ما به دنبال داشته باشد.

۵-۱. ادراک فردی دخترانگی

۵-۱-۱. ویژگی‌ها

در این بخش به ادراکی از توانمندی‌ها و ویژگی‌های دخترانه در دختران مشارکت کننده اشاره می‌شود که در معرفی خود به عنوان یک دختر بر برخی از آنها تأکید بیشتری داشته و در پاسخ به سؤال «تعریف از دخترانگی» به شکلی ویژه به آنها می‌پردازند. آنان در تعریف از خود، دختربودن را مجموعه مهندسی‌شده‌ای از

برخی خصوصیات می‌دانند، به جنسیت خود آگاهاند و گاهی به شکل یک ظرفیت برای بهرمنده‌ای از دارایی‌هایشان به آن نگاه می‌کنند و گاهی برای اصلاح نگرش تبعیض‌آمیز اجتماعی و مخالفت با جنس دوم‌بودن، آگاهانه به صورت انسانی وجود خود، خارج از جنسیت اشاره دارند.

مهمسا با علاوه‌ای که به جنسیت خود دارد با تفاوتی که در خود از توصیف دخترانگی می‌بیند، دختربودن را معادل مستقل بودن یعنی انحصار در انتخاب و قوی بودن در عین احساسات می‌داند (مهمسا متولد ۸۲).

نیایش نیز خود را دختر «خاص»ی معرفی می‌کند که نسبت به «کودک درون»‌اش خودآگاه است و در مرزبندی با دیگران، تلاش می‌کند روحیه لطیف و شاد و پُرانژی‌اش را با «یکسری آدم محدود» در جامعه به اشتراک بگذارد. او به این خاص بودن، انحصار در رفتار و مرزبندی در مواجهه با آدم‌ها، مهربانی، خلاقیت و خوش‌انرژی بودن را در توصیف خود از دخترانگی اولویت می‌دهد (نیایش متولد ۱۳۸۵).

حسناً به این توصیف دخترانگی خود توسعه می‌دهد و در وصف خود دختری را منشأ مهر و محبت و یک دریافت پاسخ و اعلام نیاز مهربانی می‌شناسد. او دایره حال خوب اطرافیان را تحت تأثیر این ویژگی برجسته دخترانه می‌بیند و حتی آن را وجه تمایز جدی دخترانگی و پسرانگی معرفی می‌کند. حسناً دوست‌داشتنی‌ها و آنچه به وجودش در تجربه دختری جان می‌بخشد را ذیل همین حس متفاوت دسته‌بندی می‌کند (حسناً متولد ۸۲).

مهمسا در توصیف دخترانگی و ارائه منظومه‌ای از تجربه‌ای که درک جنسیت او برایش وجود دارد، استقلال و قوی بودن تأمباً با احساسات را محور قرار داده؛ اما از تجربه‌ای که حتماً با علاقه‌مندی‌های او همراه شده حرف می‌زند. او فهرستی از علاقه‌مندی‌هایش را در این روایت بیان می‌کند (مهمسا متولد ۸۲). دل آرا توانایی عمیق شدن در موضوع‌ها را به عنوان یک مهارت دخترانه، مؤثر بر فرایند خودآگاهی می‌داند (دل آرا متولد ۸۰).

یکی از ضرورت‌های جدی در تحلیل روایت‌های دختران از دخترانگی تلاش بر خروج از تحلیل سطحی و کشف لایه‌های عمیق‌تری از مواجهه آنان با خود و منظومه ارتباطیشان است. گاهی از منش و دخترانه و امکان‌هایی که این رویه انتخابی دخترانه به آنها می‌دهد کاملاً به یک روش قدرت‌ساز تعییر می‌کنند و امکان مواجهه متفاوت دختران با جامعه و جامعه با دختران را فرصتی برای یک حضور قدرتمند می‌شمنند. سبا این ظرفیت را به خوبی ابراز می‌کند (سبا متولد ۸۱). سارا ارتباط و

اتصال معنوی را هم به عنوان یکی از توانمندی‌های ارزشمند دختر می‌داند (سارا متولد ۸۰).

۱-۵. اهداف و برنامه زندگی

برخی از تصاویری که دختران در پرسوهه هویت‌یابی و شناخت از خود ارائه می‌کنند مربوط با چیزهایی است که به عنوان هدف برایشان ارزشمند است و این اهداف را دورنمایی از وضعیت هویتی مطلوبی می‌دانند که باید بدان دست یابند. این اهداف گاه تا مرز ترسیم و تخیل یک خود آرمانی دنبال می‌شود. خودآرمانی که شاخصه‌هایی دارد و با خود امروزش مقایسه می‌شود. درواقع آن را آرزو کرده و برای رسیدن به آن تلاش می‌کند. تصاویری که با داشتن برنامه و هدف برای کسب و طلب یک خود ایدئال ترسیم می‌شوند، مسیر هویت‌یابی و نمودار درک دختران از دخترانگی ایدئال را نشان می‌دهد.

نیایش سعی می‌کند خود را ملزم به برنامه‌ریزی روزانه کند؛ چراکه یکی از شاخصه‌های برنامه‌ریزی و انتخاب اولویت‌های آن، حال خوب و تأثیر مثبت برنامه‌ریزی بر زندگی اوست؛ بنابراین برای تحقق برنامه‌هایش تلاش می‌کند (نیایش متولد ۸۵). مهسا به اهمیت داشتن برنامه پی برده و اتلاف وقت را نمی‌پسندد و معتقد است باید مفید باشد (مهسا متولد ۸۲).

روایت زهرا از برنامه‌ریزی، مرورِ مستمر برنامه‌ریزی است؛ این مرور حتماً به قصد تداوم برنامه برای فعالیت‌ها یا بازبینی برای بهبود کار صورت می‌پذیرد (زهرا متولد ۸۳). همان‌طور که گفته شد خودآرمانی هم تصویر می‌شود. ستایش این ترسیم را به خوبی توصیف می‌کند و خود را برای رسیدن به شاخصه‌های من قهرمانش مرور و بازبینی می‌کند. معیارهای این تصویر آرمانی برایش معنا دارد و قابل توصیف است.^۱

۱-۶. خلاقیت

علاقة به مواجهه خلاقانه، تأکید بر خلاقیت و بازتولید و ساخت منحصر به فرد هر آنچه در تعامل‌های اجتماعی و هنجارها پر تکرار شده؛ از ویژگی‌های بارزی است که در گفتگو

۱. شخصیت خیالی من بیرون نشسته و منتظر منه، او خود منه، او بخش قهرمان من و ایدئال‌های من در مسیر «شدن»-ه. او را ساختم، با او حرف می‌زنم، او به تکامل من کمک می‌کنه. قوی هست و محکم، یک Tomerry یک تصویر آرمانی از خود من، درون منه که خیلی کمال‌گر است. این ارزشمند بودن من، ویژگی‌هایی داره، مثل قوی بودن، مصلح بودن، مهم‌بودن آدما و جامعه، ارزشمند بودن دوستاش (ستایش متولد ۸۵).

با دختران مشارکت‌کننده در پژوهش دیده می‌شود. خلاقیت، طیفی از مواجهه اولیه با موضوعات، طرح‌مندی خود، انتخاب مجموعه ارزش‌ها و باورها و در نهایت هدف و افقی برای گزینش مسیر زندگی را شامل می‌شود. خلاق‌بودن در مواجهه با مسائل گوناگون، عنصریست که در پس زمینه بسیاری از صحبت‌های دختران مطرح می‌شد؛ در این قسمت به‌طور خاص و مستقیم به این مورد پرداخته می‌شود.

نیایش پای خلاقیت به‌عنوان یک اصل ارزشی ایستاده و آن را لازمه رسیدن به اهداف و نشانه پُرتلاش‌بودنش می‌داند (نیایش متولد ۸۵). پارمیس خلاقیت را ضرورت قرار گرفتن در مقابل محدودیت‌های اطرافش می‌داند و معتقد است با مواجهه خلاق و فعال است که می‌توان محدودیت را به فرصت تبدیل کرد (پارمیس متولد ۸۱).

۴-۱. استقلال

یکی از مؤلفه‌های جدی مسیر نوجوانی، استقلال روانی - اجتماعی است. استقلالی که به نوجوان فرصت مورو و ساخت تصویری از خودش را می‌دهد. تلاش برای کسب استقلال و درنتیجه به‌دست آوردن آن، قادری به دختر می‌دهد که بتواند خود را در موضع نقش‌آفرینی ببیند و نمایش بهتری از یک هویت شکل‌یافته ارائه دهد.

در توصیف تجربه دخترانگی توسط مشارکت‌کنندگان، استقلال و به‌رسمیت شناخته‌شدن آن، از جمله نکات قابل اشاره بود؛ سوزه‌ای که گویا برای دختران حیثیتی پیدا می‌کند و به‌دست آوردنش ضروری تلقی می‌شود.

آنیسا اقناع شخصی در پذیرش موضوع‌ها و استقلال در درک و فهم منطق آنها را برای خود بسیار ضروری می‌داند. وی استقلال را نیروی محركه‌ای برای اقدام‌های شجاعانه می‌بیند و در روایت او این واژه، محدوده ارتباط و مجوز ورود دیگران به این حد را مشخص می‌کند. او حتی وقتی می‌خواهد از معیارهای زن الگو حرف بزند، استقلال را جزء مهم‌ترین شاخصها می‌داند (آنیسا متولد ۸۵).

ستایش ساخت و طراحی شخصیت را کاملاً مستقل می‌بیند. او به جزئیات بیشتری از این استقلال اشاره می‌کند؛ مثلاً معتقد است که اسارت نظر دیگران را نمی‌پذیرد و کارهایش را بر اساس ایده‌هایی کاملاً مستقل طراحی کرده و انجام می‌دهد. درواقع ارزشمندی‌بودن را صفت کاری می‌داند که مستقل انجام شده باشد. او پیش از شروع مصاحبه، در رزو میز کافه محل ملاقات و در متمایزی‌بودن علاقه‌نشانی خاص، استقلالش را ابراز می‌نمود؛ مثلاً جای متفاوت نشستن و سفارش نوشیدنی خاص، استقلالش را ابراز می‌نمود؛ مثلاً ترجیح می‌دهد در نقطه‌ای بنشینند که کمتر کسی می‌نشیند و یا قهوه آمریکایی

سفرارش می‌دهد که مورد علاقه خانواده یا حتی دوستانش نیست (ستایش متولد ۸۵). حسنا با وجود پذیرش اثر ناخودآگاه محیط و زمینه‌های هویت‌ساز آن بر شکل‌گیری شخصیت انسان‌ها، استقلال در فکر و نظر و استقلال شخصیت را مهم می‌داند و خود را فردی مستقل در رأی نظر، روایت می‌کند (حسنا متولد ۸۲). روایت نیایش از تلاش برای کسب استقلال و تفسیرش از واقعیت متضادی که در مسیر زندگی برای کسب استقلال با آن مواجه است شنیدنیست.^۱ او به دنبال اعلام استقلال خود به خانواده و اطلاع آنها از این موضوع است.^۲ در حاشیه گفتگو تأکید نیایش بر استقلال خواهی از خانواده تا مرز پیداکردن راهی برای تغییر نام خانوادگی، به منظور قطع یا فاصله‌گرفتن از حداقل وابستگی به خانواده پیش رفت؛ او همچنین مهاجرت را به عنوان یک راه جدی به منظور اثبات کسب استقلال در نظر داشت. دل آرا نیز از مزایای بهره‌مندی از استقلال می‌گوید و به نظرش در سنی که هست آن را به دست آورده است (دل آرا متولد ۸۰).

به نظر می‌رسد کسب استقلال یکی از مسیرهای جدی برای اعلام حضور دختران و انعکاس هویت مستقل دخترانه به جمع تلقی می‌شود. هویتی که می‌تواند با این استقلال حداقل‌های نقش‌آفرینی را در مواجهه با ساختهای اجتماعی در معرض نمایش بگذارد.

۱-۵. بدن‌مندی

توصیف آنیسا از مواجهه با بدن و ویژگی‌های جسمی و جنسی‌اش حاکی از عدم

۱. مثلاً الان در دوستان خودم می‌بینم که می‌گه می‌خوام فلان هدف رو داشته باشم، به فلان چیز برسم، می‌خوام مهندس بشم، به سری از کارای روتبینی که همه می‌کنن، رو می‌کنن. خب این کاری که این می‌کنه قرار نیست نتیجه بده ولی خب شبیه اون بشوی توی سرت نمی‌زن، انرژی منفی نمی‌دن، حالا حوصله‌داری، حالا فلانه... همین انرژی‌ای منفی باعث شد که یه سری اتفاق‌ها برای من بیافته و اعتمادبه نفسم پایین بیاد؛ ولی من این طور هستم، این طور می‌شم که وقتی راه اونا قطعاً به نتیجه نرسیده، غلطه و من باید راه خودمو پیدا کنم که بخوام برم و به آن چیزی که می‌خوام برسم؛ ولی بعضی اوقات تأثیرهایی که می‌ذارن، حرفاایی که می‌زن، اون اجتماع و جامعه‌ای که توش زندگی می‌کنیم، انرژیش خیلی تعیین‌کننده است. به خاطر همین بعضی اوقات بخوام شبیه اونا باشم ولی بعضی اوقات نه؛ این دو قسمت مختلف در من هست که بعضی اوقات تضاد داره و با من دعوا می‌کنه، می‌گه شبانه باشی راحت‌تریا، بعد می‌گه خب تو که نمی‌خواهی راحت باشی، مهم برای تو نتیجه اونه؛ پس شروع به تلاش کن و مستقل تصمیمت رو برای رسیدن به این نتیجه بگیر (نیایش متولد ۸۵).

۲. دوست دارم خونواده‌ام بدونن که من نا الان برای خودم زندگی نکرم و از این به بعد می‌خوام برای خودم باشم (نیایش متولد ۸۵).

رضایت او از دختر بودنش نیست؛ اما برخی ویژگی‌های فیزیولوژیک او را آزار می‌دهد؛ البته در تفسیر او دردها و مشکلات پیش‌آمده جسمی ناشی از دخترانگی (مانند دردهای دوران قاعدگی) به اندازه تحمل تابوبودن مسائل دختران و حفظ حریم‌ها پیرامون این مسائل برایش سخت و آزاردهنده نیست و تأکید دارد که این تابوهای را باید شکست (آنیسا متولد ۸۵). ستایش در حین توضیح پیرامون قدرت کار روی ذهن و توانمندشدن؛ اشاره‌ای به احساس نسبت به شرایط ظاهری اش داشت و اینکه مثلاً در کودکی بابت قد بلندش احساس خجالت داشته؛ اما در سن فعلی مشکلی با این مسئله ندارد (ستایش متولد ۸۵).

بیشتر دختران مخاطب در پژوهش حاضر، با شرایط ظاهری‌شان مشکلی نداشته و نسبت به تصویرشان از بدنشان، اعلام رضایت می‌کردند. این موضوع یکی از پیش‌فرض‌های نگارنده پیرامون نظر مصاحبه‌شوندگان درباره میزان رضایت از تصویر بدنشان را اصلاح نمود؛ پیش‌فرض پژوهشگر پیش از انجام مصاحبه بر عدم رضایت مصاحبه‌شوندگان نسبت به این موضوع تأکید داشت و این عدم رضایت از تصویر بدن، دلیلی بر روی آوردن دختران امروز به ویژگی‌های ظاهری متفاوت و بعضًا ناپسند است. رد این احتمال، ضرورت کشف دلایل اصلی تمایل به تغییر و تمایز ظاهری را توجیه می‌نماید.

۲-۵. ادراک اجتماعی دخترانگی

اصولاً هویت در خلاً شکل نمی‌گیرد و در تعامل با زمینه هویتیست که ادراک فرد از خود شکل یافته و اولویت‌بندی می‌شود. جریان هویت‌یابی ذیل مجموعه روابطی که فرد در مواجهه با آنهاست، قرار می‌گیرد. هرچه روابط فرد متنوع‌تر باشد، سیستم شکل‌گیری خود و توسعه شخصیتی او در قبال سیستم شخصیت‌های دیگر بهتر توسعه می‌یابد. روابط اجتماعی، فرهنگ‌ها، زبان‌ها، هنگارها و ارزش‌ها بخش جدی مؤثر در فرایند رشد خود می‌شوند؛ لذا ذیل این بخش و در امتداد پرداخت به ادراک فردی دخترانگی، تحلیل و بررسی ادراکات اجتماعی فرد در تجربه دخترانگی، نگارنده را در فهم درک دختران از دخترانگی در مجموعه آگاهی که آنها از خود اجتماعی‌شان می‌توانند داشته باشند، یاری می‌کند.

۳-۵. مهارت‌های اجتماعی

در فرایند ادراک اجتماعی دخترانگی و در زیرمجموعه خودآگاهی، آنچه به عنوان

مهارت‌های اجتماعی مطرح است و دختران در توصیف تجربه‌شان به شکل ویژه‌تری به آن اشاره می‌کنند محل تأمل است.

دل‌آرا ضمن داشتن طرح شخصی برای خودش می‌داند که در تعامل با محیط اجتماعی مواجهه‌اش چطور و با چه گزینش‌هایی باید صورت بگیرد. او مهارت «همدلی» را می‌فهمد و در تلاش برای پیداکردن نقاط مشترک با آدمهای اطرافش است. دل‌آرا به‌طور جدی هم به داشتن مهارت همدردی و همیاری دیگران فکر می‌کند و هم بی‌تفاوت‌بودن را در نسبتهای اجتماعی نمی‌پذیرد (دل‌آرا متولد ۸۰). مهسا با هنجرهای اجتماعی به شکل فعال مواجه می‌شود و آها را با یکسری شاخص‌ها ارزیابی می‌کند (مهسا متولد ۸۰).

آنچه فاطمه دنبال می‌کند اثرگذاری بر دیگران است. او با بهره‌مندی از مهارت ارتباط مؤثر و اعلام شجاعانه آنچه که خود هست، هدف اثرگذاری بر آنها را دنبال می‌کند (فاطمه متولد ۸۳).

۲-۲. ارزش‌های دخترانگی

دختران مورد مصاحبه در معنای ارزش و ارزشمندی فهرستی از علاقه‌مندی‌هایی که شکل عمیق‌تری نسبت به علاقه‌های روزمره با جنبه سرگرمی پیدا کرده است را توصیف می‌کنند. گویا این فهرست بیشتر در محدوده باورهایشان جا دارد و وارد لایه عمیق‌تری از سطح اندیشه آنها شده است. یکی از نکات قابل توجه در نگاه این دختران، تنوع معیارها و شاخص‌هایی است که در تعریف ارزشمندی به آن اشاره می‌کنند:

- قدرت شجاعت و ریسک‌پذیری (زینب متولد ۸۴)
- استقلال شغلی و اقتصادی (سارا متولد ۸۱)
- استقلال در تصمیم‌گیری (زینب متولد ۸۴)
- استقلال در کنش و فعالیت (ستایش متولد ۸۵)
- قوی و مصلح‌بودن، دوستدار دوستان و مهم‌بودن نظرات جامعه (ستایش متولد ۸۵)
- شکستن تابوهای (ستایش متولد ۸۵)
- جسارت مواجهه (پارمیس متولد ۸۱)
- همدلی با دوستان (پارمیس متولد ۸۱)
- احترام متقابل و قضاوتنکردن (ندا متولد ۸۰)
- عمق اندیشه و متفکر بودن (زینب متولد ۸۴)
- ارزشمندی دخترانگی (حسنا متولد ۸۲)

- ترجیح خود بر دیگری (سara متولد ۸۱)
 - برابری حقوق با مردان (مریم متولد ۸۲)
 - اعتقاد به قابلیت‌های دخترانه (مریم متولد ۸۲)
 - چهارچوب در روابط محروم و نامحرم (سara متولد ۸۱)
- گاهی ارزش‌ها در قالب اشاره به برخی ویژگی‌ها برای زیست صحیح دخترانه قرار می‌گیرد که بر پایه اصول اخلاقی و انسانی می‌نشینند. مهسا خصوصیات اخلاقی را پایه وجود انسانی می‌داند و به برخی از این ویژگی‌ها نظیر صداقت و خوببودن تأکید بیشتری دارد.^۱

۳-۵. ادراک جنسیتی

هویت جنسیتی در کشاکش مباحثه‌های نظری جدی تبیین می‌شود. مباحثه‌هایی که گاهی هویت جنسیتی را امری شخصی می‌داند که نگرش فرد نسبت به خویشتن سازنده اصلی آن است و گاهی نظریه‌های دیالکتیک فرد و جامعه با هم و بر ساخت‌بودن زنانگی مردانگی آن را توضیح می‌دهد و بعضاً هم در توصیف نظرهایی می‌آید که معتقد به سهم تأثیر ترکیبی عوامل زیستی و عوامل اجتماعی بر هویت جنسیتی هستند و الگوی تفکیک نقش‌ها را الگوی ماندگار در گذر تاریخ می‌دانند. قطعاً گذر در مسیر تبیین نحوه شکل‌گیری هویت دختران و درک آنها از دخترانگی فراتر از تعیین تکلیفی که برای پذیرش هر کدام از این قواعد نظری باید کرد، محتاج تحلیل و توصیف نسبت‌یابی این دختران با جنسیتشان و درکی که برای پذیرش یا رد دختربودن تجربه می‌کنند، است. این ادراک است که تجربه ساخت خود را، منحصر به فرد جلوه داده و تکلیف آنها را با افقی که برای خود در پذیرش نقش‌های جنسیتی در نظر گرفته‌اند، روشن می‌سازد. آنچه پژوهش حاضر زوایایی از آن را روشن می‌سازد توصیفی است از درک و نسبت‌یابی دختران با جنسیتی که بخش جدی تصویر آنها از خودشان را شامل می‌شود.

مریم می‌گوید با تولد هر دختر درواقع یک چمدان مسؤولیت هم با او متولد

۱. دوست‌نداشتني‌هام به عنوان يه دختر يه سري از خصوصيات اخلاقی بده که روی اونا حساسم، مثل دروغ؛ يه سري دروغ عادشونه، خودشم باور می‌کنه که راست می‌گه ولی دروغه. به خصوصيات اخلاقی خيلي حساسم؛ يعني اگ يه فردی پول و اينها رو داره ولی دروغ خيلي می‌گه، من اصلاً نمی‌تونم با اينا کنار بیام، معتقدم يه سري پایه‌ها در انسانیت باشه بهویژه که دختر هم این‌طوریه، خصوصيات اخلاقی خوب و درست رو دنبال می‌کنه (مهسا متولد ۸۲).

می‌شود (مریم متولد ۸۲) و با این تشبیه بار بزرگ درکش از جنسیت را نشان می‌دهد. درکی که شاید پشت ذهن خیلی از دختران این پژوهش بود؛ اما در قالب‌های متفاوت ابراز می‌شد.

گاه ادرارک جنسیتی در قالب رسمیت‌دادن به تفاوت‌های جنسیتی روایت می‌شود و نرگس آن را به طبیعت زن و مرد نسبت می‌دهد و معتقد است که باید آن را پذیرفت (نرگس متولد ۸۳)؛ گاه به شکل تأکید بر قابلیت‌های دخترانه آن‌طور که سارا روایت می‌کند (سارا متولد ۸۰). گاهی هم بخشی از آن ذیل مؤلفه‌های نشان‌دهنده تعلق جنسیتی توصیف می‌شود و بخش دیگر هم در درک از نقش‌های جنسیتی یعنی آنچه که باید در آینده باشند. بسته به زمینه اجتماعی که بخش جدی از ساخت هویتی آنها را شکل داده با آن ارتباط برقرار می‌کنند که در برخی موارد آنچه که به عنوان نقش‌های جنسیتی شنیده‌اند جز محدودیت و گرفتن استقلال ثمره‌ای برایشان نداشته است؛ لذا توصیف این درک و نحوه مواجه شدن با آن سهم مهمی دارد. قسمت دیگر از توصیف این درک به شناخت از کلیشه‌های جنسیتی و انتخاب مواجهه هوشمندانه و آگاهانه با این کلیشه‌ها مرتبط می‌شود که معمولاً در روایت‌های آنها ارتباطات اجتماعی با ارزش‌های انسانی به مواجهه با ارزش‌های جنسیتی ترجیح دارد. آنها خانواده را در شکل‌گیری این درک بسیار مؤثر می‌دانند (نرگس متولد ۸۳).

۵-۳-۱. نقش‌های جنسیتی

یک دختر نقش‌های آینده زندگی اش را در منظومه‌ای متعلق به خود شناسایی کرده و با آن نسبت‌یابی می‌کند. در برخی روایتها، دختران ارزش‌ها و نقش‌های زنانگی آینده را طوری می‌شناسند که تداعی‌کننده مفهوم زن در معنای دیگریست. ابرهای که خودش موضوعیت نداشته و برای حیات‌بخشی به دیگران و ارائه خدمات یک‌طرفه به همسر و فرزند شناخته می‌شود. این خدمات، استقلال دوران دختری را از او می‌گیرد و او را تبدیل به موجودی غیرفعال می‌سازد. توانمندی را از او سلب کرده و اصرار او بر نقش‌آفرینی و حضور مؤثر اجتماعی را تحت الشاعع قرار می‌دهد و در این بازه سنی که او به دنبال یافت و ساخت خود به صورت کاملاً مستقل و فعال است این تصویر منفی و حتی بعضاً بلا تکلیف، احساس او در مواجهه با نقش‌های همسری و مادری را مخدوش می‌نماید؛ برای مثال تصور نیایش از فرزندآوری بسیار تیره و تاریک است؛ به گونه‌ای که مسئولیت پدر و مادر را در قبال آینده زندگی فرزند

به قدری سنگین و غیرقابل تحمل تصور می‌کند که اساساً ترجیح می‌دهد فرزندی نداشته باشد که مباداً نتواند از پس مسئولیت او برآید! و این یعنی سلب و شانه‌حالی کردن از زیر بار مسئولیت! (نیایش متولد ۸۵).

با آنیسا که اصولاً مادری برایش دشوار است و ازدواج را معادل زیر سلطه مرد رفتن و مانع جدی استقلال می‌داند (آنیسا متولد ۸۵).

گاهی تصویر پذیرش نقش‌های جنسیتی به گونه‌ای در ذهن برخی مصاحبه‌شوندگان جای گرفته که گویی بخشی جدی از هویت و مفهوم دختربودنشان با ایفای برخی نقش‌ها گره خورده و به حیات آنها جلوه ویژه‌ای می‌دهد. این نگرش به وضوح در اعتقاد حسنای پیرامون نقش مادری دیده می‌شود؛ او مادر را به دریابی وسیع تشبیه می‌کند (حسنای متولد ۸۲).

توصیف فاطمه از ازدواج و مادری قرارگرفتن در نقشی ارزشمند است که البته اقتضائات و مسائل آن (از جمله وظایف همسرداری و خانه‌داری) همیشه قابل تأمل است (فاطمه متولد ۸۳)، پارمیس هم مادرشدن را ترجمه مهریانی و ازدواج را همراهشدن می‌داند (پارمیس متولد ۸۱) و سبا پذیرش مادری و همسری را اساساً سیکل و نیاز طبیعی هر دختر می‌داند (سبا متولد ۸۱).

۲-۳-۵. کلیشه‌های جنسیتی

دختران مشارکت‌کننده ویژگی‌های جنسیتی اعم از زیستی، فرهنگی و عرفی را شناسایی کرده و مجموعه‌ای که با عنوان کلیشه‌های جنسیتی به او و ویژگی‌هایش منتبث شده و استانداردهای ارزشی و رفتاری او را مشخص می‌کند را می‌شناسند. حسنای کلیشه‌های مؤثر بر جنسیتش را موارد چون برخی عقاید دینی، خانوادگی و سنتی و نیز در خدمت جنس دیگر بودن برمی‌شمارد (حسنای متولد ۸۲). مهسا نیز از کلیشه جنس دوم دیدن زن ناراضی است (مهسا متولد ۸۲) و نرگس به برساخت بودن کلیشه‌ها معتقد است.^۱

در بررسی مواجهه دختران با کلیشه‌های جنسیتی علاوه‌براینکه برخی کلیشه را می‌پذیرفتند و برخی هم رد می‌کردند؛ در مدلی دیگر بحث عدم پذیرش تفاوت وجود نداشت. پذیرش تفاوت هم به معنای تسلیم تفاوت‌ها شدن و متفاوت بودن در محدوده

۱. درواقع کلیشه‌ها این دختر و پسری رو می‌سازن. از نظر جوامع ما بیشتر به پسرها می‌خوره که جنگجو باشن و بیشتر در پی استقلال باشن و خیلی شجاعت به خرج بدن در یه کاری؛ ولی من یه دخترم و این طوری جنگجو (نرگس متولد ۸۳).

ویژگی‌های جنسی و جنسیتی نبود؛ بلکه در این رویکرد دختر بودن مورد قبول و دلنشیں تلقی می‌شد؛ اما این بار با بازتعریف آنچه استاندارد تفاوت است. مواجهه‌ای خلاقانه و فعال که فرق آنها با جنس دیگر را در بهره‌مندی از ویژگی‌هایی قرار می‌داد که به آنها توان حرکت را به جلو را می‌دهد؛ به طور مثال آیدا خودش را در موقعیت بازتعریف حسش نسبت به دختری قرار می‌دهد^۱ و یا نیایش به کلیشه ضعیفه بودن معنای متفاوتی می‌دهد و اعلام نیاز به دیگران را بخش طبیعی از ویژگی‌های خودش می‌بیند.^۲

حسنا با وجود شخصیت همدلی که نسبت به هنجارهای اجتماعی و خانوادگی دارد؛ اما وقتی نوبت به کلیشه‌ها می‌رسد آنها را محدود کننده‌های روزانه دختران می‌داند لذا استراتژی حسنا برای تغییر مبارزه، جدی و حساب شده است.^۳

گاهی مصاحبه‌شوندگان فراتر از اعلام موضع نسبت به کلیشه‌ها و مشخص کردن نسبتی که با جنسیت‌شان برقرار می‌کرند، اصرار به بیان جملات تأکیدی که دلالت بر نگاه فراجنسیتی دارد، داشتند. گویا این اصرار آنها را در موقعیت تبرئه از جداسازی جنسیتی و ناتوانایی‌های جنسیت دختر قرار می‌داد. با این نگاه تلاش می‌کردند تا با قراردادن همه چیز ذیل چتر تحلیلی انسان محوری به جای جنسیت محوری با کلیشه‌ها مبارزه کرده و انسان دختر را از دایره محدود ترسیم شده

۱. تا مدت زیادی از پسرا تقليید می‌کردم اما یه وقت دیدم دوست دارم زیباتر باشم و دختر بودن این حس رو بیشتر می‌داد (آیدا متولد ۸۲).

۲. به مرور زمان سعی کردم که با اون کنار بیام و خودم رو بیشتر شناختم. احساس می‌کنم که الان حالم با خودم بهتره، بیشتر خودم رو قبول می‌کنم و اینکه یه سری احساسات که هست رو می‌پذیرم که قبل‌این طور نبود؛ مثلاً اگه ناراحت می‌شدم یا اون رو جنسیتی می‌کرم یا می‌گفتم به این خاطره که تو ضعیف هستی، بعد فهمیدم که به خاطر ویژگی یه انسانه و سعی کردم پذیرم، اگه احساس نیاز کردم به دوستا یا خونواه بگم که به من کمک کنن. درحالی که خیلی مغفول بودم و می‌گفتمن من هیچ وقت این کار رو نمی‌کنم، بعد فهمیدم که چرا نه! این نیازیه که خداوند در ما قرار داده چرا اون رو تأمین نکنیم! (نیایش متولد ۸۵).

۳. مثلاً برای اینکه ما دختریم همیشه یه سری محدودیت‌ها و یه سری ذهنیت‌هایی هست؛ مثلاً فکر می‌شه که ما درنهایت باید خدمتگار یه جنس دیگر باشیم، ما جنس دومیم؛ مثلاً در مهمنیای خونواهگی که جمع می‌شیم بعد از اینکه سفره تمام می‌شه آقایون کنار می‌رن و خانمای باید اون رو جمع کنند، به دخترای می‌گن که شما باید درنهایت این کارها رو یاد بگیرین. اینها یه تفکرات خیلی زشت و آزاردهنده‌اند به خاطر اینکه من درنهایت باید خدمتگار یه جنس دیگری باشم من احساس می‌کنم بعضی از محدودیت‌هایی که من به عنوان یه دختر دارم، اصلاً محدودیتی نیست که الزاماً باشه که من داشته باشم، محدودیتیه که صرفاً از تربیت خانوادگی، از اجتماع نشئت گرفته و فکر می‌کنم این حجم از محدودیت اصلاً چیز درستی نیست؛ یعنی لازم نیست که دختر اینقدر محدود باشه و همیشه جنس دوم باشه. ما جنس دوم نیستیم و این واقعاً حس می‌شه. باید با این تفکرات مبارزه جدی کرد تا درست شه (حسنا متولد ۸۲).

برایش به عنوان دختر بیرون بکشند؛ مثلاً دل آرا دوست دارد دختر و پسر در یک چهارچوب دیده شوند چون معتقد است فراتر از جنسیتش یک انسان است (دل آرا متولد ۸۰) و آنیسا، برابری به عنوان ارزش فراجنسیتی را دلیل محکم برای تغییر تفکرات کلیشه‌ای می‌داند (آنیسا متولد ۸۵).

در جمع‌بندی یافته‌ها، مقولات در ۳ دسته‌بندی اصلی و ۹ دسته‌بندی فرعی شامل الف) درک فردی دختران از دخترانگی:

- ویژگی‌ها
- هدایت
- خلاقیت
- استقلال
- بدنمندی

ب) درک اجتماعی دختران از دخترانگی

- مهارت‌های اجتماعی
- ارزش‌های دخترانگی

پ) ادراک جنسیتی دختران

- نقش‌های جنسیتی
- کلیشه‌های جنسیتی

توصیف و تقسیم‌بندی می‌شود.

نتیجه‌گیری

توصیف‌ها نشانه‌ای بودند از این که دخترانگی با درک دختر از جنسیت اش ارتباط جدی دارد و دخترانگی برآیندی از ادراک‌های ملزومات زیست دخترانه، نقش‌های جنسیتی، ارزش‌ها و باورها و تلاش‌های مستمر برای نقش‌آفرینی و باز اندیشه در تعريف دختری می‌باشد. درخصوص اثر عواملی که در پیرامون تجربه دختران از دخترانگی در زمینه‌های هویتی آنها نقش داشتند، پژوهشگر به مجموعه‌ای در توصیف دختران رسیده است که در پیکربندی اصلی هویت اثرگذارند و فقدان آنها موجب نقص توصیفی و تشریحی مدل شکل‌گیری هویت می‌شود. مؤلفه‌ای که در ارتباط بین ساخت فردی هویت و کنش متقابل با زمینه‌های هویتی خود را نشان می‌دهند. با توجه به اینکه پژوهشگر از پرداخت مستقیم به زمینه‌ها و یا سازه‌ها و ساختارهای مؤثر در شکل‌دهی به ساخت هویتی پرهیز کرد، در تحلیل جملات

مستخرج از گفت‌و‌گوها و مصاحبه‌های دختران، به مؤلفه‌هایی رسید که در محیط پیرامونی درک دختران از دخترانگی مؤثر هستند. این مؤلفه‌ها هم در بستر خانواده، محیط اجتماعی مانند مدرسه یا جامعه و در ارتباط با گروه همسال نقش جدی ایفا می‌کنند. اینها لایه‌های پنهان فهم اجتماعی از موضوع هستند که با آگاهی و تحلیل دقیق‌تر پدیدار می‌گردند. مؤلفه‌هایی که گاه به صورت مشترک و گاهی هم مستقل اثر حضور آن‌ها در مدل ارتباط با زمینه هویتی دختران مشهود است. در بخش جمع‌بندی پس از به‌دست آمدن مؤلفه‌هایی که هویت و درک دختران از دخترانگی را شکل می‌داد با این‌مینا که خانواده سنگ‌بنای جامعه اسلامی و کانون رشد و تعالی انسان‌ها در مبانی سیاست‌های کلی خانواده ابلاغی مقام معظم رهبری دانسته شده است.

(الف) تحول روایت دخترانگی در نسبت با تحلیل تحلیل‌گران اجتماعی: توصیف‌های به‌دست آمده از پژوهش حاکی از آن است که دختر با اطلاعات خود محور تصویرش از خودش را طراحی کرده و این طرح آگاهی دارد. به‌نظر می‌رسد چهارچوب این طراحی خودساخته منحصر به‌فرد بوده و او طرح فردی را تدارک می‌بیند که قابلیت توسعه خود را داشته باشد و مسئولیت ساخت خود را به‌عهده می‌گیرد. از نشانه‌های طرح‌مندی خود و ساخت خلاقانه خود این است که دختران توان معرفی و آگاهی داشتن از خود در قالب مجموعه وسیعی از ویژگی‌ها را دارند. این همان واقعیت زندگی روزمره وحیات پیرامون فرد است که در تعبیر برگر بر محور «اینجا»ی من و «اکنون» حضور من تنظیم و تشکیل می‌شود. معتقد است این «اینجا و اکنون» کانون توجه من به‌واقعیت زندگی روزمره است. آنچه در زندگانی روزمره «اینجا و اکنون» بر من عرضه می‌شود همانا «واقعیت» آگاهی من است .(Berger & Luckmann, 2008, p. 37)

نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد مواجهه با شرایط جسمی و بدنی بسیار جای تحلیل‌های جدی‌تری از سمت پژوهشگران جامعه‌شناسی و روان‌شناسی دارد. گزارش‌های به‌دست آمده از این پژوهش در این موضوع خیلی مؤید یافته‌های پژوهش‌های سال‌های گذشته مانند پژوهش «نگاهی جامعه‌شناسانه به بلوغ دختران» (موسی، ۱۳۹۹) نیست. دقت تحلیلی از این منظر مورد تأکید است که بتواند بررسی دقیق‌تری از مواجهه و نحوه شکل‌گیری تصویر بدن در این نسل بگوید. امکانی که در اوصاف قبلی جای مهمی در ساخت هویت داشته و نتیجه پژوهش‌ها از خودبیگانگی دختران با بدن و جنسیت‌شان را تأیید می‌کردد، آیا همچنان تأیید

می شود یا دریچه های مؤثر تر دیگری در امکان ساخت هویت ایجاد شده که تصویر بدن را به حاشیه جدی تری برده و سرچشممه آگاهی و درک دخترانگی را در نقطه آغاز دیگری قرار می دهد.

قدرت و توانمندی در تجربه دخترانگی دختران در توصیفی که آنها از خود در تجربه دخترانگی داشتند تعریف خاص خودش را دارد. قدرت در منظومه درک و آگاهی او با مؤلفه هایی همراه و ترکیب می شود که بتواند بهتر او را در آنچه هست، توصیف کند. او ترکیب قدرت با لطفات و داشتن قدرت را نشانه جدی برای اعلام موجودیت می داند و نقش آفرینی را منوط به مشخص شدن جایگاهش در سلسله مراتب ارتباطات اجتماعی با واسطه نمایش قدرت حضور می پندارد. قدرتی که به او در ابراز خود و تعیین جایگاهش کمک فراوانی خواهد کرد. فوکو این نمایش قدرت حضور را بر این پایه می نشاند که استقلال درواقع به فرد سوزه گی می دهد و از دید فوکو، ارتباط میان خویشتن با خود و چگونگی رفتار افراد با خود شکل مهم فزاینده ای از قدرت است که در دنیای معاصر شکل می گیرد. ما پیوسته بر روی خود کار می کنیم تا نوع خاصی از سوزه باشیم (فوکو، ۱۹۸۲، ص. ۲۱۲).

تجربه درک اجتماعی از خود به عنوان ابزاری برای برقراری روابط بهتر از مجموعه مهارت هایی همچون مهارت های همدردی و همیاری با دیگران در این دختران می تواند ما را به این نتیجه برساند که این مهارت ها در ترکیبی با مهارت ارتباط مؤثر برای توانمند کردن مخاطب در برقراری ارتباط صحیح با خانواده چه امروز که نوجوان است و چه در آینده که عهده دار نقش های جدی تر خانوادگی ظرفیت ویژه و قابل توجهی خواهد بود.

در مواجهه فعل آنها با هنجارهای اجتماعی به شکل ارزیابی با شاخص های تعیین شده از سمت خودشان، ما را به این نتیجه می رساند که باید شاخص های مورد نظر او را شناخت و زمینه را برای تأثیرگذارشدن طرح شخصی اش در حل مسائل شخصی و خانوادگی فراهم ساخت. آنچه او در اغلب اوقات از آن رنج می برد در تضاد بودن طرحش با هنجارهای اجتماعی می باشد؛ لذا به تدارک روش های مبارزه می اندیشد.

ب) تحول روایت دخترانگی در نسبت با سیاست گذاری سیاست گذاران: پیگیری اهداف و داشتن برنامه برای زندگی و روزمره شان بخش دیگری از توصیف های آنهاست. برخی از تصویرهایی که دختران در پروسه هویت یابی و شناخت از خود ارائه می کنند مرتبط با چیزهایی است که به عنوان هدف برایش ارزش قائلند و این اهداف را دورنمای وضعیت هویتی مطلوبی می دانند که باید بدان دست پیدا کرد. این تصاویری

که با داشتن برنامه و هدف برای کسب و طلب یک خود ایدئال ترسیم می‌شوند مسیر هویت‌یابی و نمودار درک او از دخترانگی ایده‌آل را نشان می‌دهد. دخترانگی ایده‌آلی که در طیفی از دختر مصلح اجتماعی و پیشران در تغییر عادت‌ها تا مونس و همدل اطرافیان می‌نشیند. بر اساس اعتقاد گیدنر در ارتباط بین شکل‌گیری هویت شخصی و انتخاب‌های سبک زندگی اثر جدی وجود دارد (گیدنر، ۱۳۹۲). علاقه به داشتن برنامه و خلق نمادهایی برای تعریف شخصیت آرمانی ذیل این اهداف برنامه‌ای فرصت جدی برای سیاست‌گذاران حوزه تعلیم و تربیت در جهت‌دهی و فراهم کردن زمینه برای پاسخ به این خواست منطقی نوجوانانه خواهد بود.

در بحث نسبتی که دختران با جنسیت و ظرفیت‌های زیستی و فرهنگی‌شان برقرار می‌کنند، واقعیت این است که به صورت محدود این ظرفیت‌ها را شناسایی کرده‌اند. درواقع خود را آن‌گونه که در ساخت نقش دختری امروز و همسری و مادری آینده منحصر به فرد کرده و به او ظرفیت عنصر مؤثر و پیشران تغییرات و تحولات اجتماعی بودن را می‌دهد، نمی‌شناسند. این درحالی است که این واقعیت درونی غیرقابل انکار در وجود او موج می‌زند. او در تلاش است که آن را بیابد؛ اما زمینه‌ای نه برای یافت و نه پرداخت به این ظرفیت پیدا نمی‌کند. درنتیجه منظومه شکل گرفته در تصور آنها شکلی متفاوت به خود می‌گیرد. این همان محل جدی تأمل سیاست‌گذاران عرصه تعلیم و تربیت بر شناسایی خلاً به وجود آمده و فراهم کردن فرصتی برای رفع آن می‌باشد.

پ) تحول روایت دخترانگی در طراحی‌های برنامه‌ریزان اجتماعی: داشتن خلافیت و ضرورت بهره‌مندی از خلاقیت و قدرت و استقلال کلیدوازه‌های جدی دیگر در توصیف او از درک دخترانگی است. در این مجموعه علاقه به مواجهه خلاقانه، تأکید بر خلاقیت و بازتولید و ساخت منحصر به فرد هر آنچه در تعامل‌های اجتماعی و هنجارها پر تکرار شده دیده می‌شود. خلاقیت عنصری است که در طیفی از مواجهه اولیه با موضوع‌ها، طرح‌مندی خود، انتخاب مجموعه ارزش‌ها و باورها و درنهایت هدف و افقی برای گزینش مسیر زندگی در روایت آنها بر آن تأکید می‌شود. کلی هم معتقد است که دختران سوژه‌های منفعی در مقابل کلیشه‌ها نیستند بلکه در مقابل آنها آگاهانه و کنش‌گرانه عمل می‌کنند (کلیات‌آل، ۲۰۱۶).

در روایت‌های دختران مشارکت کننده یکی از نکات قابل توجه، تنوع معیارها و شاخص‌هایی است که در تعریف ارزشمندی به آن اشاره می‌کنند. به‌واقع از کنار هم قرار دادن آنچه به عنوان شاخص‌های تعامل اجتماعی و آنچه معیار ارزشمندی او

تلقی می‌شود می‌توان به اهمیت راهی که در نقش آفرینی اجتماعی و اثبات خود به دنبال آن هستند پی برد. ارزیابی این شاخص‌ها ضمن ایجاد فرصتی قبل توجه برای برنامه‌ریزان اجتماعی که شاخص‌های منطقی ارائه شده از سمت آنها را با شاخص‌های بهبود وضعیت اجتماعی تطبیق می‌دهد و از فرصت‌های همخوانی آنها با هم برای طراحی برنامه استفاده می‌کند، مواردی که عدم تطابق دارد یا بعضًا تناقض هم دارد شناسایی شده و مورد بازبینی جدی در برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها قرار می‌گیرد. این بازبینی و نگاهی نو از مرحله آموزش و فرهنگ‌سازی تا اجرا و عملیات‌های میدانی باید اتفاق بیافتد و وارد پروسه‌های نوآوری‌های اجتماعی برای انتقال مفاهیمی که ارزش معنادار مشترک تلقی می‌شوند، بشود.

آنها نقش‌های آینده زندگی را در منظومه‌ای متعلق به خود شناسایی کرده و با آن نسبتیابی می‌کنند. در برخی روایتها، ارزش‌ها و نقش‌های زنانگی آینده را طوری می‌شناسند که تداعی‌کننده مفهوم زن در معنای دیگری است. دیگری که در تحلیل آنها، خودش موضوعیت نداشته و برای حیات بخشی به دیگران و ارائه خدمات یک‌طرفه به همسر و فرزندش شناخته می‌شود. این خدمات، استقلال شخصیتی زنانه را از او می‌گیرد و او را تبدیل به موجودی غیرفعال می‌سازد. توانمندی را از او سلب کرده و اصرار او بر نقش آفرینی و حضور مؤثر اجتماعی را تحت الشاعع قرار می‌دهد و در این بازه سنی که او به دنبال یافت و ساخت خود به صورت کاملاً مستقل و فعال است درنهایت اینکه تقاطع‌های تحلیلی جدی در مدل مواجهه با این دختران و ظرفیت‌هایشان ما را به بازخوانی سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در انتخاب روش‌های تعلیم و تربیت در محیط جامعه، آموزش و پرورش، دانشگاه و خانواده فرامی‌خواند. این بازخوانی علاوه بر دقت در توصیف ویژگی‌های مخاطب دختر جوان و نوجوان به راهبری ظرفیت تصمیم و اراده مبتنی بر عقلانیت آنها به عنوان قدرتی ویژه در پیشranی متفاوت خواهد شد. آنگاه ظرفیت پیشran در خلق حرکت‌های مؤثر در پیشرفت جامعه دیگر هرگز به چشم نیروهای برهمزننده نظام اجتماعی نگاه نخواهند شد. درنهایت اینکه امید به استقلال، امید به حضور پُرقدرت، امید به مواجهه خلاقانه با موضوع‌ها، امید به بازتعریف واژگان صلب پر تکرار و امید به نقش آفرینی و اثرگذار بودن مجموعه امیدهایی است که در تجربه هر روزه دختران مرور و مطالبه می‌شود.

فهرست منابع

- اسکندری، حسین و شکرایی، زهرا (۱۳۸۳). بررسی و مقایسه پایگاه‌های هویت در میان دختران و پسران دانشجو. *مطالعات اجتماعی روانشناسی زنان*، (۵)، ۱۱۰-۸۷.
- حاجیان، بهجت؛ قاسمی، وحید؛ ربائی، علی و مرقانی خوبی، عفتالسادات (۱۴۰۰). مطالعه فرایند برساخت فهم جنسی در دختران نوجوان شهر اصفهان. *زن در توسعه و سیاست* (پژوهش زنان)، (۱۹)، ۱۱۹-۱۴۰.
- ذاکری، مختار (۱۳۹۴). مفهوم پردازی هویت و کاربرد آن در تعلیم و تربیت. (رساله دکتری)، رشته تاریخ فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.
- ذکایی، محمدسعید و قاراخانی، معصومه (۱۳۸۶). دختران جوان و ارزش‌های زنانگی. *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، (۹).
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله و حبیب‌پور گتابی، کرم (۱۳۸۶). بررسی نیازهای اجتماعی، فرهنگی و آموزشی دختران دانش آموز سراسر کشور. *زن در توسعه و سیاست*، (۳۵)، ۳۱-۶۳.
- گیدزن، آنتونی (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی*. ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- یعقوبی، علی و مقدس یزدی، فاطمه (۱۳۹۵). دختران دانشجو سنت‌شناسی زنانگی. *زن در توسعه و سیاست*، (۴)، ۵۱۳-۵۳۳.

References

- Berger, Peter L. & Luckmann, Thomas (2008). *The Social Construction of Reality* (a treatise in the sociology of cognition). Fariborz Majidi (Trans.), Tehran, Scientific and Cultural Publishing Company. (In Persian)
- Eskandari, Hossein & Shokraei, Zahra (2004). Investigation and comparison of identity databases among female and male students. *Women's Studies*, (5), 87-110. (In Persian)
- Giddens, Anthony (2008). *Sociology*. Hasan Chavoshian (Trans.), Tehran: Ney Pub. (In Persian)
- Hajian, Behjat; Ghasemi, Vahid; Rabbani, Ali, & Markati-Khoei, Efat Al-Sadat. (1400). Studying the process of constructing sexual understanding in adolescent girls of Isfahan city. *Women in development and politics (women's research)*, 119-140.
- Kachel, S. Steffens, M. C. & Niedlich, C. (2016). Traditional Masculinity and Femininity: Validation of a New Scale Assessing Gender Roles. *Frontiers in Psychology*.
- Kelly, M.; Inoue, K.; Barratt, A.; Bateson, D.; Rutherford, A. & Ritchers,

- J. (2016). Performing femininity: Female agency and role in sexual life and contraceptive use-a qualitative study in Australia. *Culture, Health & Sexuality*, 19(2), 240-255.
- Sediq Sarostani, Rahmatullah & Habibpour Getabi, Karam (2016). A Study on Social, Cultural and Educational Needs of Girl Students in Iran. *Women in development and politics*, 5(3), 31-63. (In Persian)
- Yaqoubi, Ali & Moqds Yazdi Fatemeh (2015). Girls who study genealogy of femininity. *Women in Development and Politics*, (4), 513-533. (In Persian)
- Zinn, M. B.; Hondagneu-Stelo, P. & Messner, M. A. (2011). *Gender Through The Prism of Difference*. New York: Oxford University Press.
- Zokaee, said & Qarakhani, Masoumeh (2016). Young girls and feminine values. *Cultural Studies and Communication*, (9). (In Persian)



Investigating girls' understanding of girlhood and explaining it in the policy and social planning system with emphasis on paragraphs 5 and 12 of general family policies

Azadeh Niaz

PhD student, Faculty of Women and Family, Qom University of Religions and Religions, Qom, Iran (Corresponding author).

azadeh.niaz@gmail.com

 0000-0002-7323-3556

Qasem Zaeri

Assistant Professor, Sociology, Faculty of Social Sciences, Tehran University, Tehran, Iran.

qasem.zaeri@ut.ac.ir

 0000-0002-0392-9806

Abstract

Girl-hood is an identity tied with gender that, regardless of its singularities, is understood inconsistently in different social analytic systems. The current research aims at clarifying the relationship between the girls' identity and perception of their girl-hood with their descriptions of it in the first place-free from prescriptions and pathologies. For the purpose, we adopted the qualitative method with a phenomenological strategy. To present the best aspect of the research, participants for the sample are chosen consciously so that they are of an age that is the threshold of a new identity, enabling them to explain girl-hood in a comprehensive manner. Therefore, we interviewed 20 girls born between 2001-2006. We gathered the complementary data of the interviews in form of focus groups. Among others, we went to the girls' confrontation with those topics that better reflect girl-hood. The descriptive phenomenology of the girls' descriptions of their girl-hood demonstrates that these girls and their perceptions of girl-hood are by no means merely an effect of the structure or institutional shortcomings; rather, due to their presence in fluid, identity-making contexts, they reflectively reconstruct their personal and by extension, their interpersonal and social identities. If we consider identity as one's "stable" understanding and image of oneself, then in the lifeworld of these girls, the very topic of "identity" faces fundamental challenges.

Keywords: Self-perception, Girl-hood, Lifeworld, Identity, policy, Social Planning System.

E-ISSN: 2588-655X / Center for Strategic Research / The Socio-cultural Strategy Journal of Rahbord

Journal of "Rahbord -E- Ejtemaei Farhangi" © 11 years by [Center for Strategic research](#) is licensed under [CC BY 4.0](#) 

 [10.22034/SCS.2023.418956.1505](https://doi.org/10.22034/SCS.2023.418956.1505)



Investigation and ranking of the factors affecting the increase in the age of marriage, focusing on policy requirements

Nasibeh Esmaeili

Assistant Professor, Department of Demography Faculty of Social Science,
University of Tehran, Tehran, Iran.
nasibeh.esmaeli@ut.ac.ir

 0000-0003-4078-0198

Hajieh Bibi Razeghi-Nasarabad

Associate Professor of Demography, Faculty of Social Sciences, University of
Tehran, Tehran, Iran (Corresponding author).
hrazeghi@ut.ac.ir

 0000-0002-0990-9689

Abstract

The increase in the age of marriage is of special importance as an indicator that affects the delay in family formation and the decrease in fertility. Since increasing the age of marriage is affected by several factors, the ranking of these factors can play an essential role in targeted policies. In this paper, the method of hierarchical analysis and interviews with experts have been utilized in order to rank the factors influencing the increase in the age of marriage. For this purpose, an expert questionnaire was designed and completed by 11 scientific experts. The findings showed that the index of diminishing the value of marriage, weakening of religious beliefs, empowerment of women, the expansion of friendship between boys and girls before marriage, the expansion of movies on home networks, cinema, and the concern of providing suitable housing are the most important indices affecting the marriage age. The policy suggestions indicate that programs at the micro level and in families with the aim of creating a positive attitude towards marriage and welfare facilities at the macro level by the governments can be effective policies. They can also be an effective solution for providing marriage on time.

Keywords: The value of marriage, Empowerment of women, Decrease in religious beliefs, Population Policies.

E-ISSN: 2588-655X / Center for Strategic Research / The Socio-cultural Strategy Journal of Rahbord

Journal of "Rahbord -E- Ejtemaei Farhangi" © 11 years by Center for Strategic research is licensed under [CC BY 4.0](#) 

 [10.22034/SCS.2023.399237.1449](https://doi.org/10.22034/SCS.2023.399237.1449)



A comparative study of fertility policies in two Scandinavian countries (Sweden and Norway) and two Islamic countries (Iran and Turkey)

Zahra Aghaei

Master of Women's Studiess, Alzahra University, Tehran, Iran (Corresponding author).

z.aghaei@student.alzahra.ac.ir

 0009-0000-0878-0441

Mohsen Badreh

Assistant Professor, Women and Family Studies, Alzahra University, Tehran, Iran.

m.badreh@alzahra.ac.ir

 0000-0001-5309-6999

Gholamreza Khajesarvi

Full Professor, Law and Political Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.

savireza1968@gmail.com

 0000-0003-0476-5249

Abstract

The population decline crisis in Iran is an important and significant issue. This research has been done in order to find policy solutions to achieve proportionate growth in field of fertility. In this regard, current research has studied the possibilities of facilitating childbearing with two methodological approaches of policy research and comparative study; Policy research is process of conducting research on an important social problem or analyzing it, in order to provide practical recommendations to policy makers to solve problems. For this purpose, fertility status of women in two Islamic countries (Iran,Turkey) and two Scandinavian countries (Sweden,Norway) has been analyzed and compared. Results show that policy of Scandinavian governments has been able to encourage women to have more children. Study of Turkey shows population crisis in this country; Turkish government is trying to encourage families to have children by applying incentive policies. Iran is also moving toward aging in terms of demographics, and so far no serious action has been taken to encourage families to have children, although there is hope with adoption of Youth Population Law. It is suggested that while solving economic problems in this regard, attention should be paid to creating more job security for women.. It is also possible to use political experience of Scandinavian countries, of course, we must keep in mind that along with growth in these countries, there are also damages that must be considered in finding an Islamic-Iranian model.

Keywords: Women's fertility, fertility policy, population, Scandinavian countries, Islamic countries.

E-ISSN: 2588-655X / Center for Strategic Research / The Socio-cultural Strategy Journal of Rahbord

Journal of "Rahbord -E- Ejtemaei Farhangi" © 11 years by [Center for Strategic research](#) is licensed under [CC BY 4.0](#) 

 [10.22034/SCS.2023.393487.1427](https://doi.org/10.22034/SCS.2023.393487.1427)



Factors affecting the social health of adolescents aged 13 to 18 living in quasi-family centers under the supervision of the welfare organization

Morad Seifi

Faculty of Social Sciences, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.

MORADSEIFI@yahoo.com

 0000-0003-3056-6809

Tahmures Shiri

sociology Department,Islamic Azad university ,central Tehran Branch, Tehran, Iran
(Corresponding author).

shiri.tahmures@gmail.com

 0000-0003-0810-8043

Rezaali Mohseni

Faculty of Social Sciences, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.

mohseni.net14@gmail.com

 0000-0002-9741-7085

Abstract

Natural and unnatural factors cause a large number of unsupervised and abused teenagers to live and stay in day and night centers. Welfare was carried out in 1401 in Tehran. In terms of the nature of the research, it is in the category of Shafi's research, in terms of the type of applied research and in terms of inductive strategy decision-making, and in terms of the nature of the qualitative research design, and in terms of the type of fundamental data theory, the Strauss & Corbin (1990) paradigmatic model. In this research, for the research approach of foundational data theory, from the paradigm model of Corbin & Strauss (1990) which is based on the identification of six elements: causal, contextual, interventional conditions, action/reaction strategies, consequence and regional phenomenon and the relationship between them. statistical population and sample size; There are 24 senior experts and senior experts working in this department, they have been selected purposefully. Qualitative data has been analyzed using MAXQDA2020 software. The findings show that the most important factors on social health in two main groups; structural factors with three subgroups; The cultural, social and economic situation before entering the pseudo-family, the function of the biological education family and the existing factors and the functional factors with the subgroup of functions that can be improved, social support, work to reduce the problems of adolescents, coordination of factors, educational and educational functions, attention to the role of educators. Economic and financial functions were identified.

Keywords: Social issues, social health, adolescents, pseudo-family, qualitative research.

E-ISSN: 2588-655X / Center for Strategic Research / The Socio-cultural Strategy Journal of Rahbord

Journal of "Rahbord -E- Ejtemaei Farhangi" © 11 years by Center for Strategic research is licensed under [CC BY 4.0](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) 

 [10.22034/SCS.2023.385031.1406](https://doi.org/10.22034/SCS.2023.385031.1406)



Investigating the policy cycle of population increase in the Islamic Republic of Iran (focusing on the fourth period of population policies)

Rohollah Eslami

ferdowsi university of mashhad, mashhad, Iran (Corresponding author).

Eslami.r@um.ac.ir



0000-0001-7429-6105

Mahbobe Farkhari

Master of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

mahboobefarkhari@gmail.com



0000-0003-2745-7679

Abstract

Population is one of the components of the national power of any country, and the optimal population size and policies to achieve it are always the concerns of governments. In recent years, due to changing trends and fertility patterns, population decline has become one of Iran's major issues. In this regard and in response to the possible consequences of a sharp decrease in the fertility rate, the statesmen and policy makers of the society have been considering population policies since the last decade of the 80s. This research aims to describe the different stages of this policy and evaluate the goals and tools of this policy by using systemic theory in response to the question of how the policy cycle of population increase in Iran. It seems that the youth plan of the population still does not have priority to enter the system due to the accumulation of issues in the economic, social and environmental fields in the Islamic Republic. Moreover, the applied incentive and punishment policies and tools will not be beneficial due to their inadequacy, inefficiency and violation of citizen's rights.

Keywords: Iran, policymaking, population increase, fertility, population policies, population youth plan.

E-ISSN: 2588-655X / Center for Strategic Research / The Socio-cultural Strategy Journal of Rahbord

Journal of "Rahbord -E- Ejtemaei Farhangi" © 11 years by [Center for Strategic research](#) is licensed under [CC BY 4.0](#)



10.22034/SCS.2023.388086.1418

Contents

Investigating the policy cycle of population increase in the Islamic Republic of Iran (focusing on the fourth period of population policies) / 1

Rohollah Eslami and Mahbobe Farkhari

Factors affecting the social health of adolescents aged 13 to 18 living in quasi-family centers under the supervision of the welfare organization / 31

Morad Seifi, Tahmures Shiri and Rezaali Mohseni

A comparative study of fertility policies in two Scandinavian countries (Sweden and Norway) and two Islamic countries (Iran and Turkey) / 77

Zahra Aghaei, Mohsen Badreh and Gholamreza Khajesarvi

Investigation and ranking of the factors affecting the increase in the age of marriage, focusing on policy requirements / 107

Nasibeh Esmaeili and Hajieh Bibi Razeghi Nasrabad

Investigating girls' understanding of girlhood and explaining it in the policy and social planning system with emphasis on paragraphs 5 and 12 of general family policies / 153

Azadeh Niaz and Qasem Zaeri



Institute for Strategic
Research

Publisher
**Institute for Strategic
Research
Expediency Council**

Managing Director
**Dr. Mohammadreza
Majidi**

Editor-in-Chief
**Dr. Gholamreza
Jamshidiha**

Deputy editor
Dr. Iman Irfan Mensh

Internal Director
Dr. Maryam Fakhri

Layout and Graphics
Reza Abdollahi Bejandi

Editor
Reza Diba

ISSN: 2251-7081
Electronic ISSN
2588-655X

Publication
**Information for
Strategic Research**

Quarterly of The Socio-cultural Strategy Journal

50

(Special issue (family and youth studies))

Vol. 12 - No. 5 - Issue. 50 - Winter 2024

Editorial Board

Dr. Gholamreza Jamshidiha

Dr. Mohammad Bagher Khorramshad

Dr. Seyyed Mohammad Hosseini

Dr. Bahram Bayat

Dr. Ibrahim Fayaz

Dr. Hamid Parsania

Dr. Seyed Saeed Zahid Zahedani

Dr. Hossein Bostan (Najafi)

Dr. Abdulhossein Kalantari

Dr. Gholamreza Tajbakhsh

This journal is printed according to letter No. 90/25595, dated 12 December 2011

According to letter No 2/18/3511, dated 2 June 2013 of the Ministry of Science, Research and Technology, The Socio-cultural Strategy Journal has been accredited as a scientific-research Journal since spring 2012.

Address: No. 10, between 4th and 65th alley, North Mossadegh St, Mirdamad, Tehran, Iran

Postcode: 1591816911

Tel: +98 21 22258921

Fax: +98 21 22258921

Website: rahbordfarhangi.csr.ir **Email:** rahmagiran@gmail.com

Price: 200000 Rials